انتشارات دانشگاه تهران
۵۳۳

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش پنجم

مجلد هفتم

دومین قرآن

نگارش

[illegible]
محمد تقی دانش پژوه

تهران
۱۳۳۸

انتشارات دانشگاه تهران
۵۲۳

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش پنجم
مجلد هفتم

دومین ذیل

نگارش

محمد تقی دانش پژوه

تهران
۱۳۳۸

این‌دفتر بخش پنجم از جلد سوم ومجلد هفتم از فهرست کتابهاایست که استاد دانشمند دانشگاه تهران‌جناب آقای‌سیدمحمد مشکوة بیرجندی بکتابخانهٔ دانشگاه واگذار کرده‌اند.

این بخش گفتار شانزدهم ودنبالهٔ چهار بخش پیش است ودر آن کتابهای گوناگون دیگر که استاد گرامی پس‌ازاین بکتابخانه بخشیده‌اند ویکی دو نسخه دیگر که ازقلم افتاده بود شناخته میشود.

در این گفتار ۱٦۰ کتاب از شماره ۱۹۲۲ تا ۲۰۸۱ در ۱٦۳ نسخه از شمارهٔ ۲۲٤۱ تا ۲٤۰۳ فهرست گردید.

این‌هم گفته شود که کتابخانه تا کنون در حدود ۳۵۰۰۰ مجلد کتاب خریداری کرده و شمارهٔ مجلدات کتابهای آن رویهم اکنون به ٤۸٤۰۰ مجلد میرسدو بیش از ده‌هزار کتاب ورساله درآنهاخواهد بود. همچنین بیش‌از ۸۷۰ فیلم از نسخ فارسی‌و عربی کتابخانه‌های جهان‌در کتابخانه نگاهداری میشود که‌ازهمه آنهاعکس برداری خواهد شد و رویهم بیش‌از ۱٦۰۰۰ کتاب ورساله در آنها میباشد وفهرست همهٔ اینها نیز بهمین زودیها بچاپ خواهد رسید.

نگارنده و گردآورنده فهرست
محمدتقی دانش‌پژوه. تهران
اردی‌بهشت ۱۳۳۸

بها: ۵٦ ریال

دیباچه

در دیباچهٔ بخشهای پیش نکاتی چند از فهرست نویسی یاد کرده‌ام اینك نیز بذکر چندنکته دیگر میپردازم :

یکی از اموری که در شناساندن کتاب بسیار مهم است یاد کردن آغاز و انجام و فهرست بخشهای آن است . این کار را گویا ابن‌ندیم نخستین‌بار کرده است .

اودرسرگذشت جاحظ از کتاب‌الحیوان او یاد کرده وآغاز وانجام هفت‌جزو آنرا آورده است(۱). اودر سرگذشت اسحق‌بن ابراهیم موصلی هم ترتیب اجزای کتاب اغانی او را یاد نمود(۲). در اجازهٔ کبیرهٔ علامهٔ حلی به بنی زهره در بارهٔ کتاب الولایة پرداختهٔ ابن عقده ابی العباس احمدبن سعید کوفی زیدی جارودی (۲۴۹ - ۳۰۲) آغاز کتاب او یاد شده است (اجازات بحار ص۲۵ - نزدیك بپایان لؤلؤتی‌البحرین).

از فهرست کتابهای سید مرتضی که در دیباچهٔ بخش سوم ص ج یاد کرده‌ام نسخه‌ای دیگر در مدرسهٔ سپهسالار (شماره ۲۵۳۳ر۶) هست واجازه‌ای که او به نویسندهٔ فهرست شاگرد خود ابوالحسن محمدبن محمد بصروی درشعبان۴۱۷ پس از نوشتن آن و بدرخواست اوداده ودرنسخهٔ آستانهٔ طوس آمده است درهمین نسخه دیده میشود.

این فهرست با همین اجازه در کتاب « ادب المرتضی من سیرته وآثاره » از

۱- ازروی عکس نسخهٔ کتابخانهٔ چستربیتی که دانشمندگرامی آقای مجتبی مینوی دراختیار بنده گذارده‌اند وازمکرمت ایشان بسیار سپاسگزارم . این‌بخش درچاپ اروپا ومصر نیامده است.

۲- ص ۲۰۳ فهرست ابن‌ندیم چاپ مصر.

عبدالرزاق محیی‌الدین چاپ مصر بسال ۱۹۵۷ ص۱۳۱ و ۱۶۴-۱۶۷ آمده است.

درفهرست ابن‌ندیم وفهرست شیخ طوسی (=ست) ورجال نجاشی(=جش) ومعالم العلماء ابن شهراشوب (=لم) یاد شده است از : فهرست کتب سید مرتضی (ست۹۹) وابن بابویه (ست ۱۵۷ - ابن ندیم ۲۷۷) وشیخ مفید (ست۱۵۸) وسعدبن عبدالله قمی(ست۷۶ - لم۴۷)وابن‌قولویه (ست۴۲) وابن‌جنید(ست۱۳۴) وابن‌الولید (جش۲۳) ومسعودی (جش ۱۷۹) وشمشاطی(جش۱۸۸) وابن‌بطه(ست ۲۲ - ۱۴۲ - لم۱۰ - جش ۵۶ - ۲۶۳ - ۲۶۵). نجاشی در رجال خود (۱۱ - ۳۶) از « فهرستات » یاد کرده است . از سخنان این دانشمند برمیآید که فهرست نویسی میان پیشینیان متداول بوده ودانشمندان همواره میکوشیدند که از آثار نویسندگان نگاهداری کنند این فهرستهای منسوب باین دانشمندان پاره‌ای نوشتهٔ خود آنها است وبرخی از دیگران است برای کتب آنها . چنانکه ابن بابویه در آغاز کتاب من لایحضرهٔ الفقیه از « فهرس الکتب التی رویتها عن مشایخی و اسلافی » یاد نموده وامام ابوالحسن اشعری در کتاب « العمدفی‌الرؤیة » خود فهرستی از نوشته‌ها و آثار خود داده و ابن عساکر دمشقی در « تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام ابی‌الحسن الاشعری » (چاپ دمشق در ۱۳۴۷ ص ۱۲۸) آنرا آورده است . در کتابهای طبقات و مشایخ و تراجم که برای متکلمان و فقیهان نوشته‌اند آثار آنان را نیز برشمرده‌اند .

از فهرستی که برای کتابهای مجلسی نوشته شده است نسخه‌ای در مدرسهٔ سپهسالار (شمارهٔ ۸۱۶۹ر۲) هست ویکباب دارد دردوفصل وشمارهٔ بیتهای آنها هم درآن هست وبفارسی است ومورخ ۱۱۳۵ است.

فیضی کاشانی تاآنجاکه من آگاهم سه‌فهرست برای آثار خود نوشته است :

الف - فهرستی که درتاریخ ۱۰۶۹ در ۶۲ سالگی نوشته وآن جسته گریخته در روضات الجنات (ص۵۱۸) دیده میشود ودر آن نزدیك به ۶۸ عنوان کتاب دیده

میشود و بزرگترین فهرستهای او است. نخستین کتابی در آن یادشده «الوافی» است و بازپسین آنها همین «رسالة فی فهرس المصنفات» است.

ب - فهرستی که در آن از عنوان «کتاب الصافی» آغاز کرده و به عنوان «شرح الصدر» انجام داده است. در آن از «حقائق» و تاریخ تألیف آن (۱۰۹۰) یاد نمود و پیداستکه درهمین سال یا اندکی پس از این تاریخ نوشته شده است.

از این فهرست بندهایی در لؤلؤتی البحرین وروضهٔ بهیه وقصص العلماء تنکابنی (گویا ازروی لؤلؤه) آمده و نسخه‌ای از آن در دانشگاه تهران (شماره ۲۰۹۹/۱) و در پایان آن تاریخ تألیف ۱۰۸۹ آمده با اینکه در تاریخ تألیف «حقایق» سال ۱۰۹۰ یادشده است. همین فهرست در هامش امل الآمل چاپ ۱۳۰۲ ایران با منتهی المقال ابوعلی ص۶۸-۷۷ دیده میشود (ابزدربعه ۷: ۳۸). در این دو فهرست تاریخ تألیف و شمارهٔ بیتهای بسیاری از کتابها یاد گردید.

ج - فهرستی که در تاریخ ۱۰۹۰ در ۸۳ سالگی و یکسال پیش ازمرگ خود نوشته و در آغاز آن می‌نویسد که من از بیست سالگی تا کنون صد کتاب نوشته‌ام. او در این فهرست کتابهای خود را به بیست نوع بخش کرده و در هر بخشی پنج عنوان کتاب یاد کرده و شمارهٔ بیتهای کتابها را آورده ولی تاریخ تألیف آنها را یاد ننموده است. این فهرست کوتاهترین فهرستهای او است. نسخه‌ای از آن که ازروی نسخهٔ مورخ ۱۱٤۱ نوشته شده بود دیده‌ام(۱).

درپایان این نکته را یاد کنم که بدستور استاد محترم تصاویر صفحات عده‌ای از نسخ اهدائی عکس برداری و دراین مجلد بچاپ رسید. منظور استاد محترم آنست که خوانندگان گرامی باشیوهٔ نوشتن دانشمندان پیشین و نویسندگان نسخه‌ها از نزدیک آشنا شوند و تطوری که در چگونگی کتابت نسخ رخ داده تااندازه‌ای برای آنها روشن گردد وقدر و اندازهٔ پاره‌ای از نسخه‌ها بدست داده شود.

۱- این نسخه بخط دانشمند گرامی آقای دکتر مهدی بیانی است واز لطف ایشان بسیار سپاسگزارم که اجازه فرمودند ازروی آن برای خود نسخه بردارم.

راهنمای چند رمز که در این بخش بکار برده شده است :

ف : بخشهای پیشین همین فهرست

منزوی : فهرست همین کتابخانه تألیف آقای علینقی منزوی

طوس : فهرست کتابخانهٔ آستان قدس رضوی

مدرس : احوال و آثار خواجهٔ طوسی از مدرس رضوی

مدرسی : سرگذشت وعقائد فلسفی خواجهٔ طوسی از محمد مدرسی

[۱۹۲۲] **آداب المتعلمین** (عربی)

از خواجهٔ طوسی است ودر ص۲۱۱٤ ف آنرا شناخته‌ایم .

[۲۲٤۱]

۱۳۰۱ شماره سوم دفتر است ودر برگ ٦٥ پ - ٦۹ پ
(بنگرید به ۱۳۰۱/۱)

[۱۹۲۳] **ابواب الجنان** (فارسی)

این کتاب در دو باب واز محمد رفیع قزوینی است و در ص ٦٤۳ ف آن را شناخته‌ایم (۱) نسخه‌ای که اکنون می‌شناسیم دنبالهٔ آن وباب سوم ازهشت باب است که او میخواسته است بنویسد ولی پسر اومحمد شفیع نوشته وچنین است :

آغاز: بسمله . وبه نستعین . گل وریحان صبر ورضا دربوستان خاطر ارباب درد وعنا بغمخواری نسیم‌عنایت حضرت صبوربی‌بلائی لباس رنگ وبو میپوشد وقامت نهال تحمل وشکیبائی درچمن قلوب اصحاب ابتلا بآبیاری سحاب فضل‌شکوربی‌زوالی زلال رشاقت مینوشد ... وبعد باب سیم ازابواب ثمانیهٔ ابواب‌الجنان ... در فضل صبر ورضاوستودن شیوهٔ تحمل برمحن وعنا است ... کلک اخلاص سمات راقم این‌مسودات محمدشفیع بن محمدرفیع واعظ ... معروض میگرداند .

انجام : اگر خامهٔ مطلب نگار صورت احوال تمامی ایشان را خواهد که برورق تحریر نگارد خروج ازطریقهٔ ایجاز خواهد بود لهذا بهمین‌قدر اکتفاشد (تمام شد مجلد باب سیم ازابواب‌جنان که مؤلف مرحوم مغفورمبرور مولانامحمدشفیع ولد مرحمت وغفران پناه مولانا محمدرفیع واعظ طاب‌ثراهما است درروز سه‌شنبه نوزدهم ماه ذیقعده سنهٔ ۱۲۳۲)

---

۱ - باب نخستین آن‌در۱٤مجلس در کانپوربسال ۱۸۹۷در۴۰۰ص رحلی کوچك بچاپ رسیده است .

[٢٢٤٢]

۱۲٦۱ بخط نستعلیق وعبارتهای عربی نسخ و شانه‌ها شنگرف . در ۲ الف دارد « قدانتقل الی العبد ریحان‌الله‌الموسوی فی ع ۱۳۲۰/۱ » . بامهر « العبد ریحان الله الموسوی » .

(۴۹۳ص) . کاغذ ارمنی . جلد تیماج حنائی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۴ و ۱۰×۱۸ س ۱۹

[۱۹۲٤] اخبار الطینة (رسالة فیما یتعلق ب ...) (عربی)

محمدعلی انصاری در این رساله از اخبار طینت که شائبهٔ جبر در آن میرود و از واسطهٔ میان مؤمن وکافر بحث کرده و بروش اخباریان فیلسوف رفته است .

۱۰ **آغاز** : بسمله و به نستعین . الحمدلله علی آلائه ونواله و الشکر علی نعمه وافضاله ... فیقول ... ابن احمد محمدعلی الحافظ الانصاری هذه رسالة ... فیما یتعلق بحل بعض الاخبار الواردة والآثار الصادرة عن اهل العصمة المشهورة باخبار الطینة .

انجام : لنا اذ کرالقصر فلمسکوا فی المقام . فهنا منتهی الکلام و مبتدی الختام وآخر الاقدام فی بیان المرام والعفو من جملة الاصحاب مامول والعفو عند کرام الناس

۱۵ مقبول

[۲۲٤۳]

۱۲۹۳ شماره یك دفتراست و بخط نستعلیق روز دوشنبه شعبان ۱۲۸۷ گ ۹ پ ـ ۳۱ پ ودومی آن بنسخ رسول بن یعقوب سرابی است در ۱۲۸۷ در گ ۳۲ ر سند خبر یست از آخوند ملا آقای دربندی از شیخ حسن پسر آخوند ملاعلی توری

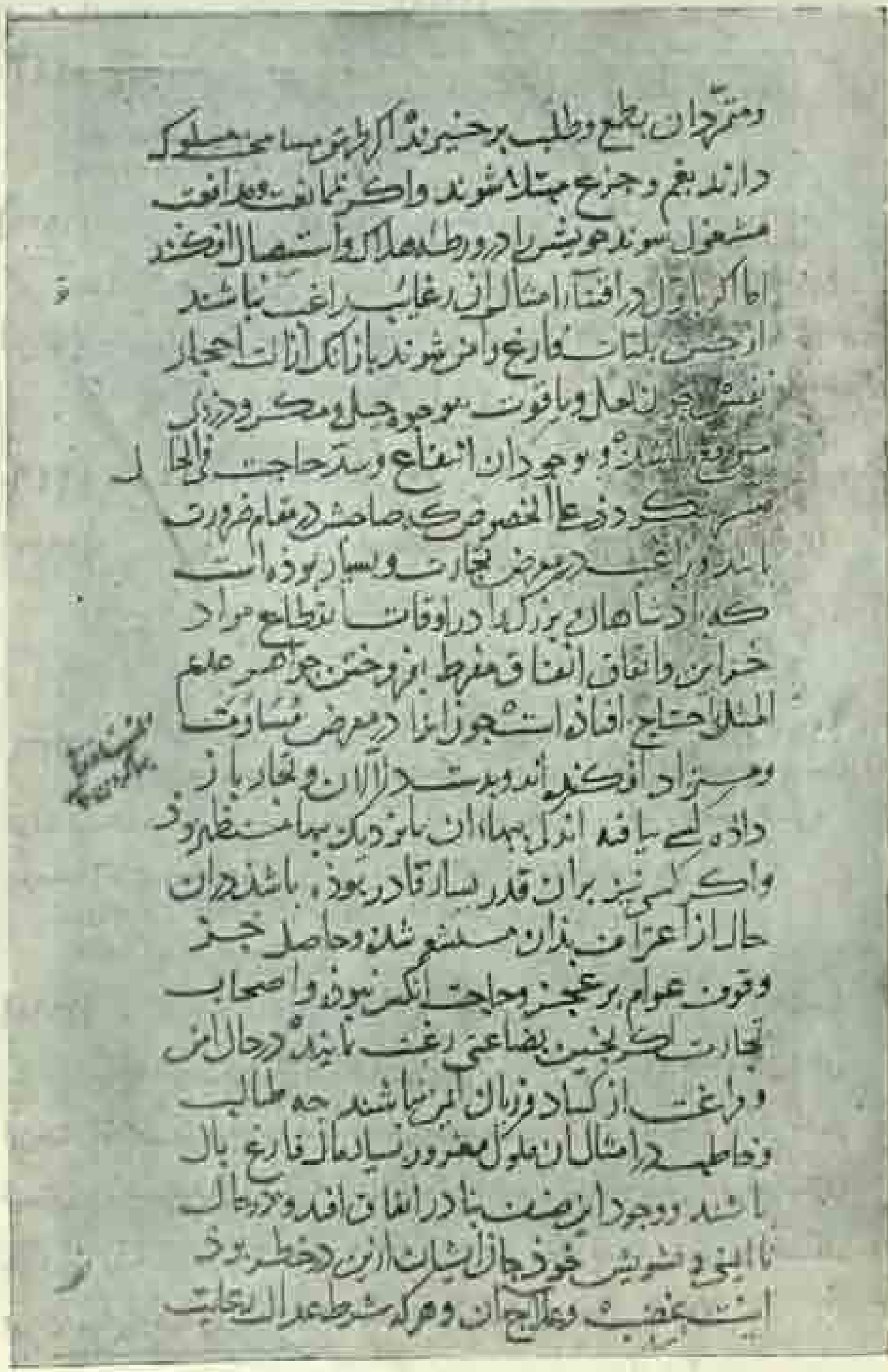
۲۰ ودر ۳۳ ر خبر شگفتی است در بارهٔ شهادت حسین ع با بندی خاص . از ۱۲۲ پ تا ۱۲۵ پ فصلی است در بداء و بر گهای ۱۵٦ ـ ۱٦۲ و ۱۲٦ ـ ۱۵۱ سفیداست .

(۱۵۱) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱×۱٦ ـ ۱۷×۲۲ س ۱۹

[۱۹۲۵] اخلاق ناصری (فارسی)

۲۵ از خواجهٔ طوسی ودر س ٦٤۹ ف و سر گذشت طوسی از مدرس ومدرسی شناخته شده است .



گ ۸۵ ر ش ۱۲٤۳ اخلاق ناصری

[۲۲۴۴]

۱۲۴۳ بخط نسخ کهن با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد صفحه یکم نونویس است و برخی از برگهای آخرهم مینماید که تازه‌تر و بخط دیگری باشد.

(۱۶۷ گ) — کاغذ سمرقندی — جلدتیماج قهوه‌ای رنگ‌پریده مقوائی

اندازه: ۹×۱۷ — ۱۴×۲۱ س۲۳

[۱۹۲۶] **ارتفاع (رساله‌در...)** (فارسی)

بدرالدین طبری شارح سی‌فصل طوسی در ۸۲۴ و ۸۲۵ ومحشی اصول اقلیدس این رساله را بپرداخت (گاهنامه۱۳۱۱ص۱۴۷ ـ مدرس ۱۲۲ ـ مدرسی۲۲۷).

[۲۲۴۵]

۱۲۴۶ شمارهٔ چهارم دفتر است گ ۵۷ پ - ۶۳ ر

[۱۹۲۷] **ارشادالطالبین** (عربی)

همانستکه در ص ۵۲۴ فهرست (ش ۲۹۷/۲) شناخته‌ایم.

[۲۲۴۶]

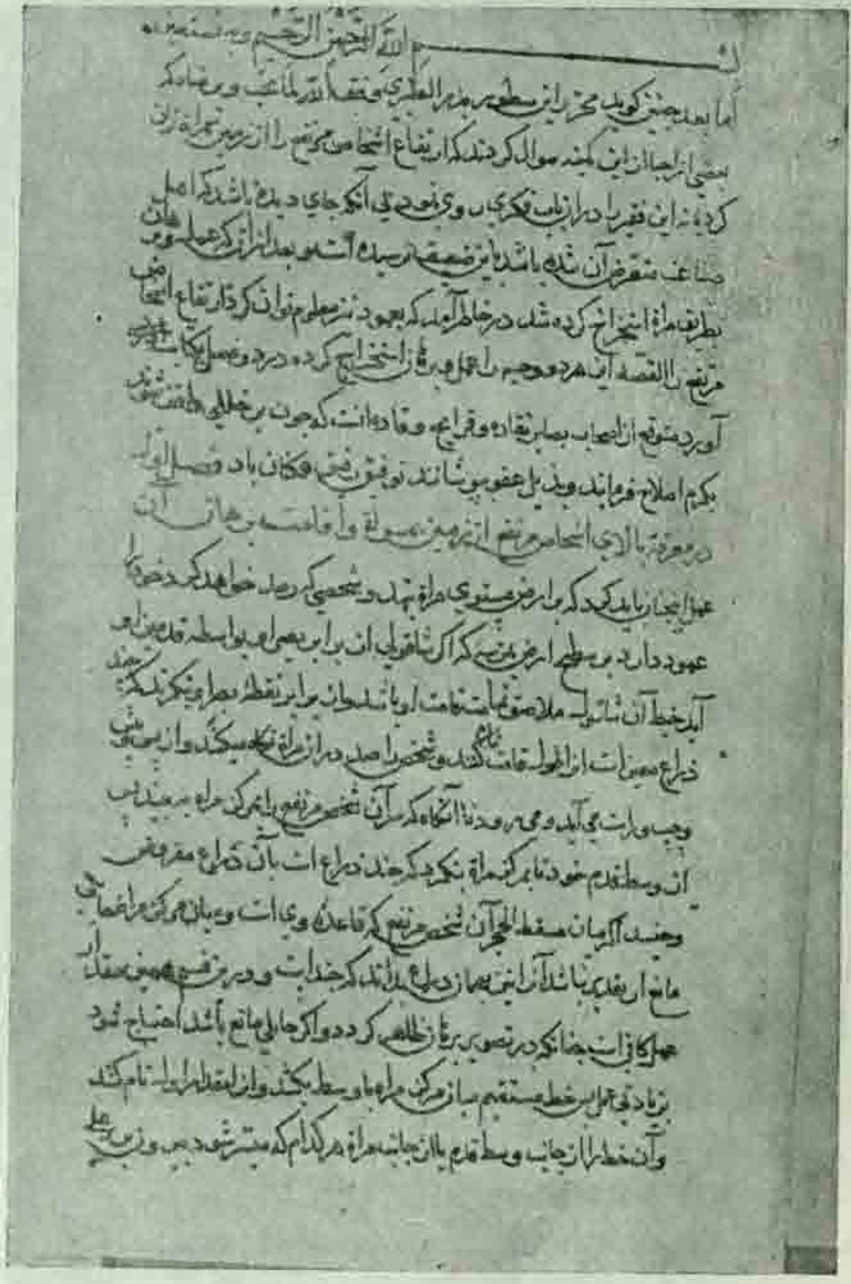
۱۲۳۶ بنسخ وبا عنوانهای شنگرف ومحمدبن‌حبیش غروی درچاشت روز شنبه۱۲ رمضان ۸۹۵ درکاشان آنرا نوشته است درهامش برخی از صفحه‌ها «بلغت قرائة ایده‌الله» دارد ونیزحاشیه‌هائی با نشانه «عنه مدظله» و «حرره محمدالحلی» دوصفحهٔ آخر بهم‌چسبیده بود وباز کرده‌شده‌ودرست‌خوانده‌نمیشود.

(۹۱ گ) — کاغذ‌ترمه — جلدمقوا

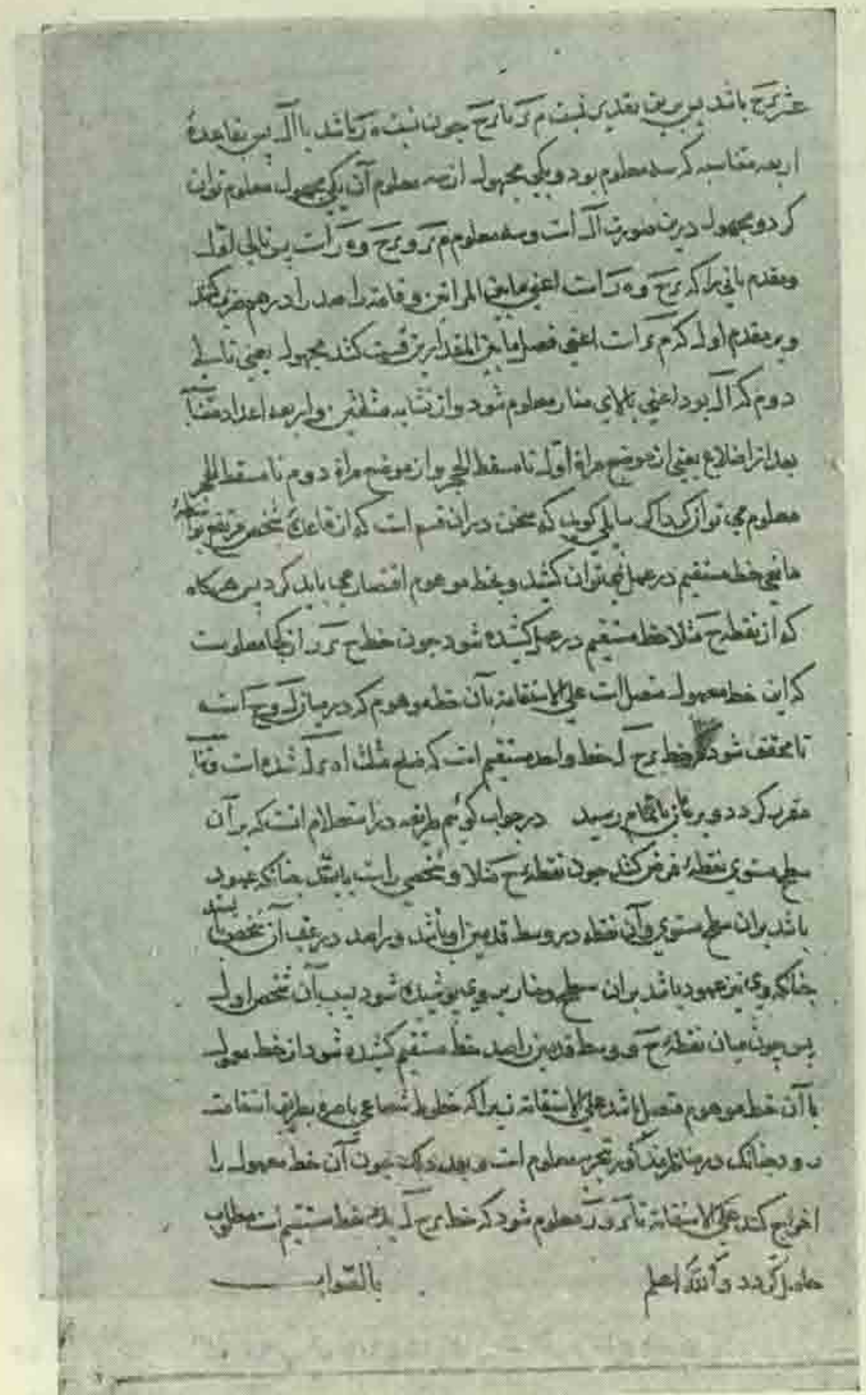
اندازه: ۸ × ۱۲ — ۱۳×۱۸ س۱۷

[۱۹۲۸] **اساس‌الاقتباس** (فارسی)

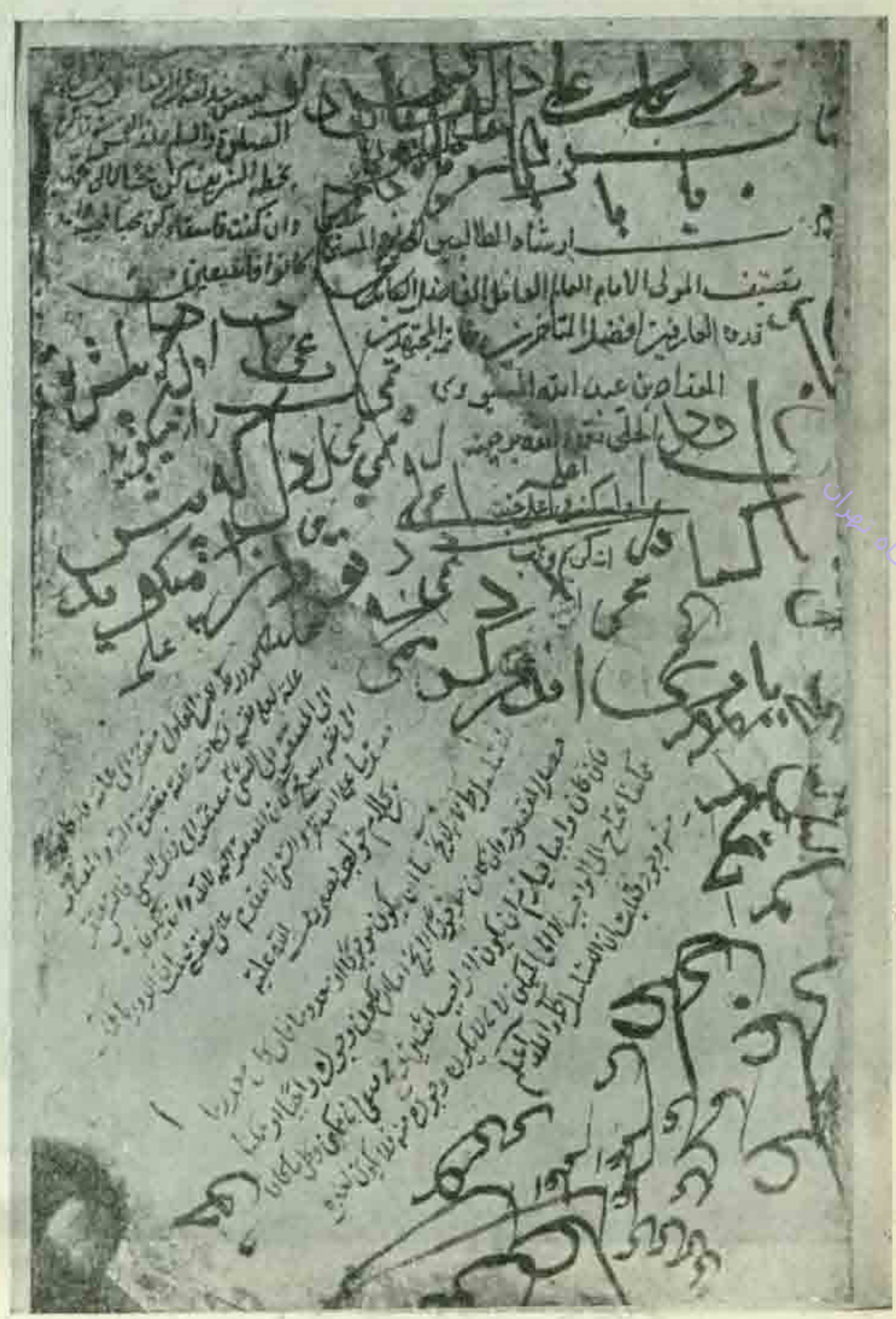
خواجه طوسی این کتابرا بروش منطقیان باستانی نوشته و مانا منطق شفای ابن‌سینارا درآن گزین‌نموده است. اوآنرا درروزپنجشنبه۲۲ج ۶۴۲/۲ آنگاه که در قهستان نزد اسماعیلیان میزیسته است بانجام‌رساند. رکن‌الدین گرگانی آنرا بتازی درآورد. اینکتاب درتهران بسال ۱۳۲۶ باکوشش آقای مدرس رضوی در دانشگاه تهران بچاپ رسید (ذریعه ۲: ۵ ـ مدرس فهرست‌نامها ـ مدرسی ۱۶۳).



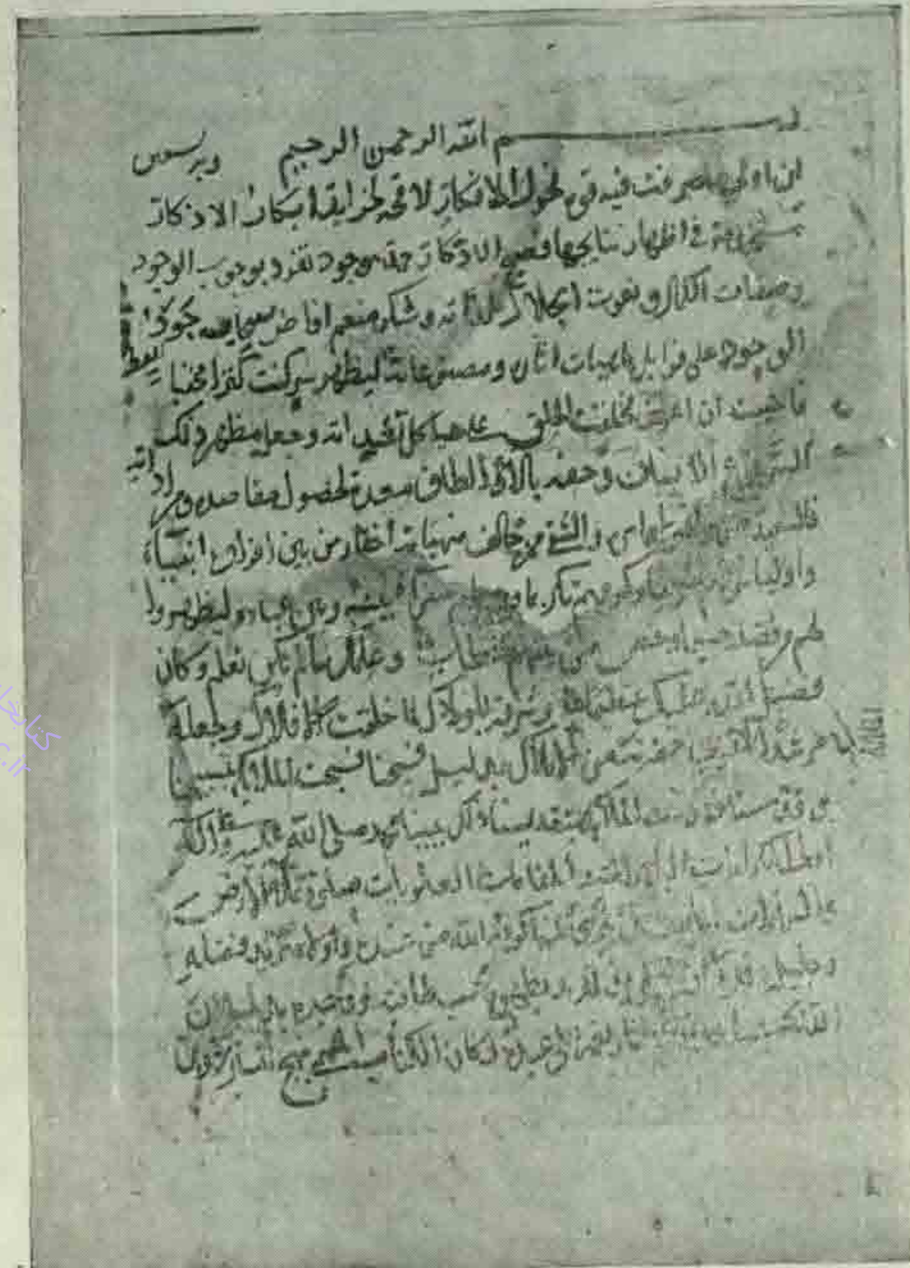
گ ۶۰ پ ش ۱۲۴۶/۴ آغاز رسالهٔ ارتفاع طبری



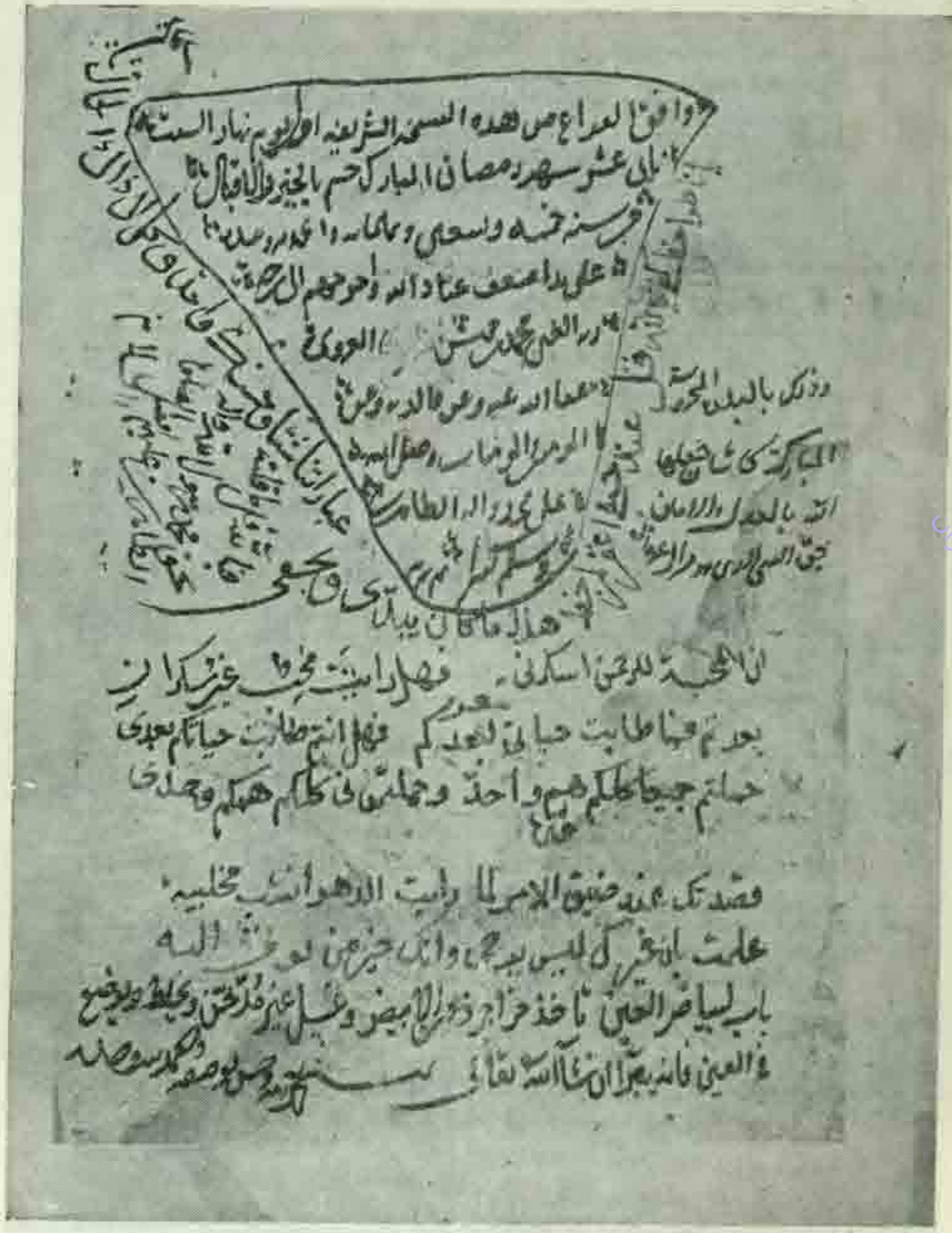
گ ٦٢ د ش ١٢٤٦/٤ پایان رسالهٔ ارتفاع طبری



گ ١ ر ش ١٢٣٦ صفحهٔ عنوان ارشاد الطالبین سیوری



گ ۱ پ س ۱۲۳٦ آغاز ارشادالطالبين سيوري



گ ۹۰ پ ش ۱۲۳٦ پايان ارشادالطالبين

[٢٢٤٧]

١٢٥٤ بخط نستعلیق با نشانه‌ها وجداول شنگرف میباشد.

(١٠۴ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی مقوائی فرسوده
اندازه: ١٥×٢٣ ـ ١٦×٢۴ س ٢۴

[١٩٢٩] **افضلیة الائمة علی الانبیاء** (عربی)

حسن بن سلیمان حلی نگارندهٔ اینکتاب است که در ص ٥٣٧ و ١٥٧٣ ف (ش ١٠٨٠/٩) شناخته‌ایم.

[٢٢٤٨]

١٢٩٦ بخط نسخ است ودرسدهٔ ١١ باید نوشته‌شده باشد. وتاریخ ١٢٧٢ در برگ ١ ر دیده میشود

(١١٠ برگ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی درون سرخ
اندازه: ٧/٥×١۴ ـ ١٣×٢٠ س ١٨

[١٩٣٠] **الاکمال لمنتهی المقال فی احوال الرجال** (عربی)

شیخ محمد علی بن علی بن قاسم آل کشکول حائری شاگرد نگارندهٔ فصول بدستور استاد دیگر خود شریف العلماء این کتاب را نوشته ودرآن رجال مجهولی را که درمنتهی المقال ابی‌علی محمد بن اسماعیل سینائی کربلائی نیامده است یاد نمود ونسخه‌ای از آن‌رادر روزآدینهٔ نیمهٔ شوال ١٢٤٥ بانجام رساند (ذریعه٢ : ٢٨٣)

آغاز: الحمدلله الذی هدانا لهذا و مالنا لنهتدی لولا ان هدانا الله ... و بعد فیقول ... محمدعلی آل کشکول انه لماکان کتاب منتهی المقال کتابا شافیا.

انجام: غیر انه صنفه جماعة من اصحابنا لکنه غیر مضر فیما نحن فیه کمالا یخفی تمت ... علی یدالاقل محمدعلی آل کشکول فی‌شهر ذی القعدة یوم السابع عشر منه یوم الجمعة سنة ١٢٤٤

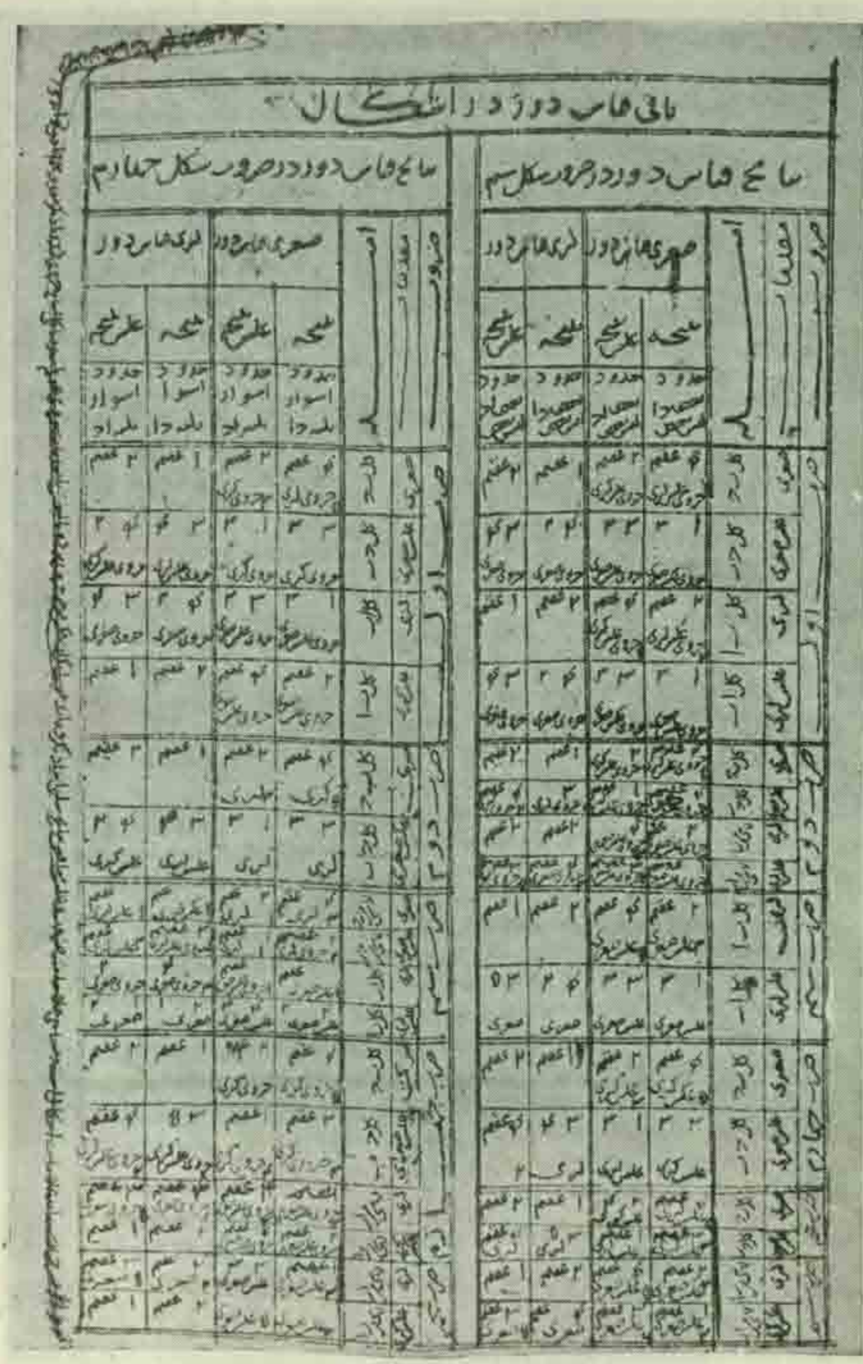
[٢٢٤٩]

١٠٣٧ بخط نسخ وعنوانها و نشانه بشنگرف ونسخهٔ اصل است و گویاهمانستکه نزد سید عبدالحسین حجة بوده است

(٩٨ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه: ٩×١٥ ـ ١۴×٢٠ س ٢٣



گ ٢٥ ر ش ١٢٥٤ اساس الاقتباس طوسی



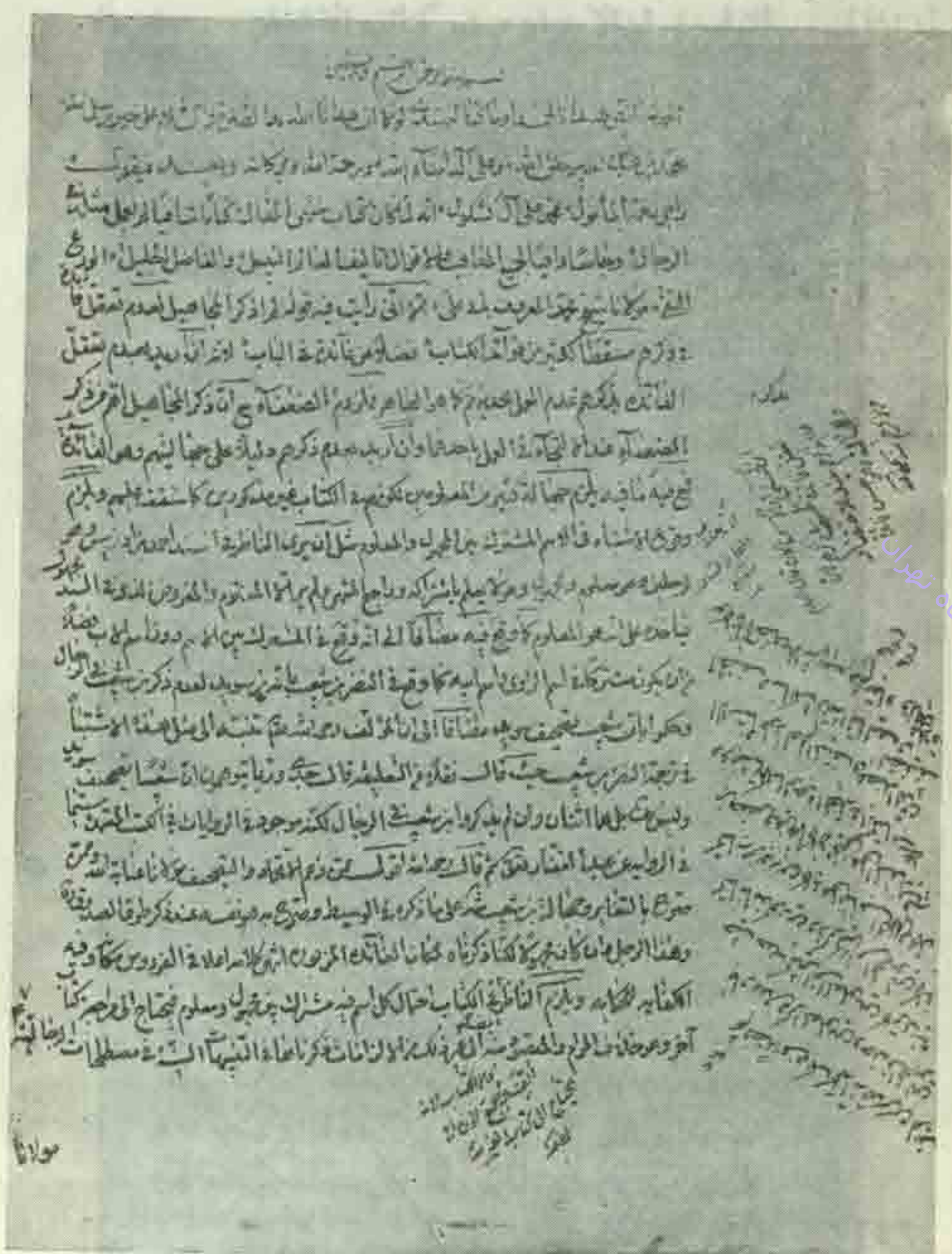
گ ۵۱ ر ش ۱۲۵٤ اساس‌الاقتباس طوسی



گ ۱۰٤ پ ش ۱۲۵٤ اساس‌الاقتباس طوسی



صفحة عنوان الاكمال ش ۱۳۰۷



آغاز الاكمال ش ۱۳۰۷



انجام الاکمال ش ١٣٠٧

[١٩٣١] **التهاب نیران الاحزان و مثیر کتائب الاشجان** (عربی)

در ذریعه (٢ : ٢٨٧) از این کتاب که داستان مرگ پیامبر در آن آمده است یاد شده و از دانشمندی گمنام دانسته شده که بایستی پس از ابن العودی و پیش از فیض کاشانی و میان سده ٧ و ١١ زیسته باشد در آن دارد که این کتاب چاپ رسیده است آغاز و انجام آن در ذریعه دیده میشود و انجام آن در نسخهٔ ما اندکی با آن یکی جدائی دارد و چنین است : « کنت استغفر الله تعالی لها و فی هذا القدر کفایة لمن انصف من نفسه فهذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا الخبر الجلیل واستغفر الله العظیم و الحمدلله رب العالمین والصلوة علی افضل المرسلین محمد و عترته الطاهرین ».

[٢٢٥٠]

١٣٠١ شماره ٨ دفتر است گ ٩٩ ب ـ ١٣٣ ب (بنگرید به ١٣٠١/١)

[١٩٣٢] **امالی** (عربی)

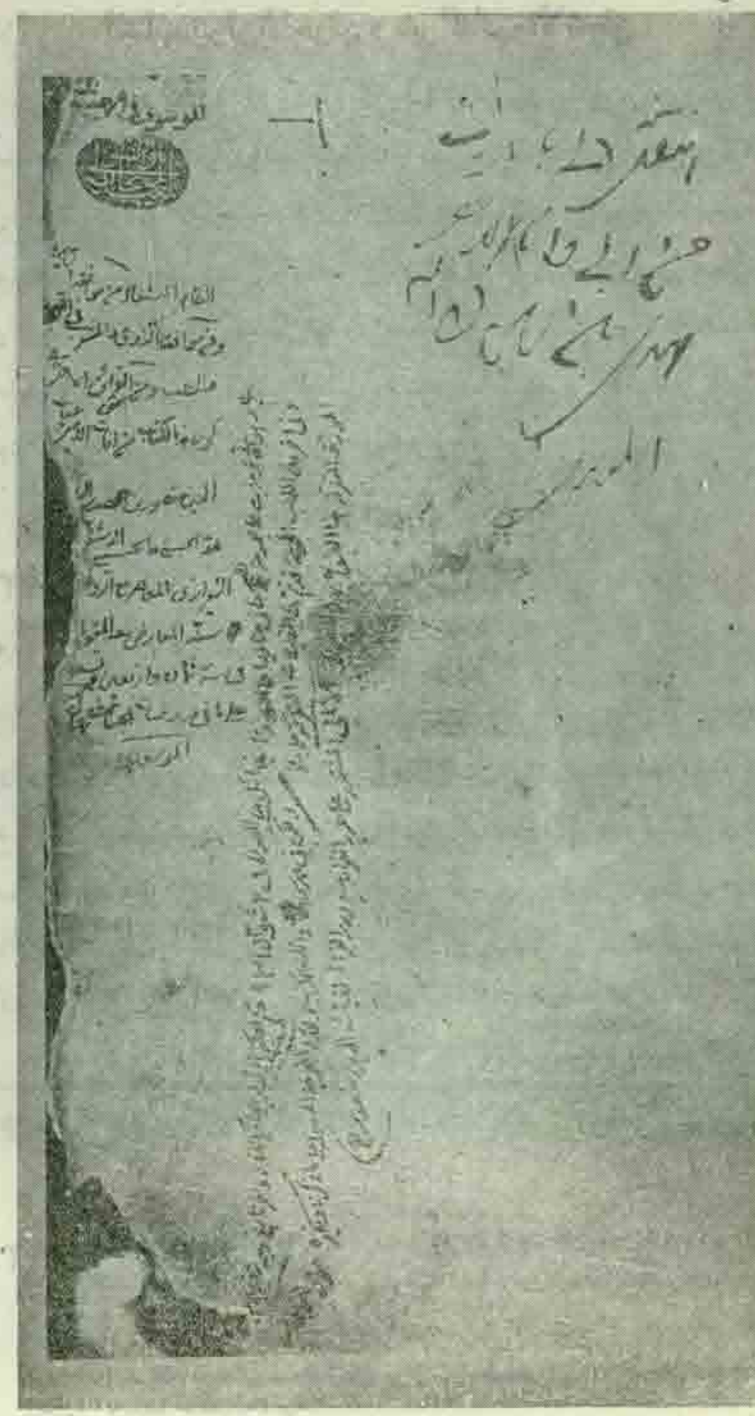
این امالی فلسفی گویا از غیاث الدین منصور دشتکی است و بیشتر بندهای آن تاریخ دارد و ما آنچه می نوشته است درمجموعه‌های نگاهداری میشده است: این کتاب درنوع خود که فلسفه است مانند ندارد جز آنچه را که در ادب و اخبار سنی و شیعی می‌بینیم (کشف الظنون و ذریعه در کلمه امالی) گویا همین یا جزء دیگری هم بوده که مالک پیشین نسخهٔ ما آنرا دیده و درفهرست آن چنانکه در کلیشه می‌بینیم آمده بود که این امالی از غیاث الدین منصور میباشد.

تاریخ برخی از بندهای آن در نسخهٔ ما ٩٢٠ و ٩٢٦ و ٩٢٩ و ٩٣٨ و جز اینها است تاریخ روز و ماه هم دارد. از این امالی اندیشه دشتکی بخوبی دریافت میشود.

[٢٢٥١]

١٢٤٩ بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف و سیاهی از بندها شماره دارد و عبدالرحیم بن سعدالله خان حیدرآبادی آنرا نوشته است. چون کاغذ در گوشه‌ها موریانه خورده برخی از عبارتها هم رفته است.

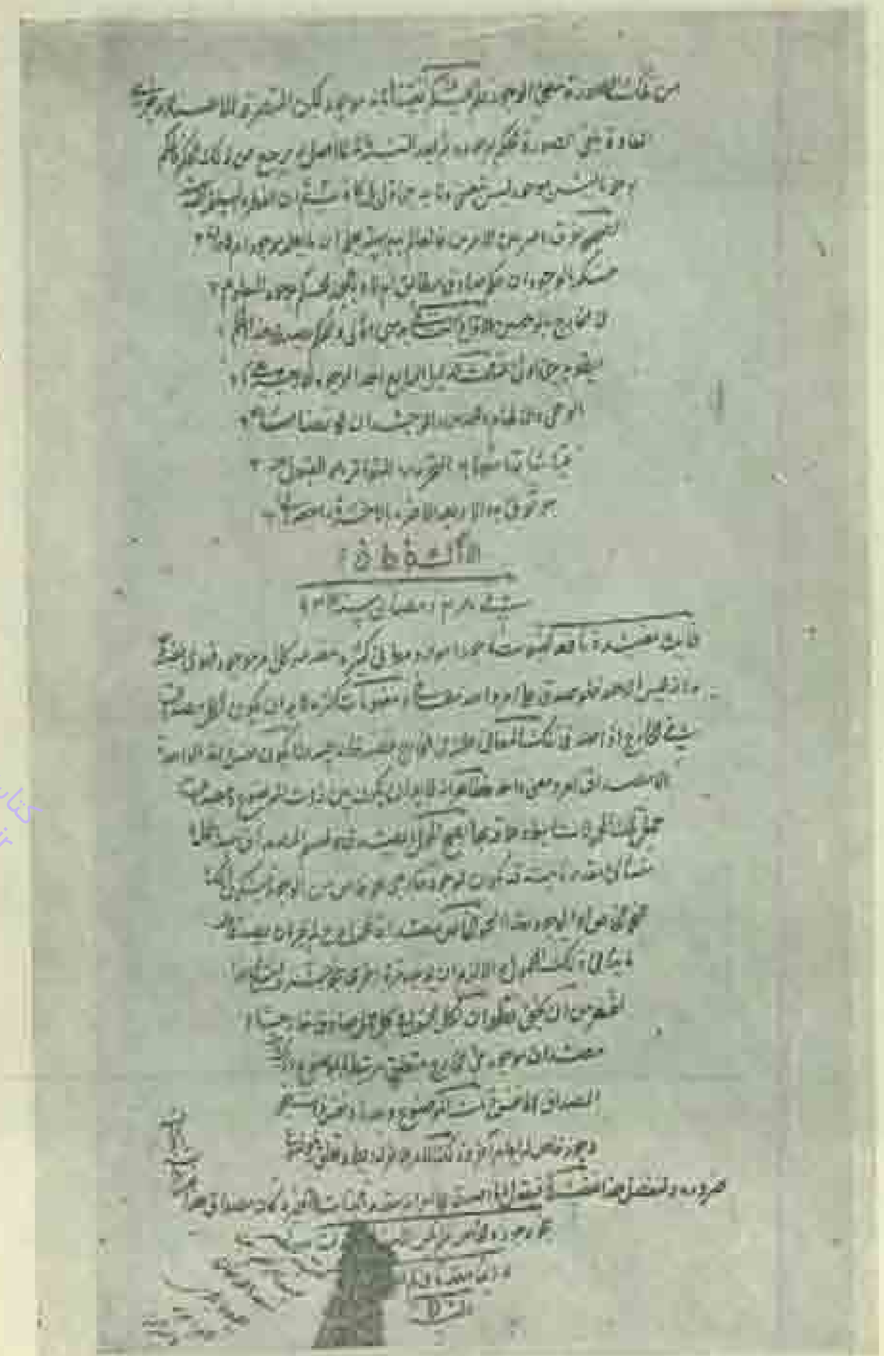
(٣٠١ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب طوالی درون قهوه‌ای ورو پوشدار
اندازه : ٩×١٨ ـ ١٥×٢٥ ـ ٢٥ س



گ ۱ ر ش ۱۲۴۹ صفحهٔ عنوان امالی دشتکی



گ ۱ پ ش ۱۲۴۹ آغاز امالی دشتکی



گ ۲۰۱ ر ش ۱۲۴۹ پایان امالی دمشقی

[۱۹۳۳] **الانوار الخاقانیه** (عربی)

این کتاب در اخلاق عرفانی بروش شیعی اخیر و آمیخته با علم حروف است و بنام فتحعلی شاه قاجار نوشته شده، درهفت تنویر است وعنوانهای بندها «نوره» میباشد.

آغاز : ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا بك ومنادوالك.

انجام : من خفض اللحن الریاش والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته و قدوقع الفراغ من تسوید هذه البیاض وتحبیر هذه الریاش فی الخمس الاول من النصف الاول من الثلث الثالث من الربع الرابع من الثلث الثالث من الخمس الرابع من النصف الاول من العشر الرابع من العشر الثالث من الالف الثانی من الهجرة النبویة علی هاجرها آلاف (الحمدلله الذی وفقنی لما امرنی الفاضل... من تسوید هذا الخطوط والطروس وترقش هذه الطرائف والطاووس... فی الاربعاء نصف الباقی من الاول من الثانی من السادس من الرابع من الثالث من الثانی من هجرة سیدنا... علیه... التحیة اتمها)

[۲۲۵۲]

۱۲۴۴ نسخ با عنوانهای شنگرف وبدستور مؤلف نوشته شده است

(۱۸۷ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج حاشی ضربی عنوانی
اندازه: ۹/۵×۲۰ ـ ۱۷/۵×۲۹/۵ س ۲۳

[۱۹۳۴] **اوائل التحریر** (عربی)

سید اختیار بن سیف غیاث الدین حسینی (م ۸۹۷) نگارندهٔ اساس الاقتباس در معانی و بیان در ۸۹۷ (چلبی ۱: ۸۹ ـ ذریعه ۲: ۵ ـ طوس ۳: ۵۳) نگارندهٔ این کتاب میباشد که درفهرست آقای مشزوی (۲: ۹۸۹ ش ۸۹۷) شناخته شده است. چنانکه در ذریعه (۱۱: ۹۳) آمده اوائل التحریر واساس الاقتباس یکی میباشد.

[۲۲۵۳]

۱۲۹۲ نسخ است با عنوانها ونشانه‌های شنگرف ودر ۱۲۳۵ نوشته شد.

(۱۳۵ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد
اندازه: ۱۱×۱۷ ـ ۱۷×۲۴ س ۱۷

[۱۹۳۵] بشری الوصول الی اسرار علم الاصول (عربی)

اینکتاب از دانشمند محمدحسن بن عبدالله مامقانی میباشد که در ص۱۶۶۱ ف شناخته‌ایم این نسخه جزء ۵ ودر قطع وظن است ودورهٔ آن در کتابخانهٔ ما اکنون کامل شده است. در برگ ۱۹۶ ب دارد «پانزده هزار الاخوست» وعبرساند که بیتهای کتاب ۱۴۸۰۰ است.

آغاز : بسمله . وبه نستعین. الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد فیقول... محمدحسن بن عبدالله المامقانی انا لما فرغنا من الکلام علی مباحث الالفاظ وحررنا البحث عن الفعل والتقریر والاجماع رایناالبحث عن حال القطع والظن وافردناه علی حیاله وان کان علی خلاف طریقة الاقدمین... وجعلته الجزء الخامس من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول ... اصل فی القطع والظن.

انجام : لکنا نقتفی فی وضعه اثر القوم فناتی به فی باب الاجتهاد والتقلید انشاءالله راجین ... ان یوفقنا لذلک ... لیکن هذا آخر الکلام فی المسئلة . فدااتفق الفراغ منها لجامع الکتاب محمدحسن بن عبدالله المامقانی فی یوم الاحد لسبعة وعشرین یوما خلون من شهر شوال المکرم من شهور سنة ۱۲۷۸ بالنجف الاشرف زادها الله شرفا وعزا والحمدلله اولاً وآخراً.

[۲۲۵۴]

۱۲۹۷ بنسخ واصل است ودر ۱۲۷۸ نوشته شده است.

(۱۶۷ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی متوالی
اندازه : ۱۱×۱۸ ــ ۱۵/۵×۲۲ س ۲۳

[۱۹۳۶] پاتولژی (فارسی)

میرزا علیرضا این کتابرا گویا از فرانسه بفارسی ترجمه کرده و باید از کتابهای درسی مدرسه دارالفنون باشد. از نسخه پیداست که در ۱۳۱۸ بنگارش درآمده است.

آغاز : درحمیات. پاتولژی ترجمهٔ میرزا علیرضا. بسمله. پات لژی Patologie علمی است که دراو گفتگو میکنند از احوال بدن انسان درحالت مرض مثل اینکه در

فیزیولژی گفتگو میکنند ازحالت بدن انسان درحالت صحت.

انجام : ذات الجنب مزمن خارج شودن نفس که رطوبت خارج میشود... که زودتر علاج کرده. این کتاب در کمال عجله واختلال حواس درحین درس خواندن قلمی شد. روز پنجشنبه چهاردهم شهر ذی‌حجه این احقر یعنی ذات الجنب مزمن را درخدمت میرزا سیدحسین خان نظام الحکما وجمعی ازشاگردان بودیم که این اعمال یدی را کردند چونکه مریض ضعف طاقت نداشت آن روز قدر سه چارک ریم آمد. حرر عبدالله طبیب ۱۳۱۸

[۲۲۵۵]

۱۲۷۹ بخط شکسته نستعلیق است عنوانها درشت‌تر و فهرست مطالب دارد. یادداشتها وتاریخ ۱۳۱۸ درپایان ودرتوی جلد دیده میشود.

(۱۸۸ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد متوالی
اندازه : ۱۱×۲۰ ــ ۲۱×۲۷ س ۱۵

[۱۹۳۷] تحریر کتاب المناظر (عربی)

کتاب مناظر از اقلیدس است وخواجه طوسی آنرا تحریر نموده است.

این تحریر درتهران بسال ۱۳۰۴ (ذریعه ۳ : ۳۹۳) ودرمجموعه رسائل طوسی درهند بچاپ رسیده است (مدرس ص۲۰۸ ــ مدرسی ص۱۰۷).

چنین است انجام آن : و کذلک القطر ان وذلک ما اردناه تم الکتاب وهو سد شکلا بعون الله تعالی.

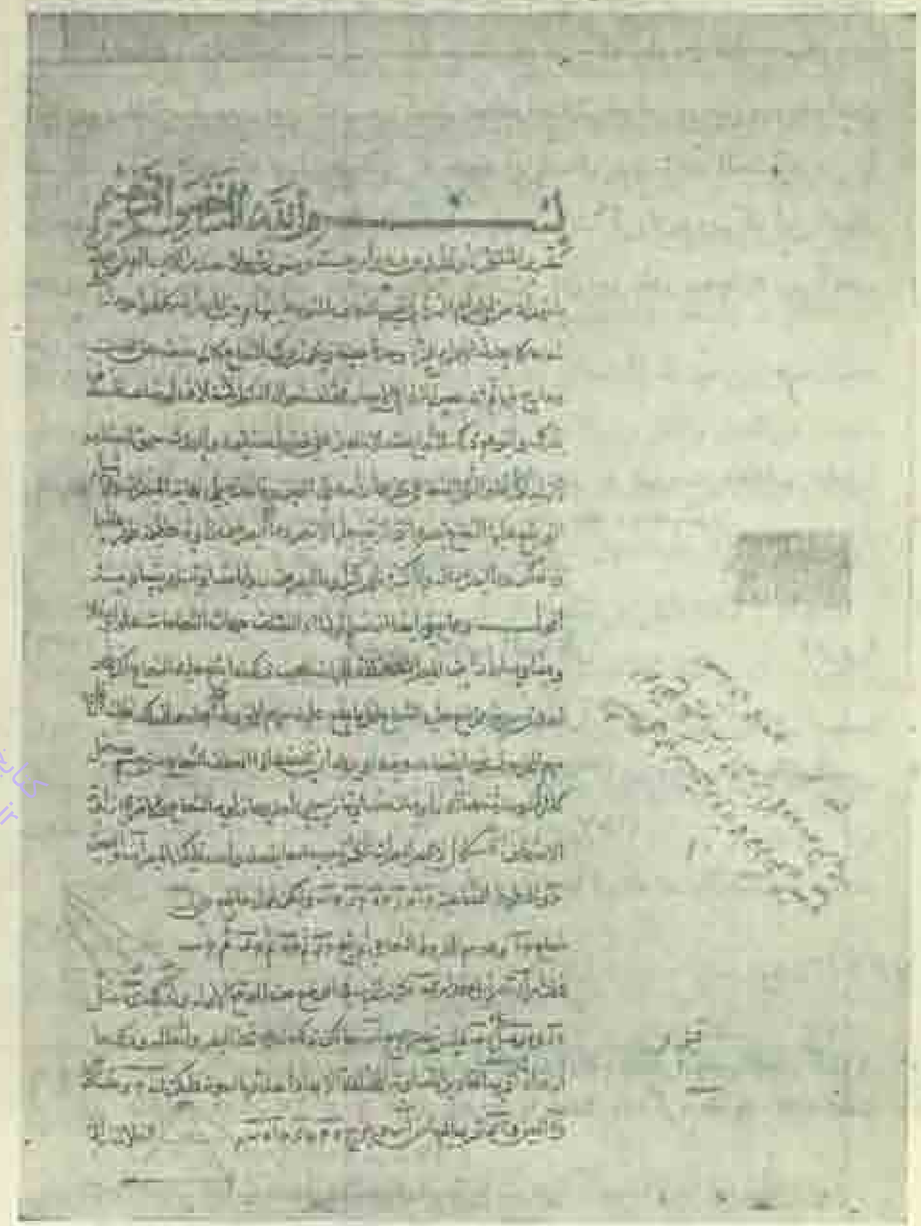
[۲۲۵۶]

۱۲۴۶ شماره یک دفتر وهمهٔ آن باعنوانها واشکال وارقام شنگرف میباشد در گ ۱۱ ر دارد که در ۲۷ ج ۱ گویا ۱۰۸۴ یا ۹۸۴ در اکره مقابله شده است (بریدگی دارد) گ ۱ پ ــ ۱۱ ر.

(۹۳ گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ متوالی
اندازه : ۱۸×۱۶ ــ ۱۵/۵×۲۵ س ۲۱

[۱۹۳۸] تحریر الکرة المتحرکة (عربی)

تحریر طوسی که در ص۸۴۸ ف شناخته‌ایم.



گ ۱ پ ش ۱۲۴۶/۱ آغاز تحریر الناظر

[٢٣٥٧]

١٢٤٦ شماره دوم دفتر است گ ۲ ر – ۱۵ پ

[۱۹۳۹] تحصیل الایقان من مراسم الاطمینان فی شرح نظم البرهان (عربی)

سید حسین بن محمد ابراهیم بن امیر محمد معصوم بن امیر فصیح بن امیر اولیاء حسینی امیرمیرزائی قزوینی (از ۱۱۳۶ ـ ۱۲۰۸) در کلام شیعی «نظم البرهان» سروده و سپس آنرا بنام پادشاه وریالا خود شرح کرده است. او در دیباچه (۲٤ پ) از خود و نام متن و شرح یاد نموده و می‌نویسد که محمد ابراهیم پدرم در ۱۰۸۸ زاده و در ۱۱٤۹ در گذشت و کتابها نوشته است و نیایم محمد معصوم از دانشمندان و شاگرد میرزا رفیع الدین محمد نائینی و مولی محمد باقر یزدی بوده و کتابها نوشته و بر کتابهای فلسفی و کلامی و ریاضی و فقهی و حدیث و رجال حاشیه‌ها دارد و او در ۱۰۷۱ در گذشت و عاملی در امل الامل از او بستوده و میرزا رفیع الدین حسینی در پایان ایمان و کفر جامع کافی پس از خواندن وی آن را برای او اجازه قرائت نوشته است (این اجازه گویا در همینجا دیده میشود، گ ۱۵ ر) و من شنیده‌ام که او تعلیقات استادش بر کافی را گرد آورده بود.

در ذریعه (۳ : ۳۹٦) از «تحصیل الاطمئنان فی شرح زبدة البیان» اردبیلی از پدر او سید محمد ابراهیم که در تبریز بسال ۱۱٤۹ در گذشته است یاد شده و دارد که آقا جمال خوانساری بر نسخهٔ اصل آن تقریظی در ح ۱۱۱۲/۲ نوشته و همین سید حسین آنرا در «معارج الاحکام» آورد، در ذریعهٔ تهرانی این «تحصیل الایقان» یاد نگشته ولی در اعلام الشیعه (۲ : ۳۷٤) او از این نظم البرهان و شرح آن نامبرده شده و دارد که نسخه‌ای بخط خود او نزد سید شهاب الدین مرعشی در قم هست (فهرست ص ۲۰۵۲).

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی تفرد بالقدم وقد خاض ما سواه فی ظلمات العدم... فیقول ... حسین بن محمد ابراهیم الحسینی ... انه لما کان تحصیل المعارف الیقینیة ... من الواجبات العقلیة ... و قد اتفق فی سالف الزمان ... عقد فرائدها و نظمها فی الدعها فی سلك النظم... فسنح بالبال ... عند مذاکرة الاخوان ... شرح عرائسها و کشف النقاب عن سرائرها... و انما صدر المنظومة بالحمد بعد البسمله... فقال بسمله وبه نستعین کل کلیم

بعد اسم الرب حمد لازم	عند عقل شکر حق جازم
حمده تحمیده توحیده	حمد نفی رفده تأییده

٭٭٭

واستمع من لطف رب العالمین	من حسینی مسمّی با الحسین
ابن من قد سمی باسم الخلیل	کان فی فضل براه فی السبیل
نظم برهان بذاک سمه	سمط ایمان فخش فی یمه

.... واما اسم الکتاب فهو « نظم البرهان فی سمط الایمان » والشرح سمی بتحصیل الایقان من مراسم الاطمئنان .

انجام: انبیاءالله بالنص المبین / لاجتهاد فضلوا الروح الامین
عمدة الفضل علی کل ملک / لیس فی عقل ونقل فیه شک

قال فی المصباح نصت الحدیث نصا (٢٨٢ پ)... والاقوی بعد تتبع الاثار وسبر الدلائل والامارات هو الاول . فتامل! قد وقع الفراغ من المجلد الاول فی تحصیل الایقان فی شرح نظم البرهان فی سمط الایمان . والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطنا فی سنة ثمان وثمانین ومأتین بعد الف من هجرة خیر البریة علیه وآله الاف صلوة وتحیة . حرره العبد الاقل الاحقر محمد ابراهیم بن محمد نصیر الجبلی الاصل قزوینی المسکن اللهم اغفر له ولمن قرء وطالع بمحمد وآله الطاهرین سنة ١٢٨٨ تمت فی یوم السبت .

[٢٢٥٨]

١٢٦٠ بخط نسخ برخی نشانه‌ها شنگرف ـ نسخه از آن مهدی بن ریحان‌الله بوده است وخط ومهر او «مهدی بن ریحان‌الله الموسوی» وهمچنین خط و مهر «العبد ریحان‌الله الموسوی» از پدر او بتاریخ یکم شعبان ١٣١٥ در گ ٢ ر دیده میشود ونیز دارد «هوالله تعالی . از جمله کتب مصنفه جد علامه اعلی‌الله مقامه آقای آقا سیدحسین که حسب الوصیه استکتاب شده جهت طلاب علوم دینیه و علما که منتفع شوند . حرره محمد ابراهیم (بادو مهر:) صراط علی حق نمسکه . محمد ابراهیم الحسینی - محمدتقی الحسینی» .

(٢٨٥ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ بی مقوائی

اندازه: ١٤×٢٤ و ٢١×٣٤ س ١٦

[١٩٤٠] تحفة السرائر (عربی)

ملامیرزاجان محمد بن الحسن شیروانی (مرده روز آدینه ٢٩ م رمضان ١٠٩٨ در ٦٥ سالگی) (روضات ١٩٥ و ٦١٥ ـ قصص العلما ١٩٣ ـ جامع الروات ٢ : ٩٢) داماد مولی محمدتقی مجلسی بوده است وهمو استکه بر معالم حاشیه دارد پسر او شیخ حیدرعلی دخترزادهٔ مجلسی یکم وخواهرزاده مجلسی دوم میباشد وسرگذشت او در ریاض العلما آمده است و او حاشیه‌ای بر مسالک دارد (ریحانة الادب ٤ : ٧٥ ـ ذریعة ٦ : ١٩٩) والمجالس فی الامامة ومناقب اهل البیت و مثالب اعدائهم (کنتوری ٤٨٦ و ٥٥٦) در روضات (ص ٦١٦) از او یاد گشته اوشرحی بر توحید وحجت دارد که در ص ٢٢٨٢ ف یاد گشت سرگذشت شگفت انگیز او در الفوائد الرضویه ص ٢٨ هست (نیز فوائدرضویه ٢ : ١٦٧٠ ذریعه ٦ : ١٨٢)

این نسخه‌ها که فقهی است استدلالی و در حج است چنانکه سید حسن صدر در توی جلد بخط خود گواهی داده است تحفة السرائر و از همین مولی حیدرعلی است واو در همین کتاب میگوید: «واجاب خالی المحقق المدقق العلامة الفهامة شیخ الاسلام والمسلمین محمدباقر المدعو باقر علوم الاولین دامت ایام افاداته» و «اوله جدی قدس سره فی الشرح» و «قال جدی قدس سره فی شرح الفقیه» (گ ٣٥ پ و ٣٦ ر و ٢٨٩ ر وچندجای دیگر) پس این کتاب باید در زمان مجلسی دوم و پس از مرگ پدرش تالیف شده باشد .

[٢٢٥٩]

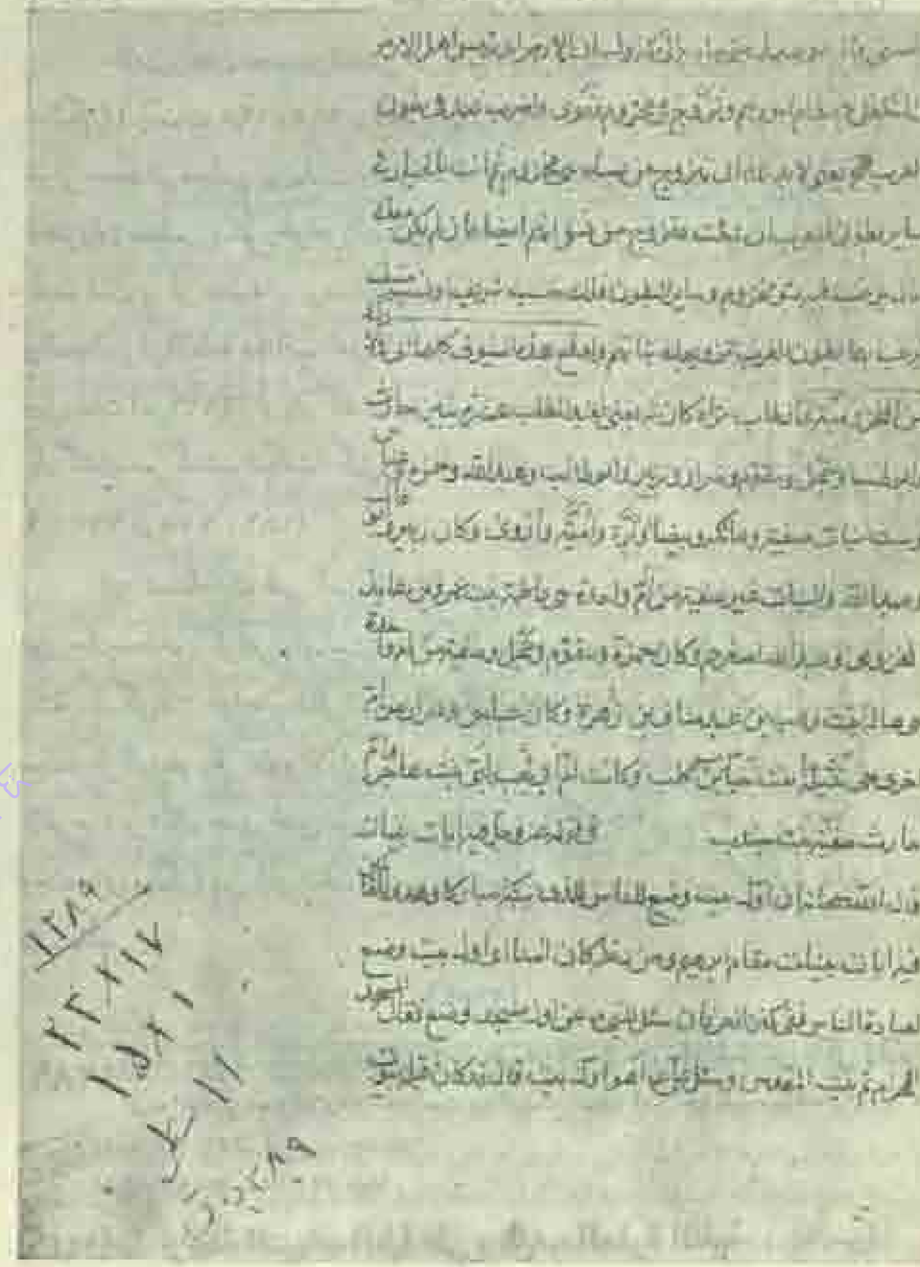
١٢٨٩ بخط نسخ ونستعلیق وحواشی «منه عفی عنه» و پاره از جاها خط خوردگی دارد و بحاشیه برده وافزوده شده است پیداستکه نسخه اصل مؤلف میباشد .

(٢٨٨ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

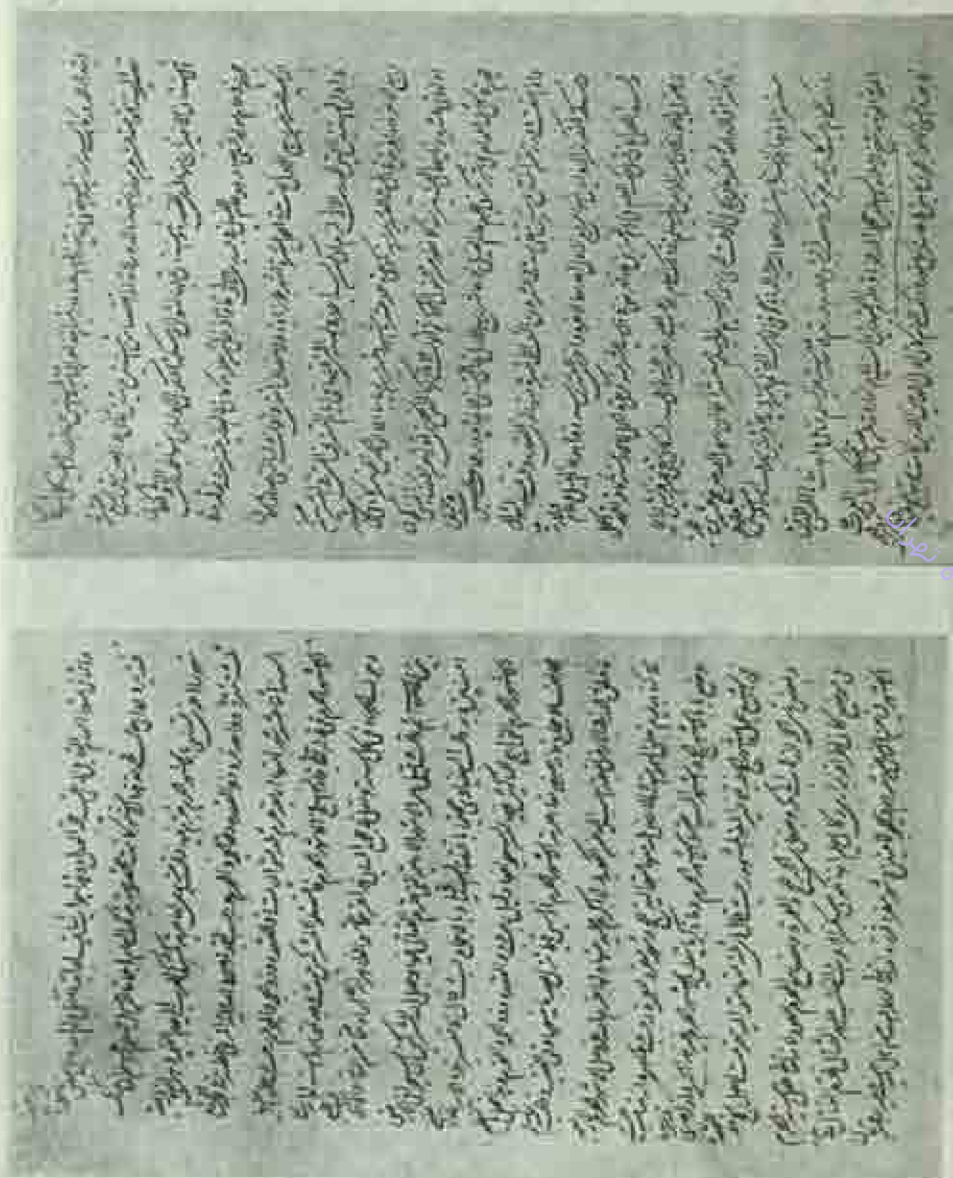
اندازه: ٨×١٥ ـ ١٧×٢٣ س ١٨

[١٩٤١] ترجمة التنبیهات العلیة علی وظایف الصلوة القلبیة (فارسی)

نجفعلی بن محمدتقی رامجردی در شیراز التنبیهات العلیة یا اسرار الصلوة شهید دوم را که در روز شنبه ٩ ذی‌حجهٔ ٩٥١ بانجام رسانده و با شرح علامه بر قواعد العقائد



آغاز النسخة ش ۱۲۸۹



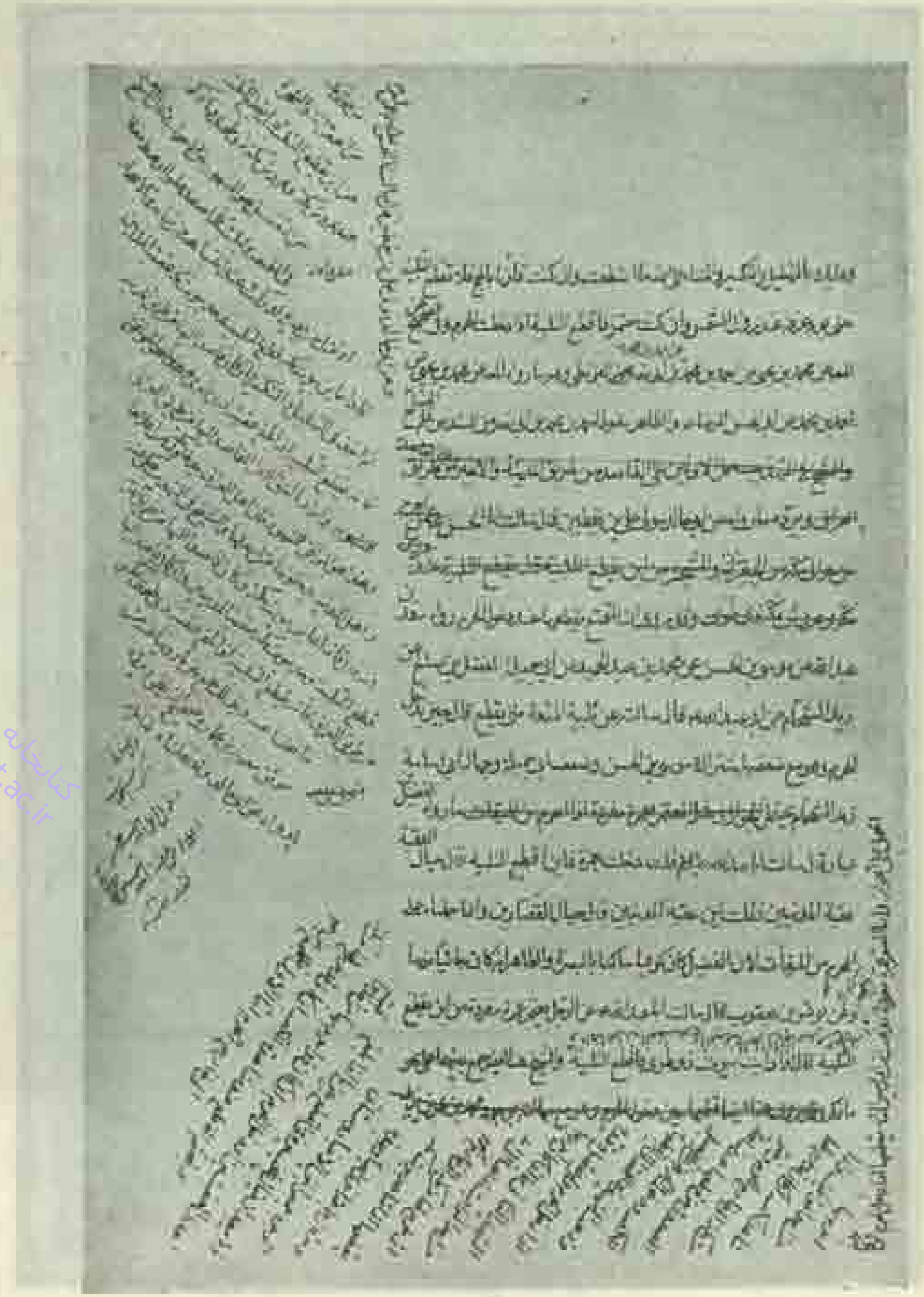
گ ۳۶ پ و ۳۷ ر ش ۱۲۸۹



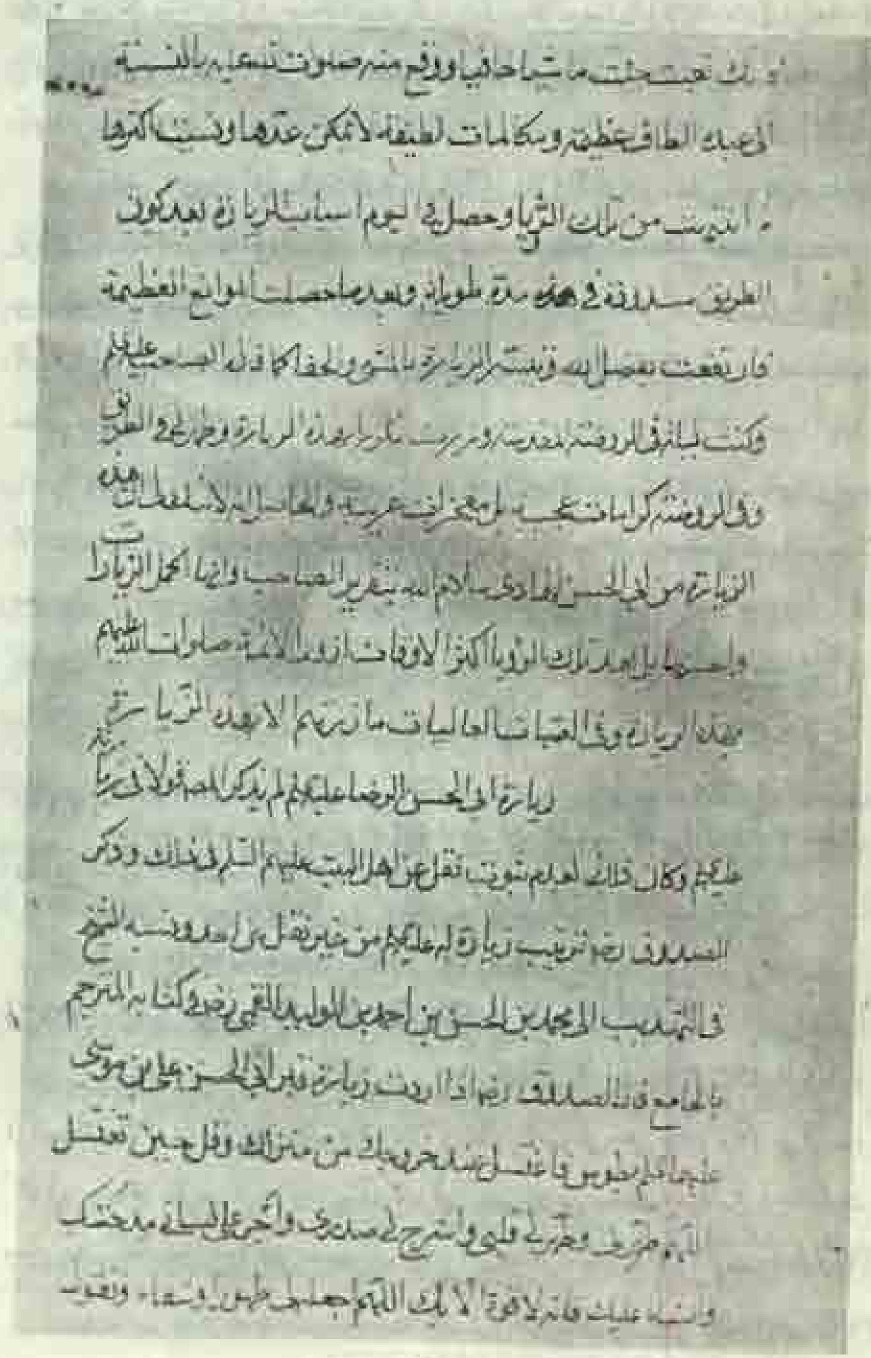
گ ٣٨ پ ش ١٢٨٩



گ ٩٢٣ ر ش ١٢٨٩



گ ۱۴۹ ر ش ۱۲۸۹



انجام نسخهٔ ش ۱۲۸۹

طوسی ورسالەهای دیگر در ۱۳۰۵ بچاپ رسیده است ترجمه نموده و در ۲۰ شعبان ۱۲۲۹ آنرا بپایان برده است. پیش از او محمدزمان تنکابنی سیاهکلی بدستور شاه سلطان حسین آنرا ترجمه کرده بود (ذریعه ٤ : ۷۸).

آغاز : زیباتر کلمه‌ای که ترجمهٔ آن تذکرهٔ ارباب قلوب و افهام تواند بود ... حمد واجب الوجود است ... اما بعد بر ضمایر صافیهٔ ارباب بصایر مخفی نیست که ... ورسالهٔ تنبیهات مشهوره باسرار الصلوة از مؤلفات ... الشهید الثانی ... خلاصه‌ای از فواید آنرا با بعضی نکات غریبه ... بفارسی ترجمه وایراد نمود ... وترتیب آن بر مقدمه وسه مطلب وخاتمه اتفاق افتاد.

انجام : هذا آخر ما اتفق ایراده فی هذه الرسالة ... ببلدة شیراز ... وکان یوم الاحد عشرین من شهر شعبان المعظم سنة ۱۲۲۹ ... وانا مؤلفه ... محمدتقی ابن المرحوم محمدتقی را مجردی هداه الله ... بلطفه عن الخزی ... عند مواقف الاشهاد بمحمد وآله الطیبین الامجاد قد تم یا ارحم الراحمین بتاریخ ۲۰ شهر شعبان المعظم من شهور سنة ۱۲۲۹.

[۲۲۶۰]

۱۳۱۷ شمارهٔ یك دفتر دارای دو رساله وبخط نسخ با نشانه‌های شنگرف از هدی رامجردی مترجم اسرار الصلوة که نخستین (۱ پ — ۷۰ پ) را در ۲۰ شعبان ودومی را در ۱۲ ذی‌قعده ۱۲۲۹ نوشته است.

(۱۴۸ گ) — کاغذ ارتکی — جلد تیماج مشکی یك‌لا
اندازه : ۷×۱۱ — ۱۰×۱۵ س ۱٦

[۱۹٤۲] ترجمة الرسالة الكمالية في الحقائق الالهية (عربی)

امام رازی رساله‌ای در فلسفه بفارسی درده مقاله دارد بنام « الرسالة الكمالية في الحقائق الالهية » که قفطی (ص ۱۹۱) از آن نام برده وخزرجی (۲ : ۳۰) می‌نویسد که این رساله بفارسی است ورازی آنرا برای کمال الدین محمد بن میکائیل نوشته است ومن یافتم که شیخ ما تاج الدین محمد ارموی آنرا در دمشق بسال ٦۲۵ بتازی در آورد (۱).

۱ — نیز بنگرید به : دیباچهٔ اعتقادات فرق المسلمین والمشرکین رازی ص ۳۱ —
۲ ایران امروز ش ۵ و ٦ س ۱ تاریخ مرداد وشهریور ۱۳۱۸ خ گفتار آقای سعید نفیسی.

چلبی (۱ : ۵٦۳) از این کتاب بنام « الرسالة الكاملية في الحقائق الالهية للامام فخر الدين الرازي مختصرة فارسية في المنطق والحكمة » یاد کرده است. در ایضاح المکنون (۱ : ۵٦۸) دارد « الرسالة الكمالية في الحقائق الالهية للشيخ عبدالله بن محمود الحسینی » در فهرست برو کلمن نامی از این رساله نیافته‌ام.

در کتابخانهٔ ملك متن فارسی این رساله بهمین نام « الرسالة الكمالية في الحقائق الالهية » (ش ۱۲۹۳) وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف هست ولی نیمهٔ دوم فصل پنجم وهمهٔ فصل ششم مقالهٔ پنجم را ودرپایان ندارد واز روی همین تنها نسخه است که دردانشگاه تهران بسال ۱۳۳۵ خ بچاپ رسیده است.

نسخه‌ایکه اکنون میشناسیم ترجمهٔ تازی این رساله است واز آغاز آن کمی کم دارد وپیدا نیست که مترجم آن همان ارموی است یا حسینی. چنین است:

آغاز : وجدنا فيها امورا كثيرة لا يوافق القانون العقلي والمعيار المنطقي وصنفنا في هذا الباب كتبا عديدة فكتبنا هذه الرسالة على سبيل الاختصار ورتبنا على مقالات العشر وفي المقالة الاولى يتبين علم المنطق ونذكر نكات لا توجد في كتب المتقدمين وفي المقالة الثانية شرح قاطيغورياس وفي المقالات الاخر شرح اصول علمي الالهي والطبيعي وفي المقالة الاخيرة بعضا من اصول علم الهيئة وفي الجملة لا يعرف قدر هذا المختصر الا من يطالع في هذه العلوم كتبا كثيرة ليعلم التفاوت ولكن بحمدالله ان من صنفنا هذا المختصر له مطلع على الكتب وواقف على دقائقه. وسميته بالرسالة الكمالية في الحقائق الالهية.

انجام : ولا يكون ذلك الفصول متساوية في المدة بل يكون مختلفة ولما وصل الكلام الى هذا المقام فاولى ان نقطع الكلام (تمت بحمدالله وحسن احسانه).

[۲۲۶۱]

۱۳۱۳ خط نستعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف و حاشیهٔ عربی وفارسی دارد. در گ ٦۹ ر — ۷۰ ر دو فصل است از کتابی درهیئت. رساله در گ ۳ ر — ٦۹ ر است.

(۷۱ گ) کاغذ ترمه — جلد تیماج زرد ساده
اندازه : ۷×۱۲ — ۸×۱۲ س ۱۸

[۱۹۴۳] **ترجمه و شرح رسالهٔ جبر و مقابله** (فارسی)

خواجهٔ طوسی را رساله ایست در جبر و مقابله در دو باب نخستین در یک مقدمه و چهار فصل و دومی در دوازده فصل بتازی که تا نیمی از فصل یازدهم باب دوم آن در دانشگاه تهران بسال ۱۳۳۵ خ چاپ شده است (ذریعه ۵ : ۸۷ ـ مدرسی ص ۱۲۲ ـ مدرس رضوی ۲۲۱) بر این رساله قاسمعلی قاینی ترجمه‌ای گزارشی نوشته که تا کنون میشناسیم شعرهائی در مسائل این علم بفارسی در هامش نسخهٔ ما هست و از خود قاینی باید باشد.

آغاز: بسمله. و علیه توکلی. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی نبیه و آله الطاهرین اما بعد المحتاج الی قاسم الارزاق قاسمعلی قاینی رسالهٔ جبریه از تصانیف نصیر الملة والدین شیخ الطوسی بنظر آورد ... و خواست از جهت بعضی احبا آن را بفارسی مترجم کند چنانچه بمنزله شرح و متن گردد.

انجام: تا مخفی بر اهل تاریخ نبود والله اعلم بالصواب.

[۲۲۶۲]

۱۳۱۹ شماره دوم دفتر است گ ۴۲ پ ـ ۹۶ پ (بنگرید به ۱۳۱۹/۱)

[۱۹۴۴] **تفسیر سورهٔ یس** (عربی)

حاج میرزا محمدعلی بن احمد حافظ انصاری قراچه‌داغی اوتشاری زندهٔ در ۱۳۰۶ بتفسیر این سوره پرداخت و در ۱۲۸۷ آن را بانجام رساند. در دیباچه میگوید که من شیفتهٔ تفسیر بودم و چون این سوره دل قرآن بود نخست آن را تفسیر نوشتم و آرزو دارم که همه را تفسیر کنم (ذریعه ۴ : ۳۰ و ۳۴۴) او در این تفسیر روش فیلسوفان اخباری شیعی دارد.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... فیقول ... ابن احمد محمد علی الحافظ الانصاری ... ان العلم علی مالایخفی لاهل الفضل هو حیوة القلوب.

انجام: اختلافها آیة واحدة یس کوفی. هذا آخر ماقصدنا ترقیمه و حاولنا تفهیمه والحمدلله علی توفیقه والصلوة والسلام علی خیر خلقه و اولاده و عترته الطاهرین من الان الی یوم الدین (۳۷ پ ـ ۱۱۵ ر نوشتهٔ روز آدینهٔ ۱۰ شعبان ۱۲۸۷)

[۲۲۶۳]

۱۲۹۳ شماره دوم دفتر است گ ۳۷ پ ـ ۱۱۵ ر (بنگرید به ۱۲۹۳/۱ ـ اخبار الطینة)

[۱۹۴۵] **تقویم الصحة** (عربی)

از ابن بطلان ابوالحسن یوانیس مختار بن الحسن بن عبدون بن بطلان بغدادی (م ۴۵۵) پزشک منطقی ترسا است (قفطی ص ۱۹۲ ـ خزرجی ۱ : ۲۴۱ ـ چلبی ۱ : ۳۶۱) و چنانکه ابوالصلت دانی اشبیلی (۴۶۰ ـ ۵۴۶) در دیباچه تقویم الذهن (چاپ مادرید) آورده است او پزشکی را که از علوم کیفی است بساخت ریاضی در جداول نشان داده است و از همین روی بود که دانی در همین تقویم الذهن منطق را با جدول نمودار ساخت (گفتار نگارنده در جشن یادبود خواجه طوسی ص ۱۷۱).

پس از او گویا نخستین بار ابوعلی یحیی بن عیسی بن علی بن جزله بغدادی (م ۴۹۳) بدستور مقتدی بالله (۴۶۷ ـ ۴۸۷) چنین کاری پرداخت و در تقویم الابدان خود همان کار ابن بطلان را کرده است و این تقویم الابدان را محمد اشرف بن شمس الدین محمد طبیب برای شاه سلیمان صفوی بفارسی برگرداند و این ترجمه در تهران بسال ۱۲۷۵ بچاپ سنگی در ۹۶ برگ خشتی رسید (چلبی ۱ : ۳۱۹ ـ زرکلی ۳ : ۱۱۵۳ ـ طوسی ۳ : ۲۴۸ ـ ذریعه ۴ : ۹۰ و ۳۹۴) این ترجمه را در همین فهرست خواهیم شناخت. کمال الدین ابی الفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی (سدهٔ ششم) هم تقویم الادویه دارد مجدول (چلبی ۱ : ۴۴۹) نیز فیلسوف ابراهیم بن ابی سعید پزشک مغربی علائی بنام النجح فی التداوی لجمیع الامراض والشکاوی (چلبی ۱ : ۳۲۰) دارد. در مدرسه سپهسالار نیز تقویم الادویه است از محمد بن علی طبیب (ش ۷۹۸).

سید اسمعیل گرگانی نیز زبدة الطب را بهمین روش نوشته و آن را خواهیم شناخت. شافی الاوجاع که در همین فهرست شناخته میشود بهمین روش ساخته شده. ابوالحسن سعید بن هبةالله بغدادی (۴۳۶ ـ ۴۹۵) نیز در المغنی جداول گذارده است (فهرست عربی پاریس ۲۹۵۷ و ۲۹۵۸).

درمجموعه ۱۹۱ برگی از کتابهای عکسی دانشگاه شش کتاب دیده میشود :

۱ـ الشرفة فی تقاسیم العلوم الیقینیة از ابوعلی الحسن بن ابراهیم ابی بکر السلماسی الوراق

۲ ـ قابوس نامه که همو روز ۱۵ رجب ۶۲۴ نوشته است.

۳ ـ ترجمه تقویم الصحه ابن بطلان که همو برای شرف الدوله عماد الاسلام سلطان الصدور ابوالحسن علی بن الحاج اسماعیل الاصفهانی ساخته است.

۴ ـ ترجمهٔ رسالهٔ ذهبیه امام رضا برای همو که پس از سومی ترجمه کرده و در دوشنبه ۱۰ ذیقعده ۶۲۴ نوشته است.

۵ ـ رساله ای در سیاست بفارسی که برای همو ساخته و در دههٔ باز پسین ۶۲۴ نوشته است.

۶ ـ مختصر فی الامثال والاشعار بفارسی که برای همو ساخته و در ۱ ع ۶۲۵/۲ آن را نوشته است. همه این مجموعه بخط همین داشمند میباشد.

بارون قفطی کتاب ابن بطلان را که اکنون میشناسیم «تقویم الصحة فی قوی الاغذیه ودفع مضارها» خوانده است و خود او در دیباچه آن میگوید: «تعمل جداول یتعلق بالاغذیه والاشربه وسائر ما تعدده فی الزایرجة لیسهل علی الملوک النظر فیها لانسهم بالتقاویم المشبهة لها»

[۲۲۶۴]

۱۲۳۹ بسخ و عنوانها و جدولها بشنگرف میباشد و بسیاری از نشانه‌های نسخه را در کلیشه می‌بینیم.

(۴۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج خالی ضربی درون بزه
اندازه: ۱۴×۲۱ ـ ۱۸×۲۶ س گونا گون

[۱۹۴۶] تکمیل الایمان (فارسی)

عبدالحق بن سیف الدین ترک دهلوی نگارنده این کتاب است و آن در کلام است بروش پیروان سنت، و شرح ماند یست از متن اعتقادی بعربی و گاهی بفارسی گویا از خود او.

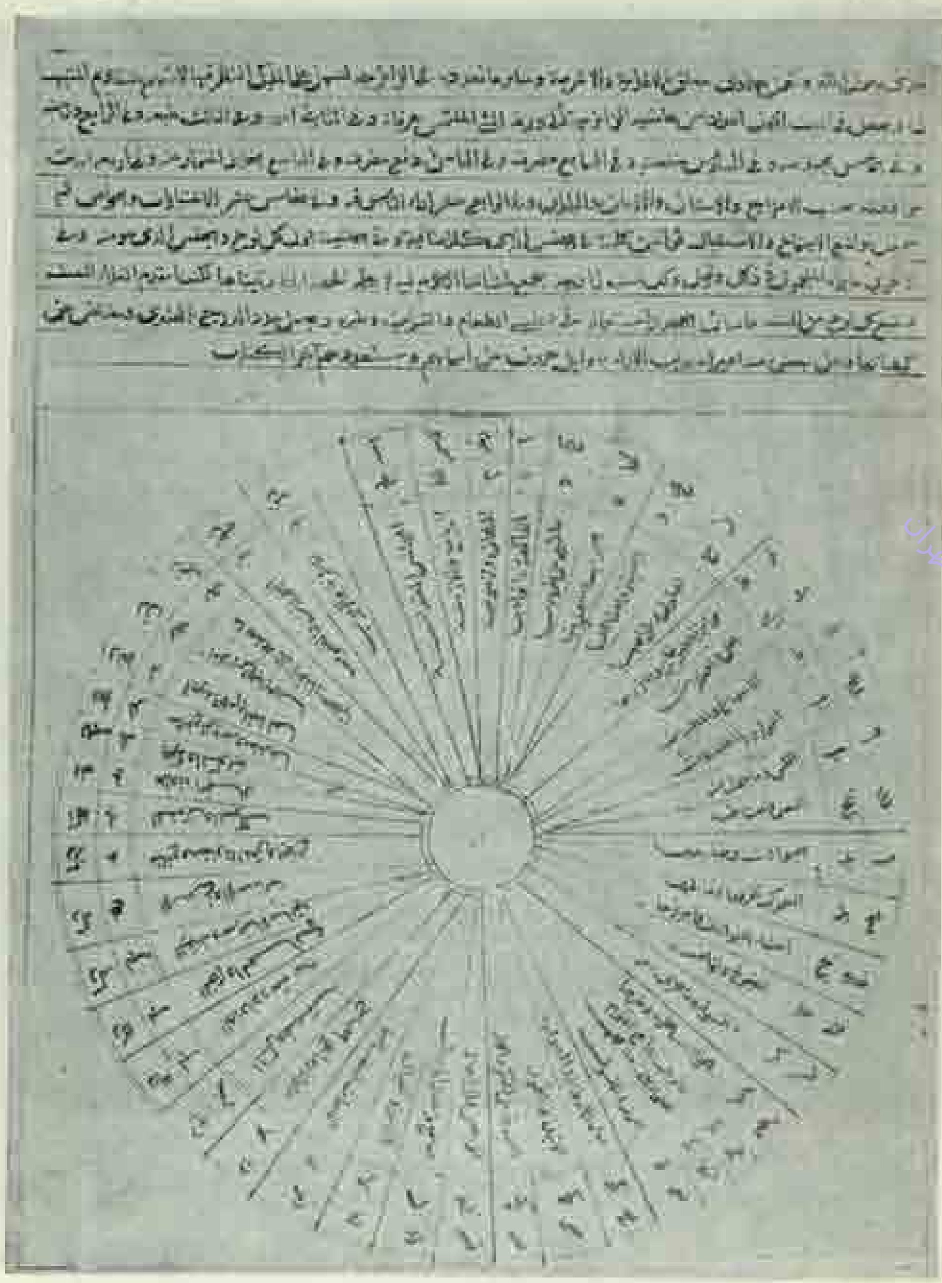
آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین و الصلوة والسلام علی سید المرسلین و امام المتقین وخاتم النبیین محمد... اما بعد میگوید ... عبدالحق بن سیف الدین الترک الدهلوی البخاری که این رساله ایست مسمی به تکمیل الایمان وتقویة الایقان در بیان عقاید اسلام وقواعد ملت بر طریقه سنیه اهل سنت وجماعت



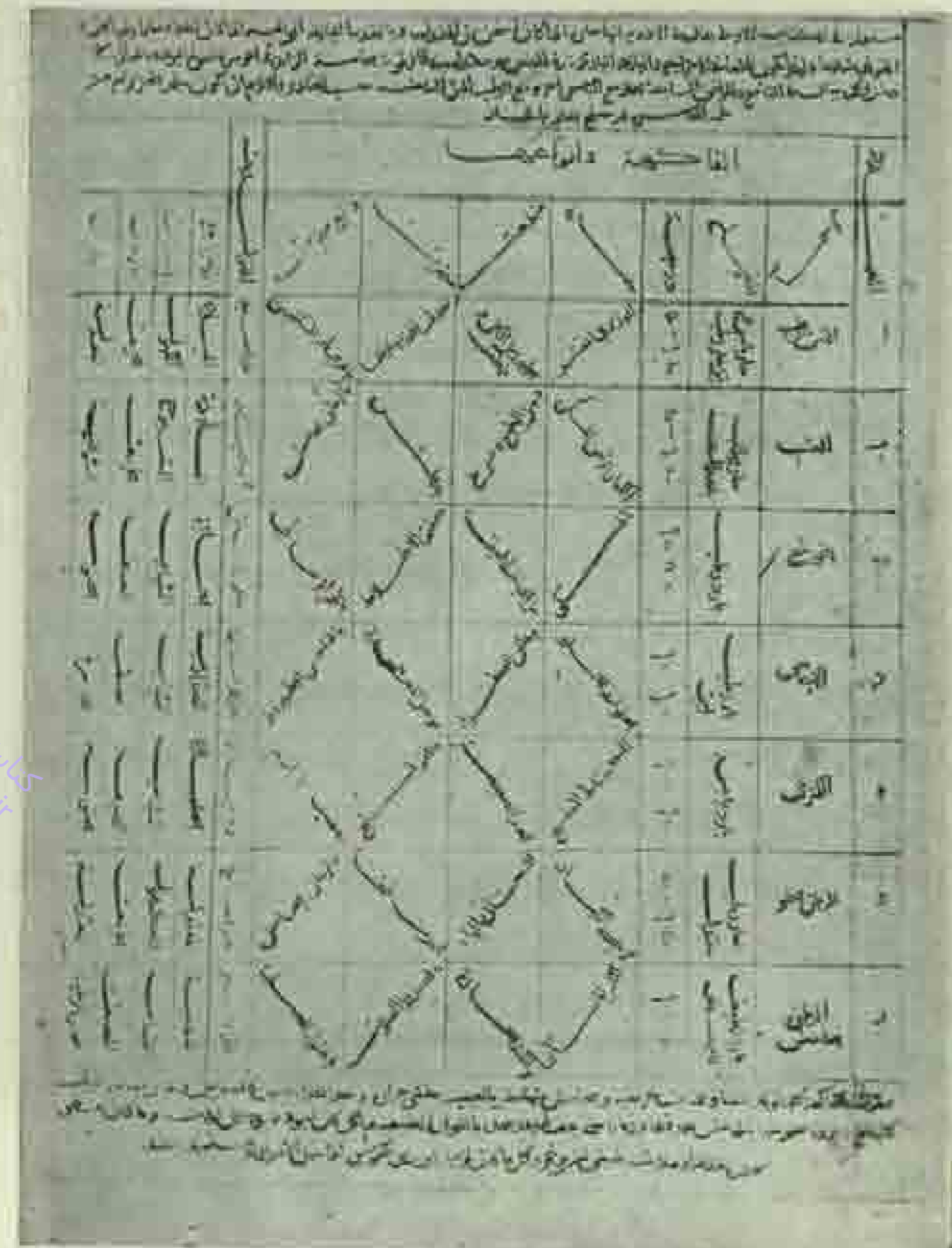
آغاز تقویم الصحه گ ۲ ر ش ۱۲۳۹



گ ۲پ ش ۱۲۳۹ از آغاز تقویم الصحة



گ ۳ ر ش ۱۲۳۹ تقویم الصحه



گ ٣ پ ش ١٢٣٩ تقويم الصحه



گ ٤ ر ش ١٢٣٩ تقويم الصحه



یك صفحه بآخر مانده نسخهٔ ش ۱۲۳۹ تقویم الصحه



پایان تقویم الصحة گ ٤٤ پ ش ۱۲۳۹

انجام : وایمن بودن از مکروی کفر لست وسلامتی ایمان در میان امید وبیم است (تمام شد) .

[۲۲٦٥]

۱۲۹۹ بخط نستعلیق وعبارات عربی شنگرف است .
در ۷۱ پ دودعاست باعنوان «درود حضرت قادریه عالیه»
(۷۱ گ) ــ کاغذ سپاهانی لیماج سرخ‌تری متوالی
اندازه : ۸×۱۸ ـ ۱۲×۲۲ س۱۷

[۱۹٤۷] **تمهیدات** (فارسی)

از عین‌القضات همدانی که درنسخه‌ها زبدة‌الحقیقة نامیده شده‌است . این دانشمند درهمدان در شب چهارشنبه ۷/ج۲/۵۲۵ در ۳۳ سالگی کشته شده است . بطوریکه خود او درشکوی‌الغریب عن‌الاوطان الی علماء‌البلدان(۱) میگوید زبده‌را که آخرین نگارش اوست در۲٤سالگی ور۵۱۵ بپرداخت (حاشیه تتمه بیهقی ص ۲۰۱)

چلبی (۲ : ٦) مینویسد که زبدة‌الحقائق صدفصل‌دارد وبفارسی‌اوعربی است وچنین است آغاز آن «احمدالله سبحانه وتعالی علی نعم متواصلة» ودرآن ازسه اصل اعتقادات بحث شده‌است . بطوریکه درمجلۀ یادگار (س ۲۷ ش ٤ س۳) هم‌آمده‌آنکه صدفصل دارد عربی‌است‌وچندبندی از آن درهمین مجله (س٦٤ش۲ وس۲۷ ش٤) متن‌یاترجمه فارسی‌آن یادشده است . نسخه‌ای از آن را من دیده‌ام که در ذی‌حجۀ ۵۹٦ درمدرسۀ مجاهدیۀ مراغه نوشته شده‌وصدفصل دارد وتازی‌است ودرآن از رساله علائیۀ خود که درباره مذهب سلف‌نوشته‌است یادنمود ودردیباچه دارد « فهذه‌اللمعةموسومة بزبدة الحقائق ... وقداودعتها مائة فصل» .

مکتوبات اوهم بسیارمفصل ودرپاریس (شماره پشین فارسی ۳۵) وتر کیه‌هست . درلسان‌المیزان آمده که او ازهوشمندان جهانیان لست وسخنانی در تصوف بدعی فلسفی دارد وبروش فیلسوفان وباطنیان رفته‌است . جامی درنفحات عبارتی از زبده یا

۱ ـ نسخه ش ۲۰۷٦ برلین وچاپ‌عبدالجلیل درروزنامه‌آسیائی در ۱/۱۹۳۰-۷٦ و۱۹۳- ۲۹۸

تمهیدات آورده که در تمهید اصل۹ ص۳۸ دیده میشود ولی‌عبارت دیگر که دوباره نگریستن بکتابهای حجةالاسلام درچهارسال سپس شاگردی او پس از یکسال نزد احمدغزالی در کمتر ازبیست روز که اوازبده آورده است درعربی‌هست نه درفارسی (نیزطرائق‌الحقائق که گویا دراین‌وجها ازجامی گرفته‌است) درریاض‌العارفین عبارتی ازاین کتاب که درپیش‌بینی از کشته‌شدن خوداوست ومیگوید مراهم‌همین‌آتش‌درکاسه است‌«آمده است وآن با اندکی جدائی درتمهیدات هست وخواهیم‌دید .

درریاض‌العلما آمده که بگفته‌میرمخدوم‌درنواقض‌الروافض (ش۲۵۱ کف۲۳۹ درمصائب‌النواصب شوشتری ص۲۱۸ فهرست) گور اورا درروزگار شاه‌اسماعیل‌صفوی قزلباشها باخاک‌جای چندین‌دانشمند سنی دیگرویران کرده‌اند (۱) .

جامی درنفحات‌الانس درسرگذشت میانجی عبارتی ازهمین تمهیدات (تمهید ۸ ص۳۰ ـ گ ۷۵ پ) راآورده که دردنبال آن این‌شعرها است :

همه جورمن از بلغاریان است — کزان آهم همی باید کشیدن

۱ ـ برای سرگذشت میانجی بنگرید به ، طبقات‌سبکی ٤ ، ۸۷ و۲۳٦ که‌میگوید خراسانی بود ـ مرآةالجنات یافعی۳ ، ۲٤۷ ـ میزان‌الاعتدال ۲ ، ۳۲۰ ـ لسان‌المیزان ٤ ، ٤۱۱ ـ معجم‌البلدان ٤ ، ۷۱۰ در «میانه» ـ شذرات‌الذهب ٤ ، ۷۵ ازذالعبر» ما نااز ذهبی ـ خریدةالقصر ـ زبدةالنصره ص۱۵۱ (همان کتاب‌تاریخ دولة سلجوق ص۱۳۷) ـ نفحات‌الانس ص۳۷۱ ـ حبیب‌السیر ۲ ، ٤۰۲، ۱۰۲ (چاپ تازه۲، ۵۱٦) ـ تتمۀ بیهقی ش٦۷ وص۲۰۱ = دره ش۲۵ ـ نزهةالارواح شهرزوری ش۵۸٦ گ ۱٤۳ پ ـ ترجمۀ آن ش٤۲۷ گ ۱۸۱ پ ـ کنزالحکمه ص۷۷ ـ طرائق‌الحقائق ۲ ، ۲۵٤ ـ مجمع‌الفصحا ۱ ، ۳٤۰ ـ ریاض‌العارفین ص۱۸٦ ـ تذکره‌حسینی ص۲۰۵ ـ خزینة الاصفیا ۲ ، ۱۰ ـ سفینةالاولیا ص ۱٦۸ ـ ریحانةالادب ۳ ، ۱٤٤ ـ قاموس‌الاعلام ص۳۲۳۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص۲۸۳ ـ ریاض‌العلماء افندی ش۲۵۱ ص٤۱۷ و٤۲۰ ـ چلبی ۲ ، ٦ (زبده) و٦٦ (شکوی) ـ فهرست‌ایوانف ص ۵۵۸ ـ بروکلمن ۱ ، ۳۹۱ و پیوست ۱ ، ٦۷٤ ـ دیباچه مشکان طبسی برتازیانۀ سلوک ـ متون عرفانی ماسینیون ص ۹۸ و ۱۸۹ ـ روزنامه آسیائی ج ۲۰٦ س ۱۹۳۰ ص ۱ـ۷٦ و۱۹۳ـ۲۹۷ ـ فهرست دانشگاه از دانش‌پژوه ص۱٦۰ (ایزدشناخت) و ٤۹۸ (شرح کلمات قصار) و۲۱۱۵ (شرح زبده طوسی) ـ مجله یادگار س۳ ش۲ ص۲۳ وش٤ ص٦٦ ـ درانساب سمعانی درمیانجی نامی ازعین‌القضاة برده‌نشده‌است .

کنه بلغاریان را نیز هم نیست — بگویم گر تو بتوانی شنیدن

خدایا این بلا و فتنه از تست — ولیکن کس نمیارد چخیدن

همی آرند ترکان را ز بلغار — ز بهر پردهٔ مردم دریدن

لب و دندان آن خوبان چون ماه — بدین خوبی نبایست آفریدن

که از دست لب و دندان ایشان — بدندان لب همی باید گزیدن

این بیتها در تمهیدات از کسی دانسته نشده است.

همو در بهارستان (روضهٔ ششم ص۹۹ چاپ ۱۳۱۱ تهران) مینویسد که ناصرخسرو «بسوء اعتقاد وميل بزندقه والحاد» متهم بوده و «این ابیات که عین القضاة قدس سره در کتاب زبدة الحقائق ایراد کرده از جملهٔ منظومات اوست» سپس همان بیتها را میآورد. آقای تقیزاده در دیباچه دیوان ناصرخسرو (ص مط) نیز بهمین گفتهٔ جامی اشارتی کرده است. آقای ایوانف Ivanev در Problems in Nasir – iKhusraw's bibliography (چاپ ۱۹۵۶ ص۷) از این سخن میخواهد خرده بگیرد که: «از بهارستان چنین چیزی بدست نمیآید و در چندین نسخهٔ خطی و دو چاپ تمهیدات که دیده شده ندارد که این بیتها از ناصرخسرو است و گویا جامی نسخهٔ کهنی از آن در دست داشته بوده و در آن این بیتها از آن میانجی دانسته شده بوده» این نکته را باید گفت که این بیتها با اندکی جدائی وفزونی وکاستی در دیوان (ص۳۶۶) دیده میشود ولی ناشر دیوان در شك است که آیا این بیتها از ناصرخسرو است یا نه و میگوید که در نسخههای دیوان قطعهایکه این بیتها را میتوان جزئی از آن بشمار آورد جسته گریخته و پراکنده دیده میشود. پیداستکه جامی این بیتها را در دیوان او دیده و گفته از اوست نه اینکه بگوید که عین القضاة آنها را از او دانسته است.

فهرست تمهیدات

کسانیکه در زبده یاد شدهاند اینها هستند:

قاضی فضول ـ حسین منصور ره ـ ابویزید ره ـ شیخ ملك المشایخ شبلی ره ـ سهل بن عبدالله تستری ره ـ بشر حافی ـ حسن بصری ره ـ طاوس ـ ابوالحسن بستی ـ شیخ بوعلی ـ اویس قرنی ـ استاد ابوبکر توزکی ـ ابوالحسن خرقانی (در تمهید الاصل السادس ص۲٤ گ ۵٦ر دارد که بزبان روستائی او را بلسنو = بوالحسنو میگفتهاند) ـ ابن عباس ـ عبدالله بن عمر ـ استاد ابوعلی دقاق ره ـ شیخ ابوسعید ابوالخیر ره ـ شافعی ـ ابوحنیفه ـ معاذ بن جبل ـ شیخ اویس ـ شیخ عبدالله انصاری ره در مناجات ـ شیخ ابوعمرو علوان ره ـ بوسعید ترمذی ـ خواجه امام محمد غزالی ـ جنید ره ـ یوسف عامری ره ـ معروف کرخی ـ ابوالعباس قصاب ـ علی بن ابیطالب ـ اویس قرنی ـ استاد ابوبکر وراق ـ شیخ بوسعید خراز ـ امیر القلوب ابوالحسن نوری ـ شیخ ابوبکر ره (شیخ شیخها) ـ ابوعلی سینا ـ عثمان بن عفان ـ ابوذر غفاری ـ ابوبکر ـ عمر ـ

در تمهید الاصل الاول (ص۸ گ۹ ر وافتاده دارد) آمده است:

«از آن بزرگ که نشنیدی که گفت سی سال است که من با خدای سخن میگویم خلق پندارند که با ایشان سخن میگویم. ای عزیز معذور دار. قاضی فضول همدانی از کجا و این سخنهای اسرار از کجا گوینده نمیداند که چه میگوید شنونده چه داند که چه میشنود. و بسیار سالها بروزگار بهبزرگان چون امام سعدالدین بغدادی وچون امام عزالدین وامام ضیاءالدین وخواجه کامل الدولة والدین نوشتم که مجلدات

بود اما این ساعت مدتی بود که نوشتن را عزم داشتم و تقصیر می افتاد و چنانکه در ماشی میبود نمی بود. از بهر آنکه مدتی بود تا دل این شیفته از زبان شنیدی که زبان قایل بودی و دل مستمع. در این وقت عزم نوشتن می افتاد اکنون مدتی آمد که زبانم از دل میشنود و دل قایل است و زبان مستمع. و این بیچاره را اوقات و حالات بوالعجب روی مینماید ... پس هرچه در مکتوبات و امالی این بیچاره خوانی و شنوی از زبان من شنیده باشی از دل من شنیده باشی (و آنچه از زبان من شنیده باشی) از روح مصطفی شنیده باشی (و آنچه از روح مصطفی شنیده باشی) از خدا شنیده باشی ... من نیز چنانکه آید گویم و آنچه دهند من نیز هر بدمایه بر خوان کتابت نهم.

درتمهیدالاصل الثانی (ص۱۱ ـ کـ ۸۸ ر) آمده است :

«اما فرا اکثر این دردها که این ضعیف بیچاره فتوح روحی از وی دیده است (از این دردها این ضعیف «عین القضاة») اگرچه اذکار و دردهای خدای تعالی خود همه مرتبتی بلند دارد اما این اذکار خصوصیتی دیگر دارد ... در همه اوقات این دعا مجرب است و روی از ائمهٔ کبار روایت کنند.»

در پایان تمهیدالاصل السابع (ص۲۸) دارد :

«ابوعلی سینا را معذور دارید آنجا که گفت : العناصر الاربعة قدیمة . بدین عناصر که قدیم میخواند ، عناصر حقیقی میخواهد ، نه عناصر دنیا . دریغا که خلق بس مختصر فهم افتاده اند از کار حقیقت ، سخت دورند از معانی.»

درتمهیدالاصل التاسع (ص۳۲) دارد :

«سالکان حضرت الهیت برفنون و تفاوت آمدند بعضی از ایشان بینا درون شده اند و باطن خود را دیده اند که زنار داشته پس خواستند که ظاهر ایشان موافق باطن باشد زنار بر ظاهر بستند نیز و گفتند باطن که مسکن ربوبیت است آکنده بکفر و ضلالت بود و از زنار خالی نباشد اگر ظاهر که محل نظر خلق است زنار دارد با کی نیست دریغا چه فهم خواهی کردن چه دانی که چه گفته میشود ! و گروه دیگر مست آمدند زنار نیز بربستند و سخنهای مستی آغاز کردند . بعضی را بکشتند و بعضی را مبتلای غیرت او

کردند . چنانکه این بیچاره را خواهند بودن . ولی نمیدانم که کی خواهد بودن هنوز دور است ... روز کاری بر این شیفته میگذرد که از وجود خود ننگ دارم وجز ناله و سوختن سودی نه.»

درتمهیداصل ۹ (ص۳۵ و۳۶ ـ کـ ۹۸ پ) مینویسد :

«دریغا در این حضرة القدس که کفتم یکماه این بیچاره را بداشتند چنانکه خلق خدای پنداشتندی که مرا موت حاصل آمده است پس با کراهی تمام مرا باز بمقامی فرستادند که مدتی در آن مقام بودم و در این مقام ذنبی از من بوجود آمده که عقوبت این ذنب در روز کار چندینی که از بهر این ذنب کشته شوم چگونگی آنکس را که در عشق دایمی باشد از رسیدن بمعشوق بین که چه بلا آید او را . در این معنی این بیچاره را روزی افتاده است با او که نمیدانم که هر کز درمان یابم یا نه هر کز دیده ای که کسی دو معشوق دارد و با این هر دو خود را نکاه باید داشت . اگر با او باشد این دیگر خوش بر نزد و اگر با آن دیگر همچنین ... شیخ سیاوش ما گفت : امشب مصطفی را در خواب دیدم که از در در آمد و گفت : عین القضاة ما را بگوی : که ما هنوز ما کن مرای سکوت الهی نشده ایم : تو بیکمیندی صبر کن تا وقت باز آید ، که همه قرین باشد ما را بی بعد ، همه وصال بود بی فراق . چون این خواب بهرمن حکایت کرد ، صبر این بیچاره از صبر بنالید ، و همگی مستغرق شدم . دریغا حالی که مصطفی با محبان خدا جمع آید ؛ چون منی و چون توئی کجا طاقت دارد . بعد از آن بیچاره ، چون نکاه کردم مصطفی را دیدم ، که از در در آمد و گفت : آنچه با شیخ سیاوش گفته بودم ، ترا گفت . چون سیاوش نور مصطفی را دیده ، در بیداری طاقت نداشت . چون آن نور شعله زد ، سیاوش در حال سوخته شد . خلق پنداشتند که سحر و شعبده است . مصطفی رفت ، اکنون آنچه این بیچاره را با مصطفی افتاده شمه ای از شما دریغ ندارم ... اکنون این بیتها گوش دار ، تا تو نیز حلوائی شوی ، تا آنچه ما را خواهند کردن ترا نیز نصیب خواهند دادن . او بیذاری که قتل در راه خدا بلا باشد ؟ قتل در راه خدا جان بخشیدن باشد ! اگرچه کسی دوست ندارد که جانش دهند . دانی که چه میگوید ؟ گفت بار خدایا محبان خود را تا چند کشی ؟

گفت چندانکه دیت دارم. گفتم دیت چه باشد؟ گفت لقاء جمال ما دیت ایشان است. ما کلید سری از اسرار بخود دادیم. او سر ما را آشکار کرد. ما نیز بلا در راه او نهادیم؛ تا دیگران سر ما را نگاه دارند. ای دوست چه در سر داری؟ سر آن داری که سر در بازی تا او همسر تو شود. دریغا هر کس سر آن ندارد! فردا باشد که عین القضاة را بینی که چون این توفیق یافته است که سر خود فدای او کند تاس دوری یابد. من خود میدانم که کار من چون خواهد بودن ... اگر خواهی که بدانی از ناصرالدین باز پرسی وقتی بود که در آمدی با جماعت صحبان در آن حالت که مرا بودی و گاه بودی که مرا با خود نداشتندی و مرا از چشم ایشان باز پوشیدندی که چون در آمدندی مرا ندیدندی وقت بودی که یکماه در این مقام بماندمی چنانکه هیچکس مرا نیافتندی ... من و پدرم و جماعتی از ائمهٔ شهر ما حاضر بودند در خانه مقدم صوفی پس ما سماع میکردیم و بوسعید ترمذی بیتکی میگفت پدرم بگریست و در گریه گفت خواجه امام احمد غزالی را دیدم که با ما سماع میکرد و لباس اورا نشان داد که چنین و چنین بود و شیخ بوسعید گفت نمی‌یارم گفت که مرگ آرزو میکند در حال من گفتم بمیر ای بوسعید در ساعت بیهوش شد و بمرد. مفتی وقت دانی که خود که باشد گفت چون زنده را مرده میکنی مرده را نیز زنده کن گفتم مرده کیست گفت فقیه محمود گفتم خداوندا تو فقیه محمود را زنده کن در ساعت زنده شد کامل الدوله نوشته بود که در شهر میگویند که عین القضاة دعوی خدائی میکند و بقتل من فتوی میدادند. ای دوست اگر از تو نیز فتوی خواهند تو نیز فتوی بده من همه را این وصیت میکنم که فتوی در این آیت نویسند «ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها وذروا الذین یلحدون فی اسمائه» من خود این قتل در سماع بدعا میخواهم دریغا هنوز دور است کی باشد»

در تمهید الاصل العاشر آمده: «دانم که ترا در خاطر آید که محمد ص را ثمرهٔ شجرهٔ الهی میخوانند این چگونه باشد؟ اگر خواهی که شکت برخیزد نیک گوشدار! اگر چه از برای این سخن خونم بخواهند ریختن، اما هم دریغ نخواهم داشت، و بترک خود بخواهم گفتن؛ دیگران چو نکه در بند خود بودند یارا و زهرهٔ گفتن نداشتند که

گویند ... دریغا که میبینی که چند تمامی و جاسوسی بکردم و چند از اسرار الهی در صحرا نهادم اگر چه گفتن این اسرار کفر آید که افشاء سر الربوبیة کفر.

... مدتها بود که تنی از علماء راسخ معلوم بودند؛ و لکن امشب که شب آدینه بود، که زمان کتاب بود و همین را معلوم من کردند؛ و این خواجه محمد غزالی بود. شیخ احمد را میدانستم؛ محمد را نمیدانستم. محمد نیز از آن ما است! اگر چه خواهی آنچه گفتم تمام بدانی از شیخ احمد غزالی بشنو.

... دریغا هر که خواهد که بواسطه اسرار الهیت از او شنود؛ گو از عین القضاة همدانی شنو؛ که گفت ان الحق لینطق علی لسان علی ... در این مقام که عین القضاتم، نوری دیدم که از او جدا شد؛ و نوری از خود دیدم که بر آمد. هر دو نورها بهم بر آمدند، و متصل شدند؛ و صورتی زیبا شد؛ چنانکه چند وقت در این متحیر مانده بودم.

ای دوست اگر در کتاب زبده هیچ کلمه‌ای نیست جز این کلمات که زبدهٔ علوم و جهان آمد بس بود عالمیان را ... دریغا چه دانی که در این تمهید چند هزار مقامهای مختلف باز پس گذاشتیم؛ و از هر عالمی زبده در کسوت رموز عالم کتابت آوردیم.

اما باید که دانی که این ساعت خود مرتدم؛ دانی که چه میگویم! اگر باورت نیست از مصطفی ص بشنو که گفت: من بدل دینه فاقتلوه؛ که گفت: هر که دین خود بگرداند او را بکشید. اما همگنان عین القضاة نباشند که در عزت دائرهٔ هو مستغرق باشند».

شوشتری در سر گذشت طوسی از نگارشهای او یکجا از رسالهٔ زبده یاد کرده و باز نوشت: «و ترجمه کتاب زبدة الحقائق عین القضات همدانی و شرح مواضع مشکله آن بالتماس و تکلیف امیر ناصرالدین محتشم که از اعیان طائفهٔ اسمعیلیه بوده و کتاب اخلاق ناصری باسم امیر ناصرالدین مذکور. پیداست که طوسی زبدهٔ عربی را بپارسی در آورده است چنانکه شوشتری پیش از این گفته است «رئیس ناصرالدین محتشم که از افاضل زمان و از اسخیای امراء علاءالدین محمد بن جلال الدین حسن پادشاه اسمعلیان الموت و قهستان بوده خواجه را بلطائف الحیل نزد خود برد و صحبت او را مغتنم شمرد و در رعایت

خاطر او بافصی مراتب کوشید و از فراید افادات خواجه زیور علم وحکمت پوشید و حضرت خواجه کتاب مستطاب اخلاق ناصری را بنام او دررشته نظم و تألیف کشید»

تمهیدات درمطبع سعادت لسداالله در شیراز بدستیاری احمدبن حاج محمد کریم تبریزی درشوال سال ۱۳٤۲ در۹۱ ص در دنبال سبع المثانی باتحفهٔ عباسیه و رسالهٔ معرفت و رسالهٔ قدس روزبهان شیرازی بخط نسخ ونستعلیق بچاپ سنگی رسید.

چنانکه آقای ایوانف میتویسد (ص۸) سیدمحمدحسینی گیسودرازچشتی (م ۸۲۵) الفاظ و عبارات عربی آنرا شرح کرده و گزارش او بسال ۱۳٦٤ در گلبرگه با متن چاپشده است (نیز فهرست مشکال اراد ص۵۸۳ ش۱۲۱۹) خودم هم این شرح را دیده‌ام.

درفهرست برو کلمن (۱:۳۹۱؛ پیوست ۱:٦٧٤) نسخه های زبده بدینگونه نشان داده شده:

زبدة الحقائق و کشف الدقائق فی الحکمة الاشراقیه: برلین ۱۷۳۷ - ایا صوفیا ۱۸۳۹/٤۰ - شهیدعلی‌پاشا ۱۲۰۹ - زنجان (لغة العرب ٦، ۱۹۲۸، ۹٤) - قدس الله ۱۹۸ - بایزید ۱۷۰۳ - قدس ۳۱/٤۳ - ترجمهٔ آن درپاریس شارپینتن فارسی ۳٦ و سلاو ۲، ۱۰۷ (ترجمهٔ ترکی بنام کنز الحقائق و کشف الدقائق).

درنسخهٔ ش۱۳٤٦ سپهسالار نوشتهٔ ۱۰۲۵ در۳۲۰ ص چهار کتاب است: نخست ترجمه رشف النصائح سهروردی ازمعین الدین علی یزدی که نخستین بخش نسخه است.

دردومین بخش آن سه کتاب است یکی (۱ پ-۸۱ پ) رساله‌ایست عرفانی باعنوانهای تمهید وبفارسی بهنثر ونظم وچنین است:

آغاز: روح وعشق هردو دریکزمان موجود شدند وازتکون درظهور درآمدند.

انجام: گرحضرت اورضا کند خوش باشد. ربنا ظلمنا انفسنا ... وبالاجابة جدیر

این رساله بنام لوایح عین القضاة همدانی درتهران بچاپ رسیده است.

دیگری سوانح غزالی که رساله‌ایست عرفانی وبفارسی ودرعرفان وعشق (۸۱ پ - ۱۰۱ پ) وچنین است:

آغاز: قال رضی الله عنه: چندفصل ثبت افتاد تعلق بهیچ جانب ندارد. درحقایق عشق واحوال واعراض.

انجام: این اسرار جان ما را روشن گرداناد و ما را از نهان کردن آن، بحق محمد وآله اجمعین.

یکی دیگر زبده فارسی عین القضات میباشد (۱۰۱ پ - ۲۳٦ پ) که مانند نسخهٔ ما وچاپ شیراز میباشد.

درنسخهٔ شمارهٔ ۳۸۷۵/۳۸۴۴ آنجا رساله‌ایست بفارسی دارای چندتمهید با شماره مانند «تمهیدالاصل الرابع» وجز آن ودرشت مانند همین زبده ولی جز آنست و چنین است آغاز آن:

«بسمله نسخة کتاب کتبها القاضی الامام المرحوم الشهید السعید عین القضاة ابوالمعالی محمدبن عبدالله المیانجی قدس الله روحه العزیز. بسمله. وبه اتوکل خدای تبارک وتعالی برافد امزوا تکامدار او وتوفیق طاعتش دهاد وبتارستمو برضای اولازوعیاش غیر او» این یکی باید ازمکتوبات همدانی باشد.

چنین است عنوان این تمهیدات بازبدهٔ فارسی درنسخهٔ ما: کتاب زبدة الحقیقة من کتاب الله تعالی واخبار النبی صلی الله علیه وسلم ومقالات المشایخ من تصنیف مولی المعظم علامة العالم سلطان المحققین عین القضاة الهمدانی رحمة الله علیه رحمة واسعة (گ ۳ ر)

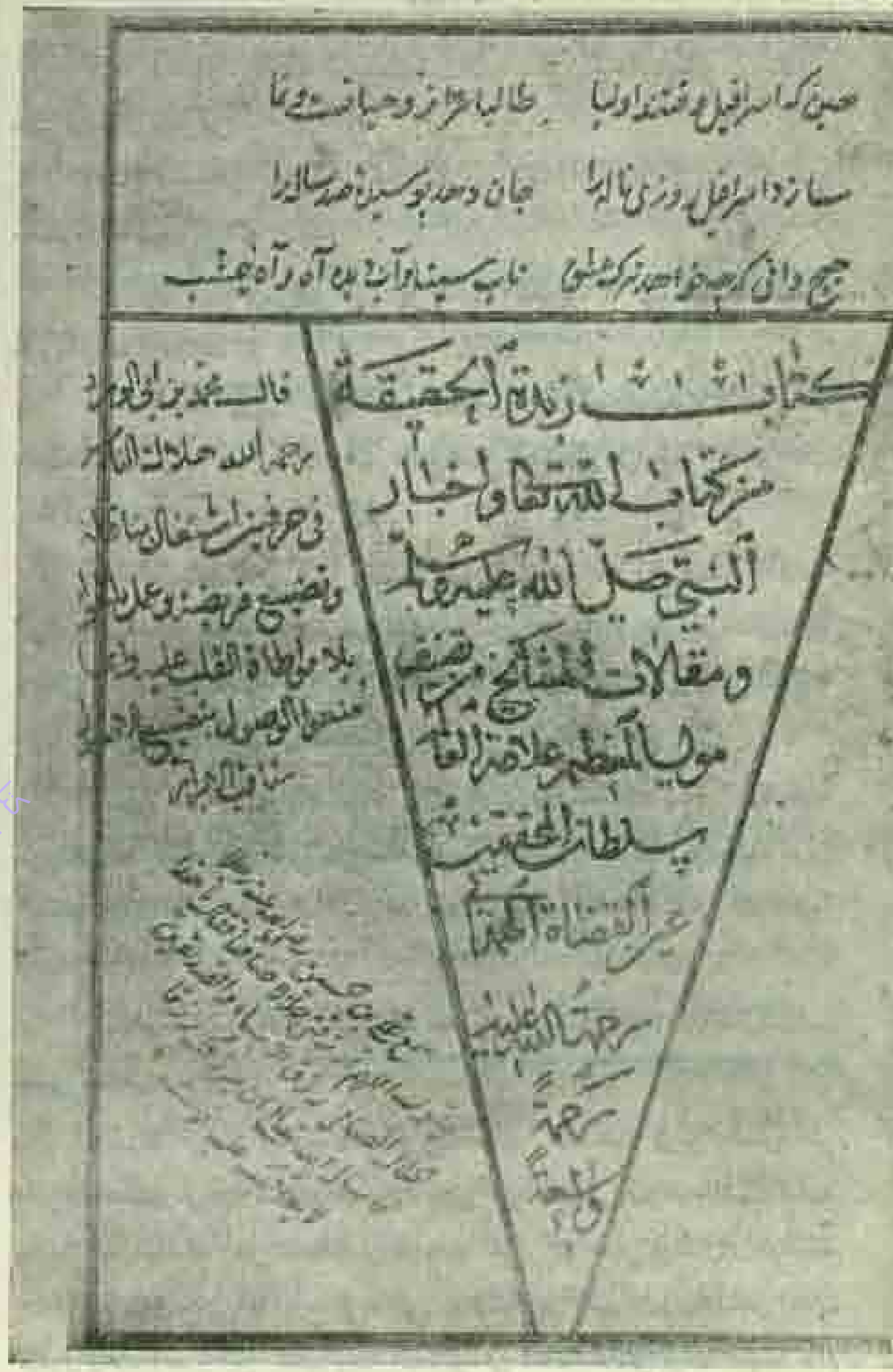
آغاز نسخهٔ شمارهٔ ۲۸۱۹ کتابخانه ملك کهدر تاریخ ۱٤ صفر ۱۳۰۳ کامل شده است چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین حمد الشاکرین والصلوة علی خیر خلقه محمدوعلی آله واصحابه اجمعین. چنین گوید المولی المرحوم الشهید السعید ملك الافاضل والعلماء عین القضاة قدس الله روحه العزیز که جمعی دوستان درخواستند که ازبهر ایشان سخنی چندد رج کرده شود که فائدهٔ روز کاردر آن بود. ملتمس ایشان مبذول داشته آمد و این کتاب زبدة الحقائق فی کشف الدقائق بر ده تمهید تمام

کرده شدتاخوانند کان را فائده‌ای بود. تمهیداصل بدانکه درحق صورت بیتان ...»
درهامش آن دارد: «تمهیدات مرحوم عین القضات همدانی. بسمله وبه‌نستعین الحمدلله
رب العالمین ولاعدوان الاعلی الظالمین و الصلوة والسلام علی خاتم الرسالة والهادی
من الضلال محمدالمصطفی وآله وصحبه اجمعین. تمهیداصل اول».

آغاز: بسم‌الله الرحمن الرحیم. سپاس آنخدائی را که آفرید عالمرا نه‌ازاصلی
ونه‌برمثالی واستعانت نکرد بآفرید کار معینی یعنی بیاری. ومراد وی از آفریدن عالم نه
آن بود تاخودرا منفعتی از آن حاصل کند یا مضرتی از خود دفع کرد الله بلکه بآفریدن
پیدا کردن قدرت راواظهار کردن عظمترا تا عاقلان بتوفیق وی راه یابند وبدانند که
اوسبحانه وتعالی حی است وقدیم است ومرید است وسمیعست وبصیراست و متکلمست
وحکیم است وقادراست وباقی یفعل الله مایشاء ویحکم مایرید. هرچه‌خواست کرد وهر
چه خواهد کند. نه‌ازطاعت‌مطیعان احدیت اورا کمالی وآرایشی ونه‌ازمعصیت‌عاصیان
صمدیت اورا نقصانی وآلایشی هر کهطاعت کرد آن‌ثاری بود که برسرخود کرد وهر
که معصیت کرد آن تیری بود که برپای خودزد. ازتکاپوی آب وخاک مقدس است جلال
اواز گفتگوی خلایق منزه است کمال اولم یلدولم یولدولم یکن له کفوا احد. وصدهزاران
صلات وتحیات مبارکات برکالبدشریف وروح لطیف وخاک پاک آن صدر نبوت وتاج فتوت
وختم رسالت محمدمصطفا صلی الله علیه وسلم باد وبرخلفای نامدار وفرزندان وی که همه
سادات ملت ومهتران شریعت اند وسلم تسلیما کثیرا اما بعد این‌کتاب را تمهیدات نام
نهادیم وبده تمهید قسمت کردیم برای عارفان وارباب تحقیق وواقفان معنی تا در این
تأملی شافی کنند وتفکری صافی نمایند تانفکری ایشانرا حاصل گردد انشاءالله وتعالی
(برگ ۱۰۱ب ـ ۱۰۲ر نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۴۶ کتابخانهٔ سپهسالار مانند نسخه فهرست
بنگال ص۵۵۸ از آقای ایوانف)

آغاز نسخهٔ ما: بسمله. وبه‌نستعین. الحمدلله‌رب‌العالمین. والعاقبة للمتقین.
ولاعدوان الاعلی الظالمین. والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین الطیبین
الطاهرین وعلی اصحابه رضوان الله تعالی. امابعد. (تمهیدالاصل اول) ـ بدانك: درحق



گ ۳ ر. ش ۱۲۳۷/۱ صفحهٔ عنوان زبدهٔ همدانی

صورت بینان و ظاهرجویان ، با مصطفی علیه‌السلام ، خطاب این آمد : که « وتراهم ینظرون الیك وهم لایبصرون » ای عزیز میگویم : که مگراین آیت درقرآن نخوانده‌ای ونادیده‌ای که : «قدجاءکم من‌الله‌نور و کتاب‌مبین» . محمدرانورمیخواند وقرآن‌را که کلام خدا(حق) است نورمیخواند (درنسخهٔ ما وسپهسالار)

انجام : دریغا علم پایان‌ندارد وما بپایان نخواهیم رسید والتمس‌میخواهیم که بدو دررسیم ونخواهیم رسیدن نه‌علم داریم (ونه‌عمل وجهل‌داریم) نه جهل ونه طلب داریم نه‌ترك نه‌حاصل داریم نه‌بیحاصلی نه‌مستیم ونه‌هشیار نه‌باخودیم ونه‌بااو ازاین‌سخت‌تر چه محنت باشد گوئی کی باشد که ازقیل وقال نجات‌یابم .

(ای‌عزیز بشنو: بیت)

نه دست رسد بزلف یاری که مراست	نه کم شود از سرم خماری که مراست
هـر چند بدیـن واقعـه درمینگـرم	درد دل عـالمی است کاری کـه مراست

چه خوب بیانی این‌حدیث‌را خواستم کردن اما امشب که شب آدینه بودنهم(تسعة) ماه‌رجب شیخ‌ابوعلی آملی‌مدالله عمره گفت امشب‌مصطفی بخواب‌دیدم که توعین‌القضاتی ومن درخدمت‌اومیرفتم (وتو) این کتاب را باخود داشتی مصطفی ع م این‌ها گرفت و گفت تراکه این کتابرا بآستین ازتوپرسید که‌این کتابرا بمن‌نمای (تواین کتابرا بحضرت‌نمودی وحضرت این کتابرا فراگرفت که بآستین) من نه‌تواین کتاب‌آستین (مبارك) اونهادی و گفت ای‌عین‌القضاة بیش‌ازاین‌اسرار برصحرا منه(۱)

جانم فدای‌خاکپای اوباد خودچون بگفت که اسرازبیش ازاین‌صحرا منه من‌نیز قبول کردم از گفتن (اسرار) این‌ساعت دست‌بداشتم وهمگی بدو مشغول شدم تا خود دیگر کی بفرماید. بیت :

تاکه ز درم در آمد آن دلبر مست	جام می لعل نوش کرد وبنشست
از دیدن وز گرفتن زلف چو شست	رویم‌همه‌چشم گشت‌وچشمم همه‌دست

---

۱ ـ اینجا آنچه محیی‌الدین اندلسی درآغاز فصوص درباب کتاب خود مینویسد بیاد میاید .

باش تابعالم‌من‌رسی که زحمت بشریت درمیان‌نباشد، بی‌خود (که‌خود) با تو بگویم‌آنچه گفتنی باشد ، درعالم حروف بیش‌ازین عبارت نتوان آوردن ؛ که (ولی) باشد که ازاوبار خودبرهیم ؛ وهنوزدوراست ؛ وازجوعن قریب میسرشود. «فان تولو ، فقل حسبی‌الله. لااله الا هو. علیه توکلت . وهورب‌العرش العظیم.» (تم‌الکتاب بعون‌الله وحسن توفیقه. والصلوة علی‌محمدخیرخلقه و آله‌الاخیارالابرار.) (گ ۳پ ـ ۱۴۳پ نسخهٔما ونیز نسخهٔ سپهسالار که درپایان دارد : تم‌التمهیدات».

[۲۲۶۶]

۱۲۱۷ شمارهٔ یك‌دفتر بنسخ با عنوانهای شنگرف وبرخی ازصفحات تازه است

(۱۶۸ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلدتیماج خالی زرکوب عنوانی درون‌مشکی

اندازه : ۸×۱۳ـ‌۱۴‌ر۱۴×۱۸ س۱۵

[۱۹۴۸] **توضیح‌الحساب** (عربی)

این کتاب حواشی است برخلاصة‌الحساب شیخ‌بهائی ازمولی محمدتقی بن‌حسنعلی هروی سپاهانی (م ۱۲۹۹) ونخستین تألیف اواست که درهنگام خواندن خلاصه نزد استاد بدان پرداخته ودوباره بدان نگریسته ودر۱۲۴۱ آنرا بانجام رسانده (ذریعه ۴ : ۴۹۲)

[۲۲۶۷]

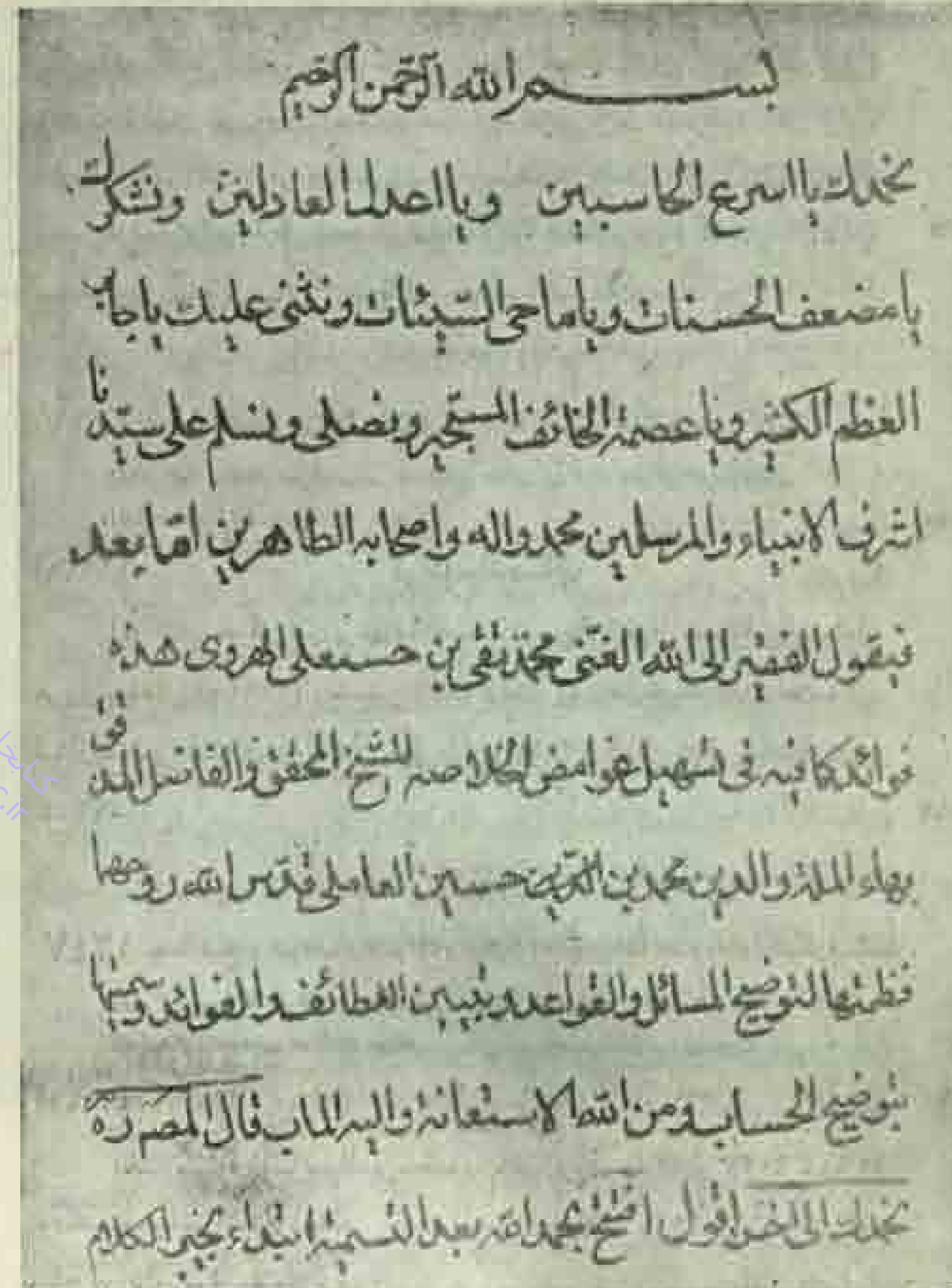
۱۲۴۷ بخط نسخ و عنوانهای «قوله» و «اقول» همچنین نشانه‌ها و جداول شنگرف است .

(۸۸ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج سرخ ضربی

اندازه : ۸×۱۵ ـ ۱۵×۲۲ س۱۴

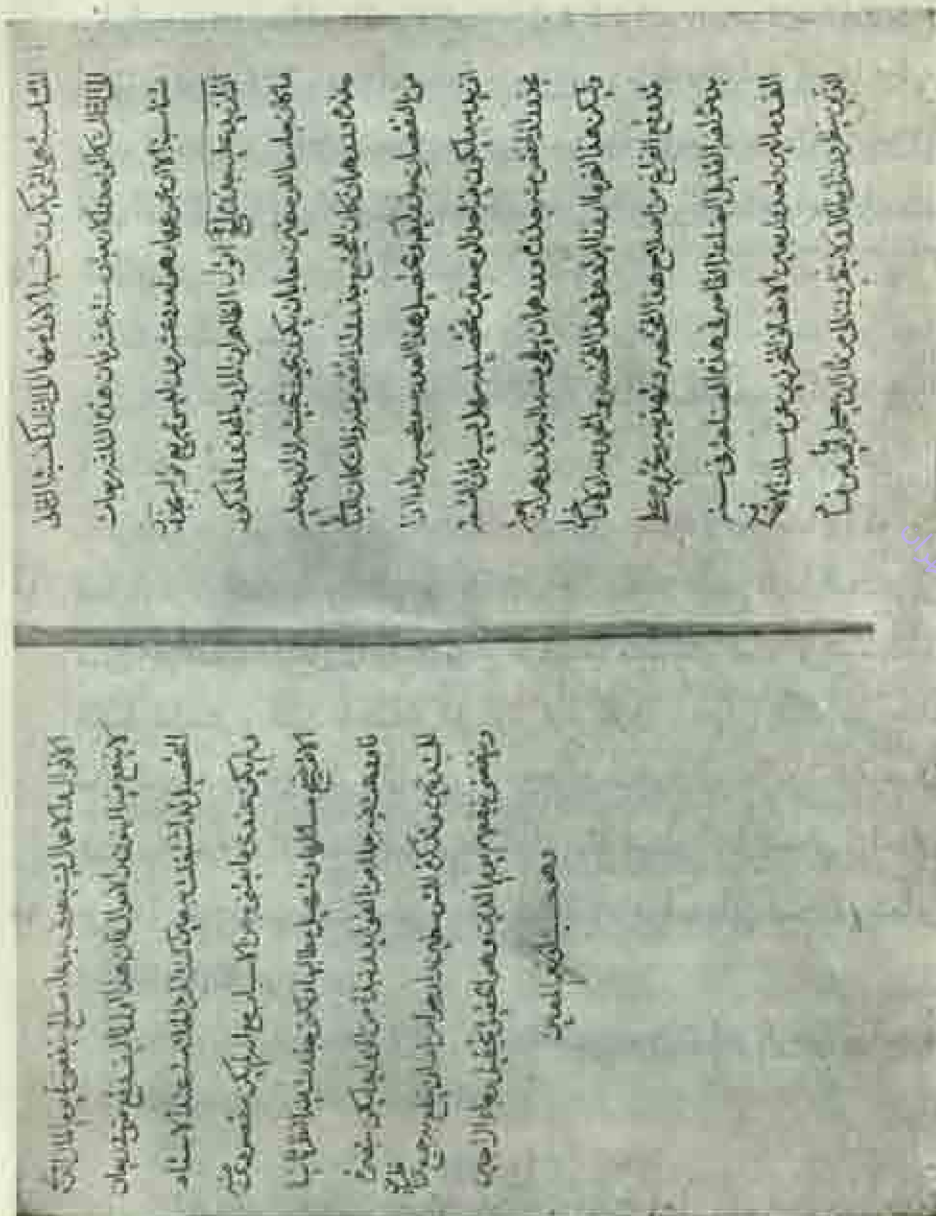
[۱۹۴۹] **جامع مفیدی** (فارسی)

محمد مستوفی پسر نجم‌الدین محمود باقفی یزدی زندهٔ در ۱۰۷۷ ـ ۱۰۹۱ ونگارندهٔ مجالس‌الملوك ومختصر مفیدی (استوری ص۲۳۷ و۳۵۲ ش ۴۶۱) دربصره بسال ۱۰۸۲ ومولتان بسال۱۰۹۰ درتاریخ یزد جامع مفیدی درسه‌مجلد نوشته است (ذریعه ۵: ۷۲) ومجلد سوم آن درسر گذشت شاه‌نعمةالله ولی است واین نسخهٔ ما همین



بسم الله الرحمن الرحيم
نحمدك يا اسرع الحاسبين و يا اعدل العادلين و نشكرك
يا مضعف الحسنات و يا ماحي السيئات و نثني عليك بآلائك
العظم الكثير و يا عصمة الخائف المستجير و نصلي و نسلم على سيدنا
اشرف الانبياء و المرسلين محمد و آله و اصحابه الطاهرين اما بعد
فيقول الفقير الى الله الغني محمد تقي بن حسنعلي الهروي هذه
فوائد كافية في تسهيل غوامض الخلاصة للشيخ المحقق و الفاضل المدقق
بهاء الملة و الدين محمد بن الشيخ حسين العاملي قدس الله روحهما
قطفتها لتوضيح المسائل و القواعد و تبيين اللطائف و الفوائد و سميتها
بتوضيح الحساب و من الله الاستعانة و اليه المآب قال المصنف رحمه
نحمدك الى آخره اقول افتتح بحمد الله بعد التسمية ابتداء بخير الكلام

گ ۱ ر ش ۱۲۴۷ آغاز توضیح الحساب



گ ۸۷ پ و ۸۸ ر ش ۱۲۴۷ پایان توضیح الحساب

مجلد سوم میباشد وهمهٔ آنرا آقای ژان اوبن J. Aubin فرانسوی در تهران بسال ۱۳۳۵ خ بچاپ رساند (ص ۱۳٤ - ۳۵۵) در نسخهٔ ما سه صفحه دیباچه مانده است که در اینچاپ نیامده و در چاپی تر دیك ۱۳ صفحه افزوده دارد که در نسخهٔ ما دیده نمیشود (۲٥٦-۲٦۸) آقای اوبن در بارهٔ این کتاب و نسخه های چاپی و خطی آن در دیباچهٔ فرانسوی گفتگو نموده است :

آغاز نسخهٔ ما : بسمله

یارب بثنای خود سخن سازم کن	در گلشن حمد نغمه پردازم کن
با نعت نبی خویش همرازم کن	در ملك سخنوری سرافرازم کن

برضمیر منیر خورشید اقتباس هوشمندان ... مخفی نمانانده و نخواهد بود که این صحایف موفور اللطایف مجلد سیم است از کتاب افادات آیات جامع مفیدی مشتمل بر تبیین احوالات سادات ووزرا وفضلا وسایر فرق برایا واین مبتنی است بر پنج مقاله و خاتمه. لطیفه ترین نقشی که قلم نقاش فطرت سرلوح کلام را بارقام آن رنگ آمیز وحمد سابقی است ... دربیان احوال سادات وزرا و کلانتران ومشیان ومباشرین اوقات وعمال جزوسر کاردیوان و آن مشتمل است بر هفت مجلس وکلك سخن گذار شمه‌ای از احوال هریك را بهمین ترتیب زینت مجلس میسازد انشاءالله (تا اینجا درچاپی نیست) برضمایر ارباب ظاهر آشکار خواهد بود.

انجام : سرافرازی حاصل فرموده (تمت الکتاب بعون الملك الوهاب در آستانه فیض نشانه سمت تحریر یافت سنه ۱۲۸۰ ؟).

[۲۲٦۸]

۱۳۱۸ بخط نستعلیق است ودر در آستانهٔ فیض نشانه ۶ گویا در ۱۲۸۰ نوشته شده است زیرا رقم یکها ودهها درست روشن نیست . پنج صفحه در آغاز وهفت صفحه درانجام سفید است.

(۱۱۴ گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ضربی طلائی

اندازه : ٦×۱۰ — ۱۱×۱۷ س ۱۷

[۱۹۵۰] **جمل الاعراب** (عربی)

از ابوعبدالرحمن خلیل بن احمد فراهیدی ازدی یحمدی بصری دانشمند ادیب واستاد سیبویه (۱۰۰-۱۷۰) (زرکلی ۱:۲۹٦) است. در کشف الظنون وذیل آن ودر معجم المطبوعات (ص ۸۳۵) از چنین کتابی از خلیل یاد نگشت وزرکلی هم اورا نگارندهٔ چنین کتابی ندانست. بروکلمن (۱:۲۲) از جمل الاعراب بدرالدین حسن مرادی (۷٤۹) یاد نمود. واین نسخهٔ ما گویا همان «کتاب فیه جملات آلات الاعراب» یا «کتاب جمل فی النحو» باشد که بروکلمن (۱:۱۰۰ وپیوست ۱:۱۵۹) از نسخهٔ ش ٤٤٥٦ ایا صوفیای آن یاد کرد.

آغاز : بسمله وبه نقتی. قال الخلیل بن احمد رحمه الله تعالی. هذا کتاب جمل الاعراب. اذکان جمیع النحو فی الرفع والنصب والجر وجمل الالفات واللامات والهاآت والتاآت والواوات واللام الفات بینا کل معنی فی باب باحتجاجات من القرآن والشواهد من الشعر فمن عرف هذه الوجوه بعد نظره فی هذا المختصر الذی صنفناه فی النحو استغنی عن کثیر من کتب النحو ولاقوة الابالله.

انجام : وقس علی ما بینت لك ان شاء الله تعالی (وهذا ما وجدناه مکتوبا والحمدلله [علی] اتمامه وکماله وصلی الله علی محمد المصطفی وآله وسلم).

چنین است فهرست بابها : باب جمل النصب. باب جمل الرفع - باب جمل الجزم باب جمل اللامات - باب جمل الهاآت - باب جمل التاآت - باب جمل الواوات. باب جمل اللام الفات - باب جمل الماآت.

[۲۲٦۹]

۱۲٦۲ شماره دوم دفتر است گ ۱۸ پ - ۵۹ پ.

[۱۹۵۱ - ۱۹۹۱] **جنگ** (عربی وفارسی)

در دفتر شمارهٔ ۱۲۵۷ این کتابخانه ٤۱ گفتار و رساله است که ا کنون آنها را میشناسیم.

۱ـ رساله عرفانی عربی که آخر آن در این دفتر دیده میشود و پیداستکه نگارندهٔ آن شیعی است و عنوانها «تنبیه، رشك، وتحقیق، تشبیه، زیاده، کشف، رمز، تکملة» میباشد وچنین است: ان المختلفة فی الصورة فی موطن قد یتحدان فیها فی موطن آخر ... ورجع الامر کلها الی النفس فاذا رجعت الی الله فقد تم الامر الا الی الله تصیر الامور وصلی الله علی نبینا محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین» (۳ ر و پ در دنبال آن در همین برگ بندیست از حاج ملا محمد جعفر استرآبادی در بارهٔ واجبات پنجگانه در قرائت شرعی بخط شاگردش که از او شنیده است)

۲ ـ ضابطهٔ اشکال اربعه بعربی که از مولی عبدالله یزدی است دربارهٔ قواعد کلی چهار شکل قیاس. ریشهٔ این بحث همانستکه در ارغنون و منطق برمیاید. عبدالله بن قاضی بهابادی شرحی بر ضابطهٔ اشکال که در تهذیب المنطق تفتازانی آمده است دارد (ش ۱۱۲/۲ ب دانشکدهٔ حقوق)

آغاز : بسمله. وبه نستعین. یشترط فی انتاج الشکل الاول بحسب الکم والکیف

انجام : فظهر لك حل عبارة الضابطة (هذا مما افاده الشیخ... مولانا عبدالله الیزدی غفر الله له...) (٤ ر ـ ٦ ر با یك حاشیهٔ منه رحمه الله).

۳ـ رسالة فی جواب اسئلة القوشجی بعربی که پاسخی است بپرسشهای قوشچی در مسئلهٔ «ما انا رایت احداء یا «ما انا قلت هذا» و خرده گیریهای او بر سخنان صاحب ایضاح و سید شریف. در آن از تفتازانی و نسخهٔ شرح مفتاح علامهٔ (بخط کمال الدین حسن فارسی و خوانده شده نزد شارح) و از ایجی و حاشیه مطالع یاد شده است.

آغاز : بسمله. والاعتصام بکرمه العمیم. قوله اراد بالخبر الفعلی ههنا الفعل المنفی اعنی عدم القول الخ اقول حاصل اعتراض السید س ره آخر الکلام بعد تاویل النفی.

انجام : فی افادة التقدیم للاختصاص. هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا المقام المشتبه علی کثیر من الاقوام والله المیسر للمقصود والموفق للمرام (قال رحمه الله هذه رسالة فی جواب الاسئلة التی ذکرها الفاضل القوشجی فی مسئلة ما انا رایت احدا. والحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله).

(٦ ر ـ ٧ ب چهار حاشیه دارد با نشانهٔ «منه رحمه الله»)

٤ ـ اسئلة القوشجی بعربی که متن آن خرده گیریهائی قوشچی است بر صاحب ایضاح وسید شریف.

آغاز : بسمله. وبه نثق. قال صاحب الایضاح فقدتقدم المسند الیه لیفید التقدیم تخصیصه بالخبر الفعلی... و اعترض علیه السید بان التقدیم ... واقول فیه نظر لانه اراد بالخبر الفعلی الفعل المنفی اعنی عدم القول فی المثال المذکور.

انجام : الثالث انه یلزم علی هذا التقدیر ان لایکون فرق بین قولنا ما انا ضربت الا زیدا. وهذا هو الذی شنع به مولانا علماء هذا الفن. هذا ما افاده المولی الفاضل القوشجی. والحمد لله رب العالمین... وصلی صلوة تماما (۸ ر ـ ۹ پ دو حاشیهٔ منه دارد).

٥ ـ رسالة وضعیه که رساله ایست از قوشچی وجز آنچه در ص ٥٧ ف شناخته ایم.

آغاز : بسمله وبه نثق. المشهور ان وضع المفردات لیس لافادة مسمیاتها لاستلزامها الدور.

انجام : علی خلاف ما صرحوا به لکن الحق احق ان یتبع. هذا ما افاده المولی الفاضل القوشجی. الحمد لله رب العالمین... المعصومین. (۱۰ ر و پ)

٦ ـ رسالة فی تحقیق الحاصل والمحصول بعربی که در آن گویا باغاز شرح جامی نگریسته شده واز سید محقق یاد گردید.

آغاز : بسمله وبه نثق. اعلم ان من المعانی ما یلاحظه تارة قصدا وبالذات.

انجام : لکن فی تعیین المعنی المجازی لکلمة لانوع خفاء والله اعلم بالصواب. تمت هذه الرسالة فی تحقیق الحاصل والمحصول. والحمد لله رب العالمین... المعصومین (۱۰ پ ـ ۱۲ پ)

از گ ۱۳ ر تا ۱٤ ر بندیست از مولی عبدالله یزدی در حاشیه بر حاشیه دوانی که از آغاز کم دارد و گویا یکی یا چندبرگ افتاده است و دو بند دیگر از او و یك بند عرفانی بفارسی از دوانی / و یك بند به نثر فارسی در بیان معانی عرفانی میخانه و شراب خانه و ترسابچه و دیر و خرابات و گبر و کافر و می و زنار و کلیسا و کنشت و دلدار و محبوب و صنم

وجز آنها ازخواجه‌حافظ شیرازی.

۷ ـ اثبات الواجب القدیم ازدوانی که درص۱۲٦ و۲۱۲۰ ف شناخته‌ایم . نام کسی درآغاز رساله دراین نسخه برده‌نشده که رساله بنامش‌شده باشد. (۱٤پ ـ ۲٤پ‌نسخه را علی‌نقی بن‌حاجی‌محمد امین قاری ساروی در ۱۰۸٥ نوشته‌است حاشیه های «منه» دارد).

۸ ـ اثبات الواجب الجدید همانستکه درص۱۳۳ و ۲۱۱۹ ف شناخته‌ایم وازدوانی است دراین‌نسخه از کسی یادنشده که این رساله یارساله پیشین را بنامش کرده باشد ترجمهٔ اثبهم درص۱۲۳ف شناخته‌شده‌است آنچه که درنسخهٔ ۱۱۳۲/۲ ما درپایان کم داشته‌است این‌است : «والسلم علی نبیه یوم النشور وآله واصحابه معادن الخیور».

(۲٤پ ـ ۳٦پ نسخه‌را همان ساروی درروزشنبه ۲۰صفر (اربعین) ۱۰۹٥ نوشته است).

۹ ـ مقالة فی الجبر والمقابلة بعربی دراین‌رساله از سه‌مسئله مفردات بحث‌شده‌است ونمیدانم از کیست.

آغاز: بسمله. وبه‌نقتی. هذه‌المقالة فی الجبر والمقابلة وفیها مقدمة و بحثان اما المقدمة فی‌ماهیة هذاالعلم وامور یحتاج الیهافیه.

انجام: وستةاسباع ساعة وهو المطلوب. وهذاآخر ماوردت ایراده فی‌هذه‌الرسالة معرضاعن الاطناب والاطالة والحمدلله علی کل حال والصلوة علی رسول‌الله محمد والال وعلی‌جمیع الانبیاء لایزال من‌الله الکبیر المتعال. (۳٦پ ـ ۳۸ر از همان ساروی در بیبین روزسه‌شنبه۲۱صفر ۱۰۸٥)

از گ ۳۸ر تا٤۱پ بندهایست ریاضی وادبی ازمفتاح‌الحساب غیاث‌الدین‌جمشیدبن مسعودبن‌محمود طبیب کاشانی ومولی عبدالله‌یزدی ودیگران که نام برده‌نشده است .

۱۰ ـ شرح بیتی از گلشن راز که ازدوانی است و همانست که درص ۲۲٤۹ ف شناخته‌ایم. (٤۱ر ـ ٤۲پ ازهمان‌ساروی در۲٤ صفر۱۰۸٥ که برای خودش نوشته است)

۱۱ ـ صحه وصدا که ازدوانی است و همانکه در ص ۲۲٤٥ ف شناخته‌ایم . (٤۲پ ـ ٤٥پ ازهمان‌ساروی درشام شب‌یکشنبه ۲٦صفر ۱۰۸٥)

۱۲ ـ رسالة فی‌طهارة الخمر بعربی مؤلف این رساله چون ازبرخی‌ازدانشمندان شنیده بود که شاه‌زمان روی‌اعتقادی که از کودکی بدان‌دچار گشته است می میخورد وبهانهٔ اینکه پوشاک اومی آلوده ونا‌پاک‌است نماز نمیخواند این‌رساله را نوشته و ثابت نمود که می‌پاک‌است برخلاف‌رای سنیان که آنرا نجس میدانند تااو نمازخودرابخواند. درآن دارد که امامان‌شیعی پس‌از اینکه دیدنداینها در نجاست آن اجماع دارند یا کی آن‌فتوی‌داده‌اند وخبرهائی که برخلاف آن آمده اززمانی‌استکه هنوزاجماع آنها تحقق نیافته‌بود. مؤلف‌میگوید که من پس ازین بتواتر شنیدم که گروهی ازمن خرده گرفته میگویند که برای خوش‌آیند شاه این‌رساله‌را نوشته‌است با اینکه من گناه ندارم و امامان چنین فرموده‌اند وآنرا پاک‌دانسته‌اند. بگفتهٔ اوخبرهائی که برخلاف آمده از روی تقیه‌است ونبایدآنها را پذیرفت ، اوشیخ‌طوسی‌ودانشمندان پس‌ازاورا دراین‌مورد مرتکب غفلت‌میداند وبگفتهٔ شهیدثانی آنهارا مقلدشیخ میپندارد . درآنجادارد «جمعت طرفا من‌تلك‌الاخبار من‌اصول قدمائنا فی الفوائد المدنیه والفوائدالمکیة» پس باید از ملامحمدامین استرابادی باشد. از آنچه گفته‌شد پیدا گردید که فیض کاشانی هم چرا دروافی (گ۵۷پ) میل بچنین فتوائی کرد همچنانکه همین‌فیض نمازآدینه‌را واجب دانست وشاید این‌هم برای خوش‌آیند دربار بوده‌است کنتوری از رسالهٔ استرابادی بنام «رسالة فی‌نجاسة الخمر وطهارتها» واز«رسالة فی نجاسة الخمر» ازقاضی نورالله‌شوشتری یاد کرده (ص ۲۸۸). در روضات ص۳۸ از«رسالة فی‌طهارة الخمر ونجاستها» از همین استرابادی بنقل ازامل‌الامل یادشده است.

آغاز : بسمله وعلیه توکلی. بعدالحمدوالصلوة. اعلم وفقك‌الله‌تعالی لتحصیل القطع والیقین فی کل مایحتاج‌الیه.

انجام : وترجمان کتابه صلوات‌الله وسلامه‌علیهم اجمعین. هذاآخر ماجری‌به قلمی فی‌تحریر هذه‌المسئلة والله الموفق.

(۴۶ ر ـ ۴۹پ ازهمان سارویی درروز چهارشنبه پایان صفر۱۰۹۵ از روی نسخهٔ منقول ازاصل خط مصنف)

همین استرابادی نامه‌ای بفاضلی دراین باره نوشته واوپاسخ داده واورا رد کرده است و دونسخه ازاین رد در کتابخانهٔ سپهسالارهست (ش۲۳، ۲۹۱۶ و۲، ۴۵۰۶).

درجنگ شماره۱۳۱ آقای فخرالدین نصیری نامه‌ایست ازشاه عباس در ع ۱۰۶۵/۱ که بفیض دستورمیدهد که بسپاهان بیاید ونماز آدینه برپا دارد واونخست زبانی پاسخ داده است که این کاررا نمیپذیرم وسپس درذی‌قعده ۱۰۶۶ پاسخ نوشته وپوزش خواست که من این نمازرا درکاشان بپامیداشتم وبا گوشه‌نشینی من ناساز گاراستکه کهبسپاهان بیایم خوب است که درهمین کاشان بمانم ودراینجا گمنام باشم ودر اینجا همین نمازرا بامردم اینجا بپا دارم (گ۶۵ ر ـ ۱۶۶ ر).

۱۳ ـ الوافی که بخشی است از کتاب وافی فیض که در فهرست شناخته‌ایم در این نسخه ما ازاحکام الدماء تاباب انواع الادهان آمده است. (۴۹پ ـ ۷۱پ بهمان خط درمتن ودر هامش گاهی بخط نستعلیق ریز ش)

۱۴ ـ حل شبهة الجذر الاصم بعربی، مؤلف دراین گفتار نخست راههای حل تفتازانی وشارح کشف وشارح قسطاس وابن مطهر حلی وشریف گرگانی وابن کمونه ودرپاسخ کاتبی و یکی از معاصران و سپس سخن استاد خودرا آورده است.

آغاز: بسمله. ماشاءالله کان. اختار الاحبار ان الخبر کلام یصح ان یقال لقائله انه صادق اوکاذب.

انجام: فهذه هی الوجوه التی ذکرها العلماء ممن له فی هذا المرام کلام والحق انها لایخلو عن تمویهات (۷۲ر ـ ۷۴ر)

۱۵ ـ حل شبهة الجذر الاصم بعربی که سخنی است ازمحقق دوانی درحل این مسئله.

آغاز: بسمله. فنعهد بجواب المغالطة المشهورة مقدمة هی ان حقیقة الخبر الحکایة عن النسبة الواقعة.

انجام: ولیس بصادق ولاکاذب فتامل بالخیر (من فوائد المولی ... جلال الدین

الدوانی قدس سره) (۷۴ ر وپ)

۱۶ ـ حل شبهة الجذر الاصم بعربی که سخنی است ازصدرالدین محمدشیرازی درحل این مسئله

آغاز: بسمله وایاه استعین. قیل لوقال قائل کلامی فی هذا الیوم کاذب ولم یقل فی ذلك الیوم غیر هذا الکلام لزم ان یکون ذلك الکلام صادقا وکاذبا معا.

انجام: یستلزم قولك الخلاء موجود کاذب ولامحذورفیه فتامل (من فوائد الامیر صدرالدین محمد الشیرازی قدس سره ونورضریحه. تمت بعون الله وحسن توفیقه) (۷۴پ ـ ۷۵ ر)

۱۷ ـ حل شبهة الجذر الاصم بعربی. حاشیه‌ایست ازدوانی برسخن صدرشیرازی که هم اکنون یادشده است.

آغاز: بسمله. قوله واجب الخ. اقول قدمر له الجواب علی الوجه الذی اراده ثم اورد علیه مالایرد علی ذلك اصلا.

انجام: من حیث المحکوم بالکذب فی القضیة الصادقة فتامل (من فوائد العلامة الدوانی قدس سرة) (۷۵ ر وپ)

۱۸ ـ حل شبهة الجذر الاصم بعربی که حاشیه‌ایست ازصدرالدین محمدشیرازی برسخنی که درشمارهٔ ۱۴ آمده است (گ۷۳پ) وبرحاشیهٔ دوانی برسخن خودشیرازی (شماره ۷)

آغاز: بسمله. قوله وقول القائل کل کلامی کاذب اشارة الی نفس ذلك الکلام. اقول: ان اراد بجعله اشارة الی نفس ذلك الکلام ان یجعل کلامی وهو العنوان اشارة الیه

انجام: اقول لم بل موضوعه هو لفظ کلامی وهو ظاهر لاسترة فیه (من فوائد الکبیر صدرالدین محمد الحسینی الشیرازی قدس سره ونورضریحه (۷۵پ ـ ۷۶پ)

۱۹ ـ تسعة اعتراضات بعربی که نه اعتراض کلامی ومنطقی واوی است برسخنان دوانی درحاشیهٔ شرح تجرید وشارح مطالع وسید سند ودیگران که گردآورندهٔ آنها از استاد خود شنیده است واز اوبعبارات «حفظه الله» و«مدظله العالی» یادمیکند.

آغاز: بسمله. هذه تسعة من الاعتراضات التي سمعتها عن مفتاح اقفال المشكلات ومفتح ابواب المعضلات حفظه‌الله تعالى عن جميع الافات ... الاول ان العلامة الدوانی قداعترض فی حاشیته‌لشرح التجرید علی تعریف الامور العامة.

انجام: بر تکیه البلغاء والفصحاء وهذا آخر ما جری وتاتی هذا المقام والتوفیق بالله العلم العلام والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله العظام الکرام (۷۶پ ـ ۷۸پ)

۲۰ ـ شرح رساله نفس الامر بعربی. متن از طوسی وشرح از دوانی است (گ ۷۸پ ـ ۸۰پ) ودر ص ۲۷۶ و ۲۲۵۰ ف آن را شناخته‌ایم. پیش از وشمس الدین محمد کیشی (م ۶۹٤) برای خواجه بهاءالدین محمد جوینی شرحی بنام «روضة الناظر» بر این رساله نوشته است ودو نسخه از آن در کتابخانه مجلس هست (۲: ۳٦٥ و ۳۹۰ ش ٤/۶۱۱ و ۸/۶۳۰) ومولانا محمد الحنفی هروی درهرات بسال ۹۲۲ هم بر آن شرحی نگاشته است و شیخ بهائی بر آن افاداتی دارد ونسخهٔ این دو در کتابخانه طوس هست. مولی حسین اردبیلی الهی بر شرح دوانی حاشیه دارد (ذریعه ۷: ۸۸ ـ مدرس رضوی ص ۲۶۳ و ۳٤۳ ـ ملوسی ص ۱۶۹ که متن را هم چاپ نمود ـ فهرست برلین ش ۵۳۵۶ ـ سرگذشت کیشی در مجلهٔ یادگار بخامهٔ محمد قزوینی ومتن وحواشی شدالازار از همو دیده میشود)

۲۱ ـ شرح الرسالة الوجودیة بعربی. متن را بنام «وجود الوجود» در ص ۵۱۷ ف شناخته‌ایم ودر فهرست اسعد افندی (ص ۳۳۲ ش ۲/۳۵٤۷) هم یاد شده است. این شرح از اسدالله ودر آن از شرح رباعیات مصنف وسخنی از امیر صدرالدین محمد شیرازی (چنانکه درحاشیه آمده است) واز حاشیه میر سید شریف بر شرح حکمة العین وشرح تجرید و برخی از محققین که دوانی باشد واز همچنا کمان مصنف که حاشیه ایست بر برخی از رسائل او (چنانکه برحاشیه یادشده) واز «المسند المحقق السید المرتاض» وپاسخ وپرسش طوسی و قونوی وشرح مفتاح الغیب علامه شمس الدین فناری و رسالهٔ تحقیق کلیات شارح مطالع وشرح مواقف و«استاذنا المدقق» یادشده است.

آغاز: بسمله. وایاه استعین. سبحان من حقیقته الوجود ولیس فی الحقیقة غیر موجود... وبعد یقول المستمسک بحبل الوصی اسدالله هذه فوائد متعلقة بالرسالة الوجودیة قرقمتها

بالتماس من له الی طریق الوداد.

انجام: (فلایجدی) ذلک (نفعا) ولیکن هذا آخر الکلام علی الاتمام والصلوة والسلام علی خیر الانام وآله واصحابه البررة الکرام (قد فرغت من تسویده ثالث شهر ذی قعدة الحرام حجة ست وثمانین فوق الالف وانا الفقیر ربه الغنی علی ابن حاجی محمد امین القاری الساروی اطال الله بقاء)

(۸۰پ ـ ۸۷پ حاشیه‌های «منه» دارد)

۲۲ ـ الرسالة الوضعیة که از ایجی است ودر ص ۵۷ ف شناخته‌ایم. در این نسخهٔ ما حواشی هست که نشانه «ه» و«شرح» دارد (۸۸ ر و پ)

۲۳ ـ رسالة فی الغرض والغایة والفائدة بعربی که از سید شریف است ودر آن این سه چیز شناخته میشود.

آغاز: بسمله. قال السید قدس سره اذا ترتب علی فعل اثر من حیث انه نتیجة لذلک الفعل وثمرته یسمی فائدة له.

انجام: علی مقتضی کلم الناس علی قدر عقولهم (تمت الرسالة الشریفة الشریفة) (۸۸پ) پس از این فصلی است درباره ثواب وعقاب ودر آن از شرح مقاصد ور کن رابع احیاء یاد میشود (گ ۸۹ر) وسخنی از مفتی عبدالرحمن حسینی سنی درباره توجیه تشبیه صلوات بر محمد بصلوات بر ابراهیم بعنوان «سمعت السید الاجل... السنی قدس الله روحه» (۸۹ ر و پ) وعبارتی از سید شریف در حاشیهٔ شرح تجرید دربارهٔ عینیت وجود با واجب وانبساط آن بر موجودات وطور وراء طور عقل (۸۹پ و ۹۰ر).

۲٤ ـ تحفه روحانی بفارسی که از محقق دوانی است و دریک مقدمه وشش فصل وخاتمه‌ بود درعلم حروف است. درفصل یکم دارد «در لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق نموده‌ایم» در آن از جفر جامع وخابیهٔ امام صادق وابن العربی وسعدالدین حموی وابوالعباس بونی وابوالحسن شاذلی وسید حسین اخلاطی و کتاب اسطقاکات از ارسطو و نجم الدین کبری وشاهرخ وابوسعید بهادر کورکان وابوالنصر حسن بیک بهادر سلطان وشیخ صفی الدین اردبیلی وپیش بینی حروفی که برای میر که ابوسعید شده یاد گردید) (نیز شمارهٔ ۱۹۲۸/۱۱

همین کتابخانه).

آغاز: جواهر حمد و ثنا نثار بارگاه کبریائی حضرت علام الغیوب که بمقتضای «وان شیء الاعندنا خزائنه» حقایق اسمارا که در مرتبهٔ غیب الهویة بحکم قهرمان وحدت صرف واجمال محض در ذات بحت مستهلك ومندمج بودند... بر منصهٔ ظهور علی بطریق تفصیل جلوه داد... امابعد مضمون این رساله درمقدمه وچندفصل وخاتمه سمت ادا یافته معروض نظر عالیحضرت سلیمانی میگردد و بدین قصد اتحاف نمله بسلیمان واستعذار او که مشهور است نصب العین میدارد.

انجام: و آنچه خیر است البته بظهور آید والله یقول الحق ... ونعم الوکیل وصلی الله علی خیر خلقه... وصحبه اجمعین والحمدلله رب العالمین فی ۱۴ ذی الحجة الحرام سنة احدی وتسعمائة (گ ۹۰ ر ـ ۹۵ پ بتاریخ آغاز ذیحجة ۱۰۸۶ از همان ساروی).

۲۵ ـ شرح استخراج اسم اعظم از سورهٔ کریمهٔ یس ومنافع آن بطریق رمز و ایما واشاره بعربی این رساله از سعدالدین محمد حموی است در یك تنبیه وسه اشاره.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... امابعد این چند کلمه ایست در بیان قراءت سورهٔ کریمهٔ یس وبعضی از خواص آن که بعد از استجازه از ارواح ائمهٔ هدی که مستخرجان علم جفر اند مرقوم بنده ضعیف سعدالدین محمد الحموی شد.

انجام: در آخر سه بار این دعا بخواند «یا مفرج الهم ... الطاهرین اجمعین» (۹۵ پ ـ ۹۶ پ بهمان خط. پس از این تا ۹۷ الف افسون ودعااست).

۲۶ ـ الرسالة القلمیة بعربی که از دوانی است ودر آن بروشی مرموز از قلم وصف نموده است.

آغاز: بسمله. ن والقلم وما یسطرون ان هذه تذکرة لقوم یعقلون یا من فاق فی البراعة سائر الصنائع ... عن وصف البراعة فاستمع لما یتلی علیك.

انجام: وهدی الجائرین الی اقوم اللقم بمحاوقب غواسق الظلم صلی الله علیه وسلم. (تمت الرسالة القلمیة من افادات العلامة الدوانی ـ ۹۷ ر ـ ۹۸ پ بتاریخ آغاز ذیحجة ۱۰۸۶ از همان ساروی).

۲۷ ـ شرح قصیدهٔ بردهٔ بفارسی جز شرحهائی است که در فهرست منزوی (۲:۷۱۵) شماره شده است (ایزمیر ۵۸۰ د) این شرح از ملا یوسف دشتیاضی است ونسخهٔ ما بخشی است از آن.

آغاز: بسمله. امن تذکر جیران بذی سلم ... واومض البرق فی الظلماء من اضم.

زیاد کردن همسایگان ذی سلم است — که آب دیده بیامیختی بخون جنون

زسوی کاظمه یا باد مشکبو بوزید — شب از خیال ربا نمود برق کنون

ازعادات شعرا وفصحا وادبا وبلغاست که در مقام شکوه از روز کار ... از نفس نفس خود مخاطب پیدا میکنند..

انجام: اگر سرم برود کو برو مراد از سر

هوای تست مرا آن زسر نخواهد شد

(نقل من شرح الفاضل ملا یوسف الدشتیاضی علی قصیدة البردة المنسوبة الی ابی عبدالله محمد بن سعید الدلاصی البوصیری) گ ۹۹ پ ـ ۱۰۰ پ.

۲۸ ـ رسالهٔ اوزان بفارسی از محمد مؤمن بن علی حسینی شیعی امامی برای محمد قطبشاه (۹۸۹ ـ ۱۰۲۰) گویا درد کن این رساله را نگاشته است وآن دارای مقدمه وفصل وخاتمه است. در دیباچه ومتن آن از کتب فقهی وپزشکی که از آنها بهره برده است یاد کرد (طوس ۳:۳۶۰)

آغاز: بسمله. بعد از حمد وسپاس افزون از حد ومقدار... چنین گوید ... محمد مؤمن بن علی الحسینی که قدر ومقدار بعضی وزنها وپیمانها دانستنی است و بجهت رعایت بعضی امور شرعیه واعمال طبیه دانستن آنها واجب وضرور است.

انجام: چنانکه وجه بیشتر مردم بر آن وجه است والله اعلم (۱۰۰ پ ـ ۱۰۷ ر بتاریخ آغاز دهه دوم ذی حجه ۱۰۸۶ از همان ساروی پس از این تا گ ۱۰۷ پ پراکنده‌ها ایست فقهی وطبی وافسون و کلام از تحریر و کتاب راغب وجز آنها)

۲۹ ـ المرموزات العشرون بعربی که رساله ایست عرفانی تا اندازه‌ای مانند مواقف نفری در بیست مرموزه واخبار وداستانهای مرموز ومناجات وخطاب بنفس در آن هست وصدرالدین مظفر باغنوی در آن از روایت خود از شمس الدین محمد کرمانی در ۶۳۶ یاد میکند (دیباچه) چلپی (۲:۴۱۹) از آن یاد نموده است.

آغاز : بسمله ـ سبحانك اللهم و بحمدك يا قيوم ارزقنا النور يا نوارك والتزين باذكارك واجعلنا منا جناحا نطير به الى جوارك ونجاحا نصل به الى عز تزدارك ... وبعد فهذه مناقضات عجيبة ومناقسات غريبة ومرموزات شريفة ومسامرات لطيفة ... فاجعل ثوابي دوام السترلي ابدا . قال الامام الهمام صاحب الكشف والالهام سلطان العرفاء المكاشفين ... الشيخ صدر الملة والشريعة والطريقة والحقيقة والدين ابو المعالي المظفر بن محمد بن المظفر الباطنوى الشيرازى : اخبرني الشيخ الامام الناقد افضل اهل عصره شمس الملة والدين محمد بن الامام صفي الدين ابي محمد عثمان بن عبيد الكرماني رفع الله محله وفي اعلى الفراديس احله في شهور ستة ست و ثلثين وستمائة اخبرني والدي الامام المذكور .. باسناده العالي عن عتبة ابن غزوان اخي بني مالك صعصعة ... وكان من الصحابة ان نبي الله ... قال اذا اضل احدكم شيئا واراد غوثا وهو بارض ليس بها انيس فليقل يا عباد الله اعينوني فان لله عبادا لاتراهم . وقد جرب ذلك.

انجام : رفعت قصتي اليك وضمنتها طلبتي واملت عليك ، فلاتجعلني من الخائفين يامن يعلم حوائج العالمين . والحمد لله اولا وآخرا وصلى الله على نبيه ورسوله محمد و آله وسلم تسليما كثيرا كثيرا (۱۰۸ر ـ ۱۲۰ ر بتاريخ آغاز دهه سوم ذی‌حجه ۱۰۹۶ و از همان ساروی)

۳۰ ـ حاشیه مرموزات بعربی از علاء الدوله سمنانی بر کتاب مرموزات.

آغاز : بسمله هذه الحواشي كتبها الشيخ العارف الرباني ركن الملة والدين علاء الدولة السمناني قدس الله سره على كتاب المرموزات العشرين للشيخ ابي المعالي المظفر بن محمد بن المظفر العدوى البلغوى قدس الله روحه . كتب تحت اسمه انفعت بكتابه واسترحت من مرموزاته وحكاياته.

انجام : وجعلكم بين الحوادث الواقعة في عالم الحوادث وبين الخلق سدا (گ ۱۲۰ ر ـ ۱۲۱ پ تاریخ آغاز دهه سوم ذی‌حجه ۱۰۷۶ از همان ساروی پس از این گ ۱۲۲ ر ـ ۱۲۷ ر پراکنده‌های نظم ونثر کلامی وفلسفی وخبری است از اثبات الواجب محمد بن کمال لاری ومحمد طاهر منجم یزدی در بار ضیارتی از قواعد شهید و از شرح مشکوة

وتفسیر نیشابوری وخطبه موقفة بی الف از علی ع وخبری غلوآمیز از سلمان فارسی از فضائل الائمة ابن بابویه قمی نیز از روضة الواعظین وکامل الزیارة ابن قولویه از مقتل ابن طاوس نیز از دیگران که نام‌برده نشده است).

۳۱ ـ پاسخ طوسی بشمس الاسلام. این گفتار را در ص ۱۸۷ و ۳۲۱ و ص ۲۹۰۰ ش ۱۰۷۹/٤ و ۸۶۳/٤ ف شناخته‌ایم ومتن آنرا در سال ۱۳۳۵ خ در سه گفتار خواجه طوسی (۲۹۶ انتشارات دانشگاه) بچاپ رسانده‌ام (گ ۱۶۷ ر ـ ۱۲۹ ر تاریخ آغاز محرم ۱۰۹۷ از همان ساروی)

۳۲ ـ لباب الاشارات از امام رازی که در آن اشارات ابن سینا را گزین وپا کیزه نموده وبعبارات روشن‌تری در آورده مگر نمطتهم آنرا که هیچ دگر گون نکرده وچون آنرا نیکو دیده از آن گلچین ننموده بهمان عبارات آورده است . این کتاب با رموزه در مصر سال ۱۳۵۵ بچاپ رسیده است.

آغاز : بسمله قال الامام ... محمد بن عمر الرازی ... هذا لباب كتاب الاشارات هذبته بالتماس بعض السادات.

انجام : والقوى المنفعلة السافلة اجتماعات على غرائب والله المستعان و عليه التكلان (گ ۱۲۹ ر ـ ۱۶٤ پ بتاریخ روز پنجشنبه ۸ صفر ۱۰۹۷ از همان ساروی وپاره‌ای از جاها حواشی دارد).

۳۳ ـ العلة والمعلول بعربی. گفتاریست از محی الدین المغربی اندلسی و در چهار فصل.

آغاز : قال الشيخ العلامة محى الدين المغربي في العلة والمعلول فصل . المعلول صورة العلة وظاهرها والعلة حقيقة المعلول وباطنها.

انجام : ان المدرك بالحقيقة هو الله تعالى وتقدس والله يقول الحق وهو يهدى السبيل (گ ۱۶۵ ر پایان روز سه‌شنبه ۸ ج ۱۰۹۷/۱ از همان ساروی)

۳٤ ـ ایزد شناخت که در ص ۱۶۰ ف آنرا شناخته‌ایم وش ۱۲۳۷/۳ هم همین کتاب است وبنام «یزدان شناخت» واین نسخه در دیباچه ایزد شناخته نامیده شده وچنین است

آغاز آن: «چون از جناب مقدس ازلی و پرده قدم» و تا نیمهٔ فصل ششم است بدینگونه: «اکنون گوئیم که تابش نور عقل که بر نفس» (گ ۱۶۵پ - ۱۶۹پ و دو برگ ۱۷۰ و ۱۷۱ سفید گذارده و گ ۱۷۲ ر و پ پاره‌ای از پایان کتابی در کلام شیعی است بخط همان ساروی بتاریخ پایان ج ۱۰۹۷/۱).

۳۵ - الانوار البدرية بعربی از عز الدين حسن بن شمس الدين محمد بن زين الدين علی مهلبی حلبی صیرفی است و او آن را گویا بدستور ابن فهد حلی (م ۸۴۱) در رد شبهات شیخ یوسف بن مخزوم اعور مقصودی واسطی در کتاب اعور رد بر امامیان (نزدیک ۷۰۰) نوشته و در حلهٔ سیفیهٔ مزیدیه در روز شنبه ۶ ج ۸۴۰/۲ بانجام رسانده (طوس ۱: ۱۹ ش ۳۳ و ۳۴ - ذریعه ۲: ۴۱۹ و ۴: ۴۹۱). در این بخش اینکتاب که در نسخهٔ ماهست عبارات همین اعور درباره رؤیت و کلام و جبر و رد او بر رافضیان آمده و رد شده است و در آن از طوسی و تجرید او و سید شریف و از شرح شاطبیهٔ سجاوندی و کشف الکشاف یاد شده است.

آغاز نسخهٔ ما: متن کتاب الانوار البدرية لكشف شبه القدرية تصنيف الشيخ الفاضل الكامل المحقق الورع المدقق زين العلماء لسان الفضلاء افتخار الفقهاء عز الملة والدين الحسن بن المرحوم شمس الدين محمد بن السعيد المرحوم زين الدين علی المهلبی الشهير بالصيرفی والذی ابدأ الشبهة هو يوسف الاعور الواسطی وهو من محققی الاشاعرة والكتاب مشتمل علی فصول فی الفروع والاصول. الفصل الرابع فيما خالفوا فيه من مسائل الاصول ونذكر منه ما هو ظاهر التداول فمن ذلك نفی الرؤية.

انجام نسخه: والحمد لله علی ذهاب اصول الناصب باطلة مضمحلة ونحن انشاء الله مبطلون لفروعهم وما بقا فرع بعد ذهاب اصله (گ ۱۷۲پ - ۱۹۰ر، تاریخ آغاز ج ۱۰۹۷/۱ از همان ساروی)

۳۶ - پرتونامه بفارسی که از شیخ اشراقی است و شهرزوری از آن یاد نموده است چنین است فهرست ده فصل آن.

۱ - در شرح بعضی اصطلاحات و تعریف جسم و بعضی احوال او.

۲ - در نهایت و محدود و مکان و زمان و اشارتی بکون و فساد

۳ - در نفس

۴ - در قوای نفس

۵ - در ذات واجب الوجود و صفاتش

۶ - در فعل واجب الوجود.

۷ - در غایات و ترتیب وجود.

۸ - در اسباب حوادث و خیر و شر و قضا و قدر

۹ - در بقای نفس و سعادت و شقاوت و مانند آن

۱۰ - در نبوت و معجزات و کرامات و مقامات و مثل آن

آغاز: بسمله. و ایاه استعین (الله الموفق لاتمامه). (بدانکه) این مختصریست که ساخته شد بحکم اشارت بعضی از محبان فضیلت و نامش پرتونامه کرده آمد و بعضی مواضع که اصطلاحات علمای مشائین در آنجا صعوبتی داشت یا (تا) مقتضی بود بتطویل اصطلاحی نزدیکتر کردیم و غرض ایراد نکته‌ای چندست از علم الهی و پیش (از آن) نکته‌ای چند را تقدیم کرده آمد ... و مجموع این ده فصلست

انجام: و خواب و الهام او بکمال رسد. والله اعلم بالصواب (گ ۱۹۰ر - ۲۰۳پ و در نیمهٔ فصل نهم پایان میباید و چنین است انجام آن «و جماعتی از حکیمان روشن روان ... و نور عالم» برابر با ص ۹۰ گ ۷۷پ نسخه ش ۵۴۲۶/۶ فاتح)

۳۷ - رسالة فی معرفة احكام الرضاع همانستکه در ص ۱۹۰۲ شناخته ایم و از سید محمد بروجردی میباشد.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمين ... بعد فهذه رسالة فی معرفة احكام الرضاع لاسيما المحرم منه مشتملة علی مقدمة و فصول و خاتمة.

انجام: طبية بقالك الاجلال. هذا آخر ما اردنا ايراده فی هذه الرسالة وعليك الاحتياط فی الاخذ بمسائلها والعمل بها ما هو المقرر فی المسائل المختلف فيها وحسبنا الله ونعم الوكيل (۱۷۳ر - ۲۰۶پ متن و هامش بخط دیگر)

۳۸ ـ پاسخ ابن‌سینا بمیهنی که دربارهٔ سلوک است ودرص۱۷۶ فشناخته‌ایم آقای دکتر مهدوی از آن بنام «حصول علم وحکمة» یاد کرده‌اند (ش ٤و) (۲۰۶ پ ـ ۲۰۷ ر)

۳۹ ـ الرعایة فی درایة الحدیث کهشرحی است از شهید ثانی بر البدایة فی علم الدرایة خوداو که ص۱۶۶۰ ف شناخته‌ایم.

آغاز: بسمله. وایاه‌استعین (نحمدك اللهم علی) حسن توفیق (البدایة فی) علم (الدرایه والروایة)

انجام: عام تسع وخمسین وتسعمائة (گ۲۰۷پ ـ ۲۳۱پ و کم‌دارد وچنین است انجام آن: «وتثبت ماشائه فیه» وبرابر است باص۱۳ ـ ص۱٤۵ چاپی پس از این بندی است از شرح طوالع قاضی میرحسین میبدی بهمان خط ساروی دررجب ۱۰۹۷ و از آغازش کم دارد وپیداست که چندبرگی دراین میانه افتاده سپس بندیست از رسالهٔ حشریهٔ غزالی ودرآن آنکه بندی است از میرسید شریف در اقسام حکمت بنقل از خط او بچند واسطه گ ۲۳۲ ر ـ ۲۳۳ ر)

٤۰ ـ رسالة فی النفی والاثبات بفارسی من این رساله را از روی ش۳ ص٤ ص۱۱ ـ ۲٤ مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تاریخ فروردین ۱۳۲۶ با دیباچه‌ای در تاریخ دو رأی متکلمان دربارهٔ معدوم وحال از روی نسخه ش۱۰٤۶/٤۱ وهمین نسخه چاپ رسانده‌ام. این را هم در اینجا میگویم که در کافی کلینی ۱:۸٤ و در مقالات اشعری (۱:۱۰۷ و ۲:۱۶۰) و کنز الفوائد کراجکی ص۱٤۵ ومحصل النظر غزالی ص۲۲ والنقش رازی ص۵٤۰ دراین باره نکاتی هست. در رجال کشی ص۱۷۳ آمده که زراره (م ۱۵۰) منفی راشیء و مخلوق نمیدانست ولی هشام بن الحکم (م ۱۷۹) چنین نمیگفت و امام رضا (۱٤۸ ـ ۲۰۳) سخن هشام راپذیرفته بود (نیز بنگرید بسر گذشت اینده و در رجال استرابادی وحائری ومامقانی) از این خبر بر میاید که این مسئله باید پیش از شحام و خیاط طرح شده باشد. درالبدء و التاریخ مقدسی نوشتهٔ ۳۵۵ (۱:۳۷ و ۵:۱٤۳) از شیئیت معدوم بدلیل اخبار از آن یادشده است. (این رساله دراین نسخه در گ۲۳۳ ر ـ ۲۳٤ راست) (ف۳۹۵)

٤۱ ـ الوجیزه که از شیخ بهائی است ودرص۱۷٤۸ف آنرا شناخته‌ایم (۲۳۶پ ـ ۲۳۹ پ بخط نستعلیق مورخ ۱۲۲۲ درمدرسهٔ شاهزاده‌های اصفهان)

[۲۳۱۰ ـ ۲۲۷۰]

۱۲۵۷ دراین دفتر چنانکه یاد کرده‌ایم ٤۱ رساله وگفتاراست و تا برگ ۲۳٤ ر بیک خط و بنسخ از علی نقی بن حاجی محمدامین قاری ساروی از ۱۰۸۵ تا پایان رجب ۱۰۹۷ است و از گ ۲۳۶پ تا ۲۳۹پ (وجیزهٔ بهائی) بخط نستعلیق ۱۲۲۲ درمدرسه شاهزاده‌های سپاهان.

حواشی بخط ریز است ودر رسالهٔ رضاعیه در برگهای ۱۷۳ ر تا ۲۰۶پ بخط نسخ دیگریست. فهرست ۳۳ رساله در گ ۱ پ بخط تازه‌تری دیده‌میشود.

[۲۳۰ گ] ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی مقوائی لائی‌دار
اندازه: ۹×۱۵ ـ ۱٤×۲۰ س ۳۶

[۱۹۹۲ ـ ۱۹۹۸] جنگی (عربی)

درنسخهٔ شمارهٔ ۱۲۳۸ این کتابخانه هفت کتاب ورساله وقصیده است که اکنون میشناسیم.

۱ ـ حماسه که ابی تمام حبیب بن اوس طائی شیعی (۱۹۰ ـ ۲۳۱) گردآورده است (ذریعه ۷:۸۵) ودرنسخه‌ها پاره‌ای از آن دیده میشود. (۱پ ـ ۱٤پ)

۲ ـ اطباق الذهب که شرف الدین شفروه فضل الله عبدالمؤمن بن هبة الله شفروهٔ اصفهانی درصدمقاله نوشته است ودر چاپ ۱۳۰۹ بیروت ۱۰۲ مقاله است بی آنکه برخود آن چیزی افزوده شده باشد نسخهٔ دیگر آن بشمارهٔ ۸۹۷ درهمین کتابخانه هست (منزوی ۲:۶۸۶) (۱۵ ر ـ ۶۰پ)

۳ ـ التجدیات از امام اجل افضل الدوله فخر الرؤسا جمال العرب تاج خراسان ابوالمظفر محمد بن ابی العباس احمد بن محمد اموی ابیوردی و آن هزار بیت است در نسب که بدرخواست دوشاگرد خود ابوحنش هذیم علسی کلبی وابوالمغوار سعد کنانی مضری سروده و در آن از ابوعبدالرحمن خلیل بن احمد بصری عروضی نحوی متأثر شده است. آندوشاگرد این شعرها را تجدیات نامیده ونخستین بار برای راویان نشر کرده‌اند (دیباچه) (۷۷ پ ـ ۱۳۱ ر).



گ ١ پ ش ١٢٣٨/١ حماسة ابی تمام (شرح دیوان الحماسه تبریزی ٣ : ١٢٦ چاپ مصر)



گ ١٤ پ ش ١٢٣٨/١ حماسه ابی تمام (شرح دیوان الحماسه ٣ : ١٩٣)



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

آغاز نجدیات ش ۱۲۳۸/۳



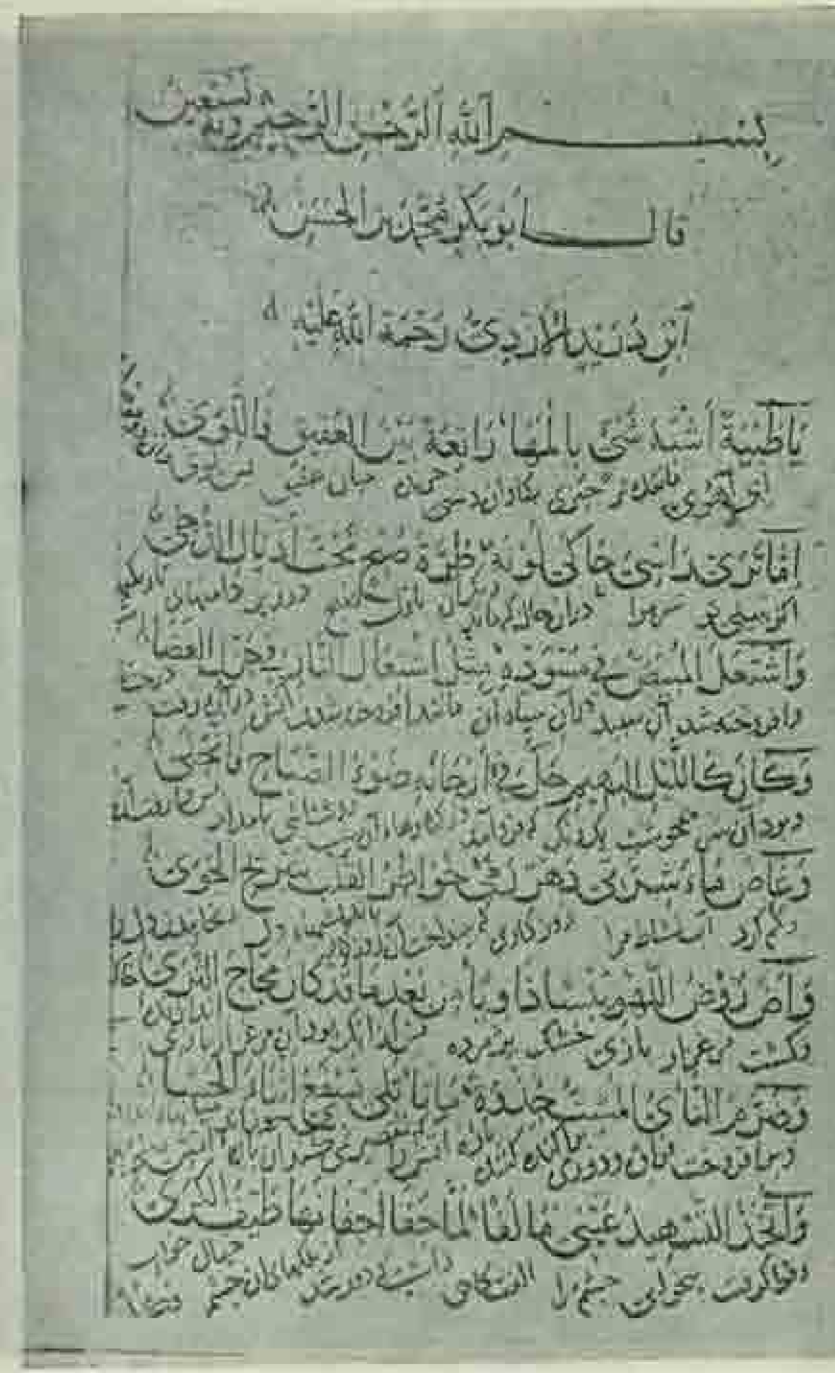
تم كتاب النجديات بحمد الله وحسن توفيقه

وقد وقع الفراغ من تحريره يوم الخميس

على صاحبها الصلوة والسلام

والتحية

پایان نجدیات گ ۱۳۱ ر ش ۱۲۳۸/۳

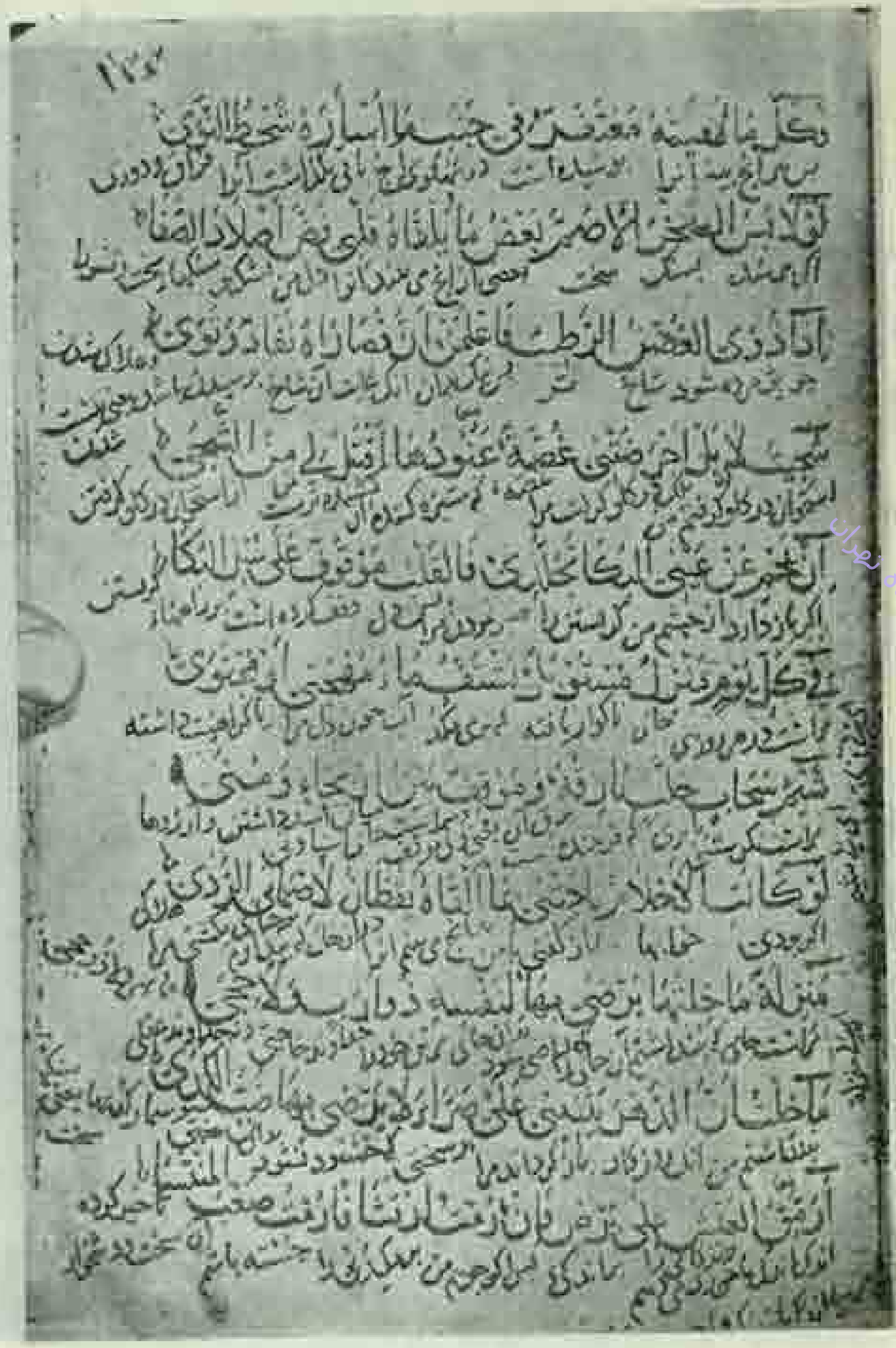


بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

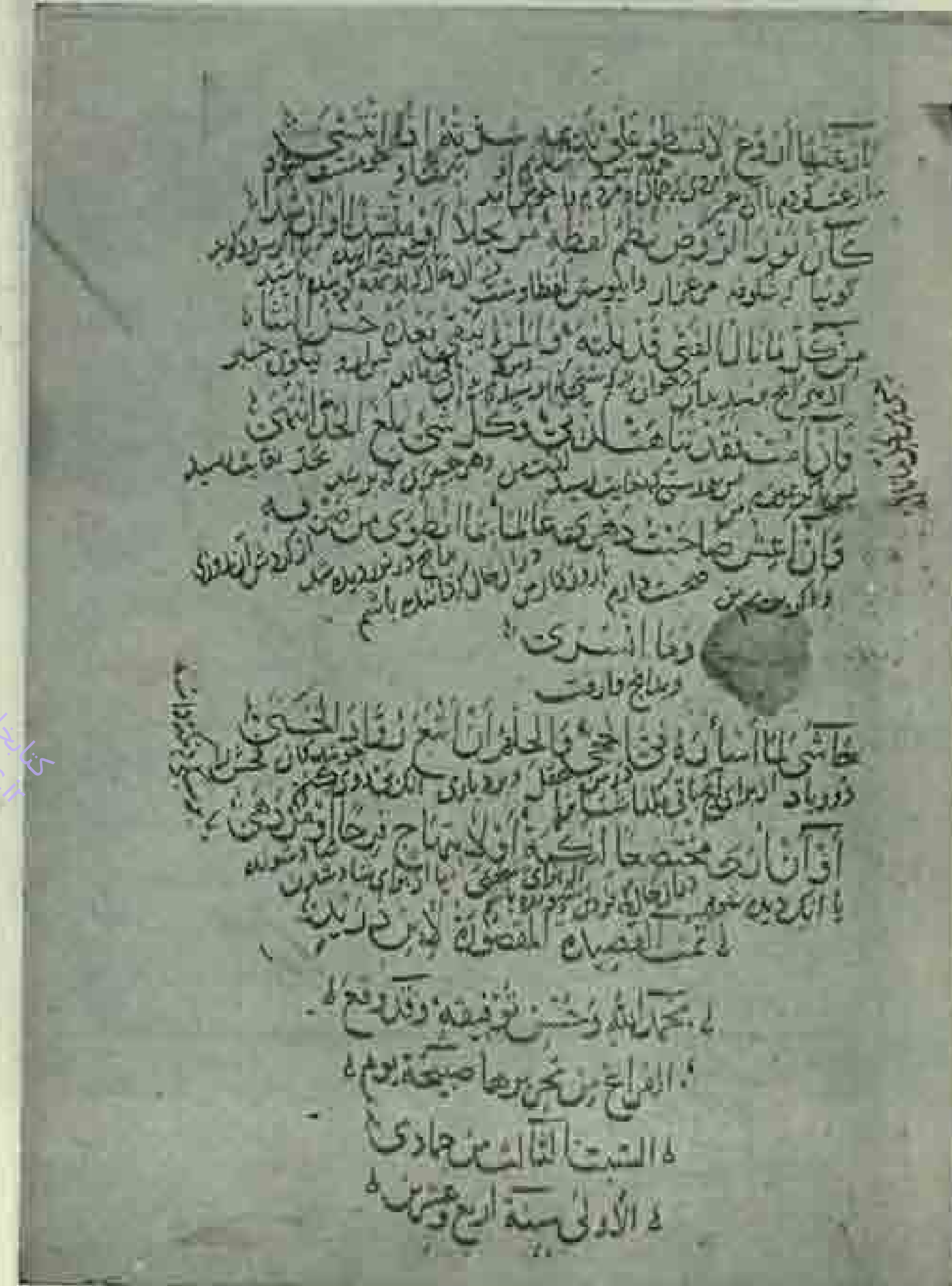
قال ابو بكر محمد بن الحسن

ابن دريد الازدي رحمة الله عليه

گ ۱۳۲ پ ش ۱۲۳۸/٤ آغاز مقصورة ابن درید



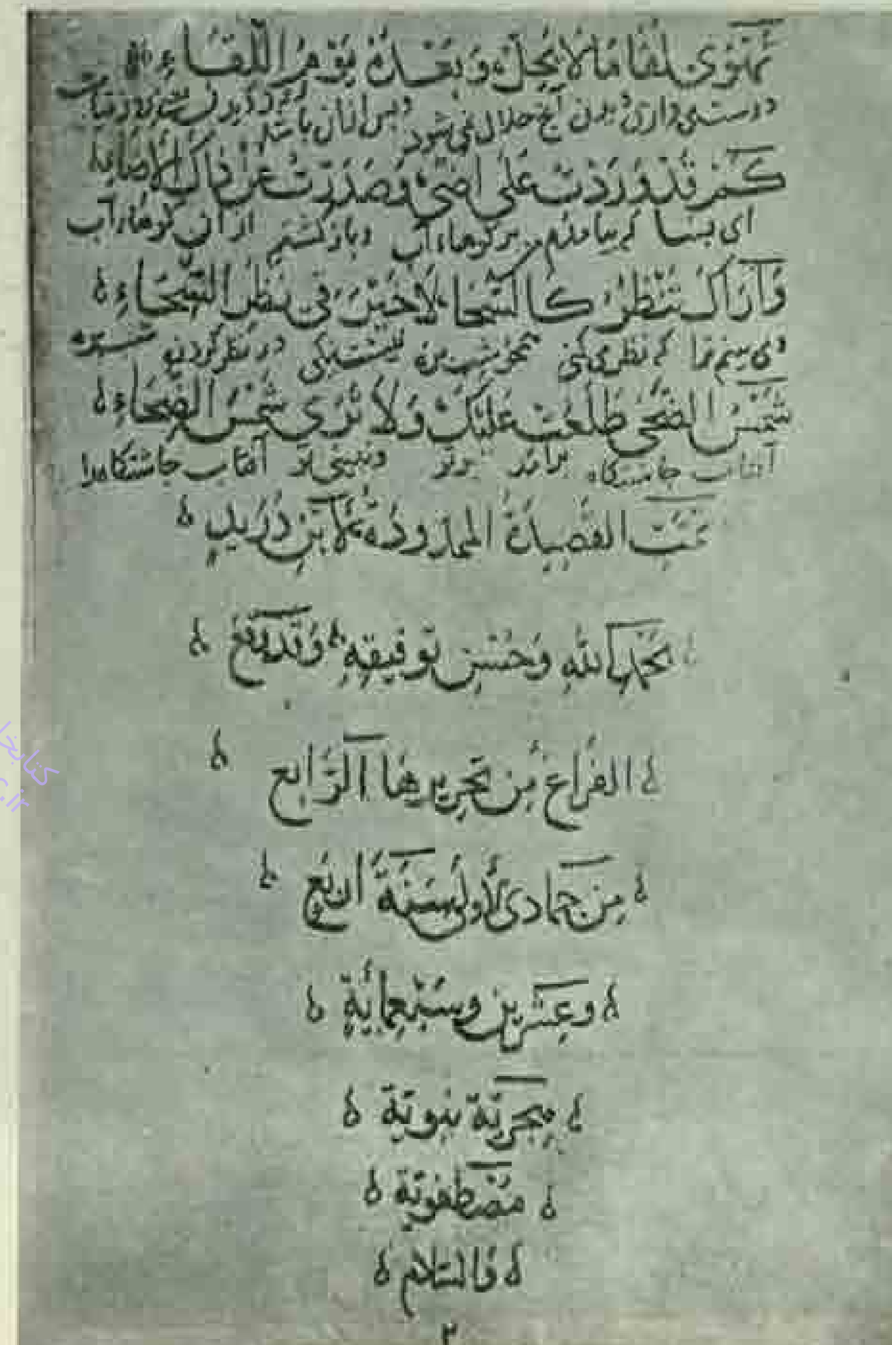
از قصیدهٔ مقصورة ابن درید ازدی (صفحهٔ دوم) ش ۱۲۳۸/٤



پایان مقصورۀ ابن درید گ ۱۴۲ پ ش ۱۲۳۸/۴



آغاز مقصورۀ ابن درید گ ۱۴۳ ر ش ۱۲۳۸/۵



تمّت القصيدة الممدودة لابن دريد

بحمد الله وحسن توفيقه

والفراغ من تحريرها الرابع

من جمادى الاولى سنة اربع

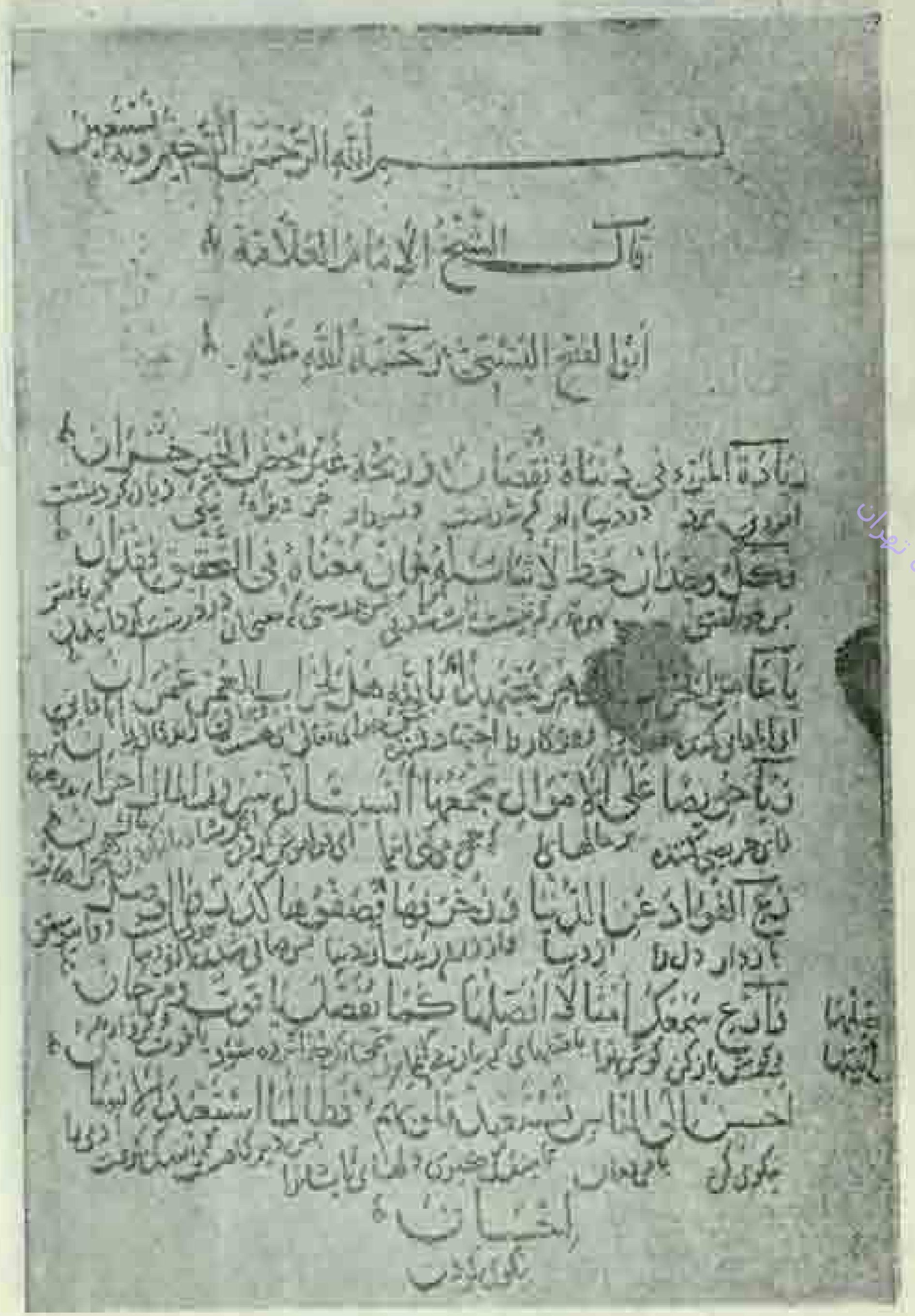
وعشرين وسبعمائة

هجرية نبوية

مصطفوية

والسلام

پايان قصيدهٔ ممدودهٔ ابن دريد ش ۱۲۳۸/۵



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

قال الشيخ الامام العلامة

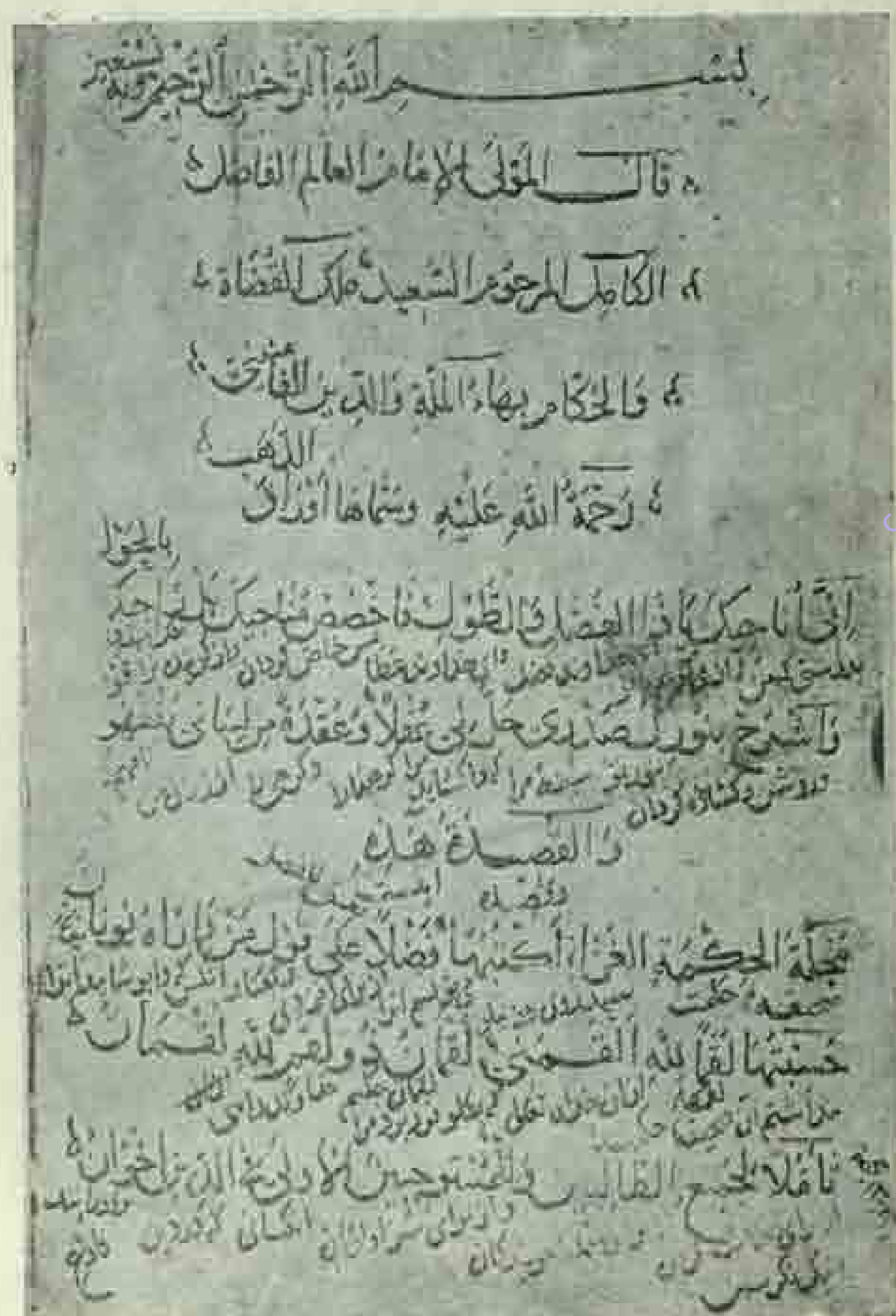
ابو الفتح البستي رحمة الله عليه

زيادة المرء في دنياه نقصان وربحه غير محض الخير خسران

آغاز الدرة البستية ۱۲۳۸/۶



پایان العزة البیتیة ۱۲۳۸/۶



آغاز اوراق الذهب ش ۱۲۳۸/۷



گ ۱۵٤ ر ش ۱۲۳۸/۷ پایان اوراق الذهب

٤ ـ مقصوره ابوبکر محمد بن الحسن ابن درید ازدی (۱۳۲ پ ـ ۱٤۲ پ)

۵ ـ ممدوده الرعثان ابن درید (۱٤۳ ر ـ ۱٤۵ پ)

۶ ـ الدرة الیتیمة از ابوالفتح بستی (۱٤۶ پ ـ ۱٤۹ ر)

۷ ـ اوراق الذهب و نام سراینده و قصیده‌ها در کلیشه میبینیم (۱٤۹ ب ـ ۱۵٤ الف)

[۲۳۱۱ ـ ۲۳۱۷]

۱۲۳۸ نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و در ۷۲٤ نوشته شده است، ترجمه فارسی هم میان سطرها دیده میشود. در صفحهٔ عنوان تجدیدات خط مالك آن خاطر بن شهاب بن محمد بن منصور مشوری دیده میشود.

(۱۵۳ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه: ۱٤×۲۰ و ۱۵×۲۲ س ۱۱

[۱۹۹۹] **حاشیه شرح الفیه** (فارسی)

علی اکبر بن عبدالکریم یزدی بر شرح سیوطی بر الفیه ابن مالك این حاشیه را نوشته است عنوانهائی که در هامش نسخهٔ ما نوشته شده تا «باب الادغام» است.

آغاز: بسمله و به نستعین الحمدلله رب العالمین ... اما بعد فیقول ... علی اکبر بن عبدالکریم الیزدی که چون شرح الفیه که مشهور است بسیوطی کتابی است مطلوب.

انجام: قوله الشاب بالفتح جوان (تمت الکتاب بعون الملك الوهاب حامدا مصلیا).

[۲۳۱۸]

۱۲۵۰ بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف میباشد و تاریخ ندارد

(۱٤۹ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه: ۹×۱۸/۵ ـ ۱۵×۲۵ س ۲۳

[۲۰۰۰] **حاشیه شرح حکمة العین** (عربی)

حاشیه‌ایست بر شرح شمس الدین محمد بر حکمة العین و در آن از استاد و استاد محقق یاد شده است

آغاز: بسمله رب وفق للتتمیم (قوله) الحکمة استکمال النفس الانسانیة الخ الاستکمال مصدر والمصادر قد یطلق و یراد بها معانیها النسبیة

انجام: فيلزم ان لايقدر العقل على تعقلها عف. هذا ما يتسر لى فى الابحاث المتعلقة بمباحث الامور العامة والحمد لله مفيض الخير والكرامة ونسئل الله ان يوفقنى لاتمام ما فى الكتاب والصلوة على من ادرك الحكمة وفصل الخطاب.

[٢٣١٩]

١٢٨٨ شمارهٔ دوم دفتر و بهمان خط شمارهٔ یکم آن (روز چهارشنبه ٨ رجب ١٠٤٨) ودر باره‌ای از جاها حواشی دارد عربی و گاهی بپارسی درخود نسخه ودر برگهای جداگانه با نشانه های: «منه» «میرزای شیروانی» «س» «م ن» (١٧پ-١١٦ر)

[٢٠٠١] **حدوث العالم (رسالة فى -)** (عربی)

چنانکه درصفحهٔ عنوان ما آمده نام کتاب چنین است: «رسالة حدوث العالم للشیخ الامام افضل الدین عمر بن علی بن غیلان رحمه الله» نام او در آغاز کتاب هم بدینگونه آمده: «الشیخ الامام افضل الدین استاد الزمان عمر بن علی بن غیلان تغمده الله بالغفران» واز دیباچه چنانکه خواهیم دید برمیاید که او در شوال ٥٢٣ درمدرسهٔ نظامیه مرو دانش میاندوخت ودرشوال سال ٥٢٤ درنیشابور بود وفرا گرفتن منطق را که درهمان مرو آغاز کرده بود دراین شهر بانجام رساند و پیش ازاین در بلخ بود و حساب وجبر وهندسه میآموخت. وچنانکه خود میگوید وی از دشمنان اندیشه وپندار ابن سینا است ودر منطق هم ازاو خرده‌ها گرفته‌است. ابن سینا رساله‌ای دراثبات قدم جهان بنام «رسالة الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدأ زمانیا» (فهرست انکارنده ص ٢٥٥ و ١٤٣٠) نوشته است و غیلانی دراین رساله که در رد آن نوشته است میخواهد سخنان او را بیاورد و باطل کند. او درضمن از بسیاری ازمسائل مهم اصول دین هم یاد کرده وبر ابن سینا تاخته است و دربسیاری ازجاها از اشارات وشفا و گویا مباحثات هم عبارتهائی آورده واز آنها خرده گرفته است.

غیلانی در آغاز از آراء ابن سینا دربارهٔ معاد ونبوت ومعجزه و کرامت هم یاد نمود ودریافت که ابن سینا یا آنها را منکر است یا اینکه ازروی «مذاهب الطبیعة» آنها را حل میکند (٦ر) او میگوید که ازمسئله حدوث جهان بسیاری ازاصول دین درست میشود وازاینروی باید بدان ارج نهاد (٨ر) وفیلسوفان دراین مسئله خلاف کرده‌اند ومنشاء

فساد دردین شده‌اند و باید ریشهٔ سخنان گمراه کنندهٔ آنها را کند و آشکار ساخت که اصول عقائد آنها کفر و گمراهی است تا اینکه میگوید: «وقدرایت یوما رجلا من المقدمین یشنع علی مشهور من المذکورین ویقولون عن حرشدید انه: [لعن الشیخ الرئیس اباعلی] فقلت: [ما احسن ما فعل] وبثبت (گویا: اثبت) له وجه ذلك فسکن غضبه وسکت» (١)

دراینجا استکه او عبارتی از آغاز تهافت غزالی درنکوهش ازفیلسوفان آورده وماننده او او وشهرستانی درملل ونحل گفته استکه پس ازیونانیان بسخنان همان فارابی وابن سینا میتوان نگریست (٩ر). باید گفت که این رسالهٔ غیلانی دومین تهافت الفلاسفه میباشد. آنگاه میگوید که دوستاران سخنان فیلسوفان وودسته‌اند گروهی باخلاق وریاضی وپزشکی و کلام و «مختلف فقه» ومنطق میپردازند ومیشود آنها را آگاه نمود واز گمراهی بیرون آورد. درمنطق گرچه گمراهی نیست ولی مثالهای آن از دوعلم الهی و طبیعی گرفته میشود وخواننده را وامیدارد که آنها را هم بخواند وسودی هم در آنها نیست. علم کلام نیز بافلسفه آمیخته‌شده وخواننده آن نا گزیر میشود که بنوشته‌های ابن سینا که «معتبر ومعتمد» شمرده شده است بپردازد تا ازفلسفه آگاه گردد وناچار هم باید از منطق آگاهی یابد. پس ازاین غیلانی میگوید (١١ر): «وکان سبب شروعی فی تحصیل علومهم انی لما حصلت فی المدرسة النظامیة بمرو حرسها الله فی شوال سنة ثلث وعشرین وخمسمائة واقبلت علی قراءة خلاصات الفقه والمباحثة فیها کنت اسمع من بعض من کان یباحثنی الفاظا ومعانی لم اعهدهما فسألتهم عنهما فوصفوا لی المنطق وقالوا انه اعون شیء علی المناظرة واقوی عدة فی مغالبة الخصم فحرصت علی تحصیله و احکامه وشدوت شیأ منه بمرو ثم ارتحلت فی شوال السنة الاخری الی نیسابور واتممته هناك و کنت قبل ذلك احکمت علی الحساب ببلخ ومهرت فی استخراج المسائل الجبریة ورایت فی کتب الحساب اشکالا هندسیة وسمعت من استادی فیذکر کتاب اقلیدس فی اصول المقادیر فحصلت شطرا منه الخامسة ومن غیره من کتب الهندسة واصول علم النجوم فدعتنی هذه العلوم

---

١ - ابن تیمیه درنقض المنطق (ص ١٨١) مینویسد «کان فقهاء بخاری یقولون فی ابن سینا: کان کافرا ذکیا»

الی النظر فی الطبیعیات والالهیات لمصاقبة بعضها لبعض وکان قلبی یضیق لمخالفة ما فیها لما کنت اعتقده من اصول الدین وعلمت ان ابطال ذلک انما یمکن بعلم الکلام فاشتغلت بتعلمه وکان اکثر غرضی منه واکثر همی فیه الوقوف علی فساد شبههم فی مخالفة الحق فوجدت فیه من آراء الفلاسفة ما خالفه ابن سینا و ابطله فزادت رغبتی فی تصفح کتبه و تحقیق ما فیها لیکون معارضة اقاویلهم ومناقضة شبههم عن حقیقة و بصیرة فانعم الله جل جلاله علی لما علم من صدق همتی وخلوص نیتی فیما قصدته بان فتح علی ما انغلق علی کل من تقدمنی حتی خطأت ابن سینا فیما لا یخطر ببال احد انه کان تخطئته فیه وهو علم المنطق فی کثیر من المواضع منه وعملت فیه رسالة سمیتها «التوطئة للتخطئة» وعنیت بتخطئته فی مسائل اصول الدین وها انا الآن اذکر فی هذا الکتاب من ذلک ما یتعلق باثبات حدوث العالم وابطال شبههم فیه و بعد الفراغ من هذا الکتاب اقبل ان شاء الله تعالی علی تحریر کتاب «التنبیه علی تمویهات کتاب التنبیهات» وعلی تعقب کلامه فی کتبه الاخری وابطال جمیع آرائه المخالفة للحق»

آنگاه میگوید (۱۲ ر) «مبادا گمان برید که هر کس بنوشته های فیلسوفان بنگرد سخنان آنها را درست میداند و از عقاید خانوادگی خود بر گشته است بلکه هر کس سخنان آنها را بآسانی دریابد و خود هوشمند باشد و بتواند درست را از نادرست بازشناسد بویژه اگر در منطق سر آمد باشد و از علم کلام نیرو گیرد مانند حجة الاسلام محمد غزالی و شیخ امام اجل شرف الدین مسعودی و دیگران از دانشمندان کلامی که بمنطق والهیات هم نگریسته اند و غرضی جز رد فیلسوفان نداشته اند از چنین گمان بدور خواهد بود.»

سپس میگوید که برخی از ظاهریان از نادانی پنداشتند که سخنان فیلسوفانی که آنها را خردمند و فرزانه میخوانند همه درست است و فریفتهٔ آنها شدند. باز میگوید (۱۳ ر): «ولم یزل رؤساء الباطنیة و دعاتهم من ابناء المجوس الذین کانوا یظهرون الاسلام ویبطنون عداوته ویسعون فی افساده وابطاله بکل ما امکنهم من الحیل یتفلسفون ویدرجون کتب الفلاسفة واقاویلهم فیما بین المسلمین لکنها لم تظهر کظهورها فی ایام

الدیالمة بابن سینا وکان ابوه من الباطنیة علی ما حکی تلمیذه ابو عبید الجوزجانی فی تاریخه(۱) فحمله خبث طینته وسوء عقیدته الموروثة عن ابیه علی ان اکب علی تحصیل علوم الفلسفة اولا ثم اجتهد مع ان قد رزقه الله تعالی فرط ذکاء وقوة طبع فی ترتیبها و تمحل ادلتها ثم صنف فیها کتبا طوالا واوساطا وقصارا و کتب ایضا رسالات کثیرة افصح فی جمیعها بالمقالات المخالفة للاسلام من غیر مبالات وتقیة بقوة وزاوعه ضعف دین صاحبه وسمی کتبه باسام حسنة کالشفاء و النجاة و الهدایة و التنبیهات و المعاد والحکومة ودرسها علی رؤس الاشهاد وراسل اهل زمانه بآراء ابتدعها فی فنون هذا العلم وکان مع ذکاء القریحة مسترسلا فی العبارة قادرا علی التمویه والتلبیس فیها وکان المتحازون الی الی جملته لحرمته ونعمته والمتحملون بتلمذته ینوهون بذکره ویبالغون فی اعلاء صیته ویغالون فیه ویکتبون عنه ما یکاد یخرج عن وسع البشر حتی فخم بذلک امره وعظم قدره فی قلوب العوام والخواص ایضا وقد رسخ فی قلوب قوم من اهل زماننا ان الحق ما قاله کیف کان وان الخطاء علیه بعید عن الامکان وان من خالفه فی شیء مما قاله لم یعد فی زمرة العقلاء فلهذا حرصت علی تعقب کلامه و تتبع وجوه غلطه لینزل جماعة الغلاة عن الغلو فی حقه فکل من یکون سبب اغتراره بکلام الفلاسفة وخاصة ابن سینا الالفاظ المموهة والاخبار الکاذبة یتنبه للرجوع الی الحق بالایقاف علی المعانی والکشف عن الحقائق ان لم یطبع الله علی قلبه فیکون تنبیهه واجبا ومفیدا»

سپس میگوید (۱۴ ر) کسانیکه شیفته شدند و نمیتوان هم آنان را براه راست آورد گروهیند که از دین سر باززدند و میپندارند که با فلسفه از نادانی میتوان رهید ومیگویند «ان الفلسفة فل السفه»(۲). از ایشان کسانی هستند که دین را زیر پا نهادند

---

۱ ـ ابن تیمیه در الرد علی المنطقین (ص ۱۴۱ و ۲۷۸) نیز چنین سخنی دارد نیز نقض المنطق او ص ۱۳۳ و ۸۷

۲ ـ ابو الفتح علی بن محمد کاتب بستی (۳۶۰ ـ ۴۰۱) میگوید:

خف الله و اطلب هدی دینه	و بعد هما فاطلب الفلسفة
لئلا یغرک قوم رضوا	من الدین بالزور والفلسفة
و دع عنک قوما یعیدونها	فلسفة المرء فل السفه

(یتیمة الدهر ۴: ۳۱۴)

و بمسلمانان ستم میکنند و شهرهایشان را ویران میسازند و مالهایشان را میربایند پس باید برای نگاهداری مسلمانان بعلم کلام پرداخت و از فلسفه خرده گرفت و این علم اگرچه برای همه کس فرا گرفتن آن شایسته نیست بلکه گاهی هم زیان میبخشد و کلام معتزلیان و بدعت گذاران است که گمراه کننده میباشد ولی امروزه باید با کلام از گزند فلسفه رهید.

غیلانی در یکجا (۵۹ ر) میگوید: «و ابن سینا لم یحم حول الجواب عن هذه التقسیمات لکن اخفیر و غ روغان الثعلب...» گویا درباره «مباحثات» است که میگوید: «و قد وجدت لابن سینا حجة رابعة اتعجب من الکل فی اثناء «مسائل» زعموا انه سئل عنها فذکر جواباتها و ظنی ان تلک مسائل موضوعة لا مسئول عنها و انه انما وضعها لیجیب عن کل واحد بما هو یعتمد علیه عندی و هذه الحجة من جملتها و وجدت هذه النسخة بخط فاضل مشهور منهم و کان قد کتب فی آخرها انی نسختها من نسخة نسخت من خط مصنفها» (گ ۴۰ ر)

او در فصل ۳ باب ۱ قسم ۲ (۷۰ پ) قاعدهای آورده درباره اعتباری بودن اضافات و گویا از همین است که شیخ اشراقی (۵۴۹ ـ ۵۸۷) در حکمة الاشراق (ص ۱۸۲ چاپ یکم و ص ۶۴ چاپ دوم و تلویحات ص ۲۶ و مقاومات ۱۹۲ و مطارحات ۳۴۳) از آن بهره برده است.

در قسم دوم آن که از شبهههای کسانیکه جهان را قدیم میدانند و پاسخ آنها بررسی شده است میتوان شبهههای پرکلوس (ابرقلس) را آنچنانکه شهرستانی در ملل و نحل آورده و در تهافت غزالی و مطارحات سهروردی (ص ۴۲۲ و ۵۲۶) نیز دیده میشود و در «برقلس عند العرب» هم بچاپ رسیده است یافت.

چنانکه دیدهایم او در این رساله از دو کتاب خود یاد میکند یکی «التوطئة للتخطئة» که در آن از مسائل منطقی که کسی گمان نمیکند که بتوان آنها را تخطئه کرد خرده گیری نموده است (۱۱ پ) دیگری «التنبیه علی تمویهات کتاب التنبیهات» که تو پیشبینی از این رساله بنویسد (۱۲ پ و ۱۲۱ پ). در این کتاب از فیلسوفان یونانی مانند

افلاطون و ارسطو و دیگران یاد شده و همچنین از فارابی (۹ ر، ۹۵ ر، ۱۱۵ پ، ۱۱۷ پ، ۱۱۸ ر) و در بسیاری از جاها از ابن سینا و اشارات و شفا نام برده است. در یکجا (۱۵ پ) دارد که ریشه فساد و تباهی روزگار ما نوشتههای ابن سینا و پیروان او است و او کتابهای خود را بنامهائی نیکو مانند «شفا و نجات و هدایه و تنبیهات و معاد و حکومت» نامیده است (۲۳۰ پ). باز دارد که شیوع سخنان فیلسوفان و فراوانی نوشتههای آنان مایه فساد میان مسلمانان شده است (۱۱۵ ر) اینست که او سخنان «علماء الاسلام من اهل السنة و الجماعة رضوان الله علیهم» (۱۶ ر و ۹۵ ر) ارج مینهد. در آن از حجة الاسلام غزالی در چندجا (۸ پ، ۱۲ ر، ۷۵ پ، ۸۲ ر، ۹۳ پ) بدینگونه «الشیخ الامام حجة الاسلام محمد الغزالی رحمه قال فی صدر کتابه المسمی تهافت الفلاسفة» و «حجة الاسلام محمد الغزالی» و «الامام حجة الاسلام رحمه الله» و «الامام حجة الاسلام» و در چندین جا از ابو البرکات بغدادی و معتبر او که بسیار از آن میاورد و از شهرستانی بنام «صاحب کتاب نهایة الاقدام» (۳۶ ر) که عبارتی از آن (ص ۹) را آورده است و از شرف الدین مسعودی بدینگونه: «الشیخ الامام الاجل شرف الدین محمد المسعودی دامت ایامه فی کتاب المباحث و الشکوک» و «الامام شرف الدین» یاد گردید (۱۲ ر، ۱۰۵ پ، ۱۰۸ پ). از مناظرات رازی بر میاید که او شرف مسعودی را در بخارا بسال ۵۸۲ دیده است (ص ۲۰ و ۲۵ و ۲۷) در جائی دارد: «ثم ذکر ابن سینا فی رسالة الحکومة «ادلة اخترعها یحیی بن عدی علی استحالة وجود حوادث لا نهایة لها فی صور قیاسیة تکلفها» (۱۸ ر)

امام رازی در محصل (در مبحث زمان) سخنی از ابن غیلانی که در فصل ۲ باب ۱ قسم ۲ همین رساله (۵۲ پ) می بینیم میآورد و از او بنام «الامام افضل الدین فرید غیلان» و در نسخه ش ۸۱۶۵۰ دانشگاه و نسخههای دیگر (۱۱۳ پ) «و الامام افضل الدین الغیلانی رحمه الله» در نسخه چاپی (ص ۶۶) یاد کرده است.

در مناظرات امام رازی (ص ۳۸) از او بنام «فرید غیلانی» یاد گشته و از آن بر میآید که او در نزدیک ۵۸۲ در گذشته بود و رازی در سمرقند که غیلانی در آنجا می زیسته است بخانه او رفت و با او درباره همین رساله حدوث عالم گفتگو نمود و او نتوانست از عهده رازی

برآید ومینویسد که شنیدم مردم ملخص وشرح اشارات و مباحث مشرقیه مرا فرودش میخوانده‌اند.

درفهرست کتابهای امام‌رازی درتاریخ حکماء قفطی ص۱۹۱ (نه خزرجی) دارد «کتاب جواب‌العیلانی» (نیزدیباچهٔ فرقدرازی ص۳). سید داماد در خلسة الملکوت (ص۲۵) مینویسد: «واما مااعتمله ابن‌غیلان ان‌معنی حدوث العالم بعدعدم ممتدلاعن بدایة امتداد ذلک‌العدم بقیاسه الی وجودالحق الاول‌سبحانه لاامتداده بحسب نفسه! فقدورت انعین سخیف‌الاعتمال» وپیداستکه ازفصل٤ باب۱ قسم۲ (۷۵ ر) همین رساله بهره‌برده است دراتساب سمعانی (گ ٤١٤پ) ولباب‌الانساب (۱۸٦:۲) از «غیلانی» وچند کس که بدین نام خوانده‌میشده‌اند یادشده ولی‌ازابن‌غیلانی ما یادنگشت.

درآغازرساله‌ای ریاضی (مجلس ش۵۹۹ گ۱۷۱پ)دارد: «قال‌سیدنا ومولانا افضل الدولة والدین‌امام‌الحق العزة والرفعةعلوه: قال‌عمر بن‌علی بن‌غیلان‌تغمده‌الله‌بالغفران: رأیت کتابا کبیرا عمله‌القاضی ابوبکر محمدبن‌عبدالباقی‌قاضی مارستان بغداد رحمه‌الله» چون تاریخ نوشتن این رساله دراین نسخه‌پس‌ازرجب ۵٦۹ ودر۱۸ح ۵۷٦/۲ میباشد وقاضی ابوبکرمحمدبن‌عبدالباقی‌بغدادی فرضی‌هم در۵۳۵ در گذشت (گاهنامه۱۳۱۱ ص۱٦۰) پس غیلانی پیش از۵۷٦ وپیش از۵۸۲ باید در گذشته‌باشد و گویا در زمانیکه شرف‌الدین‌مسعودی هنوززنده بوده‌است.

بیهقی (ش۹۷=دره ۹٤) ازاو بنام «الامام‌الفرید عمر بن‌غیلان‌البلخی» یادمیکند و میگوید که اوازفیلسوفان سرآمد مروبوده‌است.

درمجالس‌المؤمنین ازاودرشمار استادان خواجه‌طوسی یادشده‌است (نیزسر گذشت طوسی ازمدرس‌رضوی ص۲و۹۹ ومدرسی‌زنجانی ص۳) وازآن برمیاید که غیلانی استاد صدرالدین سرخسی وشاگرد ابوالعباس لوکری بوده‌است.

کتاب پس‌ازدیباچه دارای یک‌مقدمه ودوقسم‌است وچنین‌است فهرست آن:

دیباچه(۲ پ)

المقدمة فی‌بیان ان‌هذه‌المسئلة من امهات اصول‌الدین (۳ ر)

القسم‌الاول فی‌الاحتجاج لاثبات‌حدوث‌العالم ومناقضة کلام‌ابن‌سینا فی‌رسالة‌الحکومة (۱۵پ) وفیه‌ثلاثة ابواب:

الباب‌الاول‌فی‌ذکرحجة‌لفقها ابن‌سینا فی‌الرسالة‌المذکورة لاثبات حدوث‌العالم وحجج اخری‌نقلها وذکراعتراضاته علی‌هذه‌الحجج (۱۵پ) وفیه سبعة‌فصول:

الفصل‌الاول فی‌مقدمة لهذالباب(۱۵پ)

الفصل‌الثانی فی‌ذکرالحجة التی‌ذکرها ابن‌سینا فی رسالته المذکورة (۱۷ ر)

الفصل‌الثالث فی‌ذکرما اعترض‌به‌علی‌المقدمة‌الاولی (۱۸پ)

الفصل‌الرابع فی‌ذکرما اعترض بهعلی‌المقدمة‌الثانیة (۲۰ پ)

الفصل‌الخامس فی‌ذکرما قال‌علی «ان‌جملة الامورالماضیة قدوجدت» (۲۱ ر)

الفصل‌السادس فی‌ماقال علی«ان کل‌ماوجد کل واحدمنه فقدوجد کله»(۲۱پ)

الفصل‌السابع فی‌ذکراعتراضاته علی‌الحجج المذکورة (۲۲ ر)

الباب‌الثانی فی‌الجواب عن کل واحدواحد من اعتراضاته المذکورة فی‌الباب الاول (۱۵پ) وفی‌استدراکات متوجهة علی‌اعتراضاته وفیه ستة فصول (۲۳پ):

الفصل‌الاول فی‌الجواب عمااعترض به‌علی‌المقدمة الاولی وتصفح کلامه فی‌ذلک الاعتراض (۲۳پ)

الفصل‌الثانی فی‌الجواب عمااعترض به علی «ان‌مالانهایة له‌لایوجد» (۲۷ ر)

الفصل‌الثالث فی‌الجواب عمااعترض به‌علی‌المقدمتین الباقیتین (۳٤پ)

الفصل‌الرابع فی‌الجواب عن‌باقی اعتراضاته علی‌مقدمات البرهان المذکورعلی حدوث‌العالم (۳۵پ)

الفصل الخامس فی‌الکلام علی الادلة المذکورة علی استحالة وجود حوادث لانهایة لها وفی‌اعتراضات ابن‌سینا لها (۳۷پ)

الفصل‌السادس فی‌اعتراض‌آخرعلی اولتهمینة علی‌دورات الفلک(٤۱پ)

الباب‌الثالث فی‌اقامة حجة‌اخری علی اثبات حدوث‌العالم (۱۵ پ ، ٤۳ ر)

القسم‌الثانی‌فی‌ابطال‌شبه الفلاسفة فی‌مسئلة‌الحدوث‌المؤدیة الی القول بقدم‌العالم

ومايتعلق بها من المسائل (۱۵ب) وفيه خمسة ابواب (٤٥ ر):

الباب الاول فى الكلام على شبههم المبنية على قدم الزمان وفيه اربعة فصول (٤٥ ر)

الفصل الاول فى حكاية ما قالوا فى الزمان وذكر شبههم المبنية على قدم الزمان (٤٥ب)

الفصل الثانى فى بيان حقيقة الزمان وان لاوجود له الا فى الاذهان (٥١ ر)

۵ الفصل الثالث فى بيان ان لاوجود فى الاعيان للوجود المضاف الى الذوات الموجودة فى الاعيان (۷۰ب)

(اينجا قاعدهٔ شيخ اشراقى كه در كتب خويش ياد كرده است ياد ميآيد س ۲٦۹۸)

الفصل الرابع فى ابطال شبههم المبنية على قدم الزمان لاثبات قدم العالم (۷٤ب)

الباب الثانى فى ابطال الشبه التى بنوها لاثبات قدم العالم على قدم مادته، فصل واحد

۱۰ (۷۸ ب)

الباب الثالث فى الكلام على شبههم التى بنوها على مقدمات حقة قرنوا بها مقدمات باطلة وفيه فصلان (۸۱ ر):

الفصل الاول فى ذكر تلك الشبه (۸۱ ر)

الفصل الثانى فى الجواب عن الشبه المذكورة (۸۳ ر)

۱۵ الباب الرابع فى الكلام على شبههم المبنية على نفى الصفات عن البارى وفيه اربعة فصول (۸۷ب):

الفصل الاول فى كلام على شبههم فى ذاته ليس للبارى صفة اصلا (۸۷ب)

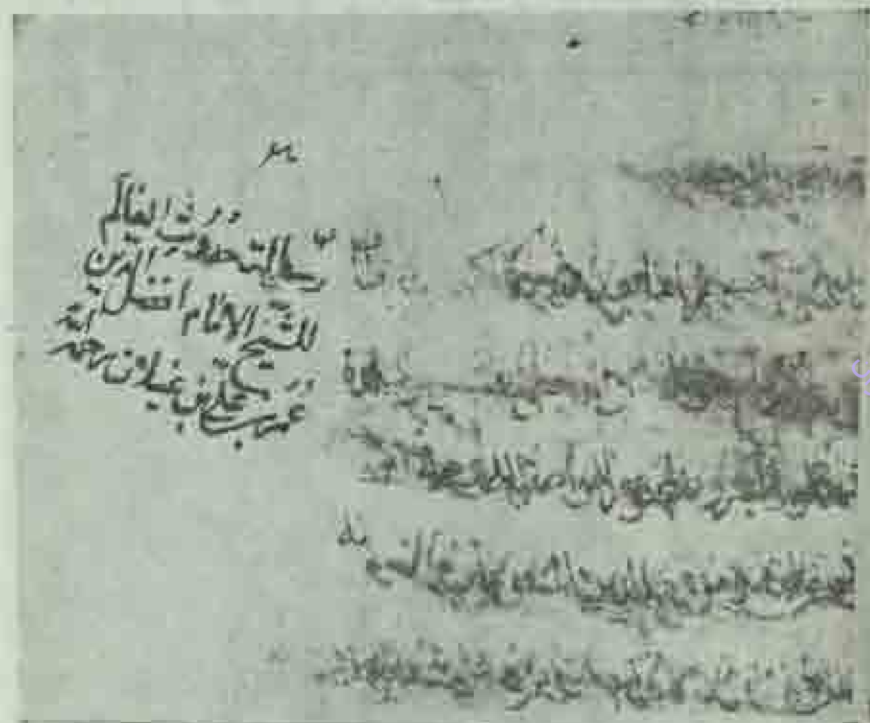
الفصل الثانى فى الكلام على شبههم النافية لارادة الله (۹۳ب)

الفصل الثالث فى الكلام على شبههم فى نفى العلم والمعرفة عن الله الا بذاته (۹۵ ر)

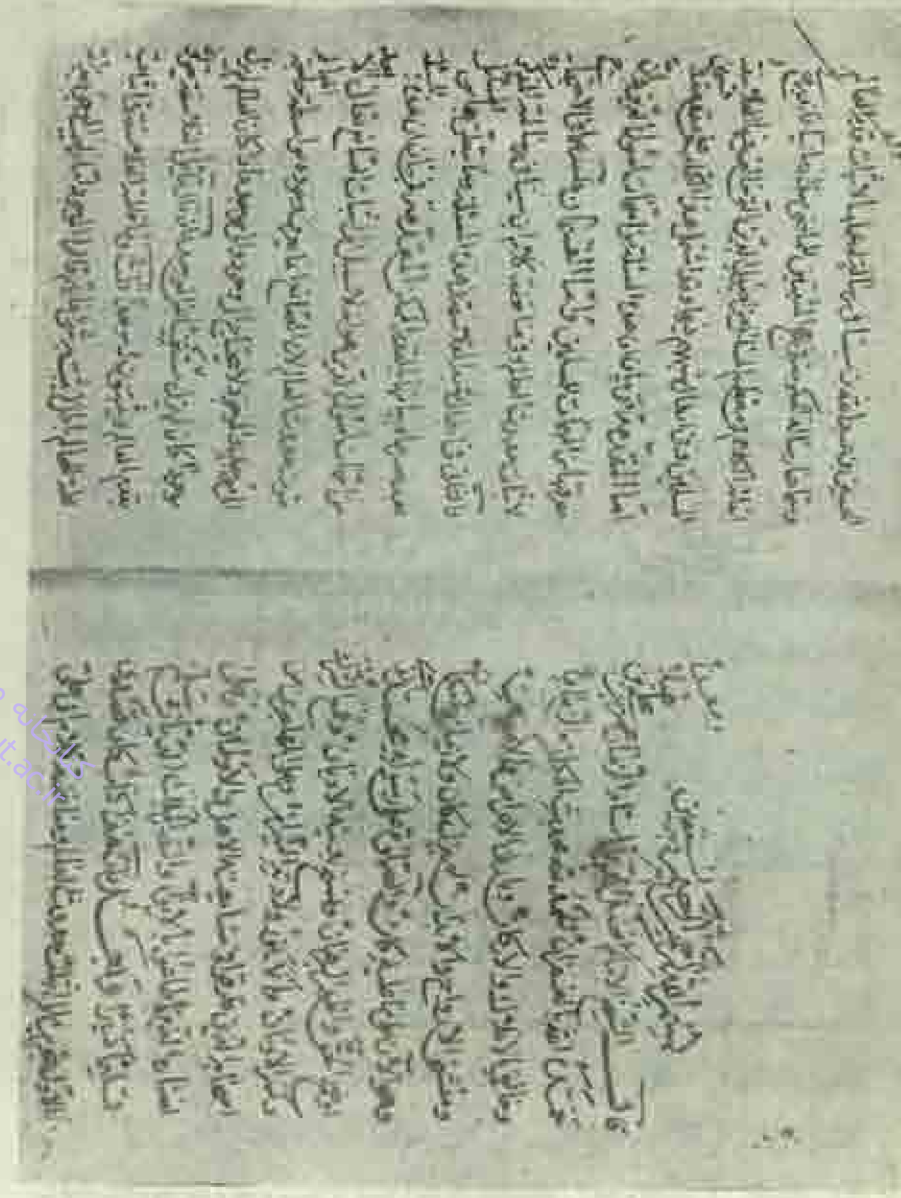
۲۰ الفصل الرابع فى الكلام على شبههم فى نفى علم الله الا بالكليات (۹۹ ر)

الباب الخامس فى الكلام على مقدمات الزموا منها ترتيب وجود موجودات العالم فى الازل وعلى كيفية ذلك الترتيب فى ثلثة فصول (۱۱۲ ر):

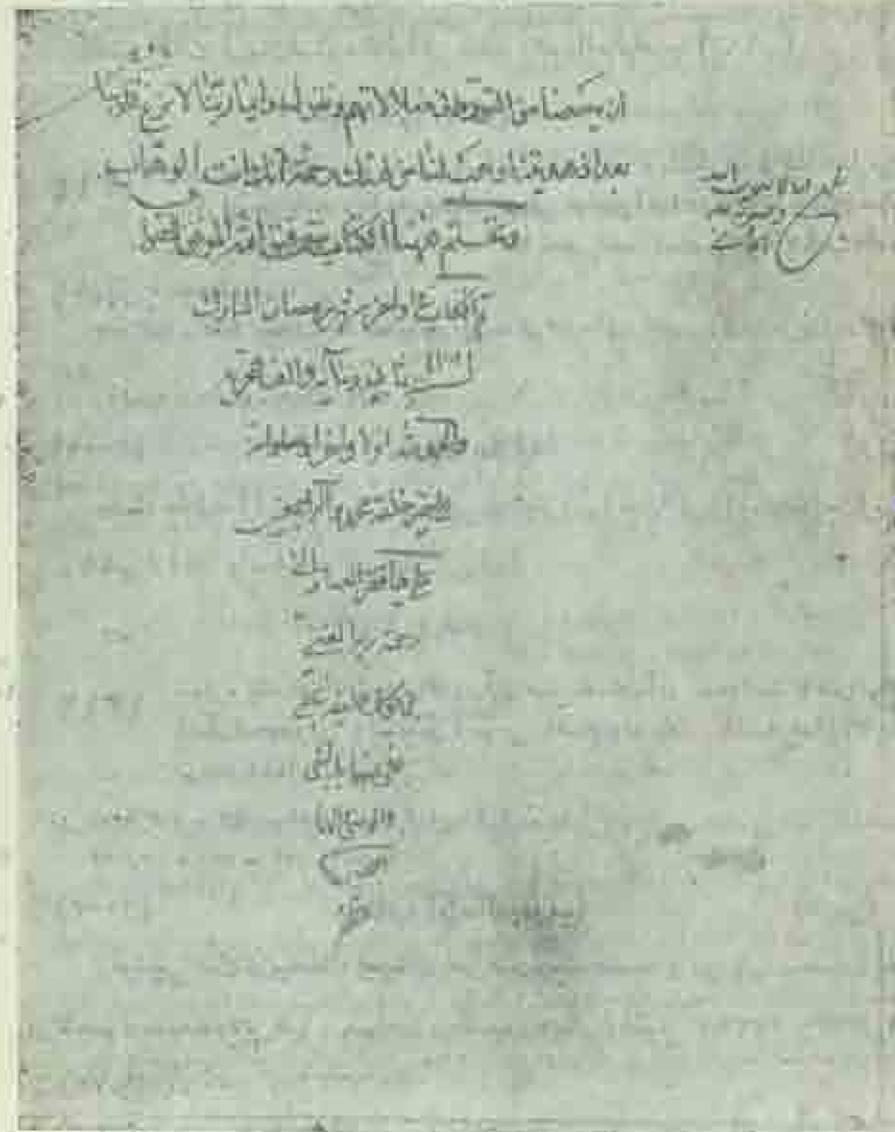
الفصل الاول فى ذكر تلك المقدمات وحكاية ما الزموا عنها من ترتيب الوجود (۱۱۲ ر)



ک۲ ر ش ۱۳۱٤ صفحهٔ عنوان حدوث عالم غيلانى



آغاز حدوث عالم غیلانی گ ۲ پ و ۳ ر ش ۱۳۱۴



پایان حدوث عالم غیلانی گ ۱۲۲ پ ش ۱۳۱۴

الفصل الثانی فی تتبع ما قیل فی بیان هذه المقدمات (۱۱٤پ)

الفصل الثالث فی بیان فساد ما قالوا فی کیفیة وجود العالم قدیما (۱۱۷پ)

[۲۳۲۰]

۱۳۱٤ این نسخه بخط نسخ است و عنوانها درشت تر و بشنگرف و نشانه‌ها نیز بشنگرف می باشد و خلیفة بن یونس نجفی نوشتن آنرا در نزدیك پایان ماه رمضان سال ۱۱۰۸ بانجام رسانده. مقابله هم شده است و نشانه «وقف» در پایان آن دیده میشود.

۱۳۳ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج طلوالی مشکی کناره آن زراندود و درون سرخ دارد و جدول زدنی

الدازه: ۷×۱۲ ـ ۱۱٫۵×۱۸٫۵ ـ ۱۵س

[۲۰۰۲] **حدیقه هلالیه** (عربی)

حدیقه هلالیه از شیخ بهائی است و در فهرست منزوی (۹۹:۱ ش ۱) شناخته است (۱۰ر ـ ٤۹پ از آغاز و انجام اندکی افتادگی دارد)

[۲۳۲۱]

۱۳۱۲ شماره یك دفتر که سه رساله در آن است نخستین آن نسخ است با عنوانهای شنگرف و دومی به نستعلیق و سومی به نسخ و در روز یکشنبه ع ۱۰۷۷/۲ نوشته شده است

(۱۳۵ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی فرسوده

الدازه: ۸×۱۵ ـ ۱۲×۱۹ ـ ۱۵س

[۲۰۰۳] **حساب (رساله درس)** (فارسی)

از قوشچی است در سه مقاله (حساب اهل هند در یك مقدمه و دو باب ـ حساب اهل تنجیم در مقدمه و شش باب ـ مساحت در مقدمه و سه باب) (طوس ۲۷۲۲:۳ و ۳۲۳ش ۷۲ و ۷۵ و ۷۷)

آغاز: الحمد لله رب العالمین ... این کتاب مشتمل است بر سه مقاله.

انجام: ومطلع وقائم ومائل حاصل ضرب قاعده اوست در ارتفاع او)

[۲۳۲۲]

۱۳۱۹ شماره یك دفتر دارای دو رساله که بخط نستعلیق است در رسالهٔ نخستین (گ ۲پ ـ ۳۸پ) جای عنوانها و اعمال حسابی و اشکال هندسی سفید گذارده شده

و آنرا رفیع پسر محمد محسن قاینی در نیمهٔ ذی‌حجهٔ ۱۰۸۱ نوشته است. و دومی هم اگر تالیف مترجم باشد خط هم گویا باشد و عنوانها و ارقام شنگرف است در حاشیه اشعاری است بفارسی در جبر از قاسم علی و عبدالصمد.

(۹۷ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ساده طولانی

الدازه: ۵٫۵×۱۴ ـ ۱۰٫۵×۱۸٫۵ ـ ۱۷س

[۲۰۰٤] **خسرو و شیرین** (فارسی)

از نظامی گنجوی است که در تهران سال ۱۳۱۳ خ بچاپ رسید.

[۲۳۲۳]

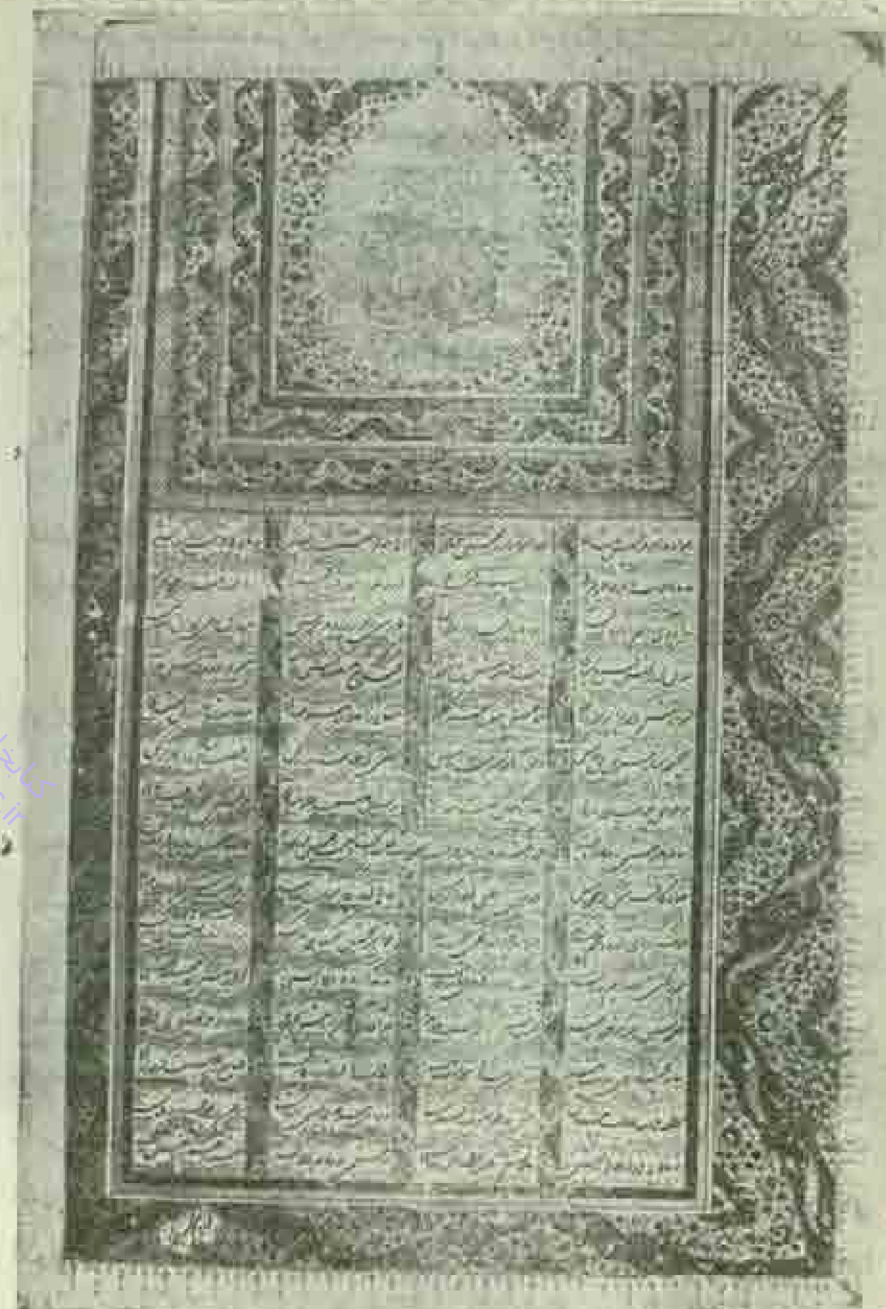
۱۲٦٤ بخط نستعلیق و عنوانها بشنگرف و بزر آراسته و آن را در ۲۸ ذی‌حجه ۱۲٦۲ سید علی حسینی برای میرزا علی نوشته است هر صفحه در جدول زر و لاجورد است و در چهار ستون که فاصل آنها خطوط زرین و لاجورد میباشد و دو صفحه نخستین دارای یك سرلوح و حاشیه سازی شده برنگهای زر و لاجورد و شنگرف و بسیار آراسته و زیبا است.

(۳۸۸ گ) ـ کاغذ ترمه آهارمهره ـ جلد تیماج زرکوب طولانی و درون تیماج سرخ

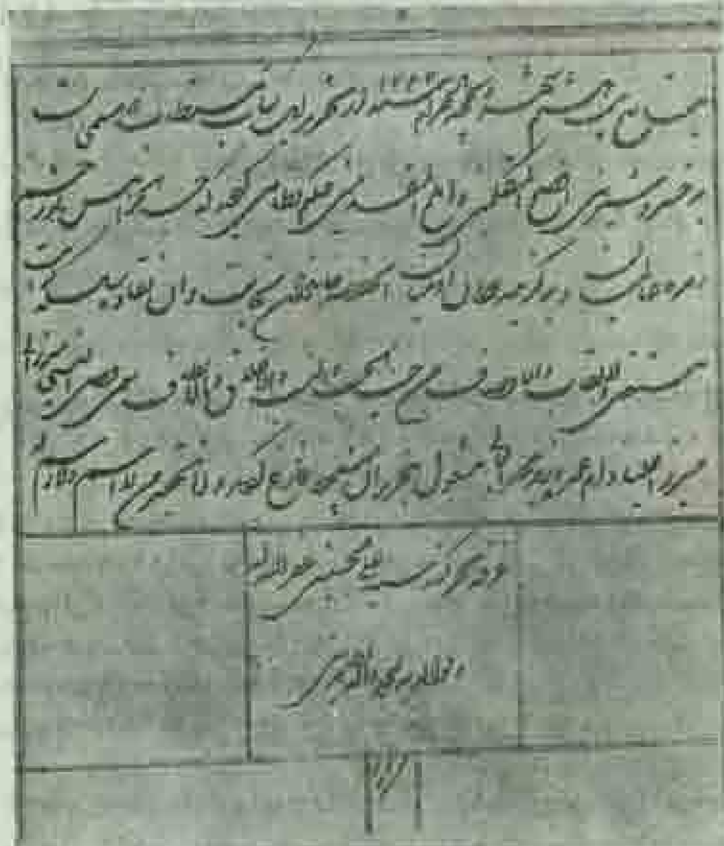
الدازه: ۱۳×۲۱ ـ ۱۸×۲۸ ـ ۲۱س

[۲۰۰۵] **الخطب** (عربی)

فیض کاشانی چنانکه در سه فهرست خود مینویسد خطبی برای جمعات و عیدین از سخنان امان و دانشمندان و نزدیك بفهم مردم روز گار خود ساخته و شمارهٔ آنها صد و بیتهای آن نزدیك به ۳۵۰۰ میباشد و گردآوری آنها را در ۱۰٦۷ بانجام رساند. بنوشتهٔ ذریعه (۱۸۵:۷) در نسخه‌ای دیده شده که در ۱۰۷۰ بپایان رسید. این نسخه‌ها خطبه‌هائی است که احمد بن محمد محسن آنها را گردآورده و مینویسد که بسیاری از آنها را پدرم ساخته است. ما تا این گردآورنده پسر فیض میباشد. گویا او میخواسته خطب را در بخشهائی بگذارد و در نسخه‌ها که در بسیاری از جاها سفید گذاشته شده و میخواسته است بنویسد سه باب دیده میشود نخستین خطب عام دارای ۲۵ جفت خطبه با عنوانهای الاولی والثانیة دوم خطب عام برای اماکن متفرق نیز دارای ۳۵ جفت سوم خطبه‌ها نیز دارای ... به شمارهٔ جفت چهارمی بایستی خطب وقایع از نکاح و جز آن باشد که تا ۲۵ جفت آن در نسخه هست.



آغاز خسرو شیرین ش ۱۲٦٤



انجام خسرو شیرین ش ۱۲٦٤

[۲۳۲٤]

۱۳۱۱ بخط نسخ است وپاره‌ای ازجاها درمیانه آن سفید گذارده شده وبایدنسخهٔ اصل باشد. نشانه «بلغ» دارد.

(۳۰٦ ص) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه: ۵/٦×۱۳ ــ ۱۲×۱۹ ص۱۸

[۲۰۰٦] **خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال** (عربی)

ازعلامه حلی است که درفهرست آقای منزوی ۲: ۵٦۸ ش ۹۹۰ اینکتاب شناسانده شده است.

[۲۳۲۵]

۹۸۲ بخط نسخ باعنوانهای شنگرف وباحواشی شمعلیق بانشانه «م ح ق سلمه الله تعالی» و«م ج ق سلمه الله» و«ب ه ظ» و«م» و«ب ه» و«ب ه مدظله» و«ب ه مدظله السامی» ومقابله شده وازروی خط علامه آمده که درجزء یکم آن ۱۱٤۵ راوی ثقه یادشده. علی بن عبدالله بن الری العاملی حویزه‌ای کربلائی درروزدوشنبه ۲۷ ذی‌حجه ۱۲۰۱ آنرا نوشته است. (پایان جزء یکم) پس آن حواشی بایدازسیدداماد وشیخ بهائی ودیگران باشد. نسخه ازآغازوانجام یکی دوصفحه افتاده است.

(۱٤۱ ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه: ۹×۱٤ ــ ۱۵×۲۰ ص۲۳

[۲۰۰۷] **خلاصة الترجمان فی تاویل خطبة البیان** (فارسی)

محمدبن محمود دهدار برای خان خانان در۱۰۱۳ (فیض جودعلی) این خطبه غلوآمیز را ترجمه نمود (ص۲۲۵۷ ف ــ ذریعه ۷: ۲۱۹)

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی خلق الانسان علمه البیان... اما بعد چنین گوید پیکر گفتار وصورت دیوار محمدبن محمود الملقب بدهدار

انجام: قصیده‌ای که... درسلک نظم درآورده شد بطریق خاتمه ملحق میسازد وبه الحول والقوة:

چوکاسهٔ عشق از کف مغان رسدم رموز عالم غیبی بارمغان رسدم

***

زفیض جودعلی چون رسدم این توفیق چنان رواست که تاریخش ازهمان رسدم

الحمدلله علی الاتمام والفوز بحسن الاختتام والصلوة والسلام علی سیدالانام محمد وآله الکرام (... فی الخمیس ۱۲ شهرذیقعدة الحرام سنة ۱۲۲۹)

[۲۳۲٦]

۱۳۱۷ شمارهٔ دومجدفتراست گ ۷۱ر ــ ۱٤۸پ

[۲۰۰۸] **درر النقاد فی شرح الارشاد** (عربی)

کمال الدین عبدالرحمن بن محمدبن ابراهیم العتائقی شارح نهج البلاغه در۷۷۷ ــ ۷۷۹ ونگارندهٔ تفسیر الوجیز (ذریعه ٤: ۲٤۵) ونویسندهٔ نسخه‌ای ازالرد علی المتعصب العنید در۱۳ ذیقعده ۷٦۲ (ص۱۳۲٦ ف) وهمزمان شهیدیکم (ریاض العلما ش۹۹۳ ص ۲۳۳ ــ فهرست ابن یوسف ۲: ۱۲٦) این شرح را نوشته است. در ذریعه (۱: ۵۱ و۸: ۱٤۰) وفهرست ملی (۱: ۷۵) ازآن یادنگشته است.

[۲۳۲۷]

۱۲۸۰ نسخه بنسخ است باعنوانهای شنگرف ونشانه‌های آنرا در کلیشه می‌بینیم. گ ۱ر ــ ۱۸٦پ. درگ ۱۸۷ر ــ ۱۹۵پ پاره‌ایست از شرح مختصر عضدی برابر باص ۲٦ ص۲۹۸ ــ ص۵ ص ۳۱۰ وص ۸ ص۳۱٤ ــ ص ٤ ص۳۱٦ چاپ ۱۳۱٦ مصر

(۱۹۵ ص) ــ کاغذ سمرقندی وله آن سوخته ــ جلد تیماج سرخ مقوائی فرسوده

اندازه: ۱۳×۲۰ ــ ۱۵×۲۵ ص۲۷

[۲۰۰۹] **دیوان ابی تمام** (عربی)

دیوان ابی تمام طائی که ابن حمزه اصفهانی (سدهٔ سوم) درهفت نوع وصولی (م ۲٤۳) بترتیب حروف آنرا گردآوری کرده‌اند (ذریعه ۹: ۳۸)

دو نسخه اینکه در کتابخانه هست با همدیگر جدائی دارند وگویا هیچیک نه گردآوری صولی ونه گردآوری اصفهانی باشد.

[۲۳۲۸]

۱۳۰٤ بخط نسخ معرب است وچنین است:



صفحهٔ عنوان درر النقاد ش ۱۲۸۰



آغاز درر النقاد ش ۱۲۸۰



پایان درر النقاد ش ۱۲۸۰

آغاز : کان صاعقة فی جوف بارقة   زئیره و اغلاء فی اذن تابعها
و پس از چند بیتی دارد دوقال فی قافیة الدال یمدح اباعبدالله احمد بن ابی داود :
سمعت غربة النوی بسعاد   هی طوع الاتهام و الانجاد
که درمیان نسخه شماره ۱۵٦۵ اینکتابخانه دیده میشود .

انجام : امهد اللهوامسی غیر معهود   ما عهد الایك الحسنی معهود
... (نیمه نخستین ابیات پاره شده و زیر کاغذ رفته) ما کل الذی فیك من خیر بمعدود
(در آن نسخه هم این ابیات را نیافتم . این دو نسخه با هم جدائی بسیاری دارند)

(۳٦۱ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد ندارد
اندازه : ۹/۵×۱٦ و ۱٤/۵×۲۲ س ۱٦

[۲۰۷۰] الذریعة الی اصول الشیعة (عربی)

علم الهدی سید مرتضی موسوی بغدادی در اینکتاب از اصول فقه گفتگو نمود در دیباچهٔ آن از دو کتاب کلامی خود شافی (ش ۵۸۵ ق) و ذخیره (ذریعه ۱۰: ۱۱) و از جواب مسائل اهل الموصل الاول (طوسی ۳: ۳۸) یاد کرده است (ذریعه ۱۰: ۲٦) نسخه‌ای از آن در طوس هست (۲: ۱۹٦) شرحهای ذریعه در ش ۱۷۰٤ ق شناخته شده است . این کتاب بروش پیشینیان نوشته شده و از بهترین کتابهای اصولی است .

آغاز: الحمد لله حمد الشاکرین الذاکرین المعترفین بجمیل آلائه و جزیل نعمائه .. اما بعد فانی رایت ان املی کتابا متوسطا فی اصول الفقه ... واخص مسائل الخلاف بالاستقصاء فان مسائل الوفاق تقل الحاجة فیها .

انجام : و کشف عن قناعة و الظهره و لا یحجبنا بشیء مما سطرناه و ذکرناه عند الموافقة یوم الحساب و نشر الکتاب انه سمیع مجیب .

[۲۳۲۹]

۱۳۰۳ بخط نستعلیق شریف بن محمد صادق است که در روز دوشنبه ۱۸ رجب ۲۳۸ آنرا بانجام رسانده

(۱۱۷ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد و ترکو به طرالی
اندازه : ۹×۱۵ ــ ۱۵×۲۱ س ۲۳

[۲۰۷۱] رسالة الرضا الی المامون (عربی)

این رساله را در ش ۱۳۷۷ شناخته‌ایم

[۲۳۳۰]

۱۳۰۱ شمارهٔ ۵ دفتر است گ ۷۲ ر بنگرید به ۱۳۰۱/۱۴

[۲۰۱۲] **رسالهٔ فقهی** (عربی)

رساله ایست در روزه و زکوة و خمس و شاید از محمد جعفر استرآبادی باشد و دنبالهٔ کتاب مشکوة است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی جعل الصوم جنة من النار... اما بعد فهذه مسائل متعلقة بالصوم والزکوة والخمس جعلتها مشفوعة بما تقدم من المسائل المتعلقة بالطهارة والصلوة المحویة فی کتابنا المسمی بالمشکوة قصدت بها ... اجابة لبعض الاخلاء.

انجام نسخه: مما یدل علی انه کان ملکا لبعض المسلمین مکتوبا (از کتاب خمس کم دارد)

در پایان سوم دارد که در ۱۲۳۱ بانجام رسید (تاریخ نسخه در اینجا هم دیده میشود)

[۲۳۳۱]

۱۲۴۲ شمارهٔ دوم دفتر و بهمان خط شمارهٔ یکم گ ۱۱۵ ر – ۱۲۵ ب

[۲۰۱۳ – ۲۰۱۸] **رسالههای خاتون آبادی** (فارسی)

از محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون آبادی شش رساله در دفتر شمارهٔ ۱۲۶۶ این کتابخانه هست که اکنون میشناسیم:

۱ – رساله در امور موجب استجابت دعا بفارسی که برای شاه سلطان حسین اینکتاب را نوشته و از چگونگی درخواست مطالب از خدا در آن بحث نمود.

آغاز: (بسمله. طوطی فصیح مقال دعا را در قفس افواه مومنان هنگامی پر و بال صدق در آید... و بعد چون امر اشرف... الخاقان بن الخاقان) شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی بهادر خان ... عز صدور و شرف نفاذ یافت که حقیر قاصر خاسر محمد باقر بن اسماعیل الخاتون آبادی مجملی از آداب و کیفیت طلب مسائل و خواستن حوایج و مآرب از جناب قاضی الحاجات ... و برخی از اموری که سبب استجابت دعا (نسخهٔ از دیباچه کم دارد و آنچه میان دو کمانه گذارده ام از روی نسخهٔ شمارهٔ ۱۸۴۴/۵ سپهسالار است.)

انجام: لیکن حقیر در این مختصر بذکر همین قدر که مطابق فرمان واجب الاذعان بود اکتفا نمود والحمدلله رب العالمین والصلوة علی اشرف الخلائق محمد واهل بیته الطاهرین (۱ ر – ٦ ب پس از این در ٦ ب – ۷ ر دستور طرز خواندن صیغهٔ تزویج است بفارسی که بخط محمد حسن بن عبدالمجید حسینی واعظ در ۱۲٤۷ میباشد)

۲ – نوروزنامه بفارسی که برای شاه سلطان حسین نوشته است و در چهار فصل میباشد و در اینشکه از روی اخبار شیعی سال کدام و نوروز در چه هنگام است (سپهسالار ۱۸٤٤/۱)

آغاز: بسمله. وبه نستعین. صباح نوروز فیروز سعید و عید جهان افروز جدید مؤمنان خلص را زمانیست که لباس فاخر و آلاء حمدوثنا متنعم قدیم بکتا و خلعت گران بهای شکر و سپاس بی منتهای خداوند واجب التعظیم بی همتا را بر قامت نارسای زبان و بیان عاجز از ادای حق آن آراسته

انجام: واحتمال بدعت در آنها میرود لهذا ایراد ننمود و الحمدلله فی البدو والختام وصلی الله محمد واهل بیته المعصومین الکرام (۷ ر – ۱۱ ب)

۳ – رساله درباره آب نیسان و بودن قمر در عقرب بفارسی که بدستور پادشاه نوشته و از آب نیسان و ماه نیسان رومی و بودن قمر در عقرب از راه اخبار شیعی گفتگو کرده است (سپهسالار ۱۸٤٤/۲)

آغاز: بسمله. الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد چون امر اشرف اعلی و فرمان عالم مطیع جهان پیما صادر شد که داعی دوام دولت قاهره محمد باقر بن اسمعیل الحسینی الخاتون آبادی را درباب آب نیسان و سبب شرافت نیسان ماه رومی ... بر سبیل اختصار بعرض رساند

انجام: وشش کوکب مزبور در آخر برج عقرب شد والله تعالی یعلم حقائق الاحکام وحججه الکرام علیه الصلوة والسلام (۱۲ ب – ۱٦ ر)

٤ – ترجمه عهدنامه اشتر بفارسی که برای شاه سلطان حسین نوشته است.

آغاز: بسمله وبه نستعین. الحمدلله العلی الاعلی مالک الارضین والسموات العلی... جواد قلم دو زبان در میدان بیان بادای این مرام گرم عنان میگردد که چون والی ملک خلافت

انجام : باب خلایق ماش... پناه جملهٔ اهل عالم باد بالنبی و آله المعصومین الامجاد (١٦پ ـ ٢٨پ)

٥ ـ رساله در صیغ وعقود و کفاره افطار رمضان بفارسی که برای همان شاه نوشته و در سه مطلب است (١٨٤٤/٦)

آغاز : بسمله وبه نستعین حجلهٔ عرایس ابکار سخن را زینت وبها ... از انوار حلی وحلل وفروغ شمع وچراغ حمد وثنا وسپاس منتهای خداوند یست

انجام : وواجب بودن کفاره دیگر ظاهر تر است والله تعالی یعلم والحمدلله تعالی اولا وآخر وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین (٢٨پ ـ ٤٥پ)

٦ ـ رساله در کائنات جو بفارسی که برای همین شاه از روی اخبار شرعی نوشته وتا توانست میان آنها وسخنان فیلسوفان جمع نمود در پنج فصل (١٨٤٤/٣)

آغاز : بسمله وبه نستعین لطائف حمد وثنای از آلایش پاك وتحایف سپاس قرون از حوصله وهم وادراك حریم حرم کبریای خداوند یکتای بی همتا ... را سزد .

انجام : واعتراضات بر آنها وارد است چنانکه در محل خود بیان شده والله تعالی یعلم حقایق الامور والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین (تمت الرسالة المجموعة بید ... محمد تبریزی سنة خمس وعشرین ومائة بعد الالف من هجرة النبوة صلی الله علیه وآله وسلم سنة ١١٢٥) (٤٦پ ـ ٥٨ر)

[٢٣٣٢ ـ ٢٣٣٧]

١٢٦٦ بخط نسخ که بدست محمد تبریزی در ١١٢٥ نوشته شده و عنوانها در آن شنگرف است

(٥٨ برگ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد بی لا
اندازه : ١٠×١٧/٥ ـ ١٥×٢٣ س ٢٢

[٢٠١٩ ـ ٢٠٢٢] **رساله های ریاضی** (فارسی و عربی)

ـ در دفتر شماره ١٢٧٨ این کتابخانه چهار رساله ریاضی است :

١ ـ رسالهٔ معینیه بفارسی که از خواجه طوسی است و آنرا در ١٣٣٦ بچاپ رسانده ام (س ٩٥٣ف ـ دو کتاب مدرس ومدرسی) (١پ ـ ٣٣پ مورخ روز آدینه ٢٦ ذی حجه ١٢٩٩)

٢ ـ حل مشکلات معینیه بفارسی که آن هم از طوسی است ومتن آنرا در همین سال بچاپ رسانده ام (س ٨٨٢ف وهمان دو کتاب) (٣٤ر ـ ٤٦پ مورخ دوشنبه ٢٥ ذی حجهٔ ١٢٩٩)

٣ ـ تشریح الافلاك بعربی که از شیخ بهائی است و در س ٨٥٨ و ٢١٦٣ آنرا شناخته ایم (٤٧پ ـ ٥٠پ)

٤ ـ هیئت فارسی که در یك مقدمه ودو مقاله ویك خاتمه است واز قوشچی میباشد (س ٨٩٠ف) (٥٢پ ـ ٦٢پ مورخ ١٩ ذی حجه ١٢٩٩)

[٢٣٣٨ ـ ٢٣٤١]

١٢٧٨ نسخه بخط نستعلیق است ودارای چهار کتاب دومی آنرا محمد تقی بن محمد بن محمد امین حسینی سمنانی نوشته است سومی آن گویا بخط دیگری میباشد

(٦٢ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا
اندازه : ٩×١٩ ـ ١٥×٢٦ س ٢٥

[٢٠٢٣] **روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان** (عربی)

متن از علامهٔ حلی وشرح از شهید ثانی میباشد (س ١٩٠٢ف)

[٢٣٤٢]

١٢٧٢ بخط نسخ وعنوانها شنگرف ومتن زیر خط وحسین بن محمد حسینی در روز یکشنبه ٦ ع ١٤/٩٧٨ یا ٩٩٨ (جای رقم عشرات سوراخ شده) نوشته است . حاشیهٔ «منه دام ظله العالی» و «س ع ره» و جز آن دارد تاریخ ١١٠٣ و ١٢٧٦ در صفحهٔ عنوان دیده میشود.

(٢١٢ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی فرسوده
اندازه : ١٢×٢١ ـ ١٧×٢٩ س ٢٣

[٢٠٢٤] **الروضة** (عربی)

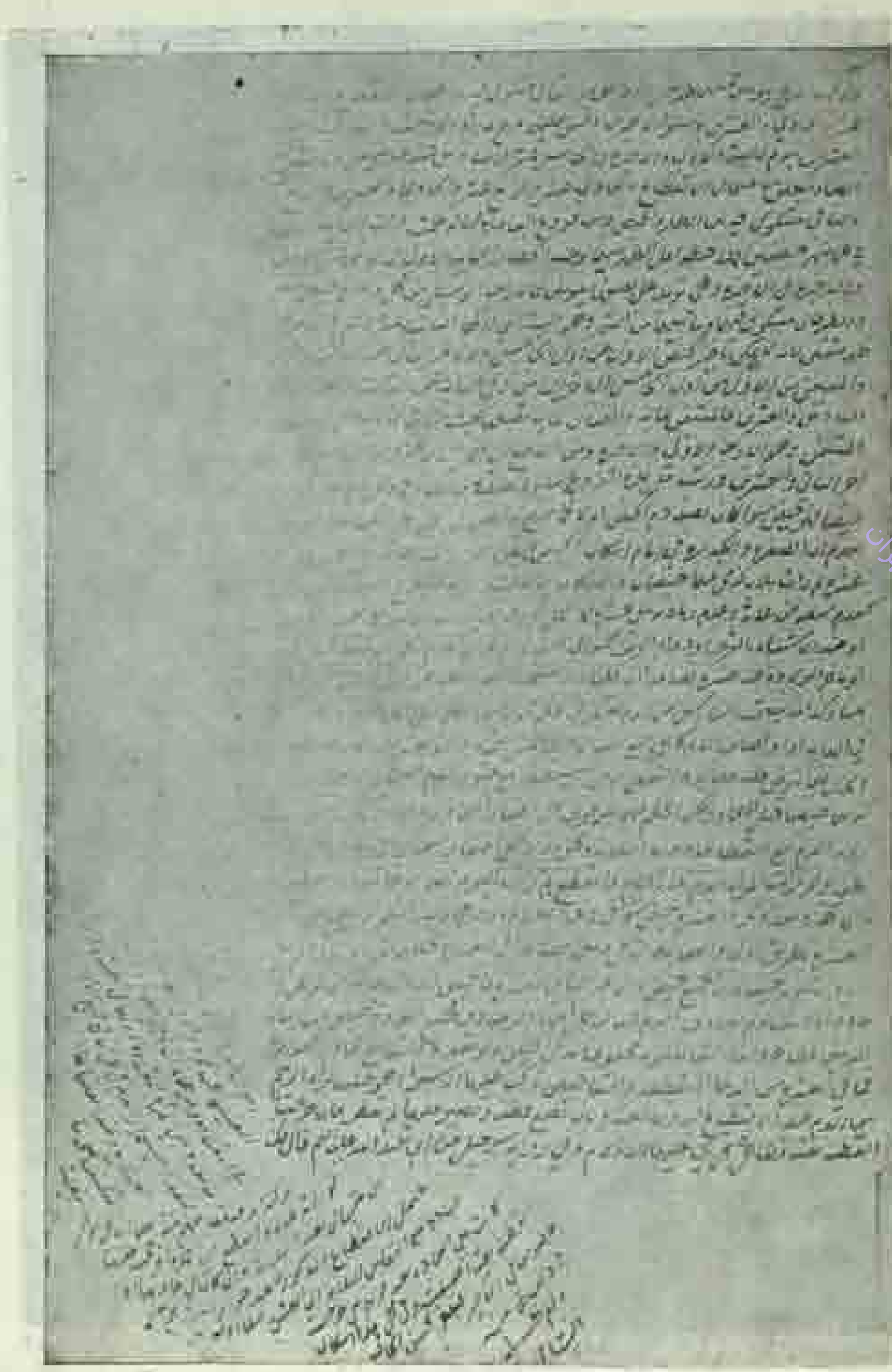
از شهید ثانی است در واجبات ومندوبات صلوة وزکوة وخمس وحج است .

آغاز : بسمله (هذه الرسالة تسمی الروضه والشیخ الثانی تعمده الله برحمته) واعلم ان هذه الواجبات متی ترك المصلی منها شیئا عمدا بطلت صلوته

انجام : کما جعلها مختومة بالتقرب الیه والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی افضل المرسلین محمد وآله الطیبین الطاهرین (٦٩پ ـ ٧١پ)



آغاز نسخهٔ ش ۱۲۷۲



گ ۴۱ ر ش ۱۲۷۲



پایان: نسخهٔ ش ۱۲۷۲

[۲۳۴۳]

۱۳۰۱ شمارهٔ چهارم دفتر است گ ۶۹ پ – ۷۱ پ (بنگرید به ۱/۱۳۰۱)

[۲۰۲۵] **زادالسالکین** (عربی)

نوروزعلی بن امام الدین محمد تبریزی اربعین غزالی را در این رساله بروش شیعی تهذیب نموده است.

آغاز: الحمدلله الذی هدانا من المهلکات بجوده والهمنا من التحقیقات لیمرارشدنا الی الطریق القویم الامامیة و ابرئنا عن التشکیک المستقیم العوالیة"... فیقول... ابن امام الدین محمد نوروز علی التبریزی القزوینی... لما رایت کتاب الاربعین المنسوب صاحب الاحیاء والکیمیاء ابی حامد محمد الغزالی وکان ذلک الکتاب مشتملا علی المسائل الجلیلة... اردت ان اجزیه واهذبه فخصت مختصا... فسمیته بزاد السالکین فهو علی اربعة اقسام

انجام: الخاتمة فی مناظرة النفس قل یا نفس اعملی... لکنک انتهی لو ارجعنی الی الدنیا یوما لاعمل صالحا (خاتمهٔ قسم چهارم و کم دارد)

[۲۳۴۴]

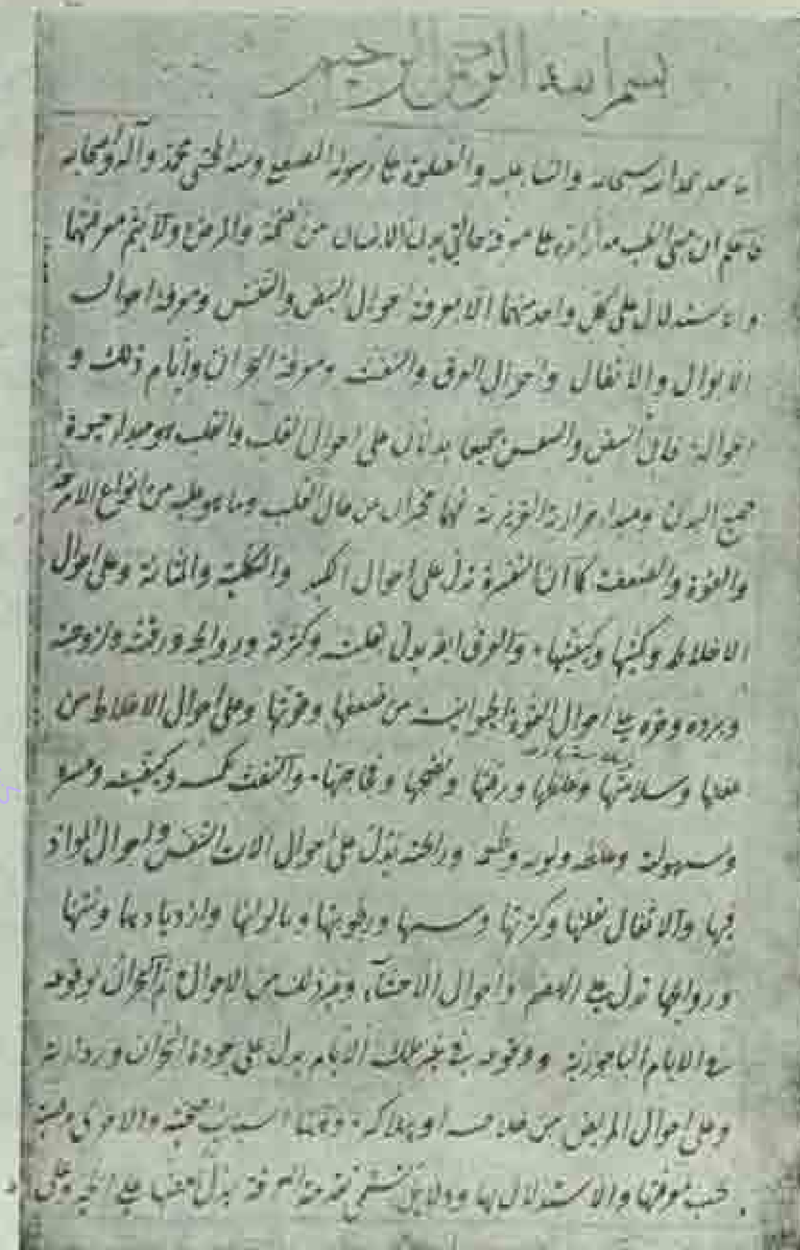
۱۳۱۲ شمارهٔ دوم دفتر است گ ۵۲ پ – ۱۰۴ پ (بنگرید به ۱۳۱۲/۸)

[۲۰۲۶] **زبدة الطب** (عربی)

سید امام ابوابراهیم اسماعیل بن الحسن الحسینی الجرجانی این کتاب را نوشته و بروش جدول کشی ستاره شناسان پزشکی را نشان داده است و شاید از ابن بطلان و ابن جزله پیروی کرده باشد (ب ۷۵۵ ف) نسخه‌ای از این در مجلس هست (۲:۲۹۸ ش ۵۰۸)

[۲۳۴۵]

۱۲۷۴ بخط شیخ مسعود بن عمر بن محمود الزنجانی الحسینی است که در ذی‌قعدهٔ ۷۰۹ آنرا بپایان رسانده عنوانها در آن شنگرف است و حاشیه‌ها دارد. هر صفحه دو جدول شنگرف است. صفحهٔ یکم نو نویس و تازه میباشد و پاره‌ای از صفحات دیگر بکهنگی اصل نسخه نیست این است که برگ شماری آن مغشوش شده و در صفحات تازه‌تر بیشتر از صفحات اصل نوشته شده است.


بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز زبدة الطب ش ١٢٧٤



گ ٢ ر ش ١٢٧٤ از دیباچهٔ زبدة الطب



زبدة الطب گ ٢ پ ش ١٢٧٤



گ ٤ ر ش ١٢٧٤ زبدة الطب



رطوبات العين

الرطوبة الجليدية

الزلالية الوسطى من رطوبات العين هي الرطوبة الجليدية تشبه بالجليد جمودها وصفائها وتسمى ايضا البردية تشبيها بالبرد صفاء [illegible]

[illegible]

ويشتمل على النصف للرطوبة الجليدية من ورائها رطوبة تسمى الرطوبة الزجاجية وهي رطوبة حمراء صافية غليظة مثل الزجاج الذائب ولهذا يسمى الزجاجية [illegible]

[illegible]

مبدء الغذاء اقرب

البيضية وهي رطوبة بيضاء مثل بياض البيض لونا وصفاء وقواما ولهذا تسمى البيضية [illegible]

[illegible]

گ ۹٦ پ ش۱۲۷٤ زبدة الطب



العلاج المقالة السادسة في لدوغ العقرب

[illegible]

زبدة الطب گ ۲۹۰ پ ش۱۲۷٤


تم كتاب السموم

ک ۲۹۱ ر ش ۱۲۷٤ پایان زبدة الطب

(۳۹۱ــ۳) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده ضربی
اندازه: ۱۳×۲۰ ــ ۱۹×۲۷ س ۲۰

[۲۰۳۷] **زبدة الهیئة** (فارسی)

در سی فصل است و از خواجه طوسی است که خود او آن را در دیباچه چنین نامیده
است و در ۱۳۱۲ در تهران بچاپ رسید (س ۲۳۱۶ فــ مدرس ۲۲٤ ــ مدرسی ۱۲۱) ۵

آغاز: بسمله. بعد از سپاس و ستایش آفریدگار جل جلاله ــ چنین گوید محرر
این مقالت و مسود این رسالت که در بعضی سفرها خاصی متعلمان... باستفادت علم هیئت
... میل نمودند

[۲۳٤٦]

۱۲٤٦ شماره سوم دفتر است (گ ۱٦ ب ــ ٥٦ پ) ۱۰

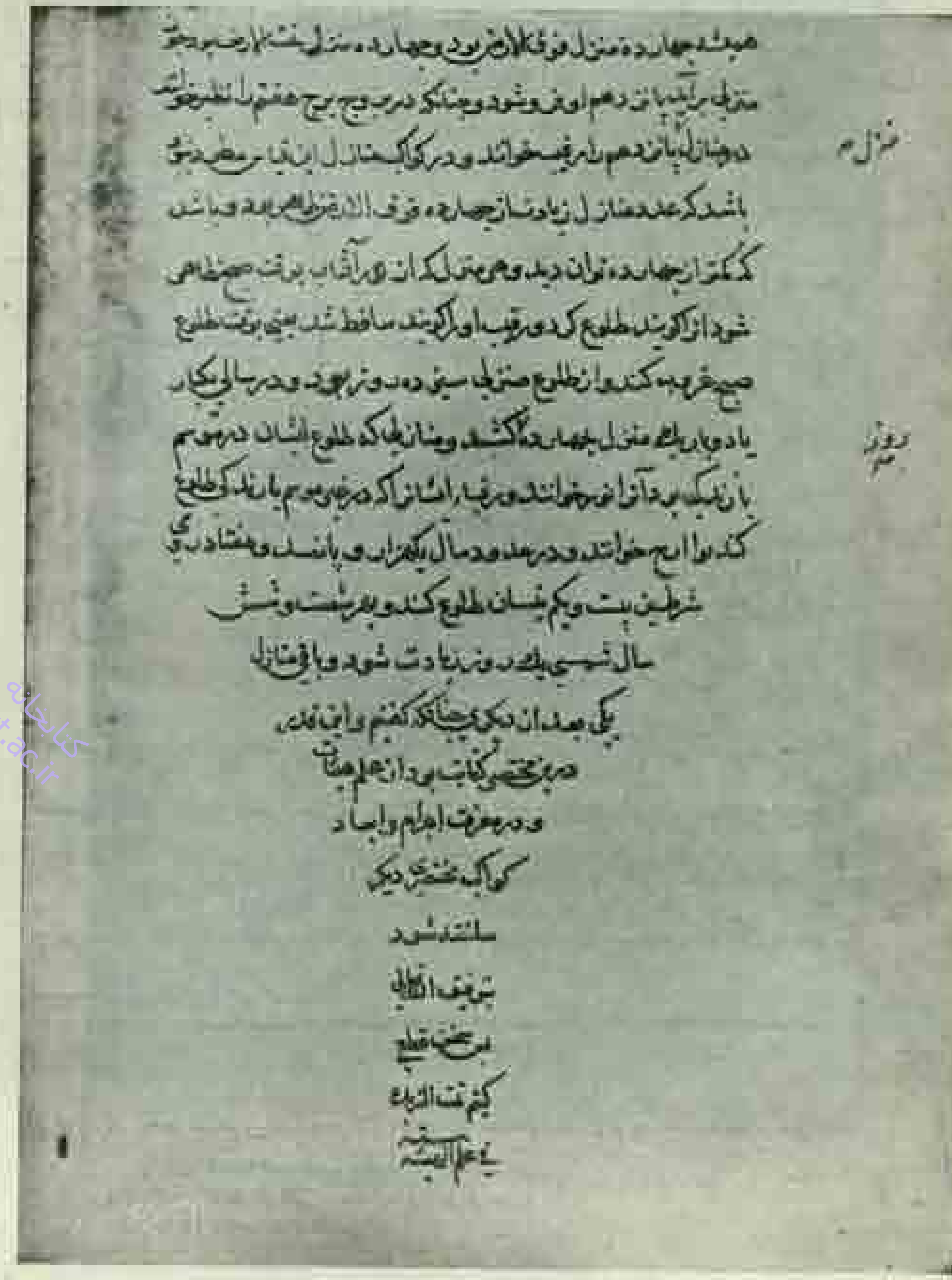
[۲۰۳۸] **شافی الأوجاع** (فارسی)

حبیب اللهی نورالدین محمد بن حبیب الله بن علماء الدین المتطبب الشوشی الطبسی
این کتاب را در دو مقاله نخستین در بیماریهای اندامها دوم بیماریهائی که از آن اندامی
مخصوص نیست برای محمد خان در ۹٤۹ نوشته است (۱) او هم مانند ابن بطلان و ابن جزله
و کز کانی پزشکی را در جداول نشان داده است تا بهتر و آسان تر بدان بتوان پی برد. ۱۵
در ذریعه (۳۹۵:٤) این کتاب بنام «تقویم الأبدان» یاد شده است و نسخه‌ای از آن در مدرسهٔ
سپهسالار (ش ۷۹۸) هم هست

[۲۳٤۷]

۱۲۷۵ نخط نستعلیق است و در ۱۱۳۳ نوشته شده است. نام نویسنده عبدالله تبریزی در
پایان نسخه هست و در کلیشه می بینم ۲۰
(۱٦۹ــ۳) کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ترمه‌ای
اندازه: ۱۳×۱۹ ــ ۱۷×۲۷ س ۲٦

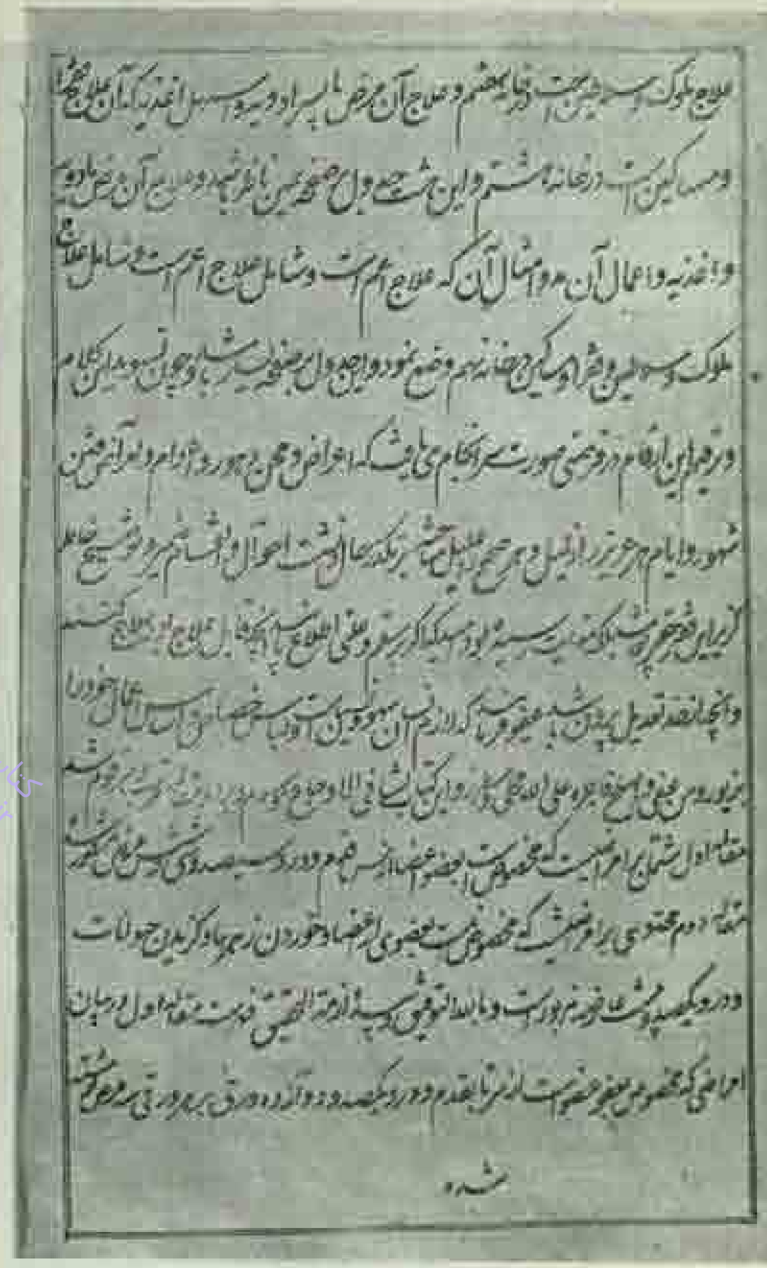
۱ــ در ذریعه آمده که این کتاب در دو جزء است نخستین در دو مقاله و دوم در
قرابادین است بترتیب حروف ولی نسخهٔ ما چنین نیست.



گ ٥٩ پ ش ١٢٤٦/٣ پایان الزبدة فی علم الهیئة



گ ١ پ ١٢٧٥ آغاز شافی الاوجاع



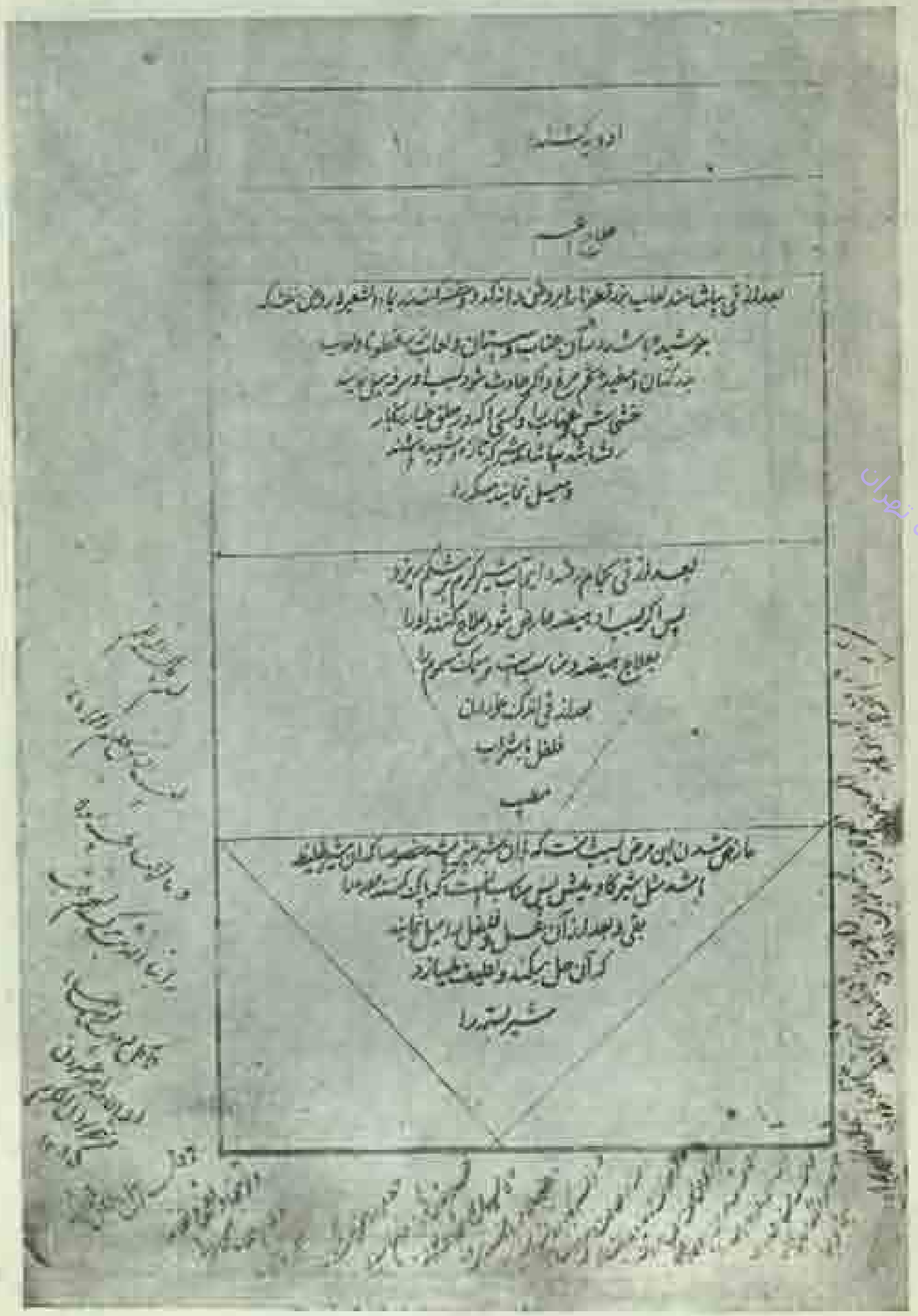
شافی الاوجاع گ ٤ پ ش ۱۲۷۵



شافی الاوجاع گ ۵۹پ ۱۲۷۵



شافي الاوجاع گ ۶۰ ر ۱۲۷۵



يك صفحه با آخر مانده شافي الاوجاع ش ۱۲۷۵



پایان شافی الاوجاع ش ۱۲۷۵

(۲۰۲۹) **شرح الالفیة** (عربی)

دانشمند محمدجعفر استرابادی در دیباچهٔ این گزارش میگوید که من نخست بشرح قواعد پرداختم چون دیدم آن دیری میکشد که بانجام برسد خواستم رسالهٔ وجیزهٔ شهید اول را شرح کنم و بدین کار پرداختم. این گزارش آمیخته با متن است و متن آن الفیهٔ شهید میباشد (ص ۱۷۸۳ ف). در پایان آن بحثی است مبسوط دربارهٔ نماز آدینه. ۵

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین... اما بعد فیقول... محمدجعفر الاسترابادی لماکان الواجب علی المکلفین فی امثال زماننا

انجام: وطهرنا عن دنس المعصیة وحملنا علی الطاعات سیما الصلوة السنیة وقد اتفق الفراغ من تالیف هذا الشرح ... فی ... الاسترآباد ... بعدمضی اربعة عشر شهرا من اول الشروع تخمینا فی النصف الثانی من السبع الاول من العشر الرابع من الثلث الثانی ۱۰ من السدس الخامس من النصف الاول من العشر الاول من العشر الرابع من العشر الثالث من الالف الثانی من الهجرة... اللهم اغفرلنا ولوالدینا ولجمیع المؤمنین والمؤمنات سنة ۱۲۳۱

[۲۳۴۸]

۱۲۴۲ شماره ۱ این دفتر بنسخ متن زیر خط از علی اصغر بن اسدالله موسوی هزارجریبی سنوری در ۱۲۳۹ ۱پ – ۱۱۴پ ۱۵
(۱۲۷ گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج قهوه‌ای ضربی
اندازه: ۸×۱۴ – ۱۵×۲۱ س ۲۳

[۲۰۳۰] **شرح تجرید** (فارسی)

ملامحمد بن سلیمان تنکابنی (م ۱۳۰۲) برای پسر خود موسی این گزارش کوتاه را نوشته و بانجام هم نرسانده است. خود او در قصص العلما (ص ۹۰) آنرا شصت ۲۰ وسومین تالیف خود بشمار آورده و میگوید که نزدیك پانزده هزار بیت است. در آغاز از تعلیقه‌های خود بر شرح سیوطی و شرح جامی و حاشیهٔ ملاعبدالله و شرح صمدیه یاد کرده است.

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمد للمحمود الوجود الفعال الذی لایحویه ماض ولاحال ولا استقبال ... وبعد چنین گوید ... محمد بن سلیمان تنکابنی ... خواست شرح ۲۵

مختصری بزبان فارسی بر آن کتاب نوشته تا فرزند ارجمندم موسی ... از آن متمتع گردد.

[۲۳٤۹]

۱۲٤۸ بخط نستعلیق و متن زیر خط مقداری از متن هم در بالای صفحه نوشته شده است و احمد بن فرج‌الله تنکابنی جلجالی در شب سه‌شنبه آنرا نوشته است
گ ۱ ب - ۱۸۲ ر

(۱۸۴ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی عطف‌دار
اندازه: ۱۱×۱٦ ـ ۱۷×۲۲ س ۲۰

[۲۰۳۱] شرح الزيارة (عربی)

از شیخ احمد احسائی است و بچاپ هم رسیده است. این گزارش را او در شب ۱۹ ع ۱۲۳۰/۸ بانجام رسانده و گزارشی است بر زیارت جامعه و بدرخواست سید حسین بن سید محمد قاسم حسینی اشکوری نوشته است (منزوی ۱:۱٤۰۰)

[۲۳۵۰]

۱۲۷۰ بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف و متن زیر خط سرخ و در بالای صفحه و در پسین روز دوشنبه ۲۹ ذی‌حجه ۱۲٤۰ نوشته شده است.

(۲۴۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی زرکوب عطف‌دار
اندازه: ۱۴×۲۲ ـ ۲۰×۳۰ س ۲۷

[۲۰۳۲] شرح فصوص الحكم (عربی)

این گزارش آمیخته و کوتاه از صائن‌الدین علی ترکه خجندی (م ۸۳۰) شاگرد سید حسین اخلاطی است که در روز آدینه ۲۰ صفر ۷۷٤ آنرا بانجام رسانده (چلپی ۲:۱۹۲ ـ س ۴۲۳ و ٤٦٦ و ٤٨٠ ف ـ دیباچه نگارنده بر تبصر شاوی)

[۲۳۵۱]

۱۲۹٤ بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و متن زیر خط سرخ با حواشی نستعلیق با نشانه «ق» و «ق» و در ۲۰ ج ۸۳۹/۱ نوشته شده است.

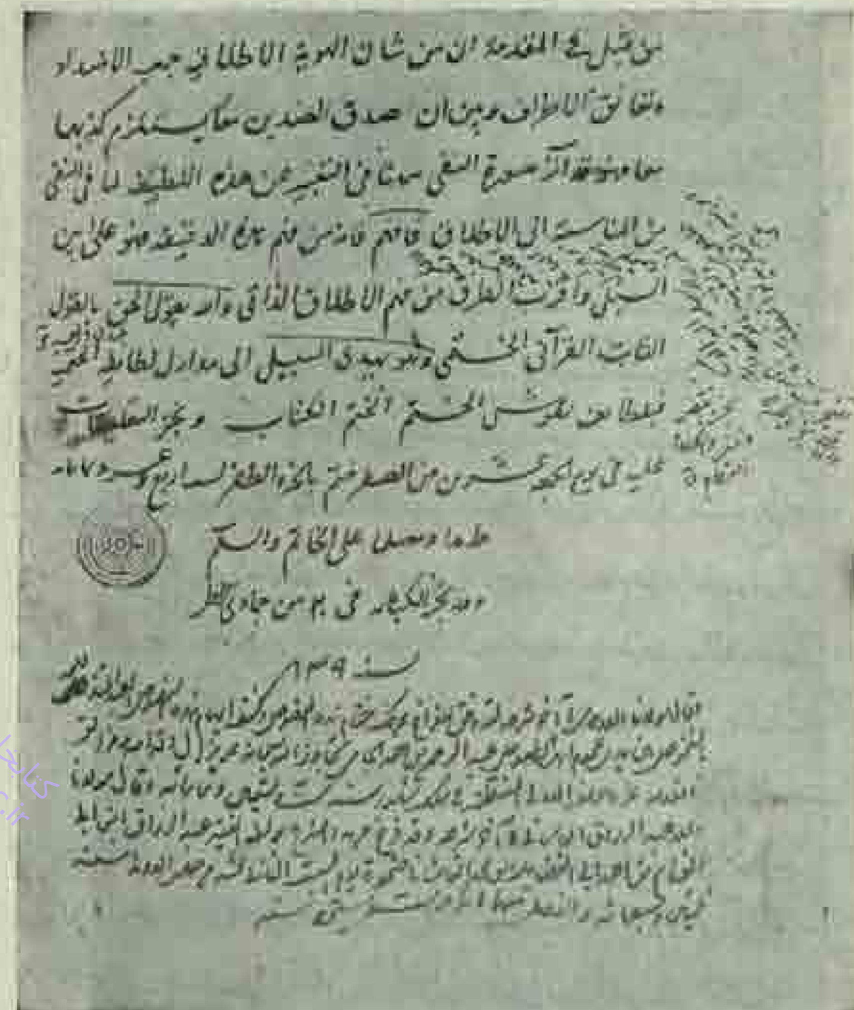
(۲۶۴ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد سرخ ضربی عطف‌دار
اندازه: ۸×۱۵ ـ ۱۳×۲۲ س ۱۹

[۲۰۳۳] شرح مقامات العارفين (فارسی)

در این رساله داستان سلامان و ابسال تفسیر شده است. در کتابخانه ملک شرحی است


بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

آغاز شرح فصوص ش ۱۲۹٤



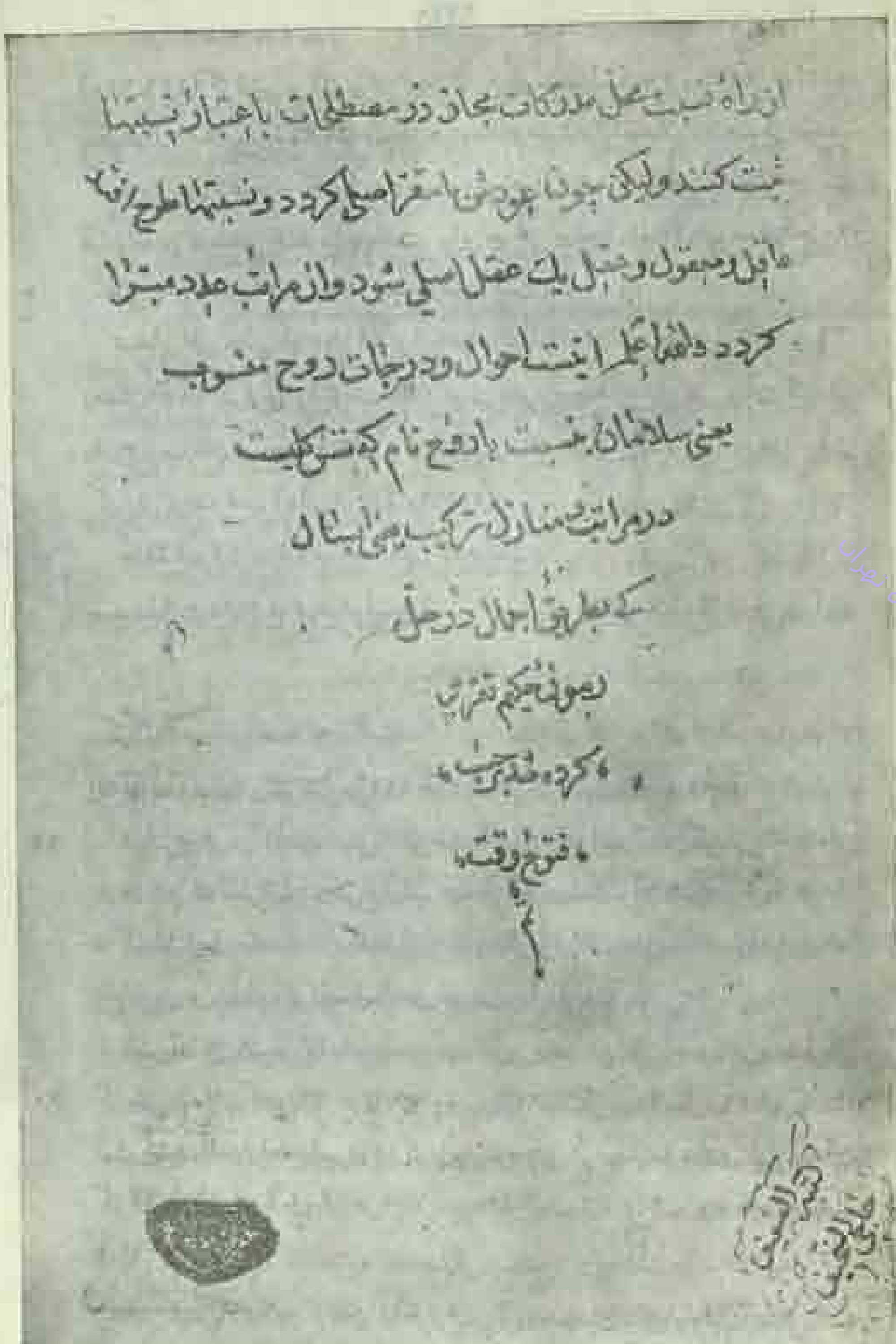
انجام شرح فصوص ش ۱۲۹۴

بر دو نمط ۹ و ۱۰ (مقامات العارفین) بفارسی و در آن داستان سلامان و ابسال از طوسی آمده و تفسیر شده است و در پایان تفسیر سورهٔ عصر طوسی دیده میشود (ش ۶۱۱۵) و این یکی جز کتابها است. نسخهٔ دیگری هم در آنجا است (ش ۴۶۵۴) و تاریخ روز چهار شنبه ۲۳ رمضان ۸۸۴ دارد که گویا تاریخ تألیف باشد و آن گزارشی است از یک دانشمند سنی بر مقامات العارفین بپارسی و تازی و جز کتابها است. در مقدمهٔ آن از نامههای ابن سینا و بهمنی جز آنچه میدانیم یاد شده است. در شرح داستان سلامان سخن امام رازی نه بنام آمده و این داستان (دو برادر و زن سلامان که شیفتهٔ ابسال شده است) از شرح فاضل محقق (گویا طوسی) از شیخ ابو عبید جوزجانی در فهرست تصانیف شیخ آورده شده و رموز آن شرح گردیده و دارد که شیخ در رسالهٔ قضا و قدر از داستان سلامان و ابسال و لمعان البرق من الغیم المظلم الذی ظهر به وجه امرأة سلامان لابسال حتی اعرض عنها یاد کرده. در دیباچهٔ آن بحثی است از کفر و ایمان شیخ و دارد که شیخ احمد بن الحسن الناطقی از او بشنود و در فصل الخطاب هم ستایشی از او هست و او خرقانی و بهمنی را و بیدار کرده است.

باری این دانشمند ابهری را که شارح مقامات العارفین است در نسخهٔ ملمن نشناختهام.

عنوان: رسالة شرح مقامات العارفین من کلام المولی المعظم علامة العالم سلطان المحققین قطب الملة والدین معین الاسلام والمسلمین حجة الحق علی الخلق الابهری قدس الله سره (۱۵۵ پ)

آغاز: بسمله رب تمم. دوستی عزیز کی بر ما مهربان بود از ما سؤال کرد و گفت کی ما را در قصهٔ ابسال و سلامان که از بعضی حکماء متقدم منقولست اشکال افتاده است و حکیم بزرگ که الشیخ الرئیس ابو علی ابن سینا قدس الله سره در اشارات در نمط تاسع در مقامات العارفین گفته است کی: ان سلامان مثل ضرب لك ... ان اطقت » و هر کسی از حکماء متاخر آن را تاویلی گفته اند و ایشان را در اصل این قصه ترددی افتاده و قصهای از آن یافته آمده که ظاهر آن با فسانه ماند بیان فرماید که این قصه را مناسبتی با آن مقصود که در مقامات العارفین اشارت رفته است میتوان یافت و حقیقتی دارد یا نه؟ ما آن دوست



گ ۱۶۵پ ش۱۲۳۷/۳ انجام رسالهٔ شرح مقامات العارفین

عزیز را گفتیم که آن نه علم و اصطلاح ماست چگونه در آن شروع کنیم کی سالکان از یکدیگر طریق خصوصیت پسندند و برون نگرش را از اصطلاح سیر خود روا ندارند. چون خاطر وی نگران بود و ما نظر کردیم که حقیقت سیر در طلب معبود بمعاد خود در جملهٔ مکونات بطریق صحت از هر مذهب و ملت و مصطلحات خود یک اصل بود و صاحب اصلی بود کی در منتهاء کلیات اصول ناظر جملهٔ اصلها باشد پس بنور الهی هرچه بما نموده شد بتایید وی در آن شروع کردیم و گفتیم بدانک ای دوست عزیز ما که بعضی از حکما معنی ثبت کرده‌اند و مراد سیر و اتصال عالم علو بعالم سفل و عروج از عالم سفل بعالم علو و کیفیت مراتب آن در قصه وضعی و ضرب المثلی که مفهوم عامه خلائق باشد آورده چنانکه از زبان سباع حکایت کرده‌اند که ممکن نباشد و مراد از وضع آن حکایت حاصل شده و آن رموز بواسطهٔ حکایات از زبان حیوانات کشف کرده تا صاحب لهو از راه لهو یاد گیرد و با صحاب حد حکمت شناسان رساند تا ایشان آن حکایت وضعی طرح کنند و لب آن فرا گیرند و بدان کار کنند. فاما آن حکیم که قصهٔ سلامان و ابسال در حکایت وضعی کی بپادشاه رومی و حکیمی کی با وی صحبت داشت نسبت کرد و ساختن هرمین یکی از برای تفرقهٔ اجزا و یکی از برای بقای مجردات و عقول و ارواح و شرح را بمعانی اصلی رسانیدن و حکایت را بآخر آوردن تا حکایت وضعی محو شود و اصل رمز ثبت شود نزد حکمت دانان (۱۵۶ ر)

[۲۳۵۲]

۱۲۳۷ شمارهٔ سوم دفتر و بهمان خط گ۱۵۵ پ - ۱۶٤پ

[۲۰۳٤] **شرح مواقف** (عربی)

قاضی عضدالدین ایجی (۷۰۱ - ۷۵۶) کتابی در کلام بنام «المواقف فی علم الکلام» و تحقیق المقاصد و تبیین المرام» برای غیاث الدین وزیر خدابنده نوشته است. در روضات ص٤۱۵ آمده که ایجی آنرا بنام شیخ ابواسحق اینجو (۷۲۱ - ۷٤٤ - ۷۵۷) نوشته است (الدرر الکامنه ۲۲۲:۲ - بغیه ص۲۹۶ - سبکی ۱۰۸:۶ - هدیة العارفین ص۵۲۷ - چلبی ۵۶۱:۲ - معجم المطبوعات ص ۱۳۳۲) همین است که سید شریف گرگانی

(۷۴۰-۸۱۶) گزارشی بر آن برای غیاث‌الدین پیرمحمد اسکندر ترویك بسین روزشنبه یکم شوال ۸۰۷ در سمرقند نوشته و بچاپ هم رسیده و همیشه دانشمندان بدان می‌نگریستند.

خود ایجی از همین مواقف گزین نموده «جواهر الکلام» نوشته است و آن را بنام وزیر غیاث‌الدین محمد بن رشید ساخته است. و این جواهر در مجلهٔ کلیة الاداب مجلد ۲ جزء ۲ دسامبر ۱۹۳۴ ص ۱۳۱ ـ ۲۴۳ بچاپ رسیده است.

شیخ ابراهیم حلبی (م ۱۱۹۰) آن را بنام «مسلك النظام فی شرح جواهر الکلام» در ۲۲ رمضان ۱۱۵۲ گزارش نوشته است. علاء تبیبی علی بن محمد بخاری نیز بر آن گزارش دارد و در سیاهان در رجب ۷۷۰ آن را بانجام رسانده. شمس الدین فناری نیز بر آن گزارش نوشته است (چلبی ۱:۴۱۰ و ۲:۵۶۳).

حافظ شیرازی دربارهٔ مواقف چنین گفته است:

بعهد سلطنت شاه شیخ شیخ ابواسحق	به پنج شخص عجب ملك فارس بود آباد

***

دگر شهنشه دانش عضد که در تصنیف	بنای کار مواقف بنام شاه نهاد

(تاریخ عصر حافظ دکتر غنی ص ۱۱۹ و ۱۲۵ ـ فهرست سپهسالار ۱:۵۸۵)

شوشتری در سرگذشت شمس‌الدین محمد آملی از ابن ایجی سخن میگوید. و از نکته‌ای یاد میکند که اسفراینی در شرح آداب عضدی آورده است و آن کمك دوازده تن از شاگردان ایجی باوست در نگارشهایش بنام «الزمرة الاثنی عشریة» که از آنها بوده‌اند تاج‌الدین عمر بشادانقانی و سیف‌الدین ابهری.

شمس‌الدین یا شمس‌الائمه محمد بن بهاءالدین یوسف بن علی بن محمد بن سعید قرشی کرمانی بغدادی که در ۲۶ ع ۲/۷۱۷ زاده و در ۶۹ سالگی در ۱۶ محرم ۷۸۶ در گذشته است و سیف‌الدین احمد ابهری شاگرد ایجی و محشی شرح مختصر عضدی نیز بر آن گزارش نوشته اند (روضات ص ۷۱۵ ـ ریحانة الادب ۲ : ۲۴۴ ـ بروکلمن پیوست ۲:۲۱۱)

همین شمس‌الائمه در کرمان شاگرد ایجی بوده و بحدیث و کلام و ادب آشنائی داشته

است. اوست نویسندهٔ گزارشی بر فوائد غیاثیة ایجی (گزیدهٔ از مفتاح سکاکی) در معانی و بیان بنام تحقیق الفوائد (چلبی ۲:۲۰۹) و گزارشی بر مواقف او بنام الکواشف البرهانیة فی شرح المواقف السلطانیة (چلبی ۲:۳۳۷ که نسگوید از کیست) و نگارندهٔ النقوض (النقود) والردود که گزارشی است بر شرح ایجی در ۷۳۴ بر مختصر منتهی ابن حاجب که پس از کواشف نوشته است (چلبی ۲:۵۳۸). چلبی در اینکه نگارندهٔ النقود والردود را اکمل الدین محمد بن محمود حنفی (م ۷۸۶) میداند سخنی درست نیاورده است (ص ۱۷۰۵ و ۱۷۰۷ همین فهرست) آقای ابن یوسف نیز (۱:۵۸۶) از او پیروی نموده است.

در الدرر الکامنة (۴:۳۲۰) آمده که کرمانی نگارندهٔ السبعة السیارة است در گزارش بر مختصر ابن حاجب و شامل هفت گزارش و او شاگرد پدر خود بوده است (نیز بغیة الوعاة سیوطی ص ۱۲۰). این السبعة السیارة گویا همان النقود والردود است. در اجازه‌ای که همین شمس الائمة سنی بشهید یکم دانشمند شیعی در آغاز ج ۱/۷۵۸ در خانهٔ خود در درب مسعود بغداد داده است (ص ۷۷ اجازات بحار ـ روضات ۴۱۴) از این سه شرح بویژه همین کواشف یاد شده است. او بشهید اجازهٔ روایت این سه کتاب را داده است و از آن برمی‌آید که او کواشف و دو گزارش دیگر را پیش از ج ۱/۷۵۸ آغاز نموده است و نسخهٔ ما که در روز دوشنبه نیمهٔ ع ۱/۷۶۷ بانجام رسیده اگر همان کواشف باشد در تاریخ اجازه در دست او بوده و بنگارش آن میپرداخته است. او در این اجازه از خود به «شمس الائمه» و از ایجی به «استاد الکل فی الکل» تعبیر نموده است.

از این گزارش که نسخه‌ای از آن را ما داریم و اکنون گفتگو میکنیم نسخه‌ای از آن در طوس هست (ش ۱۵۱ مورخ ـ ۷۷۱ فهرست آنجا ۱:۵۷) و بنام کرمانی دانسته شده و درست مانند نسخهٔ ما است در آغاز. و نسخهٔ دیگری هم (مورخ ۱۰ صفر ۷۷۶) در آنجا هست (ش ۸۵۳ فهرست ۴:۱۹۴) که بنام ابهری خوانده شده و آنهم پس از خطبه که در نسخهٔ ما نیست درست مانند همین نسخهٔ ما ست و در پایان هم همان تاریخ تالیف نسخهٔ ما را دارد و در ۱۰ صفر ۷۷۶ در زمان شارح و شش سال پس از نسخهٔ ما نوشته شده است.

در فهرست طوس (۴:۱۹۴) آمده که شارح ایجی را استاد میخواند. در نسخهٔ ما هم

از «مصنف» و«استاذه» یاد شده است و در بحث اعجاز قرآن (مقصد ٤ موقف ٦) دارد «کما قال الاستاذ مدّ ظلّه» و میدانیم که سیف الدین ابهری نیز شاگرد ایجی بوده است. پس چنین تعبیری امیرساند که این کتاب از کرمانی باشد. نسخهها هیچیك از سه نسخهٔ کهندام فهرست طلبی (ص ۱۱۸) نباید باشد. در فهرست بروکلمن (۲:۲۰۹) از نسخهٔ ۷٤۸ ینی جامع که گزارش سیف الدین ابهری است و نسخهٔ موزهٔ بریتانیا (پیوست ۲۸۸) که گزارش علی بن محمد التبیهی است و گزارش بی نام دیگر یاد گردید و بایستی آنها را دید و با نسخهها سنجید. در کتابخانهٔ ملك گزارشی دیگری است بر مواقف (ش ۱۰٤۶) که آمیختهٔ با متن و از آغاز کم دارد و چنین است: «[الثامن سبب السبح کرة البخار ... کما تقدم] قال الفاضل الطوسی لما قربت الشمس من الافق الشرقی» و بدینگونه انجام میابد: «[فی معاملتهم خلاف] والاطناب فیه [هو خارج عن قصدنا هذا ولیکن هذا آخر الکلام ... والتعاملها بفضله ورحمته انه هو الغفور الرحیم]» این گزارش پس از مقاصد تفتازانی (۷۱۲-۷۹۱) و طوالع بیضاوی (م ۶۸۵) نوشته شده است و در آن دارد: «قال شیخنا الطیبی» و «استاذنا الطیبی» (م ۷٤۳). نیز در آن و از فاضل قشری آمده که شیعی دشمنی هر دو خبر تمسك میکنند و آنرا متواتر میدانند پس داوری میان آنها دشوار خواهد بود و از بد آن از «شیخ او ریشتی» یاد شده است.

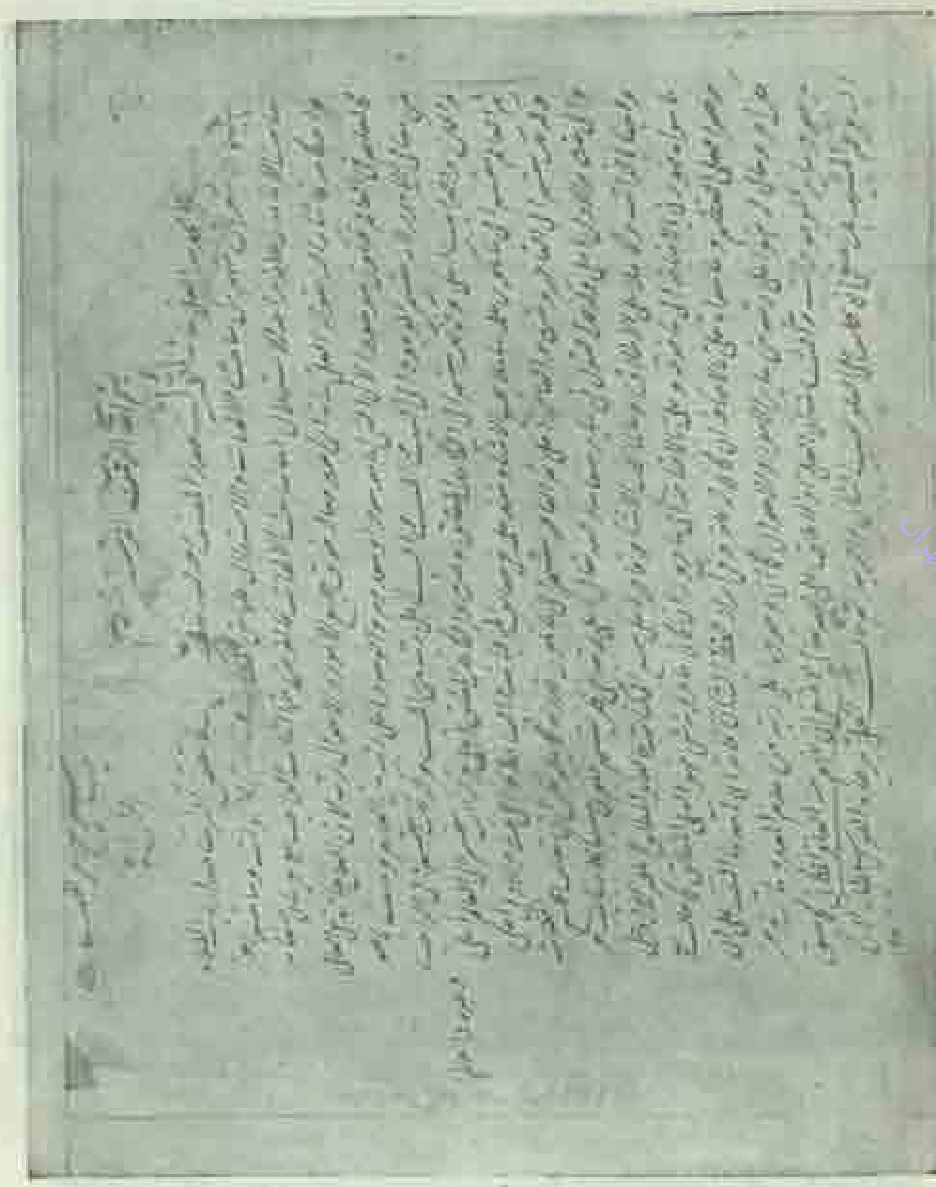
شارح در نسخهٔ المقالات اسلامیین شیخ اشعری و از غزالی و امام رازی و از صاحب الاشراق و صاحب تجرید و مولانا الفاضل اثیر الدین ابهری و صاحب طوالع و آمدی و از مصنف و مختصر حکمة العین او و استاذ و صاحب التلخیص یا تلخیص المحصل و الحاکم صاحب المختصر والمنتقی و شرف الدین من اغرباد میکند و از رشید و طواطبرهانی عرائی تناهی ابعاد میاورد. در آن دارد: «قد بیّنها علی مثل هذا فی بحث الدلالات فی شرح المطالع» (۹ر)

[۲۳۵۳]

۱۲۶۵ بخط نسخ ریز با عنوانها و نشانههای شنگرف ولاجورد و منهاج سمرقندی در روز چهارشنبه ۱۵ شوال ۷۷۰ آنرا نوشته است.

(۲۳۹ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

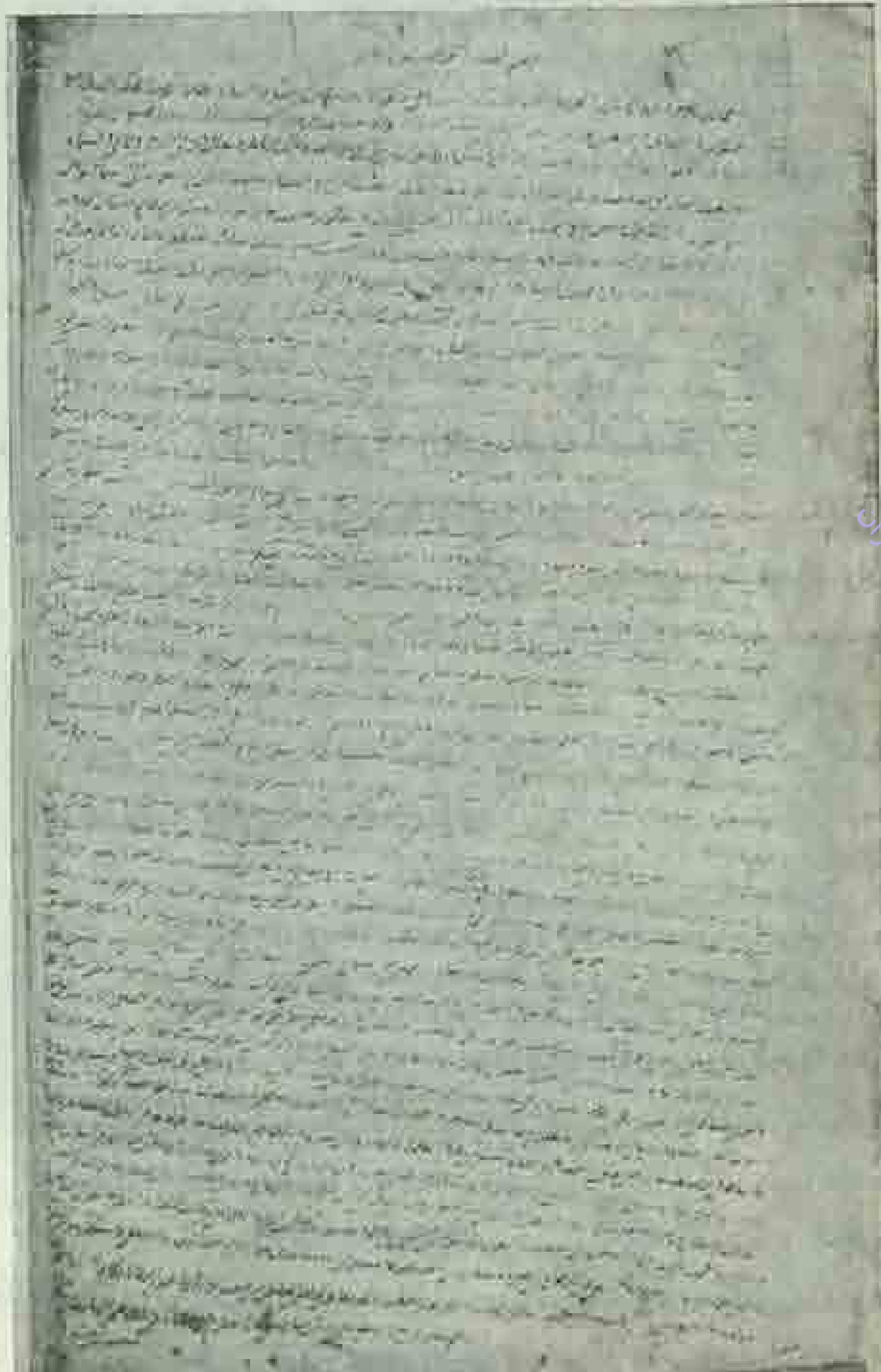
اندازه: ۱۳×۲۰/۵ ـ ۱۷×۲۵ ـ ۲۱ س



آغاز شرح مواقف ش ۱۲۶۵



انجام شرح مواقف ش۱۲۶۵



آغاز شرح مواقف نسخهٔ ش۸۵۳ طوس

(۲۰۳۵) **شرح نهج البلاغه** (فارسی)

ملا محمد صالح روغنی قزوینی (س ۱۱۷۷ ف) این گزارش فارسی را نوشته است و همانستکه دردو جلد در ۱ـ۱۳۲۰ در ۴۲۴ و ۱۵۶ س وزیری بزرگ بچاپ رسیده است.

[۲۳۵٤]

۱۲۵۱ بخط نستعلیق محمد علی بن کرملی تکلو در ۲۲ ذی حجهٔ ۱۰۷۹ و متن زیر خط سرخ و عنوانها شنگرف است

(۳۴۵ ص) کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی

اندازه: ۱۱×۱۸ ـ ۱۷×۲٦ س ۲۴

[۲۰۳٦] **الشريعة النبوية من تفسير اللمعة الدمشقية** (عربی)

جزء سوم این کتابرا اکنون میشناسیم که در ۱۰٦۰۰ بیتهمیاشد.

آغاز: بسمله. وبه نستعين الحمد لله رب العالمين... وسلك بي نهج الرشد والصواب انه الكريم الوهاب. قوله قدس سره: كتاب الصلوة. تطلق الصلوة لغة على عدة معاني كالدعاء والرحمة.

انجام: وليس ذالثمن الحكاية المطلوبة في الأذان (وقدتم الجزء الثالث من كتاب الشريعة النبوية في شرح اللمعة الدمشقية)

[۲۳۵۵]

۱۷۲۱ بخط نسخ مورخ ۱۲۵۰ وزين بن شيخ باقر بن شيخ محمد حسن بن شيخ زين نجفی آنرا نوشته است. محمد بن حاج خضر در ۱۲۵۱ درپشت برگ آخر کتاب نوشته که بیتهای آن ۱۰٦۰۰ میباشد. مهر «من كتب الاقل محمد باقر الاصفهاني» در صفحهٔ عنوان هست و نسخه در ۱۲۵۵ از آن میرزا موسی موسوی خرم آبادی و نزد عبدالوهاب رضوی در مشهد بوده است

(۱۵۴ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه: ۱۲×۲۳ ـ ۲۰×۲۹/۵ س ۲۷

[۲۰۳۷] **شمائل النبی** (عربی)

در ص ۱۳۷۹ از شمائل النبي ترمذی یاد کرده ایم و این کتاب دیگری است و از دانشمندی شیعی و در دنبال آن خطبة صفات المؤمنين علي برای همام است.

آغاز: بسمله. الحمد لله الواحد الاحد الفرد الصمد... وبعد فان الله تعالى لما جعل النبي بشيره مفتاحا لرضوانه... حداني هذا الفوز العظيم الى ذكر خلقه وخلقه وسير تجمع جلساته برواية الحسين والحسن... من كتاب محمد بن ابراهيم بن اسحق الطالقاني عن ثقاته عن الحسين... قال سألت خالي هند بن ابي هالة التميمي وكان وصافا عن حلية النبي... فقال كان رسول الله... فخما مفخما يتلألأ وجهه تلألؤ القمر.

انجام: فمهلا لا تعد فانما نفث الشيطان على لسانك.

[۲۳۵٦]

۱۳۰۱ شماره ۷ دفتر گ ۹۰پ ـ ۹۵پ (بنگرید به ۱۳۰۱/۱۹)

(۲۰۳۸) **الشواهد الربوبية** (عربی)

از صدرای شیرازی است و در ص ۲۹۲ آنرا شناختهایم

[۲۳۵۷]

۱۲۹۰ بخط نسخ با عنوانهای درشتتر زیرخط سرخ و حواشی دارد با نشانههای «ح» گویا از سبزواری و «استفاره» و «س» و نسخه در ۱۲۲۹ از آن مهلکان بن حاجی محمد صادق ایالچی سرکار فیض آثار بوده و در ۱۲۲۵ سید محمد طباطبائی وقف شود. این نسخه در تنبیه «الاشراق الثاني في مهية القبر وعذابه وثوابه» بانجام میرسد.

(۱۳۲ ص) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه: ۸×۱۵ ـ ۱۳×۲۲ س ۲۱

(۲۰۳۹) **الشواهد المكية في مداحض حجج الخيالات المدنية** (عربی)

این کتاب ردی است از سید نورالدین علی عاملی (۹۷۰ ـ ۲۷ ذی حجهٔ ۱۰٦۸) بر الفوائد المدنية امین استرابادی (س ۱۷۲٦ ف) که در ۱۰۵۵ آنرا بانجام رسانده و به عبدالله قطبشاه ارمغان داده است. همین استرابادی در رسالهٔ «طهارة الخمر» (ش ۱۲۵۷) از فوائد مدنیه و مکیهٔ خود یاد نمود و پیداستکه او فوائد مکیه هم دارد. در امل الامل ص ٤٤٤ و روضات ص ٦۰۳ و کشف الحجب ص ٤۰٦ بنام فوائد مکیه از اینکتاب عاملی یاد شده است ولی در نسخهها «الشواهد المكية» خوانده میشود. در لؤلؤة البحرين نیز

سر گذشت او آمده و این کتاب بنام «فوائد مدینه» یاد شده و دارد که او آنرا بانجام نرسانده ومن آنرا نوشتم و از دستم رفته است ولی کتابی وافی وشافی نیست آنگاه بنقل از اجازهٔ همین عاملی بشیخ صالح کرزکانی بحرانی مورخ روزشنبه ۱۲ ذی قعدهٔ ۱۰۵۵ (ذریعه ۱:۲٦۰) ازهمین کتاب بنام «القوائد والشواهد الملکیة فی ضد الحیی حجج الخیالات المدینة» یادشده است. سیدشفیعا درروضهٔ بهیه وتنکابنی درقصص ص۲۰۳نیز همین عبارتها را ازلؤلؤه آورده و گفتند که خرده گیری بحرانی ازاوشکتاب روی مذاق اخباری خود اوست. سر گذشت عاملی درسلافة العصر(ص۳۰۲) هم آمده است. سیدمحمدرهم درنسخهٔ ما آنرا «الفوائد الملکیة» خوانده است (ک۱ ر تاریخ ۱۲۲٤) او خود را نوادهٔ عاملی میداند.

[۲۳۵۸]

۱۳۱۰ بخط نسخ است وحاشیه هائی دارد باشارهٔ «منه دام ظله» و «منه سلمه الله» و «منه ایده الله» و پیداستکه درزمان مؤلف نوشته شده است.

(۱۷۱ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج
اندازه: ۸×۱٤ ـ ۱٤×۲۰ س۱۸

[۲۰٤۰] **الصحاح** (عربی)

یکی ازفرهنگهای مبسوط عربی است وازجوهری لغوی (چلپی در کشف الظنون ـ منزوی ۲:۳٦۸)

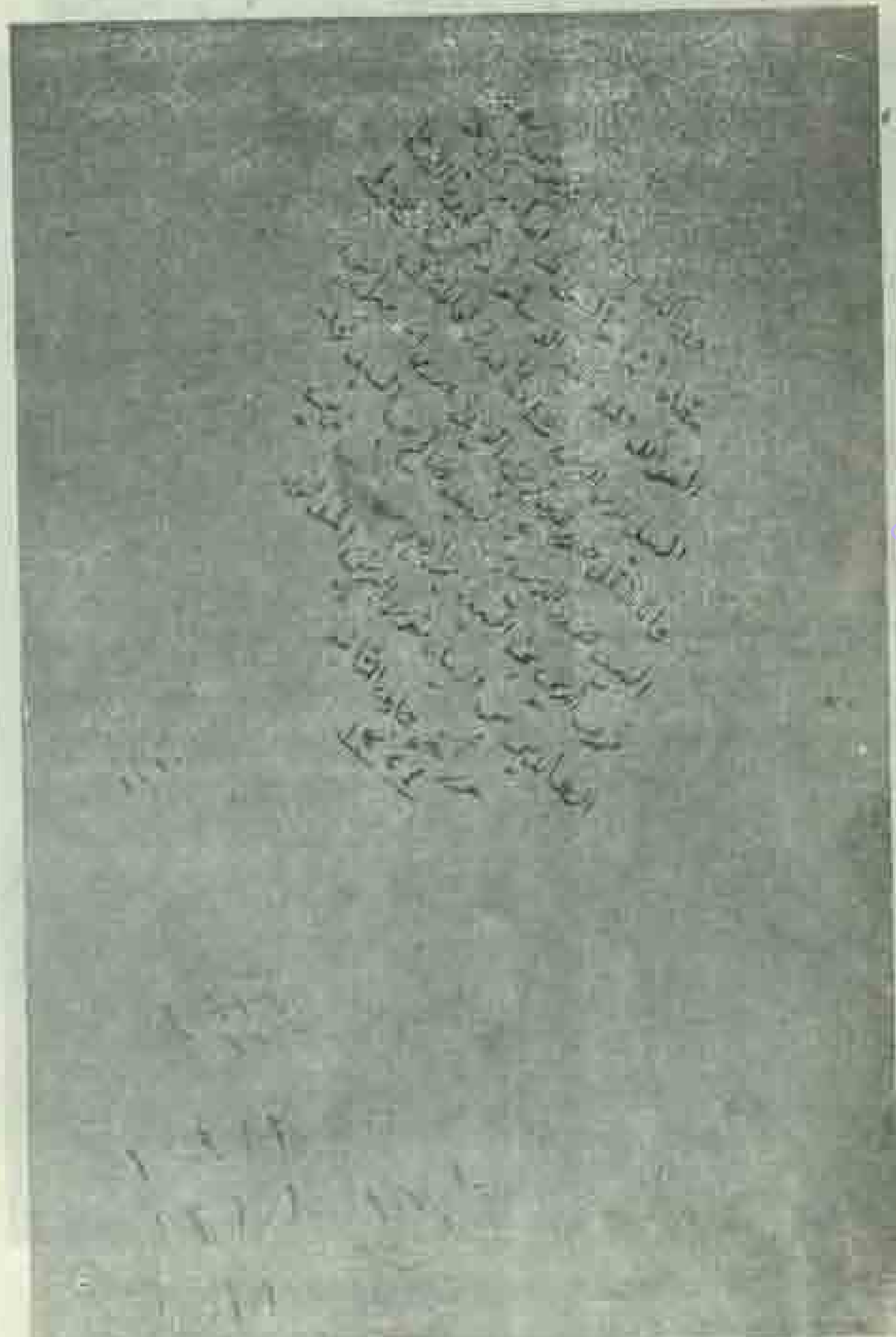
[۲۳۵۹]

۱۲۵۲ بخط نسخ روشن معرب است باعنوانهای درشت تر وحواشی دارد دیوانی وعنوان لغات درهامش هم آمده است.

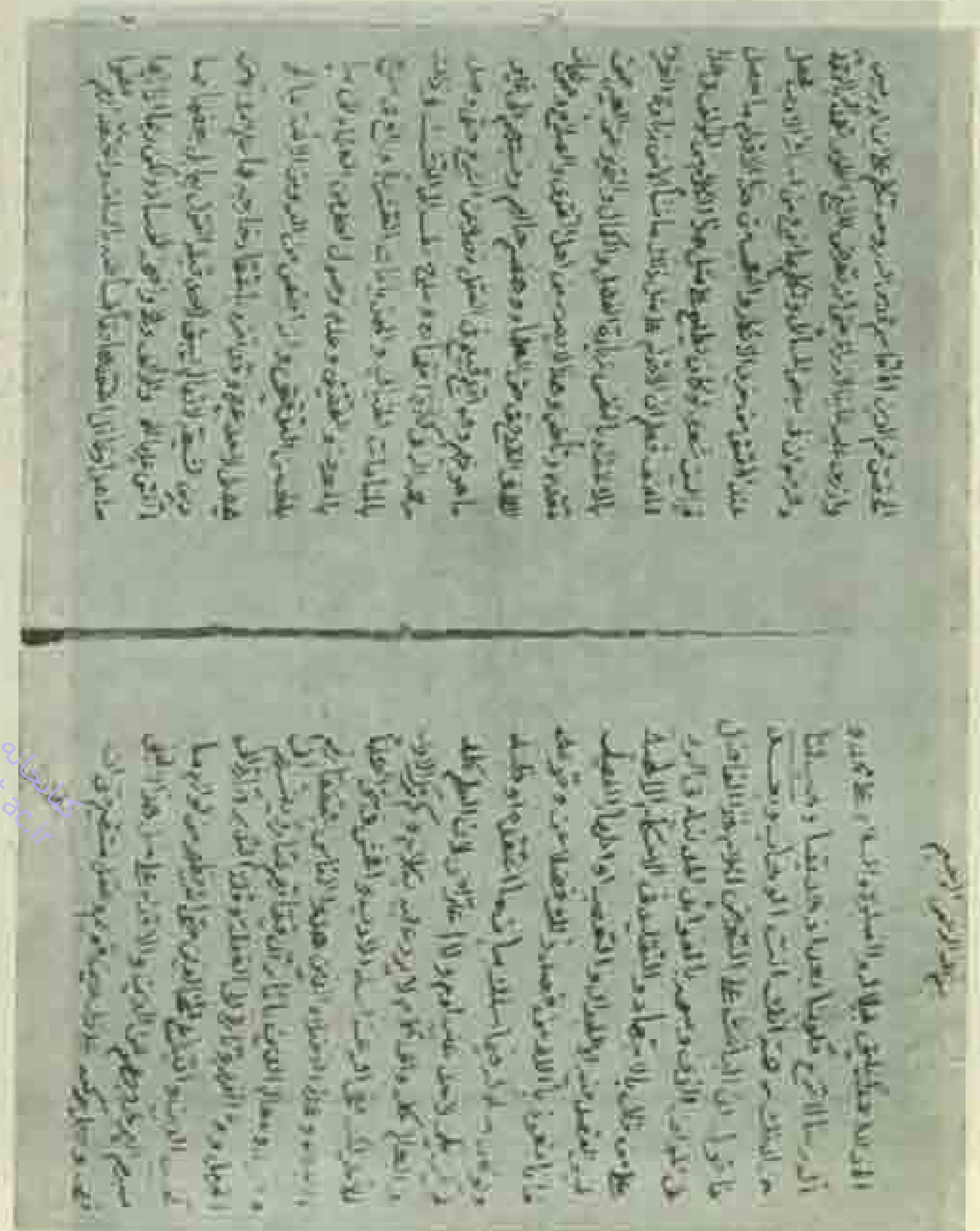
(۳٦۳ ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی عنوانی
اندازه: ۱۸×۲٤ ـ ۲٤×۳۳ س۲۸

[۲۰٤۱] **ضیاء العین** (عربی)

حاشیه ایست ازغیاث الدین منصور دشتکی برشرح شمس الدین محمد میار کشاه منطقی برحکمة العین دبیران کاتبی قزوینی (روضات ص۶۳۹ وص۲۷۸ف) وهمان است که در ص۲٦٦ شناخته ایم.



صفحهٔ عنوان الشواهد الملکیة ک۱ ر ش۱۳۱۰



الشواهد الملكية گ۱ر پ ـ ۲ر ش۱۳۱۰



الشواهد الملكية گ۲ پ ش۱۳۱۰



انجام الشواهد الملکیة در نسخهٔ ش ١٣١٠



از صحاح جوهری ش ١٢٥٦



گ ۱۹۶ ر ش ۱۲۵۲ صحاح جوهری

[۲۳۶۰]

۱۲۸۸ شمارهٔ یک دفتر و بخط نستعلیق که رضا بن میرزا محمدعلی مطلبی بیابانکی در مدرسهٔ علیه ملائیه در روز چهارشنبه ۸ رجب ۱۰۴۷ در همین شمارهٔ آن را نوشته است.

(۱۱۶ گ) ـ کاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ ساده
اندازه ۸×۱۷ و ۱۳×۲۴ س ۱۹

[۲۰۴۲] عجائب المخلوقات (عربی)

این کتاب برای شاهین مؤیدی نائب السلطنة قلعهٔ حلب نوشته شده است. در فهرست آقای منزوی (۲: ۶۲۱ ش ۱۶۶۷) کتابی شناسانده شده است که جز این کتاب نمی‌باشد.

اینکتاب که در نسخهٔ ما از آغازش افتاده است چنانکه از دیباچه بر می‌آید پس از نوشته شدن شرح تذکرهٔ خواجه طوسی و عجائب المخلوقات ابن اثیر جزری و المسالک والممالک میراکشی و کتاب الابتداء و تقویم البلاد نوشته شده و در آن از بلیناس و مسعودی و محمد بن زکریا و جاحظ و ابوریحان بیرونی و جوالقی و ابوحامد اندلسی و اصطخری و جغرافیای بطلمیوس و تاریخ صاحب حلب کمال الدین بن العدیم و کتاب العجائب والغرائب و کتاب المسالک والممالک الشرقیه از جیهانی بنقل محمد بن زکریای رازی و محمد بن شرف قیروانی و صاحب کتاب الفلاحة و صاحب کتاب المناهج والمباهج و ابن منقذ در کتاب ازهار الانهار و ابن ابی الاشعث یاد شده است.

در اینکتاب نخست از شهرها و سرزمینها سپس دریاها و جزیرهها و رودها و چشمهها و چاهها و کوهها و سنگها و گیاهان و جانوران گفتگو شده است.

نسخه‌ای دیگر از این در کتابخانه دانشکدهٔ معقول هست و دریایان افتادگی دارد.

آغاز (نسخهٔ دانشکدهٔ معقول): قل لایعلم من فی السموات والارض الغیب الا الله الحمد لله غافر الذنب وقابل التوب... وبعد فان خالق البریة ومن له الارادة والمشیئة فضل الملوک والرعایا عمن دونهم من الرعیة... فحینئذ اشار الی الفقیر... من اشارته الکریمة محمولة بالطاعة علی الرؤس... وهو المقر الشریف العالی المولوی الامینی الناصحی السیدی الملکی المخدومی السیفی شاهین المؤیدی مولانا نائب السلطنة الشریفة بالقلعة المنصورة

الحلية المحروسة ... ان اضع له دائرة على دائرة الارض صغيرة ... ثم اقبلت على مطالعة كتب حكماء الانام وتصانيف علماء الهيئة الاعلام كشرح التذكرة للخواجا نصير الدين الطوسى وجغرافيا بطلميوس وتقويم البلاد ومروج الذهب للمسعودى

[٢٣٦١]

١٢٨٢ نسخ است با عنوانهای شنگرف از عبدالمنان بن ولی بغدادی شافعی در صفر ١٠٢٣ و نسخه در دو جا نشانهٔ وقف دارد

(٢٣٥ گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج زرد ترنج طلائی
اندازه: ١٠×١٨ — ١٥×٢٥ س ٢١

[٢٠٤٣] عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال (عربی)

از ملا عبدالله بن نورالله (الدين) بحرانی (روضات ص ٣٦٥) از شاگردان مجلسی دوم است و در ص ١١٤٠ ق از او یاد کرده اند نوری در فیض قدسی (ص ٦) میگوید (... العوالم فی مجلدات کثیرة شایعة الا انها بحار استاده الاعظم الیسها صورة اخری.

[٢٣٦٢]

١٢٥٨ این نسخه جلد ششم و کتاب عدل است و بخط نسخ و عنوانهای شنگرف و مقابله شده در ١٢٤٠ مقرب الخاقان ومعزز السلطان میرزا عباس نوری شهید بمیرزا بزرگ وقف کرده و تولیت آنرا پس از خود بپسران خویش مبیین بدانشمندترین مردم بودن برگزار کرده است (١ر) در گ ١ پ یاز دارد که آنرا محمد تقی نوری (با مهر: لا اله الا الله الملك الحق المبين. محمد تقی) وقف کرده و شیخ عزیزالله را متولی آن ساخت.

آغاز: بسمله. من العدل ان لا يفتتح الكلام الا بتسمية وتحميد ملك العلام فالحمد لله العادل من الظلم والجور على عباده الهادى طريق العدل والعدول عن الظلم لاهل بلاده... فيقول ... عبدالله بن المشتهر بنورالله ... هذا هو المجلد السادس من كتاب عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآيات والاخبار والاقوال الذى جمعه والفه ورتبه وصنفه... من آيات كتاب الله فاخبار النبى والائمة الطاهرين ... وها انا اسرع فى المقصود... الكتاب السادس كتاب العدل من كتب عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآيات



آغاز عجائب المخلوقات در نسخهٔ ما ش ١٢٨٢



پایان عجائب المخلوقات ش ۱۲۸۲

والاخبار والاقوال

انجام: هذا آخر ما اوردنا ايراده في هذا المجلد ونرجوا من الله تعالى ان يعاملنا في الاول والاخر والباطن والظاهر بعفوه وفضله لا بعدله ... ويتلوه كل خير (قد فرغ من تسويد هذا المجلد على يد العبد الراجي محمد علي بن محمد محسن اليزدي في يوم الاربعا من شهر شوال المكرم سنة ١٢٠٤)

(۱۹۸ س) . کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۴×۲۱ — ۱۰×۱۵ س ۲۰

[۲۳۶۳]

۱۲۵۹ این نسخه جلد دوازدهم است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و تاریخ ۱۲۴۰ در صفحهٔ عنوان دیده میشود

آغاز: بسمله. الحمد لله الذي دلنا الى طريق الخير وجنبنا من الشر... اما بعد فهذا هو المجلد الثاني عشر في امامة الائمة الاثني عشر... من كتاب عوالم العلوم والمعارف والاحوال الذي جمعه والفه ورتبه وصنفه ... عبد الله بن نور الله

انجام: ما استخرجته الاخبار من الاصول وقد تم الجزء الاول من كتاب الامامة من كتب كتاب جوامع العلوم والمعارف والاحوال من الايات والاخبار والاقوال على يد... عبد الله بن نور الله. ويتلوه الجزء الثاني في الايات النازلة بشأنهم الدالة على مكارمهم انشاء الله تعالى وتقدس.

(۴۸ ۳ س) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج حنائی ضربی مقوائی
اندازه : ۹×۱۵ — ۱۴×۲۱ س ۲۵

[۲۰۴۴] **قرآن** (عربی)

قرآن کریم یا کتاب آسمانی پیامبر اسلام (ص ۲۳۲۷ ف)

[۲۳۶۴]

۱۳۱۶ بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف و با عنوانهای سوره‌ها بزر وعنوانهای جزو وربع وسوره درهامش بشنگرف وفواصل آیات بزر و با حواشی گل و بوته زر ولاجورد وشنگرف وهر صفحه زر پاشی شده ودر دوجدول زر ولاجورد و دوصفحهٔ نخستین سرلوح وحاشیه سازی شده بزر وشنگرف ولاجورد در زمینهٔ زر. تاریخ ندارد ، مالك آن ابو القاسم نامی بوده است.

(۳۴۷ س) — کاغذ سمرقندی متن وحاشیه — جلد روغنی گل و بوته‌دار روی زر پاشی شده
اندازه : ۹×۱۱ — ۱۰×۱۶ س ۱۷



قرآن گ ۱ پ ش ۱۳۱۶



قرآن گ ۲۴۷ پ ش ۱۳۱۶



آغاز نسخهٔ قواعد الاحکام ش ١٢٧٣ گ ١ر

[٢٠٤٥] قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام (عربی)

از علامهٔ حلی است و در ص ١٩٦٩ ف آن را شناختدایم.

[٢٣٦٥]

١٢٧٣ بخط نسخ است و جزء یکم در روز سه‌شنبه ٢٤ ج ٢/٧٠٩ نوشته شده است و از آغاز و انجام افتادگی دارد. پاره ای از نشانه‌های نسخه را در کلیشه می‌بینیم. نشانه بلاغ «بلغ عرضا» و «بلغت قراءة ایده الله» در آن فراوان است. پاره‌ای از حواشی آن نشانه «ع ل» دارد. شمارهٔ کراسه‌ها بر گی آنهم در گوشه‌های راست روی برگها بوده‌است و تا شماره ٣٢ دیده میشود و کتاب در سقطها باید ٣٣ کراسه یا کمی بیشتر باشد و اندکی از دو کراسهٔ نخستین و بازپسین در آن نیست.

(١٩٣ گ) ــ کاغذ سمرقندی جلد تیماج زرد زرکوب مقوائی فرسوده
الدازه: ١٣×٢٠ ــ ١٨×٢٦ س ٢٧

[٢٠٤٦] کامل الصناعة (عربی)

از ابوالحسن علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی و از بهترین کتابهای پزشکی ایرانی است و در بولاق مصر بسال ١٢٩٤ در دو جزء چاپ رسید (معجم المطبوعات ص ١٦١٩)

[٢٣٦٦]

١٢٥٦ بخط نسخ و با عنوانهای درشت‌تر است.

(٣٩ گ) ــ کاغذ زرد سمرقندی ــ جلد تیماج زرد مقوائی
الدازه: ١٢×١٧ ــ ١٦×٢٢ س ١٩

[٢٠٤٧] الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل وعیون الاقاویل فی وجوه التأویل (عربی)

تفسیری است از زمخشری معتزلی (م ٥٢٨) که بارها چاپ رسیده است.

[٢٣٦٧]

١٢٧٦ بخط نسخ کهن است با عنوانهای شنگرف و از آغاز قرآن است تا سورهٔ نساء

(١٣٥ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد مقوا
الدازه: ١٤×١٨ ــ ١٨×٢٢ س ٢٣



گ ۱۰۶ ر قواعد احکام ش ۱۲۷۳

که حاشیه‌ای با نشانهٔ «من املاء المصنف دام ظله» در آن دیده میشود مانند حاشیه‌ای دیگر که در جای دیگر زیر عنوان «من املاء المصنف زیدت فضائله» دارد



انجام جزء نخستین قواعد الاحکام ش ۱۲۷۳ گ ۱۵۲ ب



صفحهٔ عنوان جزء دوم قواعد الاحکام ش ۱۲۷۳ گ ۱۵۳ ر



انجام نسخهٔ قواعد الاحکام ش ۱۲۷۳ گ ۳۲۱ پ



كامل الصناعة ک ۱ ر ش ۱۲۵٦


تمت المقالة الخامسة من الكتاب
المعروف بكامل الصناعة الطبية المعروف
بالملكي تاليف علي بن العباس المجوسي

ک ۳۹ پ ش ۱۲۵٦ كامل الصناعه

[۲۳۶۸]

۱۲۷۷ بخط نسخ کهن است و از اطراف تا پاره‌ای از کهف

(۲۳۷ ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ـ مشکی ضربی
اندازه : ۱۳×۲۰ ـ ۱۷×۲۷ س ۲۳

[۲۰٤۸] **کشاورزی (نامهٔ...)** (فارسی)

در این نامهٔ کشاورزی چنانکه از فهرست آن برمی‌آید از مباحث گوناگون کشاورزی گفتگو شده و رسالهٔ بسیار خوبی است و مؤلف آن گویا همان احمد عطار قزوینی بوده و در گیلان باید نوشته شده باشد و نسخهٔ ما نسخهٔ اصل و دست اوست و تخلص شعری او هم گویا رخشا است.

فهرست بابهای آن :

۱ ـ در مقدمات دارای سه مقدمه (هوا و باران ـ ستارگان ـ ماه و سال)
۲ ـ تخم و زمین و برزگر و تخم‌پاشی و کود (سماد وانبار)
۳ ـ دفع آفات
٤ ـ گرد آوردن غلات
٥ ـ درخت نشاندن
٦ ـ نشاندن درخت تاک و زیتون
۷ ـ کاشتن درختهای دیگر
۸ ـ پیوند کردن درختان
۹ ـ چیدن و نگاهداری میوه
۱۰ ـ زراعت بقول
۱۱ ـ جانوران موذی
۱۲ ـ بقول و نباتات

آغاز: هوالله تعالی شأنه العزیز . بسمله . الحمدلله خالق الحب والنوی وخالق القدر والقوی ... اما بعد این مختصریست در بعضی امور که اهل فلاحت را بکار آید مشتمل بر

دوازده باب باب اول در مقدمات و آن سه مقدمه است مقدمه اولی در معرفت هوا و باران.

انجام : در معرفت خوردن خطمی بر که آنرا بپزند ... بجهت درد سینه بسیار نافع است . والله اعلم . والسلام (۷ ر ـ ٥٥ پ)

[۲۳٦۹]

۱۳۱۵ بخط نستعلیق تازه که احمد عطار قزوینی پسر محمد حسن بیك افشار ارومی بفرمایش آقامیرزا شریف طبیب دامغانی دودسری پسر کربلائی قلی پسر محمد اسماعیل خان طالالی در گیلان که از خدا میخواهد اورا از گرفتاری در این کافرستان برهاند در روز دوشنبه ٦ صفر (پیجی ئیل) ۱۲۸۹ نوشته شده است . پس از نامهٔ کشاورزی در این نسخه نظمی است از احمد رخشا بتقلید از شیخ بهائی دربارهٔ نمك شناسی سگی با دیباچه‌ای به نثر با شکایت از روزگار و نمك ناشناسی مردم (٥٦ ر ـ ٥۹ پ) تاریخ آن ۱٤ شوال اوتی ئیل است گویا درهمین سال . پس از این (۷۳ ر ـ ۱۱۱ ر) افسون است که از « سنگجات » فراهم آمده بنسخ و نستعلیق بد .

(۱۱۷ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی یغلاو
اندازه : ۷×۱۳ ـ ۱۰×۱۷ س ۱۷

[۲۰٤۹] **کفایة الفقه** (عربی)

از محقق سبزواری (ملا محمد باقر) است که آنرا پس از ذخیرة المعاد نوشته و در آن از ذخیره یاد کرده است و در ذخیره از عبادات بتفصیل سخن رانده ولی در این کتاب از آن باجمال برگذار کرده و از معاملات بیشتر سخن داشته است (حاشیهٔ پایان نسخه‌ها از محمد هادی) کتاب از طهارت است تا میراث و بچاپ هم رسیده است (طوس ٥:٤۸۱) نسخه‌ها از طهارت است تا السبق و رمایه .

آغاز: کتاب الطهارة وفیه فصول الاول فی الوضوء وفیه ابحاث الاول یجب الوضوء للصلوة الواجبة

انجام: السادسة اذا فسد عقد السبق ... او ثبوت اجرة المثل قولان والمسئلة محل الاشکال .

[۲۳۷۰]

۱۲۸۷ بخط نسخ بی تاریخ و با عنوانهای شنگرف و نشان برگ نخستین در دو جدول شنگرف و لاجورد است و عنوانهای آن شنگرف میباشد . و چندجا حاشیه دارد از ذخیره و جز آن .

(۲۱۶ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد ضربی
اندازه: ۹×۱۸ ـ ۱۲×۲۵ س ۲۱

[۲۰۵۰] **کنز العرفان فی فقه القرآن** (عربی)

شیخ فاضل شرف الدین ابی عبدالله مقداد سیوری حلی (م ۸۲۶) در این کتاب از آیاتی که باحکام فقهی مربوطست گفتگو نمود (منزوی ۱: ۵۹۰ ـ ذریعه ۱۸: ۴۲ ـ کنتوری ص ۴۷۵) این کتاب در تهران بخط شیخ محمد حسن بن محمد علی گلپایگانی بکوشش آقا محمد اسماعیل بن حاج ملاعلی اکبر بهزینهٔ میرزا محمد رضا پسر آقا ملا محسن بـازرگان هروی و بادستیاری احمد تفرشی در ۱۳۱۱ ـ ۱۳۱۳ در ۴۱۸ صفحهٔ وزیری بچاپ سنگی رسیده است سرگذشت سیوری هم در آغاز این چاپ درج میشود.

[۲۳۷۱]

۱۳۲۰ بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و آیات زیر خط سرخ و حواشی دارد با نشانه‌های «آیات الاحکام، بیضاوی، تفسیر طبرسی، مجمع، ف» و جز اینها در صفحهٔ آخر تازه است و دیگر صفحات کهنه و باید در سدهٔ دهم نوشته شده باشد. تاریخ مرگ شیخ علی کرکی در ۹۴۰ (مقتدای شیعه) و شیخ بهائی در ۱۰۳۰ (افسر فضل او فتاد ـ بی سر و پا گشت شرع) و ملامحمد باقر سبزواری در ۱۰۸۰ (شد شریعت بی سر و افتاد از پا اجتهاد) و میرداماد (ضم) و شیخ محمد مجتهد تویسرکانی در شام یکشنبه ۱۹ رجب (۱۳۱۲) قوس ایت ایل) ۱۳۱۶ در صفحهٔ یکم دیده می‌شود. نسخه در ج ۲/ ۱۲۹۳ از آن ضیاء الدین بن حاج آقاسی تویسرکانی بوده‌است. در صفحهٔ عنوان تألیفات شیخ مقداد آمده و دارد که او در این تفسیر از «اولؤة» معاصر خود شیخ فخر الدین احمد بن عبدالله بن محمد بن علی بن حسن متوج بحرانی نگارندهٔ «کتاب النهایة فی خمسمائة آیة التی علیها مدار الفقه» و «منهاج الهدایة» (از اولؤة) راهی خواهد و نیز دارد که او شرح نهج المسترشدین را در ۷۹۲ نوشته‌است. در بسیار از جاها «بلغ مقابلة و تصحیحا» دارد.

(۲۱۸ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ضربی طولانی
اندازه: ۷×۱۶ ـ ۱۶×۲۶ س ۱۹

[۲۰۵۱] **اللمعة** (عربی)

از حاج ملامحمد مهدی بن ابی ذر بن حاج محمد نقی نراقی (نزدیك ۱۱۴۹ ـ ۱۲۰۹) است (دیباچه نخبة البیان چاپ ۱۳۳۵ خ ـ مرآة القاسان ص ۲۰۱) که گویا در آن از شواهد ذوقی پیروی نموده و مطالب فلسفی پخته‌ای در آن هست.

آغاز: بسمله. بعد تقدیس واجب الوجود وتمجیده ... یقول مهدی بن ابی ذر هذه لمعة الهیة فی الحکمة الالهیة ... ورتبتها علی خمسة ابواب.

انجام: بواتصالها بالحضرة الکروبیین فلیکن هذا آخر الکتاب والحمد لملهم الحق والصواب.

[۲۳۷۲]

۱۲۴۵ شمارهٔ یك دفتر و نسخ است با نشانه‌های شنگرف و جای عنوانها سفید گذاشته شده و در روز دوشنبه ۵ ج ۱/ ۱۲۰۸ نوشته شده و نام نویسنده یاد گردیده. دومین شمارهٔ این دفتر را حسین حسینی در روز پنجشنبه ۱۹ ماه هفتم سال ۱۲۰۸ نوشته است کاغذ این دو دو گونه و خط هم از دو نفر است. کاغذ نخستین برنگ سفید و موریانه خورده است و کاغذ دومی کلفت و سبز رنگ می‌نماید. در نخستین حاشیه‌هائی هم دیده میشود (گ ۱ پ ـ ۵۹ پ).

(۱۴۳ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد آن پارچه
اندازه: ۹×۱۵ ـ ۵×۲۱ س ۱۰

[۲۰۵۲] **لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار** (عربی)

از قطب رازی که در ص ۲۵ و ۲۳۳۶ (ش ۱۱۹۸) همین فهرست آن را شناخته ایم در متن و شرح از سخنان صاحب الکشف (خونجی) و امام رازی و کشی بارها آمده و خرده گیری شده است. این کشی جز آن دانشمندی استکه قزوینی در مجلهٔ یادگار و حاشیهٔ شدالازار سرگذشت او را آورده است (و ساجهٔ نگارنده بر تبصرهٔ ساوی). گفتههای دیگر متاخران هم در این کتاب هست. رازی در آن از آراء شیخ رئیس در برابر اعتراضات متاخران جانبداری نموده است.

[۲۳۷۳]

۱۲۴۱ نسخ با عنوانهای و نشانه‌های شنگرف از محمد طاهر بن عبدالجبار کازرونی در ۱۱۰۴ و هر صفحه در دو جدول زرین و لاجوردی است سر لوحی آراسته بگل و بوته در زمینهٔ زر با رنگهای لاجوردی و شنگرف و سبز در صفحهٔ یکم دیده می شود.

(۲۴۱ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زر کوب طولانی در درون سرخ
اندازه: ۸×۱۶ ـ ۱۲×۲۴ س ۲۳



گ ۲ پ ش ۱۲۴۱ آغاز لوامع الاسرار



گ ۲۴۰ ر ش ۱۲۴۱ پایان لوامع الاسرار

[۲۰۵۳] **مجمع الفائدة** (عربی)

شرح اردبیلی است بر ارشاد حلی که در ص ۲۰۰۰ همین فهرست شناخته‌ایم.

[۲۳۷٤]

۱۲۸۳ این نسخه از آغاز است تا پایان صلوة (جزء یکم) بنسخ است با عنوانهای شنگرف که محمد رفیع بن صفات‌الله نائینی در روز پنجشنبه ٦ ع ۱۱۰۵/۱ آنرا نوشته است و پاره از جاها حواشی دارد. نسخه از آن «عالی حضرت میرزائی صاحبی مدظله» و محمد مهدی بن محمد حسین حسینی و سپس برادرش عبدالباقی محمد بن زمان که نامش پاکشده بوده است و مهر هر سه دیده میشود.

(۲۹۱ ص) ــ کاغذ سپاهانی ــ تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه: ۱۳ × ۱۹ ــ ۸ × ۱۸، ۳۵ س ۲۱

[۲۳۷٥]

۱۲۸٤ این نسخه از متاجر است تا دیات بنسخ پاکیزه است با عنوانهای شنگرف که بهاءالدین محمد بن الحسن سپاهانی آنرا برای خود نویسانده است و خط خود او در صفحهٔ عنوان دیده و نیز اجازه دیده میشود. نسخه از آن همان محمد مهدی و برادرش بوده است (با مهر عبدالباقی حسینی) و از آن محمد بن زمان.

(۸۳٦ ص) کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه: ۹ × ۱۱ ــ ۹ × ۱۸، ۲٤ س ۲۰

[۲۰۵٤] **محصل الهیئة** (عربی)

از ملا محمد مهدی نراقی است و پسر او ملا احمد «شرح محصل الهیئة» نوشته است (مرآة القاسان ص ۲۰۲)

آغاز: بسمله. وبه ثقتی بعد الحمد لواهب العلم والعقل ... یقول الاحقر مهدی ابن ابی‌ذر هذا ما اردت من محصل مسائل الهیئة علی اخصر تقریر واحسن تحریر ... مرتبا علی ابواب ذوات فصول.

انجام: من تسمیتها بالقرینة الاصطلاحیة وقیدناها بها.

[۲۳۷٦]

۱۲٤٥ شمارهٔ دوم دفتر گ ٦۰ پ ــ ۱٤۳ ر (بنگرید به ۱۲٤٥/۱۹: اللمعة)

[۲۰۵۵] **محصول** (عربی)

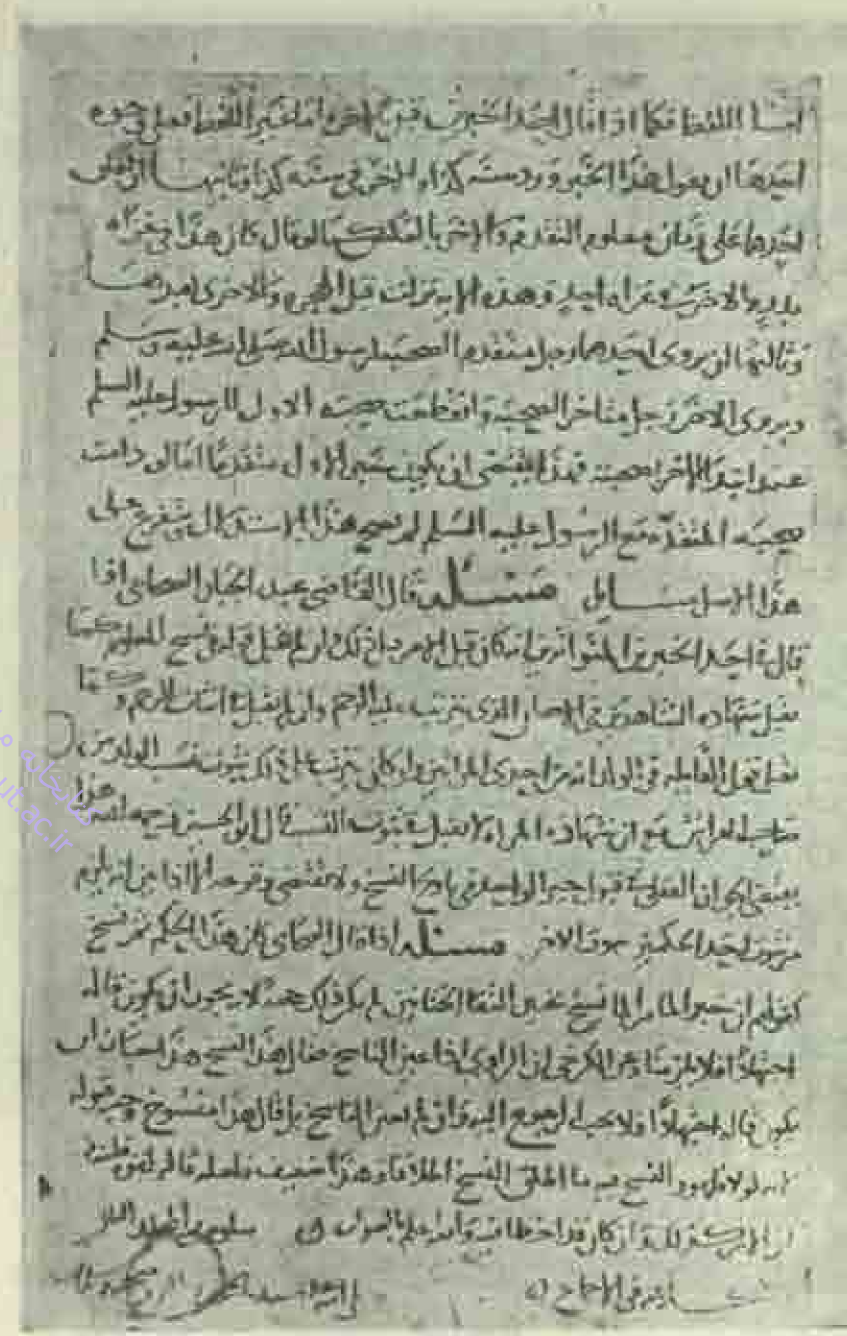
امام رازی نویسندهٔ این کتاب است و آنرا در ص ۱۷۰۳ همین فهرست شناخته‌ایم



بسم الله الرحمن الرحيم

الفصل الاول

گ ۱ پ ش ۱۲٤۰ آغاز محصول رازی



گ ۱۹٦ ر تن ۱۲٤۰ پایان مجلد نخستین محصول رازی

ونسخه‌ای از آن در طوس هست. (۲:۱۰:۲) نسخه‌ای دیگر از همین نیمهٔ نخستین درست مانند نسخهٔ ما در کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق هست (تن ۱٤ ب) ونسخه‌ای هم در همین کتابخانهٔ ما بشمارهٔ ۱۹۰۸ هست و کامل است.

[۲۳۷۷]

۱۲٤۰ نسخ کهن وعنوانها درشت‌تر و یکجا حاشیهٔ منوارد و نیز حاشیه‌های دیگر، پاره‌ای از عبارتها در اثر موریانه خوردگی از میان رفته است.

(۱۹٦ گ) ــ کاغذ سمرقندی موریانه‌خورده ــ جلد تیماج سیز عربی مقوائی فرسوده
اندازه: ۱۳٤×۱۹ ــ ۱۹×۳۳ س ۲۱

[۲۰۵٦] **مختلف الشیعة** (عربی)

از علامهٔ حلی است ودر ص ۲۰۰۵ آنرا شناخته‌ایم

[۳۲۷۸]

۱۲۵۵ این نسخه طهارة و صلوة را دارد و بخط نسخ وعنوانها درشت‌تر و بیشتر جاها بشنگرف و میر محمد سلطان بن معصوم حسینی در پایان شعبان ۱۰٦۷ در طوس نوشتن آنرا بانجام رسانده حواشی دارد بسیح ریز با نشانه‌های «ن» (گویا از خود نویسنده) «ص، ق» در برخی جاها «بلغ مقابلة» دارد و تاریخ آغاز مقابله در روز سه‌شنبه یکم شوال ۱۰۷۳ می‌باشد در صفحهٔ عنوان دارد: «محمود بن محمد الخیاط حلی و کان من تلامذة شیخ ابوالقسم بن شرایع».

(۳۵۲ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه: ۱۲×۱۷ ــ ۱۹×۳۳ س ۳۳

[۲۰۵۷] **مرآة الانوار ومشكوة الاسرار** (عربی)

تفسیری است از ابوالحسن شریف عاملی نباطی فتونی (م ۱۱۳۸) که دو جلد آنرا توانست بنویسد یکی در مقدمات تفسیر و نزدیک به بیست هزار بیت بروش اخباریان شیعی و روش تاویل باطنی آنها که دارای فرهنگی است از لغات قرآن و معانی باطنی آنها درست مانند تاویل باطنیان اسماعیلی و گویا روی همین اصل است که زرقانی در مناهل العرفان ص ٥٤٥ از این تفسیر ببدی یاد کرده و پنداشته که همهٔ تفاسیر شیعی چنین است این جلد روش اخیر دانشمندان شیعی را بخوبی نشان میدهد و پر است از اخباری که از پیشینیان روایت شده است. جلد دوم آن تا نیمی از سورهٔ بقره است که در نسخهٔ ما نیست جلد یکم این تفسیر یکبار در تهران بسال ۱۲۹۵ بنام مقدمهٔ تفسیر برهان بچاپ رسید

ودرصفحهٔ عنوان آن ازعبداللطیف کازرونی وابسته شد. نوری در مستدرک (۳ : ۳۸۵) از این کار خطای ناشر خرده گرفت. همین جلد دومین بار بازور تهران بسال ۱۳۷۵ باو دیباچه‌ای درسر گذشت قزوینی بچاپ رسید و کتاب هم بخود او نسبت داده شده است. (فیض قدسی نوری ـ روضات ص ۶۳۰ ـ ودیباچهٔ همین تفسیر درچاپ دوم)

[۲۳۷۹]

۱۲۶۷ بخط نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که محمد شفیع بن محمود در پسین روز پنجشنبه ۱۲ ج ۱۳۰۰/۲ آنرا نوشته است.

(۳۰۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ۱۱×۲۱ ـ ۱۹×۳۲ ـ ص ۲۴

[۲۰۵۸] **مسکّن الفؤاد** (عربی)

همانستکه ورص ۶۷۹ ف شناخته‌ایم واز شهید ثانی میباشد.

[۲۳۸۰]

۱۳۰۱ شمارهٔ دوم دفتر است گ ۳۳ پ ـ ٦٤ پ (بنگرید به ۱۳۰۱/۱۹)

[۲۰۵۹] **المشکوة الغرویة فی شرح اللمعة الغرویة** (عربی)

این بخش از این گزارش که میبینیم در ٦ ج ۱۲٤۱/۸ بانجام رسیده است و ما نسخهٔ ما را نگارندهٔ ذریعه (۲: ۳۵) با اجزاء پراکندهٔ دیگری از این گزارش را دیده است و این گزارش از املا کتاب شیخ محمد جواد بن شیخ تقی بن محمد احمدی کرو حلوائی بیاتی نجفی زندهٔ در ۱۲٦۷ میباشد و نام آن الانوار الغرویة والشریعة النبویة هم هست و پسرش شیخ حسین که آنرا تمام کرد برخی از مجلدات را «مطلع الانوار» و «مطالع الانوار الغریة» نامیده است و خود او تا نکاح را در ده جلد نوشته و آخرین آن تاریخ ۱۷/ج ۱۲٦۷/۱ دارد و او از ۱۲۲٤ تا ۱۲٦۷ بدان میپرداخته است (ریحانة الادب ٤ : ٧٤ ـ اعلام الشیعه جزء ۲ سدهٔ ۱۳ ص ۲۷٦)

آغاز: (الفصل العاشر فی صلوة المسافر وشرطها قصد المسافة ... الف ذراع) اجمع علمائنا علی ان وجوب القصر فی السفر عزیمة کوجوب الاتمام فی الحضر.

انجام : والاقبال فی العداوة ولیکن هذا آخر الجزء الثالث فی الصلوة من المشکوة الغرویة فی شرح اللمعة الدمشقیة وقد وفق الله سبحانه لاتمامه فی الیوم الاول من جمادی الاولی من سنة الواحد والاربعین بعد الالف والمأتین حامداً لله سبحانه و تعالی ومصلیا علی نبیه محمد وآله الطاهرین.

[۲۳۸۱]

۱۳۰۵ بخط نسخ و عنوانهای او له بر خط است.

(۱٤۹ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱۰×۱٦ ـ ۲۵×۲۱ ـ ص ۲٤

[۲۰٦۰] **مشکول** (فارسی)

حاجی بابای قزوینی در روزگار شاه سلطان حسین صفوی به پیروی از کشکول شیخ بهائی مشکول نوشته بفارسی و آن در ۱۳۰۰ بچاپ سنگی رسید. این نسخهٔ ما آن نیست وجُنگی است از مطلبهای پراکنده مانند آنها وبفارسی.

[۲۳۸۲]

۱۲۵۳ بخط نستعلیق و عنوانها شنگرف و در ۲٤ رمضان ۱۳۱۲ نوشته شده است.

(۲۳۹ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۸×۱۵ ـ ۱۱×۱۸ ص ۲۰

[۲۰٦۱] **مصابیح القلوب** (فارسی)

خواجه ابی سعید حسن شیعی سبزواری نگارندهٔ اینکتاب است که در ۵۳ فصل میباشد.

آغاز آنرا ورص ۱۵۳٤ همین فهرست دیده‌ایم.

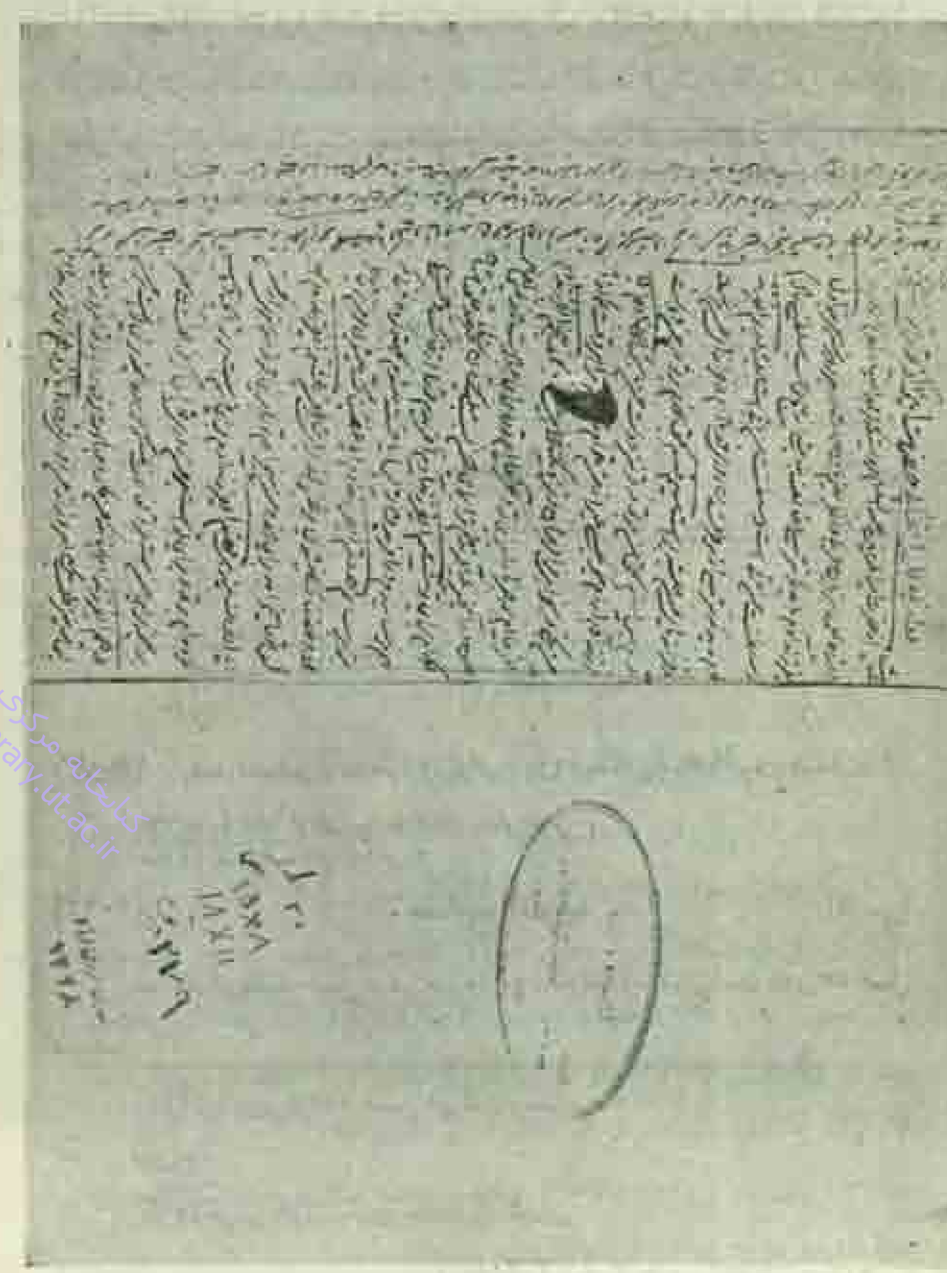
انجام :

گرچه موسی شوق داری یکقدم بر کوه زن

ورچه یوسف حسن داری یک نفس بر چاه زن

ورهمی خواهی که زین چه بر برائی بی رسن

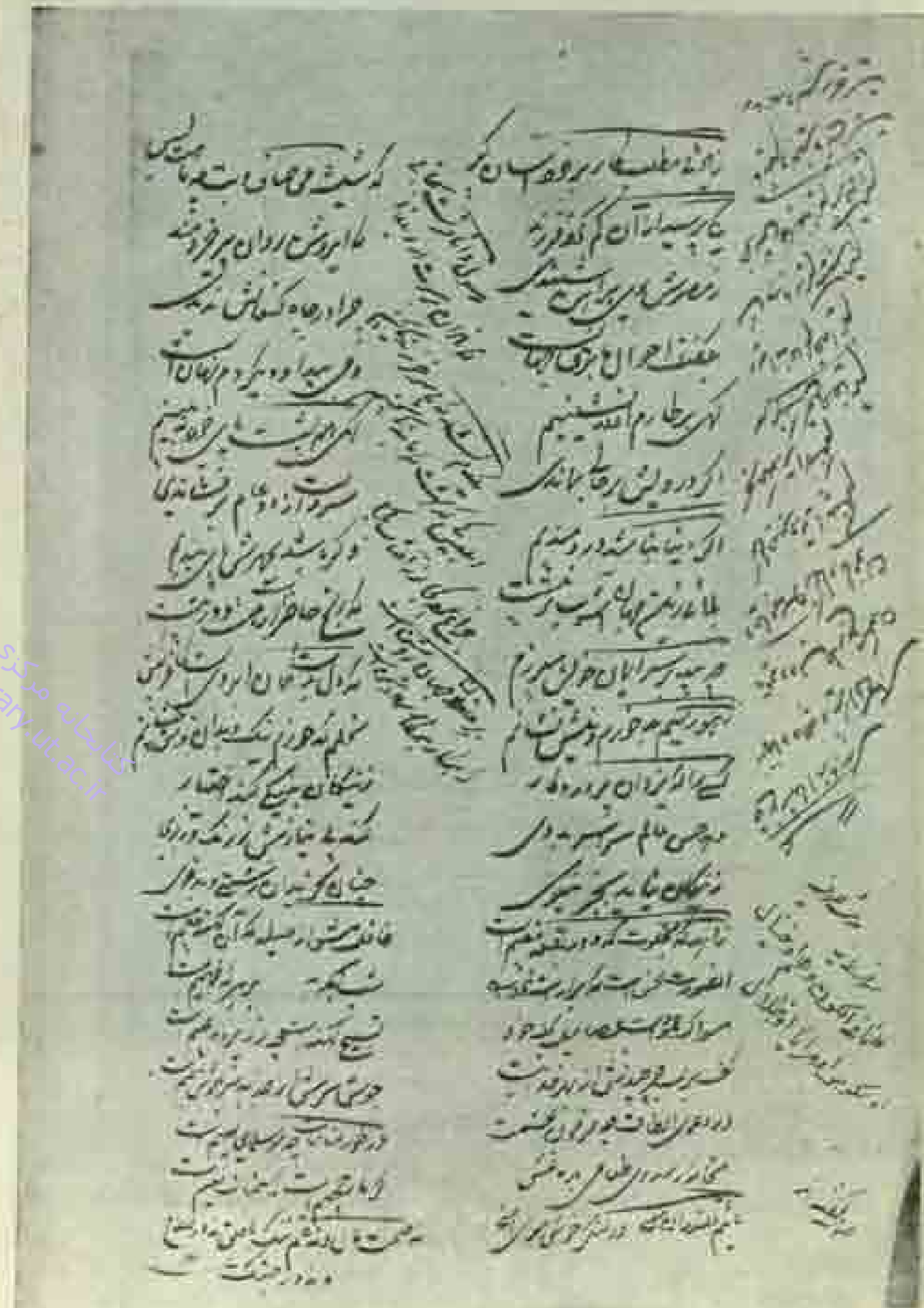
دست بر فتراک سبحان الذی اسری بزن



آغاز مشکول ش ۱۲۵۳



از مشکول ش ۱۲۵۳



مشکول گ ۱۷۷ پ ش ۱۲۵۳



پایان مشکول ش۱۲۵۳

[۲۳۸۳]

۱۲۶۹ بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که علی اکبر بن صفی بدستور اسکندر بیکا در ۲۸ محرم ۱۲۳۴ آنرا نوشته است این نسخه کم ندارد.
(۱۵۶گ) — کاغذ فرنگی — جلد مقوا از کاغذ آراسته
اندازه: ۱۴×۲۲ — ۲۰×۳۰ س ۲۱

[۲۰۶۲] **مصادقة الاخوان** (عربی)

از ابن بابویه قمی است (ص ۱۵۳۵ ق)

[۲۳۸٤]

۱۲۶۲ شمارهٔ یک دفتر است و نسخ با عنوانهای شنگرف گ ۲ پ - ۱۶ پ. مهر «عبده محمد جعفر بن محمد باقر الموسوی» در ۲ ر هست

آغاز: بسمله. باب اصناف الاخوان. حدثنا محمد بن یحیی العطار

انجام: کسب درهم من حلال
(۲۶۰گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه: ۱۱×۱۸ — ٦×۱۱ س ۱۷ و ۱۳

[۲۰۶۳] **مصباح الشریعة** (عربی)

این کتاب که از امام صادق دانسته شده است در ص ٤۹۵ و ۱۵۲۶ آن را شناخته‌ایم.

[۲۳۸۵]

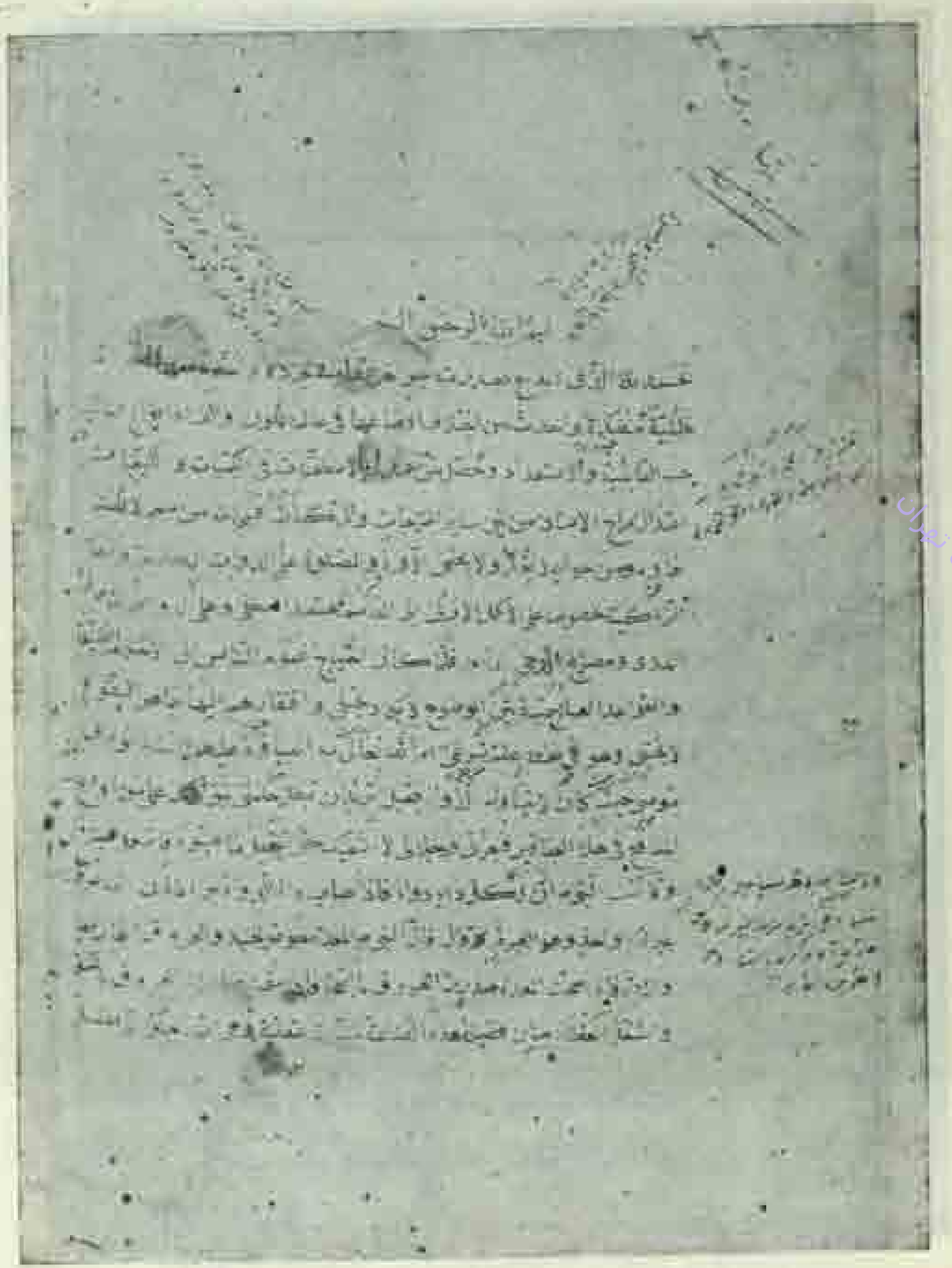
۱۳۱۲ شمارهٔ دوم دفتر است گ ۱۰۵ پ - ۱٤۰ ر (بنگرید به ۱۳۱۲/۱۰)

[۲۰٦٤] **المغنی فی شرح الموجز** (عربی)

از سدید الدین کازرونی است که در ۷۵۰ زنده بوده و شرحی بر کلیات قانون بنام «توضیحات القانون» دارد (فهرست آقای دکتر مهدوی ص ۱۹٤ و فخوانی ص ۲۰۷) این گزارش مانند خود موجز در چهار فن است (فهرست طوس ۲۸۵:۳) این کازرونی گویا همانست که بر پاسخ دعم ابن سینا به بیهقی حاشیه‌ای دارد (ص ۱۷۵ همین فهرست ش ۱۰۳۰/۲) و من آنرا در مجلهٔ دانش سال سوم تاریخ ۱۳۳۲ چاپ رسانده‌ام.

[۲۳۸٦]

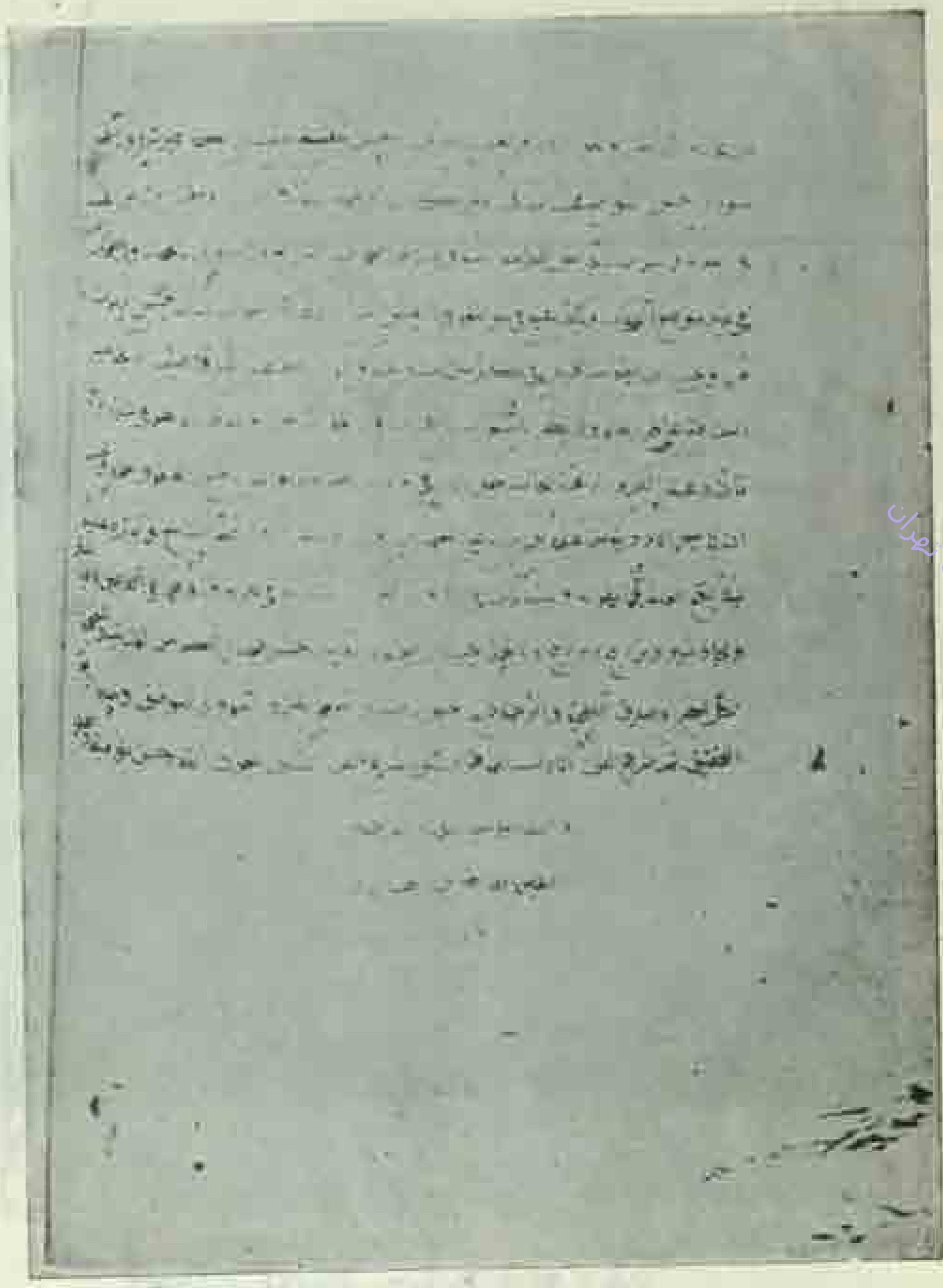
۱۲۸۵ بخط نسخ است با عنوانهای شنگرف و در روز چهارشنبه پایان ع ۱ (نور) ۹۸۷ نوشته شده است.
(۲۵۹گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سبز ضربی مقوائی
اندازه: ۱۱×۱٦ — ۱۸×۲۵ س ۲۰


بسم الله الرحمن الرحیم

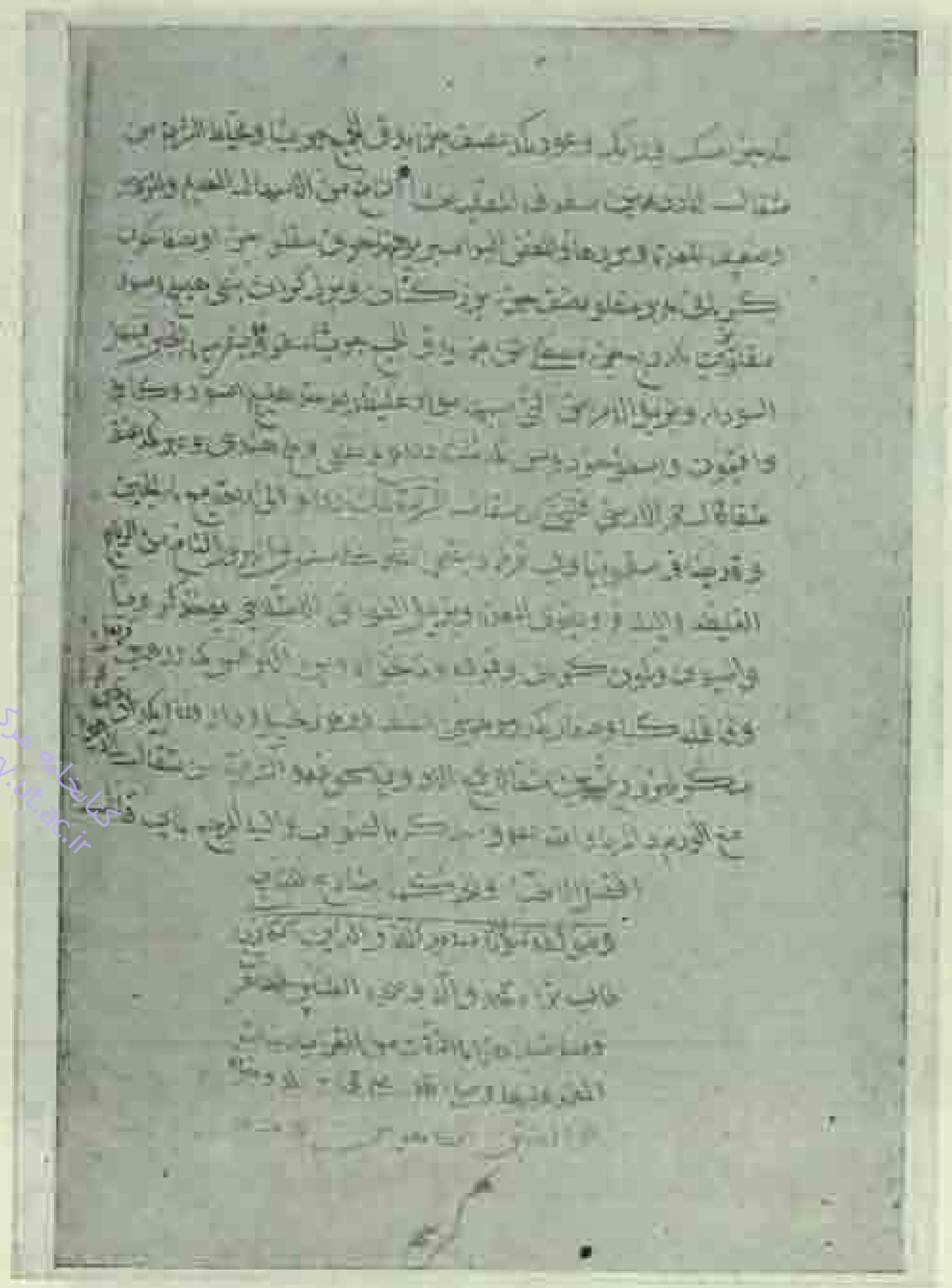
آغاز المغنی ش ۱۲۸۵



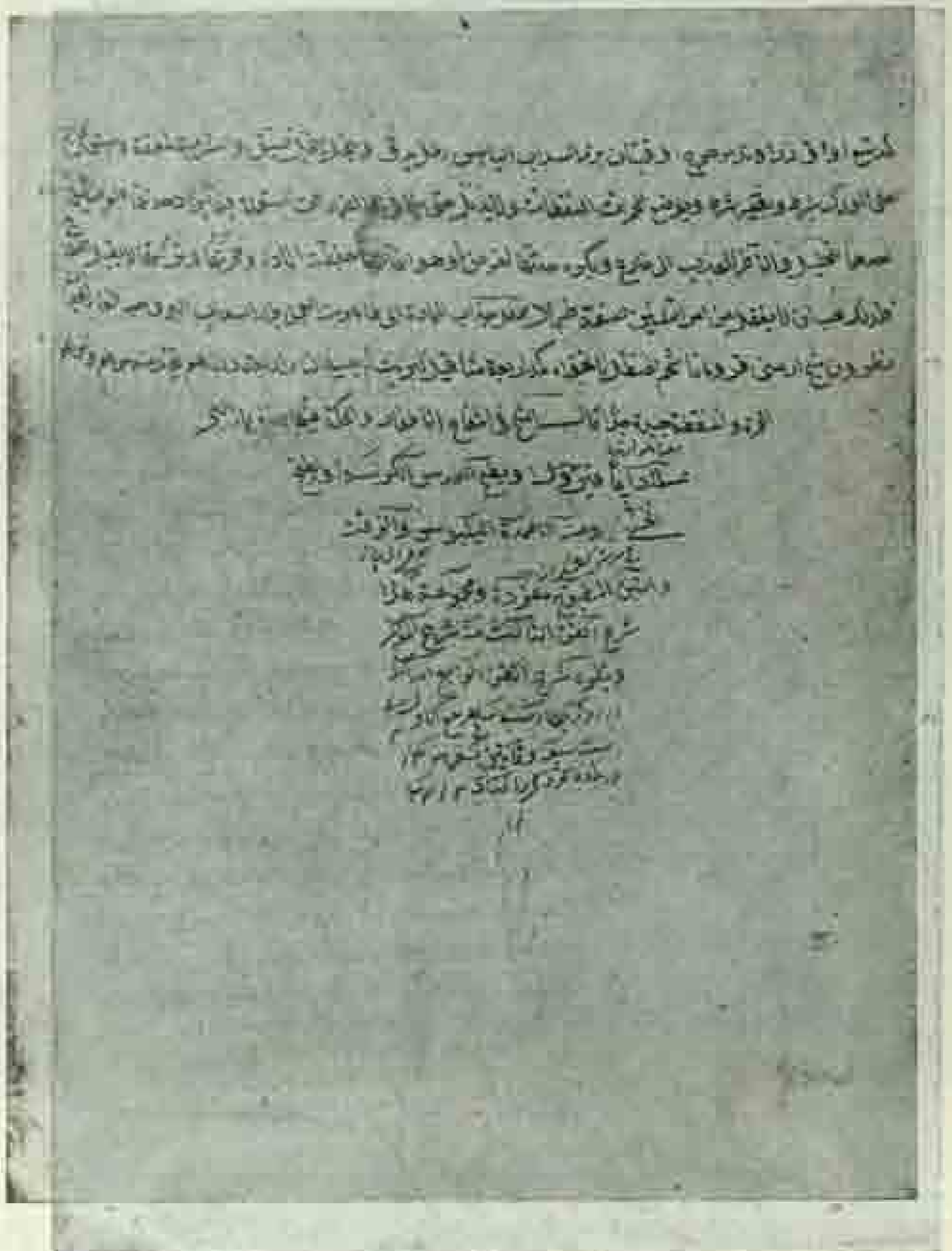
المغني گ ٤٢ پ ش ١٢٨٥



المغني گ ٨٧ پ ش ١٢٨٥



المغنی گ ۱۷۸ پ ش ۱۲۸۵



پایان فن ۱۳ المغنی گ ۳۰۴ پ ش ۱۲۸۵



پایان الغنی ش ۱۲۸۵

[۲۰۶۵] **مفاتیح الغیب** (عربی)

از صدرای شیرازی است و با شرح اصول کافی او باندازهٔ رحلی بی تاریخ در تهران چاپ رسید. (طوس ۲۵۰:٤)

[۲۳۸۷]

۱۳۰۲ بخط نسخ است با عنوانهای شنگرف و محمد باقر بن احمد در روز شنبه ۳ شوال ۱۲۰۳ نوشتن آنرا بانجام رساند. حواشی دارد بخط نستعلیق ریز با نشانهٔ «نوری» و «ی» و «س»

(۲۴۷ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ متوالی
اندازه: ۸×۱۴٫۵ ـ ۱۴×۲۰٫۵ ـ ۳۲

[۲۰۶۶] **مکارم الاخلاق** (عربی)

مکارم الاخلاق از ابی نصر حسن طبرسی است (کنتوری ص ۵٤۸ ـ طوس ۳٤٤:۲) و با اخلاق مشکویهٔ رازی درمصر چاپ رسید.

[۲۳۸۸]

۱۳۰۱ شمارهٔ ششم دفتر است گ ۷۵پ ـ ۸۹پ (بنگرید به ۱۳۰۱/۱۰)

[۲۰۶۷] **المناهج السویة** (عربی)

از فاضل هندیست که نسخهٔ دیگر آنرا در ص ۲۰۶۸ ف شناخته‌ایم

[۲۳۸۹]

۱۲۸۶ بخط نسخ و عنوانها بشنگرف و حسین بن محمد طاهر در ربیع دوم سال ۱۲۳۶ آنرا نوشته است.

(۲۱۳ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی متوالی
اندازه: ۱۱×۱۹ ـ ۱۸×۲۷ ـ ۳۴ س

[۲۰۶۸] **منهاج الکرامه** (عربی)

همانستکه در ص ۶۳۱ همین فهرست شناخته‌ایم و از علامهٔ حلی است (۲پ ـ ۳٤الف)

[۲۳۹۰]

۱۳۰۱ شماره یک دفتر (۲پ ـ ۳٤ر) است و بنسخ است و پاره‌ای از جاها بخط نستعلیق میباشد و دارای ۸ رساله نخستین نوشتهٔ نبهٔ روز ۱۰ ع ۱۱۰۱/۲

درمکه بدست صالح بن سلیمان عاملی دومی نوشته هم درمکه روز پنجشنبه ۱۹ ع ۱۱۰۵/۲ وسومی نوشته هم درمکه وچهارمی بخط هم وپنجمی هم بخط هم درمکه وششمی نیز نوشته او درمکه دوروز پنجشنبه ۳ ج ۱۱۰۵/۱ وهفتمین نیز نوشته هم واست وهشتمی نیز نوشته او است درطائف دردی قعده ۱۱۰۵ که می نویسد از روی نسخه نادرستی اینرا نوشتم.

پاره‌ای از برگها درمیان این رساله‌ها واز گ ۳۳پ تا ۱۷۶ پراکنده‌ها ایست از اخبار و کلام تفسیر وفقه وادب وقصیده‌ای از سید مرتضی (۱۴۳ و) در ۹۹ ر دارد: انتقل الی ورائه من والدی قدس الله نفسه الزکیة وانا العبد سلیمان بن صالح العاملی «انه من سلیمان» (مهر) چندخط ومهر مالکان در ۳۶ ر هم دیده میشود.

(۱۷۶ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی طرالی درونی حالی

اندازه: ۱۱ × ۱۶ ـ ۱۴ × ۱۹ س ۲۳

[۲۰۶۹] **منهاج الولاة فی اسرار الصلوة** (عربی)

آقا محمد حسین بن آقا باقر بروجردی (ذریعه ۲: ۴۷ ـ اعلام الشیعه ۲: ۳۸۰) ایـن کتابرا درلیمهٔ روز سه‌شنبه ۲۹ رمضان ۱۲۶۴ بانجام رساند. عنوانهای آن فتوح است وعبارات وشعرهای فارسی در آن آمده است وبروش عرفانی شیعی است.

آغاز: الحمدلله الذی اسری بنا الی معراج الوصال وانعم علینا بمحامد الخصال ... اما بعد فیقول.. محمد حسین بن آقا باقر.. هذه صحیفة من صحف الاسرار الالهیة ودفتر من دفاتر المعارف الغیر المتناهیة اصول اصول الدین و کشف اسرار الوصول والیقین... سمیتها بمنهاج الولاة فی اسرار الصلوة.

انجام: حدیث یزن امان بشنوآنی. وقع الفراغ من تسمیته عندالزوال من یوم الثلثا فی التاسع والعشرین من شهر الرمضان من شهور اربع وستین ومائتین بعدالالف من الهجرة النبویة علیه وآله الف وثناء وتحیة سنة ۱۲۶۴

[۲۳۹۱]

۱۳۰۶ بخط نستعلیق است ودرهامش پایان دارد: «قدقوبل من اول الی کوع الی هنا مع مسودته فی یوم ... » کلمهٔ آخر پاک شده است گویا نسخه اصل باشد حاشیه‌ای با نشانه «منه» در پایان دارد.

(۷۲ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی طوالی

اندازه: ۸ × ۱۵ ـ ۱۳ × ۲۱ س ۱۷

[۲۰۷۰] **موائد الفوائد وفرائد العوائد** (عربی وفارسی)

نسخه‌ما جلد دوم موائد الفوائد وفرائد العوائد است که محسن بن علی یزدی حائری درسر گذشت امام سوم نوشته است واز کتابهای سوگواری است.

آغاز: بسمله وبه نستعین انه خیر معین. الحمدلله الذی جعلنا من الشاکرین لانعمه والمستطعمین بموائده

انجام نسخه: ومن عصاهم فقد عصی الله والله العالم

[۲۳۹۲]

۱۳۰۹ بخط نستعلیق است وشاید نسخهٔ اصل باشد

(۱۶۴ ص) ـ کاغذ ـ جلد تیماج سرخ

اندازه: ۹ × ۱۴ ـ ۱۴ × ۲۰ س ۱۶

[۲۰۷۱] **نخبة البیان** (فارسی)

رساله‌ایست بفارسی از حاج ملا محمد مهدی نراقی (م ۱۲۰۹) در یک مقدمه وچهار فصل وخاتمه در بارهٔ تشبیه ومجاز مرسل و کنایه واستعاره وپاره‌ای از محسنات بدیع وآنرا بدرخواست شاگردان تفسیر قرآن خود نوشته است و آن در تهران در ۱۳۳۵ خ در ۲۷ ص وزیری با دیباچه ای درسرگذشت نراقی بچاپ رسید.

[۲۳۹۳]

۸۹۲ این نسخه شمارهٔ سوم دفتر است بخط نستعلیق تاریخ ع ۱۲۲۹/۱ گ ۴۰ پ ـ ۶۹ پ (ص ۲۰ و ۹۵۲ ف)

اندازه: ۹ × ۱۴ ـ ۱۴ × ۲۱ س ۱۵

[۲۰۷۲] **الندیم والسمیر** (عربی)

دربارهٔ می وخنیا گری و گردشگاهها وپرندگان است بنظم ونثر از آقای عبدالعزیز جواهر کلام که باعتضاد الدوله وزیر فرهنگ ایران ارمغان داده است.

آغاز: بسمله و الصلوة علی نبینا خاتم الانبیاء ... الباب الاول من الکتاب فی الخمرة والمشروبات الروحیة.

انجام: ویدی الندکسف ... فی ید الجودا مذهب

تم الکتاب بعونه تعالی.

[۲۳۹٤]

۱۲۸۱ بخط نسخ خود مؤلف است در ۱۳۳۰ و فهرست آن در آغاز هست

(گ ۱۳۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوای آراسته
اندازه ۱۰×۱۷ ـ ۱۷×۲۵٫۵ س ۱۸

[۲۰۷۳] نظم اللئالی در شرح نثر اللئالی (فارسی)

از صدر که در روز ۱۵ محرم ۸٦۷ آن را بنظم در آورده است در فهرست آقای منزوی (۱۳۷۰:۲) از این یاد نگشت.

ناظم پس از ستایش و درود از خود بدینگونه نام میبرد:

صدر از این هر دو تا نداری دست ... زان گزین هر دو هر چه خواهی هست

آنگاه از شاهی میستاید و از شهر بغداد بشکل یاد میکند سپس مینویسد که مرخواب این نظم بمن الهام شده است و میگوید:

شرح نثر اللئالی عربی ... هست نظم اللئالی ذهبی

شرح از بند «ایمان المرء یعرف بایمانه» آغاز و به بند «صیر امر الصدور الی مراده» پایان مییابد.

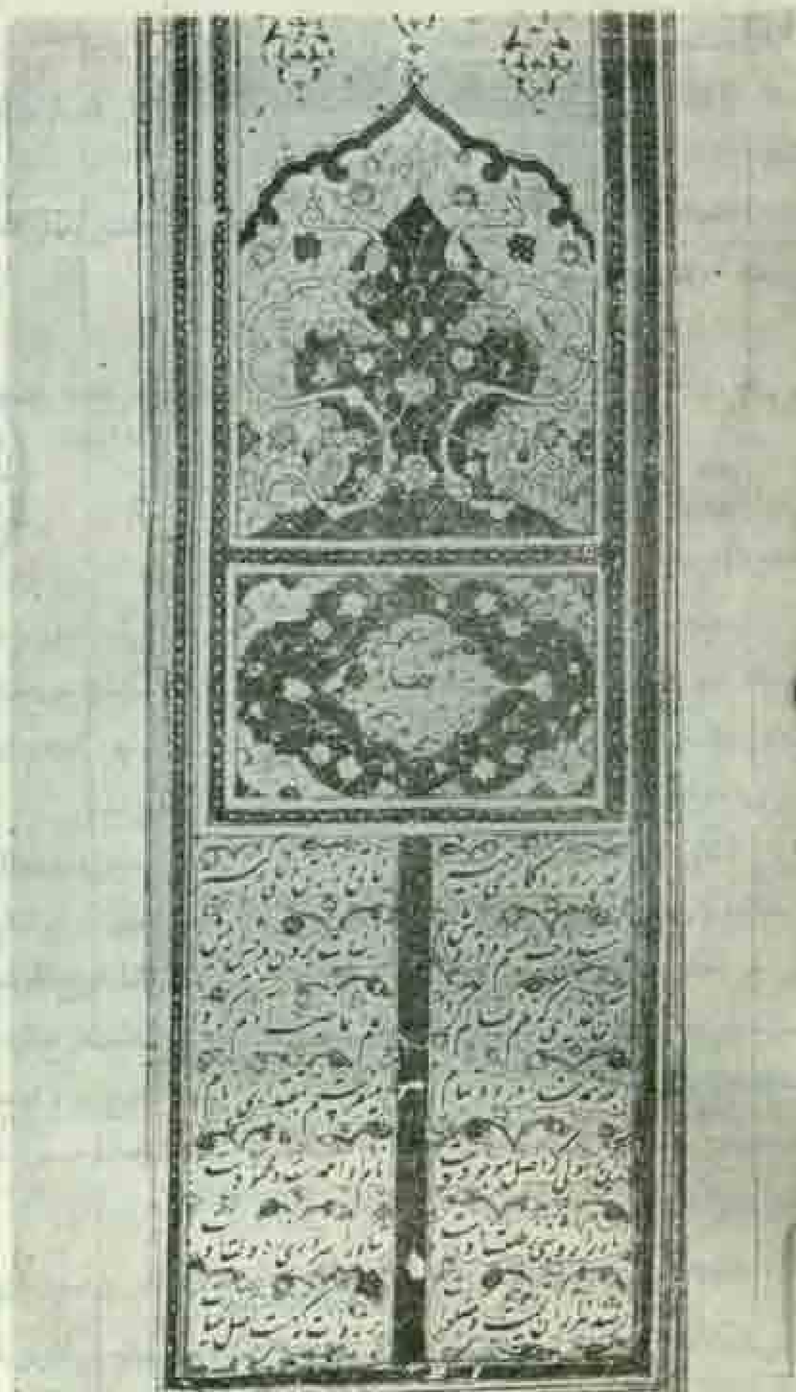
[۲۳۹٥]

۱۲٦۳ بخط نستعلیق شاه محمد کاتب و هر صفحه در جدول زر و لاجورد و در آغاز سر لوحی دارد در زمینهٔ زر و لاجورد آراسته بگل و بوته شنگرف. عربیها بخط درشت تر بست بزر یا شنگرف

(۳۲ گ) ـ کاغذ سپاهانی سرخ فام شیر و خانیه ـ جلد تیماج سرخ زر کوب مقوائی
اندازه ٥×۱۰ ـ ۱۲×۱۹ س ۹

[۲۰۷٤] نور الانوار فی شرح کلام خیر الاخیار (عربی)

سید نعمة الله جزائری (م ۱۱۳۰) پس از شرح مبسوطی که در جوانی بر صحیفه نوشته بود باین گزارش کوتاه آن بپرداخت و در شوشتر در پسین روز شنبه ۹ ج ۱۱۰۲/۸ آن را



آغاز نظم اللئالی ش ۱۲٦۳



انجام نظم اللئالی ش۱۲۶۳

بپایان رسانده. این شرح در ۱۳۱٦-۷ در تهران بچاپ رسید (منزوی ۱:۹٦)

آغاز: بسمله و به نقتی الحمدلله الذی اطلع ابناء التراب علی اسرار ملکوته الخفیة.

انجام: فی دارنا القریبة من الجامع الاعظم و الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرین.

[۲۳۹٦]

۱۳۰۰ نسخ است ومتن دیر خط سرخ و عنوانها شنگرف و هر صفحه دو جدول شنگرف ولاجورد میباشد ودر ۲۳ شوال ۱۱۳۸ نوشته شده است.

(۲۲۴ گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ضربی متوالی

اندازه: ۱۴×۲۲ — ۸×۱٦ س ۲۰

[۲۰۷۵] **قرة العین بین المخالفین** (عربی)

محمد نصیر بن محمد معصوم چون از فلسفه مأیوس شده بود در اینکتاب باخبار متمسك شده پاره‌ای از اخبار شیعی را باعنوانها (مرآة) آورده است و بگمان خود مسائل کلامی وفلسفی را با آنها حل نموده است. در آن از قوشجی بسیار بد گفته و او را «عمری» خوانده است واز «صافی» هم یاد نموده. عبارات تا اندازه مسجع است.

آغاز: بسمله. الحمدلله مثمر حدیقة الامکان بفیض الوجود ومنشیء روضة العلم به بحاجة ما بقائه مفقود ... فیقول ... ابن محمد معصوم الامیر محمد نصیر ... انی لما بلغ سنی بقرب عشرین اشتقت الی تحصیل البصیرة فی الدین فطالعت کتبا فاذا شرح القوشجی مضل مبین ورایت الشفاء مرضا ولم احد فی الاشارات الی الحق سبیلا وعلمت شرح الهدایة رایة الضلالة ورایت حکمة الاشراق مادة البطالة ... فیئست من الجمیع ... و توسلت بالمعصومین ... فوجب علی شکر ملك النعمة ... فان وفقت کتب مما عطت مسمی بقرة العین بین المخالفین.

انجام: مرآة وعن خالد ... قلت لابی الحسن الرضا ع ان الناس یزعمون ان فی الارض ابدالا فمن هؤلاء الابدال قال صدقوا الابدال هم الاوصیاء جعلهم الله فی الارض بدل الانبیا اذ رفع الانبیاء وختمهم بمحمد صلی الله علیه وآله وسلم (تم الخبر هذا الکتاب)

[۲۳۹۷]

۱۲۹۱ نسخ است باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وحاشیه‌هائی بخط نستعلیق دارد درتوی جلد کسی نوشته که نام درست کتاب «نورالمبین» است نه «نورالیقین»

(۱۶۵ گ) ـ کاغذ سپاهانی مهره نزده ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه: ۷×۱۵ ـ ۱۴×۲۳ س ۱۸

[۲۰۷٦] النهایة فی غریب الحدیث والاثر (عربی)

ابن اثیر جزری مجدالدین ابوالسعادات مبارك شیبانی (۵٤٤ ـ ٦۰٦) این فرهنگ را نوشته‌است وآن در ۱۳۱۱ درمصر با درشر سیوطی که گزیدهٔ آنست بچاپ رسید.

[۲۳۹۸]

۱۲٦۸ خط نسخ درجدول شنگرف و لاجورد و با عنوانهای شنگرف درمتن و هامش وتاریخ روز پنجشنبه ۱۰ رجب ٦۵۵ که درپایان آمده ساختگی است ونسخه باید درسدهٔ ۱۱ نوشته شده باشد.

(۵۴۹ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی فرسوده

اندازه: ۱۲×۲۲ ـ ۱۸×۳۱ س ۲۵

[۲۰۷۷] الوافیة فی شرح الکافیه (عربی)

دومین ومیانین گزارشی است که رکن‌الدین ابوالفضائل ابومحمد حسن بن‌محمد بن‌شرفشاه علوی حسینی استرابادی (م ۱٤ صفر ۷۱۷) شاگرد خواجهٔ طوسی بر کافیهٔ ابن‌حاجب نوشته وبنام ناصرالدوله یحیی ختنی ساخته است (ماوس ۳: ۲۲ ـ منزوی ٤۶۲:۲ ـ مدرسی ۱٤۲ ـ مدرسی ۲٤)

[۲۳۹۹]

۱۲۹۵ بخط نسخ است وعنوانهای «قوله» شنگرف وحاشیه‌ها بخط نستعلیق میباشد صفحهٔ آخر نونویس است.

(۲۲۱ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه: ۹×۱۵ ـ ۱۴×۲۱ س ۱۷

[۲۰۷۸] هدایة الشهادة (عربی)

ملامحمد بن‌سلیمان تنکابنی این تفسیر را بر آیهٔ شهادت بروش فلسفی نوشته‌است، درقصص او تألیف ۱۷ رجب ۱۲۹۰ از وی یاد گشت.

آغاز: بسمله. یامن ارتفت برداء الفردانیة وآتزر بازار الوحدانیة وتسرول بسروال الکبریاء والسبحانیة ... عب ذاقالعبد... محمدبن‌سلیمان التنکابنی انه التمس منی بعض الاخلة الاجلة عن تفسیر آیة عویصة... وسمیته بهدایة الشهادة فنقول قال‌الله شهدالله انه لااله الاهو والملائکة واولوا العلم.

انجام: وعن نهج عرفانهم وهذا آخر الکلام فی تفسیر آیة الشهادة وقدتم علی‌ید مؤلفه الخاطی محمدبن‌سلیمان التنکابنی فی سنة ۱۲۹۰ والحمدلله اولا وآخرا

[۲٤۰۰]

۱۲٤۸ شماره دوم دفتر گ ۱۸۲ پ ـ ۱۸٤ ر

[۲۰۷۹] هدایة المشید وتاج المتهجد (عربی)

شیخ حسن بن‌محمد وراینکتاب از اعمال ومناسك ماه رمضان در دوقسم گفتگو نمود. نام کتاب دردیباچه آمده‌است.

آغاز: بسمله وبه نستعین وهو الموفق والمعین. الحمدلله ولی الحمد واهله ومنتهی الحمد ومحله المتوحد بالکبریاء والمتفرد بالآلاء البدیء البدیع.

انجام: ختام فیه الاتمام یتضمن مسائل ... وبدل علی اکثر هذه مارواه (ناتمام است)

[۲٤۰۱]

۱۳۰۸ نسخ است باعنوانهای درشت‌تر وبانشانه‌های شنگرف

(۱۳۷ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ

اندازه: ۸×۱٤ ـ ۱۴×۲۰ س ۲۳

[۲۰۸۰] یزدان‌شناخت (فارسی)

این کتاب را درص ۱٦۰ همین فهرست شناخته‌ایم ودراین نسخه‌ها از باباافضل کاشانی دانسته شده‌است.

عنوان: رسالهٔ یزدان شناخت از تصنیف ملك الحکما والفضلا الشیخ افضل الدین الکاشی قدس‌الله‌روحه (۱٤٤ ر)

آغاز: بسمله. چون ایزد سبحانه وتعالی از جناب قدس ازلی وپردهٔ غیب قدم تندهای را از بندگان خویش بر گزیند ... آینهٔ حقیقت برابر روی او دارد ... پس چون مرا از اشخص این حال معلوم گشت ... خواستم تقربی تمام بحضرت او وتحفهٔ بزم بمجلس او وحقی واجب گردانم ... این رساله پارسی ساختم ونام این رساله ایزدان شناخت نهادم (۱۴۴ پ)

انجام: واین اشاعت واذاعت درمیان حکما محظور است خصوصا بر نامستعدان و نااهلان وشریران وماذلك على الله بعزیز (۱۵۵ ر)

[۲۴۰۲]

۱۲۳۷ شمارهٔ دوم دفتر وبهمان خط شمارهٔ پیشین همین دفتر ۱۴۴ ر - ۱۵۵ ر

[۲۰۸۱] ینابیع الحکمة (عربی)

محمدباقر بن مرتضی یزدی طباطبائی مشاعر صدرای شیرازی را بدین نام شرح کرده

آغاز: بسمله. نحمدك یامن تحیر فی ادراك ذاته الاوهام والعقول و تحیر من ارتقاء درج معرفته فی زوایا الخمول النحول ... فیقول ... ابن مرتضی الطباطبائی محمد باقر الیزدی انی ... اخذت فی قرائة کتاب المشاعر للمولی ... صدرالملة والحق والدین مولانا محمد (بن ابراهیم) الشیرازی ... فاحببت ان اعلق علیه ... واشرحه ... وسمیته بینابیع الحکمة.

انجام: (تنزیل من رب العالمین فتنزیله هو الکتاب) وفی غیر هذا الکتاب من کتبه ... والالکان ذاحاجة لتوقفهما علی آلتیها ضرورة (درمشعر ۴ منهج ۲ در کلام خدا ونیمه کاره گذارده شده)

[۲۴۰۳]

۱۲۹۸ نسخ ومتن وبرخط سرخ میباشد. حاشیهٔ «منه» دارد - ۲۳ برگ سفید است

(۱۵۵ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه: ۷×۱۴ - قطع ۱۴×۲۱ - س ۱۵

فهرست نام کتابها

فهرست نام مؤلفان

فهرست شماره‌های نسخه‌ها

شماره	کتاب	شماره	کتاب
٨٩٦/٣	تحفة البیان	١٢٥٢	صحاح
٩٨٢	خلاصة الاقوال	١٢٥٣	مشکول
١٢٣٦	ارشاد الطالبین	١٢٥٤	اساس الاقتباس
١٢٣٧/١	تمهیدات	١٢٥٥	مختلف الشیعه
١٢٣٧/٢	یزدان شناخت	١٢٥٦	کامل الصناعة
١٢٣٧/٣	شرح مقامات العارفین	١٢٥٧	جنگ
١٢٣٨	جنگ	١٢٥٨	عوالم العلوم
١٢٣٩	تقویم الصحة	١٢٥٩	عوالم العلوم
١٢٤٠	محصول	١٢٦٠	تحصیل الایقان
١٢٤١	لوامع الاسرار	١٢٦١	ابواب الجنان
١٢٤٢/١	شرح الالفیة	١٢٦٢/١	مصادقة الاخوان
١٢٤٢/٢	رسالۀ فقهی	١٢٦٢/٢	جمل الاعراب
١٢٤٣	اخلاق ناصری	١٢٦٣	نظم اللئالی
١٢٤٤	الانوار الخاقانیة	١٢٦٤	خسرو شیرین
١٢٤٥/١	اللمعة	١٢٦٥	شرح مواقف
١٢٤٥/٢	مجمل الهیئة	١٢٦٦	رساله‌های خاتون آبادی
١٢٤٦/١	تحریر کتاب المناظر	١٢٦٧	مرآة الانوار
١٢٤٦/٢	تحریر الکرة المتحرکة	١٢٦٨	النهایة فی غریب الحدیث
١٢٤[illegible]/٣	زبدة الهیئة	١٢٦٩	مفاتیح القلوب
١٢٤٦/٤	ارتفاع	١٢٧٠	شرح الزیارة
١٢٤٧	توضیح الحساب	١٢٧١	الشریعة النبویة
١٢٤٨/١	شرح تجرید	١٢٧٢	روض الجنان
١٢٤٨/٢	هدایة الشهادة	١٢٧٣	قواعد الاحکام
١٢٤٩	امالی	١٢٧٤	زبدة الطب
١٢٥٠	حاشیۀ شرح الفیه	١٢٧٥	شافی الاوجاع
١٢٥١	شرح نهج البلاغة	١٢٧٦	کشاف

شماره	کتاب	شماره	کتاب
۱۲۷۷	کشاف	۱۳۰۱/٤	الروضة
۱۲۷۸	رسالةعملی ریاضی	۱۳۰۱/٥	رسالة الرضا الی المأمون
۱۲۷۹	« باتولوژی	۱۳۰۱/٦	مکارم الاخلاق
۱۲۸۰	درر النقاد فی شرح الارشاد	۱۳۰۱/۷	شمائل النبی
۱۲۸۱	التدبیر والسیر	۱۳۰۱/۸	التهاب نیران الاحزان
۲۲۸۲	عجائب المخلوقات	۱۳۰۲	مفاتیح الغیب
۱۲۸۳	مجمع الفائدة والبرهان	۱۳۰۳	الذریعة الی اصول الشیعة
۱۲۸٤	«	۱۳۰٤	دیوان ابی تمام
۱۲۸٥	المغنی فی شرح الموجز	۱۳۰٥	المشکوة القزوینیة
۱۲۸٦	المناهج السویة	۱۳۰٦	منهاج الولاة
۱۲۸۷	کفایة الفقه	۱۳۰۷	الاکمال لمنتهی المقال
۱۲۸۸/۱	ضیاء العین	۱۳۰۸	هدایة المسترشدین
۱۲۸۸/۲	حاشیة شرح حکمة العین	۱۳۰۹	موائد الفوائد وفرائد الفوائد
۱۲۸۹	تحفة السرائر	۱۳۱۰	الشواهد المکیة
۱۲۹۰	شواهد ربوبیه	۱۳۱۱	الخطب
۱۲۹۱	نور العین بین المشاهدین	۱۳۱۲/۱	حدیقة هلالیه
۱۲۹۲	اوائل التحریر	۱۳۱۲/۲	زاد السالکین
۱۲۹۳/۱	اخبار الطبیة	۱۳۱۲/۳	مصباح الشریعة
۱۲۰۳/۲	تفسیر سورة قیس	۱۳۱۳	ترجمة الرسالة الکمالیة
۱۲۹٤	شرح فصوص الحکم	۱۳۱٤	حدوث العالم
۱۲۹٥	الوافیة فی شرح الکافیة	۱۳۱٥	کشاورزی
۱۲۹٦	افضلیة الائمة علی الانبیاء	۱۳۱٦	قرآن
۱۲۹۷	بشری الوصول	۱۳۱۷/۱	ترجمة التنبیهات العلیة
۱۲۹۸	ینابیع الحکمة	۱۳۱۷/۲	خلاصة الترجمان
۱۲۹۹	تکمیل الایمان	۱۳۱۸	جامع مفیدی
۱۳۰۰	نور الانوار	۱۳۱۹/۱	رسالة الحساب
۱۳۰۱/۱	منهاج الکرامة	۱۳۱۹/۲	ترجمه و شرح رسالة جبر و مقابله
۱۳۰۱/۲	مسکنة الفؤاد	۱۳۲۰	کنز العرفان
۱۳۰۱/۳	آداب المتعلمین		

الف

خ

د

ذ

ر

ز

س

ش

ص

ق

ک

گ

ل

م

و

ه

ی

خواهشمند است در صفحات ٢٧٥٣ (س١٩و٢٥) و ٢٧٥٤ (س٤و٨)و٢٧٥٥تا٢٧٥٨ بجای «الملكية» بخوانید «المكية».

الذيل الثانى لفهرست مخطوطات

خزانة السيد المشكوة

المهداة الى مكتبة جامعة تهران

تأليف

محمدتقى دانش‌پژوه

مطبعة جامعة طهران

۱۳۷۷ - ۱۹۵۹

Catalogue
Méthodique, Descriptif et Raisonné
de la
Bibliothèque de l'Université de Téhéran
(Don de M. le Professeur Meshkât)
Supplément II

Par

M.T. Dâneche - Pajouh

Imprimerie de l'Université
1959